

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ شناسی

دوره‌ی پیش‌دانشگاهی

رشته‌ی علوم انسانی

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب : تاریخ‌شناسی - ۳۰۲/۱

مؤلفان : مسعود جوادیان، دکتر محسن جعفری‌مذهب، دکتر عبدالرسول خیراندیش، محسن رستمی گورانی،

سیدحسین رضوی خراسانی، دکتر منصور صفت‌گل، دکتر جواد عباسی و دکتر مهدی فرهانی منفرد

با همکاری حشمت‌الله سلیمی

زیر نظر شورای برنامه‌ریزی گروه تاریخ

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: www.chap.sch.ir

صفحه‌آرا: فائزه محسن‌شیرازی

طراح جلد: طاهره حسن‌زاده

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده‌ی مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۵ - ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۶۸۴

جایخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ شانزدهم ۱۳۹۰

حق چاپ محفوظ است.



دین‌های بزرگ پیامبران سابق و دین بسیار بزرگ اسلام در عین حالی که یک دستشان به کتاب‌های آسمانی و برای هدایت مردم [بود]، دست دیگر [شان] به اسلحه‌ها بود. ابراهیم خلیل سلام الله علیه با یک دست صحف را داشت و با دست دیگر تبر برای سرکوبی بت‌ها. موسای کلیم سلام الله علیه با یک دست تورات را داشت و با دست دیگر عصا، عصایی که فرعونیان را به خاک مذلت کشاند، عصایی که ازدها بود، عصایی که خیانتکاران را می‌بلعید. پیغمبر بزرگ اسلام با یک دست قرآن را داشت و با دست دیگر شمشیر، شمشیر برای سرکوبی خیانتکاران و قرآن برای هدایت. آنها که قابل هدایت بودند، قرآن راهنمای آنها بود و آنهایی که هدایت نمی‌شدند و توطئه‌گر بودند شمشیر بر سر آنها.

امام خمینی

فهرست

سخنی با دانش آموزان گرامی

سخنی با دبیران گرامی

- | | | |
|-----|-------------|---|
| ۱ | درس اوّل | انسان و تاریخ |
| ۱۳ | درس دوم | زمان و اهمیت آن در تاریخ |
| ۳۰ | درس سوم | جغرافیا بستر تحولات تاریخی |
| ۴۳ | درس چهارم | دنیای پر رمز و راز افسانه‌ها و حماسه‌ها |
| ۵۷ | درس پنجم | آثار باستانی، مرز تاریخ و روشن تاریخ |
| ۷۶ | درس ششم | سکه‌ها آینه گذشته‌ها |
| ۸۶ | درس هفتم | هنر و تاریخ |
| ۱۰۰ | درس هشتم | ادبیات و تاریخ |
| ۱۱۱ | درس نهم | نسب‌نامه‌ها و تاریخ |
| ۱۲۱ | درس دهم | سفرنامه، گشت و گذار در سرزمین‌ها |
| ۱۳۰ | درس یازدهم | زندگی‌نامه‌ها و تاریخ |
| ۱۴۰ | درس دوازدهم | اسناد تاریخی |
| ۱۵۱ | درس سیزدهم | نشریه‌ها و تاریخ‌نویسی |
| ۱۶۰ | درس چهاردهم | مورخان و تاریخ ایران |
| ۱۶۹ | درس پانزدهم | مورخان و تاریخ جهان |

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره ی مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار: Email:

talif@talif.sch.ir / ارسال نمایند.

دفتر نشری و تالیف کتاب های درسی

سخنی با دانش آموزان گرامی

دانش آموزان گرامی، این کتاب هم چون کتاب های تاریخی که در سال های قبل خوانده اید، تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران یا سایر کشورها نیست؛ این کتاب در پی ارائه ی مطالبی برای شناخت خود تاریخ است؛ علم تاریخ، مورخان و شیوه های پژوهش آنان، علوم مرتبط با تاریخ و... در این کتاب بررسی می شود.

تاریخ چگونه علمی است؟ چه رابطه ای با سایر علوم دارد؟ مورخان برای نوشتن مطالب تاریخی از چه شیوه هایی استفاده می کنند، منابع مورد استفاده مورخان در پژوهش های تاریخی چیست؟ این ها نمونه هایی از پرسش هایی است که در این کتاب با پاسخ آن آشنا می شوید.

برای فهم بهتر مطالب این کتاب، شایسته است کتاب های درسی سال های قبل را مرور کنید؛ هر چند مروری ذهنی و تخیلی. با مطالعه ی این کتاب هم آموخته های قبلی شما پایدارتر، معنادارتر و گسترده تر می شود و هم از علم تاریخ تصویری واقعی پیدا می کنید؛ در نتیجه برای ادامه یا عدم ادامه ی تحصیل در این رشته می توانید آگاهانه تصمیم بگیرید. اگر در سال های گذشته به هر علت از درس تاریخ دل خوشی نداشتید، پیش بینی می کنیم امسال از آن خوشتان بیاید! قبول ندارید؟ امتحان کنید!

سخنی با دبیران گرامی

همان‌گونه که می‌دانید کتاب تاریخ‌شناسی در میان کتاب‌های درسی تاریخ در دهه‌ی گذشته بیشترین رضایت مخاطبان را به همراه داشته و گامی نو در عرصه‌ی تألیف کتاب‌های درسی به‌شمار می‌رود. با این حال این کتاب خالی از اشکال و ایراد نبود و تدریس آن در طول چندین سال (آن هم بدون تغییر) کاستی‌های آن را بر همگان آشکار کرده بود. به همین دلیل گروه تاریخ براساس رویه‌ی جاری در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ابتدا به تهیه‌ی راهنمای درس تاریخ دوره‌ی پیش‌دانشگاهی اقدام کرد؛ و سپس با در نظر گرفتن نتیجه‌ی نظرسنجی مربوط به راهنما، به اصلاح راهنما اقدام کرد. کتاب حاضر براساس راهنمای مذکور تهیه شده است. همان‌گونه که می‌بینید، برخی از درس‌های این کتاب کاملاً جدیداً تألیف است؛ در برخی دیگر اصلاحاتی انجام شده و برخی نیز در هم ادغام شده‌اند. ضمن آرزوی توفیق برای شما، لازم می‌دانیم درباره‌ی تدریس این کتاب نکاتی را به شرح ذیل یادآوری نماییم:

- ۱- از جمله اهداف دوره‌ی پیش‌دانشگاهی تعمیق آموزش دروس تخصصی دوره‌ی دبیرستان و فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب و آمادگی لازم جهت ادامه‌ی تحصیل در دوره‌های آموزش عالی است. در برنامه‌ریزی، طراح‌ی و تألیف کتاب حاضر، کوشش شده است که حتی‌الامکان اهداف مذکور جامه‌ی عمل بپوشد.
- ۲- امروزه برنامه‌ریزان درسی و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت به دلیل تراکم و گسترده‌ی روزافزون اطلاعات در عصر حاضر، فراگیری روش آموزش را بر ارائه‌ی اطلاعات مربوط به هر رشته از دانش بشری مقدم می‌دانند و بر این امر تأکید می‌ورزند. تألیف کتاب حاضر، گامی در این باره به شمار می‌رود.
- ۳- با توجه به بند یکم، توصیه می‌شود از دانش‌آموزان خواسته شود، کتاب‌های درسی تاریخ سال‌های گذشته‌ی خود را یک بار دیگر مرور نمایند تا در یادگیری مباحث این کتاب توفیق بیشتری یابند.
- ۴- در تدریس هر درس از وسایل کمک آموزشی مربوط به مباحث درس استفاده شود. در درس‌های پنجم و هفتم بازدید از اماکن تاریخی و موزه‌ها باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.
- ۵- با توجه به این‌که در ارزشیابی درس‌های دوره‌ی پیش‌دانشگاهی ۵ نمره به فعالیت‌های کلاسی دانش‌آموزان اختصاص داده شده است، توصیه می‌شود همکاران محترم قسمت‌های اندیشه و جست‌وجو را جدی بگیرند.
- ۶- انجام تمامی فعالیت‌هایی که با عنوان «اندیشه و جست‌وجو» ارائه شده الزامی و اجباری نیست بلکه همکاران گرامی با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی می‌توانند انجام برخی از آن‌ها را از دانش‌آموزان بخواهند. حتی می‌توان انجام برخی از آن‌ها را به‌صورت گروهی از ایشان خواست.
- ۷- از مطالبی که با حروف ایرانیک و زمینه‌ی رنگی چاپ شده است سؤال طرح نشود. (نظیر خلاصه شاهنامه در درس ۴)

۸- تصاویر، نقشه‌ها و نمودارهای کتاب هرکدام پیامی را دربردارند، بنابراین دقت و اندیشیدن درباره‌ی آن‌ها در فرآیند تدریس و یادگیری ضروری است.

۹- به دلیل تخصصی بودن مباحث این کتاب، توصیه می‌کنیم دبیران غیرمتخصص از تدریس آن بپرهیزند.

گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

انسان و تاریخ



بنابراین انسان‌ها از روزگاران دور به مطالعه و بررسی درباره‌ی گذشته‌های خود پرداخته و همواره تلاش کرده‌اند که سرگذشت خود و پیشینیان خویش را حفظ کرده و مانع از فراموش شدن آن‌ها گردند. اما باید توجه داشت که این کار به‌آسانی صورت نگرفته است؛ زیرا گذشته در چشم همه‌ی انسان‌ها یکسان جلوه نمی‌کند و همه‌ی آن‌ها نیز از

هزاران سال از زندگی انسان بر روی کره‌ی زمین می‌گذرد. در این مدت وقایع بسیاری بر جوامع انسانی گذشته و تغییرات فراوانی در زندگی اجتماعی او به‌وجود آمده است. وقایع تلخ و شیرین و تغییراتی که در زندگی انسان رخ داده، به دلایلی نظیر علاقه‌مندی، دانش‌اندوزی، کنجکاوی، تمایل به پیشرفت و غیره مورد توجه او بوده است.

مطالعه‌ی گذشته در پی دستیابی به هدفی واحد نیستند. روش‌ها و شیوه‌های مطالعه درباره‌ی گذشته (تاریخ) نیز یکسان و آسان نیست و با روش‌های مطالعه در سایر علوم متفاوت است.

تاریخ و مشاهده‌ی غیرمستقیم آن

روش مطالعه در برخی از علوم، مشاهده‌ی مستقیم است، در این روش، پژوهشگر می‌تواند بدون واسطه به مشاهده و مطالعه‌ی پدیده‌های موردنظر خویش بپردازد، از آن‌ها تصویر تهیه کند، اندازه‌گیری نماید و خواص آن‌ها را معین سازد. بنابراین روش مشاهده‌ی مستقیم، در علوم تجربی کاربرد بسیار دارد و درحقیقت، این‌گونه علوم، مبتنی بر تجربه‌ی حسی هستند.

در علوم انسانی روش بررسی موضوعات و تحقیق پیرامون آن‌ها به گونه‌ای دیگر است. در تاریخ که یکی از شاخه‌های علوم انسانی است، بیشتر با روش مشاهده‌ی غیرمستقیم به مطالعه‌ی پدیده‌ها می‌پردازند، زیرا موضوع مطالعات تاریخی در دسترس پژوهشگر نیست و مربوط به گذشته است. اما در علوم تجربی پدیده‌های مورد مطالعه در زمان حال وجود دارند. گذشته‌ی بشر (تاریخ) بسیار طولانی است و هر انسانی می‌تواند تنها بیننده‌ی بخش اندکی از این گذشته باشد. مثلاً انسانی که ۷۰

سال از سن او گذشته است، حتی با احتساب دوران کودکی، فقط حدود ۷۰ سال از تاریخ را دیده و بقیه‌ی گذشته (تاریخ) را که شامل هزاران سال پیش از او است، ندیده است. تقریباً کلیه‌ی پدیده‌های تاریخی هم که در گذشته وجود داشته‌اند، اکنون وجود ندارند؛ یعنی مشاهده‌ی مستقیم آن‌ها ممکن نیست و به همین جهت تنها راه مطالعه‌ی گذشته‌ها مشاهده‌ی غیرمستقیم است که با کمک ابزارها و روش‌های ویژه و با استفاده از اخبار و آثار صورت می‌گیرد و چون این کار با کمک عقل صورت می‌پذیرد، به آن تجربه‌ی عقلی می‌گویند. در این کتاب با برخی از ابزارها و شیوه‌های مطالعه‌ی گذشته آشنا خواهید شد.

تجربه‌ی تکرارناپذیر

دانشمندان در بسیاری از علوم، این امکان را دارند که مطالعات خود را بارها تکرار نمایند تا به شناسایی بهتر پدیده‌ها دست یابند. به عبارت دیگر می‌توانند تجربه را تکرار کنند. مثلاً فیزیکدانی که درباره‌ی چگونگی عبور نور از منشور مطالعه می‌کند، می‌تواند بارها آزمایش خود را تکرار نماید. او با انجام آزمایش‌های بی‌دری، اشتباهات خود را تصحیح می‌کند، مشاهده‌ی خود را دقیق‌تر می‌سازد و با جمع‌بندی مشاهدات خود، از آن‌ها نتیجه‌گیری می‌نماید. در علوم تجربی تکرار تجربه فرصت مناسبی

را برای مطالعه و بررسی به وجود می‌آورد.

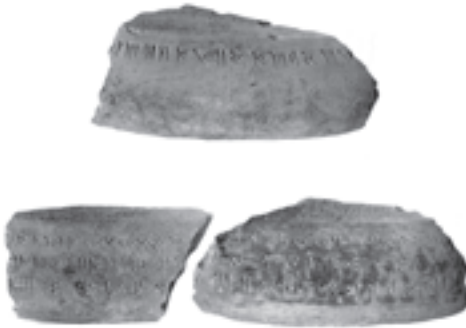
پدیده‌های تاریخی از نوع تجربیه‌ی تکرار ناپذیر هستند. به این معنی که پدیده‌های تاریخی در زمان گذشته یک بار اتفاق افتاده‌اند و دیگر امکان تکرار آن‌ها به همان شکل نخستین وجود ندارد. مثلاً در سال ۹۲۰ ه. ق. شاه اسماعیل یکم، پادشاه صفوی، در محلی به نام چالدران، با سلطان سلیم یکم، پادشاه عثمانی، جنگید و به دلایل گوناگون شکست خورد. این واقعه (جنگ چالدران) دیگر قابل تکرار نیست. با طرح این نکته ممکن است تصور کنید محتوای بسیاری از کتاب‌های تاریخی قابل اعتماد نیستند و با بپرسید: «پس مورخان چگونه تاریخ هر دوره یا حادثه را می‌نویسند؟» در این کتاب کوشیده‌ایم شما را با برخی از شیوه‌هایی که مورخان در بازسازی رویدادهای تاریخی به کار می‌برند، آشنا سازیم؛ تا هم آموخته‌های سال‌های گذشته شما تعمیق یابد، هم با دورنمای حرفه‌ی تاریخ‌نگاری آشنا شوید و هم با فراگیری این شیوه‌ها در آینده بتوانید مستقلاً به مطالعه و پژوهش در تاریخ بپردازید.

تاریخ به عنوان شعبه‌ای از علوم انسانی
دانش بشری به شعبه‌هایی نظیر علوم انسانی، علوم تجربی و غیره تقسیم و طبقه‌بندی شده است. هر دسته از این علوم خصوصیات و روش‌های خاص خود را دارند. علوم تجربی

از قبیل شیمی و زیست‌شناسی با پدیده‌هایی مانند مواد، گیاهان، جانوران و جسم انسان سروکار دارند؛ اما علوم انسانی به جامعه، فرهنگ، زبان و روان و اندیشه‌ی انسانی توجه دارد. تاریخ از رشته‌های علوم انسانی است.

در علوم تجربی امکان مطالعه و بررسی پدیده‌ها با استفاده از معیارهای قابل اندازه‌گیری وجود دارد. دانشمندان این دسته از علوم می‌توانند با به کارگیری ابزارها و روش‌های خاص خود در آزمایشگاه‌ها نتایجی مشخص و معین به دست آورند و این نتایج را بارها مورد آزمایش قرار دهند؛ به طوری که همگان در مورد این نتایج متفق‌القول باشند. این امر به پیدایش قانون منجر می‌شود؛ قانونی علمی که قابل تعمیم بر تجربه‌های همانند است. در این دسته از علوم هیچ‌گونه رابطه‌ی شخصی یا حبّ و بغض بین دانشمند و پدیده‌ی مورد مطالعه‌ی او وجود ندارد. مثلاً شیمی‌دان نسبت به عناصر مواد مورد مطالعه‌اش احساس خشم یا دوستی ندارد.

اما در علوم انسانی و به ویژه در علم تاریخ وضع با علوم تجربی متفاوت است. علم تاریخ با جوامع انسانی سروکار دارد. انسان‌ها از این جهت که اجزای جوامع انسانی را تشکیل می‌دهند، جزئی از وقایع تاریخی هستند، آن‌را به وجود می‌آورند، از آن تأثیر می‌پذیرند و خود به مطالعه‌ی آن می‌پردازند. وقتی انسان به گذشته‌ها می‌نگرد نمی‌تواند از



نمونه‌هایی از مکتوبات



نمونه‌هایی از محسوسات

۱- منقولات: شامل داستان‌ها،

افسانه‌ها، خاطرات شفاهی، ضرب‌المثل‌ها و به‌ویژه اسطوره‌ها. معمولاً منقولات با گذشت زمان به‌صورت مکتوب درمی‌آیند.

۲- محسوسات: شامل بناها، ابزارها، نقش‌ها، سکه‌ها.

۳- مکتوبات: شامل کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها، سفرنامه‌ها، کتیبه‌ها، سندها، نامه‌ها.

۴- معقولات: معقولات، هر نوع استنباطی است که انسان از طریق استدلال یا تخیل برای درک گذشته یا تکمیل و تصحیح اطلاعات خود درباره‌ی گذشته انجام می‌دهد.

احساسات، عواطف، علایق و اهداف خود برکنار باشد، چرا که در جست‌وجوی گذشته‌ی جامعه‌ی خویش است.

هم‌چنین هیچ‌کس به‌تنهایی نمی‌تواند به‌گونه‌ای همه‌جانبه و دقیق درباره‌ی علل و انگیزه‌ی اعمالی که انسان‌ها در گذشته براساس اهداف، اندیشه‌ها و خواسته‌های خود انجام داده‌اند، اظهارنظر کند؛ بلکه هرکس به اندازه‌ی شناخت و براساس علاقه‌ای که نسبت به بخشی از رخدادهای گذشته دارد، اظهارنظر می‌کند. به همین جهت نتایج مطالعات تاریخی افراد مختلف درباره‌ی موضوعی واحد کاملاً یکسان نیست و قضاوت‌ها ممکن است باهم متفاوت باشند. بنابراین نتایج حاصل از مطالعه‌ی پدیده‌های تاریخی، نسبی است.

چگونه از گذشته‌ها مطلع می‌شویم؟

گذشته‌ی طولانی بشر دربردارنده‌ی رخدادهای بسیاری است که هیچ‌کس نتوانسته است تمامی آن‌ها را ببیند. حتی رویدادهای زمان حال را نیز، همه نمی‌توانند مشاهده کنند؛ زیرا این رویدادها در سرزمین‌های دور و نزدیک روی می‌دهند و تنها آگاهی‌های اندکی درباره‌ی آن‌ها از طریق وسایل ارتباط جمعی به‌دست می‌آید. برای کسب اطلاع از گذشته‌ها چهار دسته منابع اطلاعاتی وجود دارد که همه‌ی آن‌ها با هم مورد استفاده قرار می‌گیرند. این چهار دسته عبارتند از:



به نظر شما تصاویر قدیمی جزء کدام دسته از منابع به شمار می‌آیند؟

نداشت و تمدن امروزی به وجود نمی‌آمد.

مورخ کیست؟

با توجه به اهمیت اطلاع از گذشته برای انسان، از روزگاران دور، افرادی در جوامع بشری به ثبت و ضبط وقایع و نقل آن‌ها به دیگران می‌پرداخته‌اند. به کسانی که وقایع تاریخی را فرامی‌گرفتند، و آن‌ها را با بیانی شیرین و با گرمی و شور خاصی برای دیگران بازگو می‌کردند، **نقال** و **قصه‌گو** می‌گفتند. مردم نیز در مراسم مختلف، در مواقع فراغت و استراحت پای سخن آنان می‌نشستند. نقال‌ها و قصه‌گوها باید حافظه‌ی بسیار قوی می‌داشتند تا آن‌چه را دیده یا شنیده بودند، به خاطر بسپارند؛ و گرنه ممکن بود آن‌ها را تغییر دهند یا فراموش کنند.

از آن‌جا که یادآوری وقایع تلخ و شیرین گذشته و بیان شرح اقدامات قهرمانان و بزرگان برای نسل جوان ارزش تربیتی بسیار داشته است و نیز استحکام زندگی اجتماعی با حفظ تجربه‌های گذشتگان ممکن بوده است، معمولاً افراد دنیا دیده و کهن‌سال، حافظ خاطره‌ی تاریخی و سنت‌های مردم جامعه‌ی خویش

تاریخ به عنوان حافظه جامعه‌ی بشری

جامعه‌ی بشری گذشته‌ای طولانی را پشت سر گذاشته است و نیز آینده‌ای طولانی در پیش رو دارد. مرز میان گذشته و آینده، زمان حال است. شکی نیست که مدت زمان حال در مقایسه با گذشته یا آینده، کوتاه است. می‌توان گفت «حال، زمان ناپایداری است که به گذشته تبدیل می‌شود؛» اگر زمان گذشته را با آینده مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که آینده در بردارنده‌ی «امید»ها و «امکان»ها است؛ اما گذشته در بردارنده‌ی وقایع و رخدادها. به عبارت دیگر، گذشته دربرگیرنده‌ی رخدادهای واقعی است، بدین معنی که هر پدیده‌ای به شکلی خاص در زمان گذشته رخ داده است. به همین جهت ثروت حقیقی بشر که همان تمدن است، از گذشته به امروز رسیده است. انسان در طول سال‌های بسیاری که بر او گذشته است، اکتشاف‌ها، اختراع‌ها، تجربه‌ها و به‌طور کلی دستاوردهای خود را برهم انباشته نموده که تمدن کنونی، نتیجه‌ی آن است. اگر در هر زمانی دستاوردهای بشر به دست فراموشی سپرده می‌شد، امکان تکمیل و توسعه‌ی آن وجود

می‌شدند. آنان در طول زندگی طولانی خود شاهد وقایع بسیار بودند و از پیشینیان، اخبار گذشته مردم خود را فراگرفته بودند. در این حال سنت‌گرایی مهم‌ترین نتیجه توجه به تاریخ بود. تا زمانی که خط اختراع نشده بود، حافظه‌ی نقالان و سنت‌گرایی کهن‌سالان مهم‌ترین عوامل حفظ و توجه انسان به تاریخ بود.

پس از اختراع خط، ثبت تاریخ و انتقال آن با دقت بیشتری صورت گرفت. اطلاعات تاریخی انسان‌ها نیز به دلیل گذشت زمان و افزایش روابط میان آن‌ها بیشتر شده بود. لذا پس از اختراع خط، علاوه بر نقالان و قصه‌گویان، عده‌ای به عنوان واقعه‌نویس یا تاریخ‌نویس به نوشتن شرح رخدادها می‌پرداختند. آنان علاوه بر شرح رویدادها، به ثبت تاریخ (زمان و وقوع) آن‌ها نیز توجه داشتند. در حقیقت آنان علاوه بر تاریخ‌نویسی، منجم نیز بودند و به محاسبه و تنظیم تقویم نیز می‌پرداختند بدین ترتیب کارهای مربوط به تاریخ، نجوم و تقویم معمولاً به دست یک نفر انجام می‌شد. لازم است توجه داشته باشید که تاریخ در لغت به معنای تعیین وقت و وقوع یک رویداد است، اما در مفهومی گسترده، تاریخ دانشی است که علاوه بر تعیین وقت رخدادها به شرح، تحلیل و تفسیر آن‌ها نیز می‌پردازد. برای نمونه هنگامی که می‌گوییم سلسله‌ی صفویه در سال ۹۰۷ هـ. تاسیس شد، وقت را بیان

می‌کنیم، اما وقتی به بررسی چگونگی تأسیس این سلسله و تجزیه و تحلیل آن می‌پردازیم، تاریخ معنای فراتر از تعیین وقت می‌یابد.

در ابتدا مورخان فقط آن‌چه را دیده یا شنیده بودند، می‌نوشتند. یعنی آن‌ها آن‌چه را خود به چشم می‌دیدند یا اخباری را که سینه به سینه نقل شده بود، به صورت کتاب تاریخ درمی‌آوردند. با گذشت زمان، کتاب‌های تاریخی و مطالب آن‌ها افزایش فراوان یافت و بر طول تاریخ بشر نیز افزوده شد. به همین جهت گروهی از مورخان به نوشتن آن‌چه می‌بینند یا اخباری که می‌شنوند، اکتفا نمی‌کنند، بلکه به تحقیق در مطالب کتاب‌های تاریخی و تصحیح و تحلیل آن‌ها می‌پردازند. درحقیقت آن‌ها پژوهشگر تاریخ هستند. امروزه به دلیل گسترش حوزه‌ی علم تاریخ و توسعه‌ی روش‌های آن، تحقیق درباره‌ی تاریخ و تدریس آن به صورت حرفه‌ای تخصصی درآمده است. چنان‌که گروهی به عنوان دبیر تاریخ و گروهی دیگر به عنوان استاد تاریخ و افراد بسیاری نیز به عنوان پژوهشگر و کارشناس تاریخ در مؤسسات گوناگون به کار می‌پردازند.

اهمیت کار مورخان

وقایعی که در اجتماع رخ می‌دهند، همواره در معرض خطر فراموشی قرار دارند؛ مگر آن‌که کسانی اقدام به ثبت و ضبط آن‌ها

نمایند. یکی از کارهای مورخان، حفظ گذشته‌ها و وقایع مربوط به آن‌ها است. در حقیقت آنان نگهبانان میراث‌ها و دستاوردهای تاریخ بشر هستند. بدون وجود مورخان، وقایع تاریخی در انزوا، سکوت و فراموشی قرار می‌گیرند. بنابراین مورخان زبان گویای وقایع می‌شوند و آن‌ها را از فراموشی و نابودی رهایی می‌بخشند.

کار مورخ برای حفظ اخبار و انتقال آن، کار ساده‌ای نیست، زیرا همه‌ی آن‌چه در طول تاریخ رخ داده، قابلیت و ضرورت ثبت، حفظ و انتقال به دیگران را ندارد؛ بلکه تنها خبرهای مهم و باارزش و مؤثر در زندگی بشر ارزش ثبت و ضبط را دارند. تشخیص این‌که کدام خبر مهم، با ارزش و مؤثر است یا دلایل و ملاک‌های اهمیت ارزش و تأثیر کدام است، کار مورخ است. به عبارت دیگر مورخ باید بتواند گزینش و گزارش دقیق و حساب شده‌ای در مورد وقایع انجام دهد تا زبان گویا و بازگوکننده‌ی راستین گذشته‌ها باشد. او باید بتواند اخبار صحیح را از غلط، راست را از دروغ، مهم را از غیرمهم و مفید را از غیرمفید تشخیص دهد؛ زیرا او به‌عنوان شخص مورد اعتماد و امین گروه کثیری خواهد بود که به دانش و بینش و روش او اعتماد کرده‌اند.

مورخ علاوه بر ضبط و نقل گذشته‌ها و گزینش در آن‌ها، باید به بازگویی و شرح و توضیح تاریخ نیز پردازد، زیرا جامعه و

فرهنگ بشری مدام در حال تحول و تغییر است. این تحول و تغییر موجب می‌شود شرایط فکری و زیستی مردم از یک زمان نسبت به زمان دیگر متفاوت گردد. این تفاوت موجب جدایی میان جوامع در طول زمان می‌شود؛ تا جایی که ممکن است میان مردمان گذشته با مردم امروز هم‌فکری و هم‌زبانی وجود نداشته باشد. در چنین حالتی درک واقعی اوضاع و احوال گذشته برای عموم مردم مشکل و یا غیرممکن می‌گردد. در نتیجه لازم است رابطی میان گذشته و حال وجود داشته باشد تا اخبار و حوادث معتبر و صحیح گذشته را به نسل حاضر انتقال دهد و به توضیح و تفسیر فرهنگ و تمدن گذشته بپردازد. این رابط همان مورخ است که با کمک دانش و فن خویش ارتباط همگان را با دنیای گذشته ممکن می‌سازد.

صفات مورخان

وقتی مورخ به تاریخ‌نویسی می‌پردازد، در واقع گذشته را بازگویی می‌کند. در این بازگویی نخستین صفت یک مورخ، راستگویی است. مورخی که دروغ بگوید، موجب اشتباه و تحریف در تاریخ می‌شود و مردم را به گمراهی می‌کشاند. راستگویی مورخ به معنای امانتداری او در نقل صحیح رخ داده‌های تاریخی است. بهترین مورخان کسانی هستند که در نقل تاریخ راستگو و امانتدار باشند.

دیگر صفت یک مورخ، حقیقت‌جویی است. مورخ باید جوای حقیقت باشد. او با مطالعه در وقایع و سرگذشت افراد و جوامع به قضاوت درباره‌ی آن‌ها می‌پردازد. بنابراین باید بتواند ابتدا تصویری نسبتاً همه‌جانبه از گذشته‌ی یک جامعه ارائه دهد و سپس درباره‌ی آن داوری کند. در حقیقت مورخ مانند یک قاضی است. بهترین خصوصیتی که یک قاضی باید داشته باشد، عدالت است. بنابراین سومین صفت یک مورخ به‌عنوان قاضی اعمال‌گذشتگان، عدالت او است.

پس از راستگویی، حقیقت‌جویی و عدالت، چهارمین صفت مورخ داشتن دانش گسترده می‌باشد. مطالعه‌ی گذشته مستلزم مطالعه و تحقیق فراوان است. با دانش اندک و معلومات ناقص کسی نمی‌تواند مورخ شود. مورخ باید درباره‌ی موضوعی که تحقیق می‌کند سال‌ها مطالعه کند؛ همه‌ی اطلاعات موجود درباره‌ی آن را گرد آورد و از هیچ نکته‌ای چشم‌پوشی ننماید. بدین ترتیب او اطلاعات و اخبار بسیاری را جمع‌آوری می‌کند. هر قدر اطلاعات تاریخی مورخ بیشتر باشد، موجب اشراف و آگاهی عمیق‌تر او از موضوع مورد مطالعه خواهد شد.

دانشی که مورخ بایستی از آن برخوردار باشد، محدود به مطالعات تاریخی

نیست، بلکه باید به علوم مرتبط با تاریخ نیز دسترسی و اطلاع داشته باشد. جغرافیا، جامعه‌شناسی، ادبیات، فلسفه، باستان‌شناسی، علوم سیاسی و به‌طور کلی علوم انسانی، همه‌ی علوم کاربردی در تاریخ دارند. هم‌چنان‌که تاریخ به این علوم کمک بسیار می‌کند، مورخ نیز با استفاده از آن‌ها می‌تواند به درک بهتر تاریخ و تبیین و تفسیر رویدادها بپردازد. به‌عنوان مثال، آشنایی با ادبیات، مورخ را به فهم درست متون قدیمی تاریخی و درک مطالب تاریخی نهفته در آثار ادبی (دیوان‌های شعر و...) قادر می‌سازد. بنابراین تاریخ‌نویسی بدون اطلاع از دیگر علوم مورد نیاز غیرممکن است.

دانش مورخ هنگامی تکمیل می‌شود که علاوه بر علوم انسانی، از دستاوردهای علوم دیگر نیز برای تکمیل دانسته‌های خود استفاده کند. زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، شیمی، پزشکی و نجوم هر یک دارای دستاوردهایی هستند که برای مورخ مفید است. مثلاً او با کمک نجوم، تقویم و زمان را می‌شناسد و به‌وسیله‌ی زمین‌شناسی از عمر زمین و تاریخ آن مطلع می‌شود.

دیگر صفت یک مورخ داشتن قدرت اندیشه و تفکر (تجزیه و تحلیل) است. مورخ تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر خود را با اندیشیدن و فکر کردن همراه می‌سازد تا نتیجه‌ای



مسعودی نویسنده‌ی شهیر قرن چهارم هجری قمری و دکتر عبدالحسین زرین کوب (متوفی در سال ۱۳۷۸) دو نمونه از مورخان برجسته به‌شمار می‌آیند.

مرحله‌ی بعد جست‌وجوی مطالب مربوط به آن موضوع است. برای این کار باید تا حد امکان به نوشته‌هایی که درباره‌ی موضوع اطلاعاتی دارند (مکتوبات)، مراجعه کند و اگر آثاری تاریخی درباره‌ی آن موضوع باقی مانده است (محسوسات)، از آن دیدن کند و با اشخاصی که از موضوع اطلاعاتی داشته باشند، به گفت‌وگو بپردازد (منقولات). مورخ سپس به تفکر درباره‌ی اخبار گردآمده و قضاوت درباره‌ی آن می‌پردازد. اخبار غلط و دروغ را کنار می‌گذارد و اخبار صحیح و قابل اعتماد را برمی‌گزیند. این مرحله، مرحله‌ی **سنجش** و **گزینش** اخبار تاریخی است.

مطلوب به دست آورد. بدون اندیشه و تفکر، کار مورخ بیهوده و بی‌فایده خواهد بود. سرانجام مورخ این اندیشه‌ها و آگاهی‌ها را می‌نویسد. بنابراین ششمین ویژگی مورخ، توانایی درست نوشتن است تا بتواند دستاورد پژوهش خویش را به‌گونه‌ای مطلوب عرضه کند.^۱

مورخان چگونه تاریخ می‌نویسند؟

مورخان برای نوشتن یک کتاب تاریخ، ماه‌ها و سال‌ها به تحقیق می‌پردازند و از اطلاعات و متون و وسایل گوناگون بهره می‌گیرند. نخستین مرحله‌ی کار مورخ در زمینه‌ی پژوهش تاریخی، **انتخاب موضوع** است.

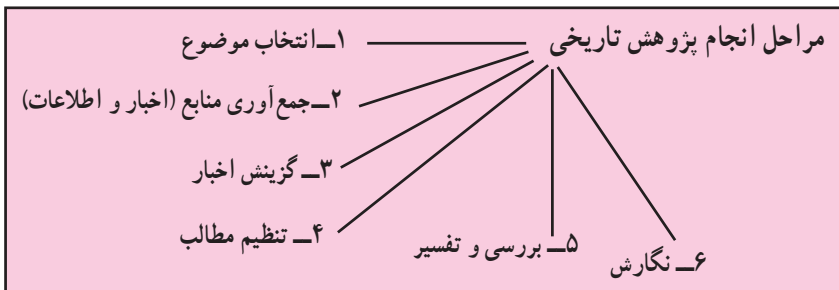
۱- در درس چهاردهم با برخی از مورخان آشنا خواهید شد.



تاریخ‌نویس با چه شیوه‌هایی منقولات را جمع‌آوری می‌کند؟

و برنامه‌ریزی، در این مرحله نقش بسیار مهمی دارد. بدین ترتیب او تمامی اطلاعات صحیح گردآوری شده را منظم می‌کند و پس از بررسی و تفسیر آن‌ها (معقولات)، به آخرین مرحله‌ی کار، یعنی «نگارش» مطالب جمع‌آوری شده به همراه اظهارنظرها، نتیجه‌گیری‌ها و توضیحات، می‌رسد.

در مراحل قبلی مورخ تلاش و جست‌وجوی فراوان کرده است و در این مرحله دقت و حوصله، شرط اساسی کار او است. پس از سنجش و گزینش، مورخ به تنظیم اخبار می‌پردازد. او این کار را براساس ترتیب زمانی و قایع و نیز ارتباط میان آن‌ها انجام می‌دهد. تجربه و توانایی فکری مورخ در طراحی





پیوند جامعه‌شناسی با تاریخ

جامعه‌شناسی به عنوان یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است که از قوانین زندگی اجتماعی انسان و پدیده‌های اجتماعی - انسانی و تحول آن‌ها در ارتباط با حیات اجتماعی بحث می‌کند. جامعه‌شناسی به نتیجه‌ی مطالعات تاریخی توجه دارد و بسیاری از تجزیه و تحلیل‌هایی که در جامعه‌شناسی صورت می‌گیرد، مبتنی بر شناخت و اطلاعاتی است که از گذشته‌ی جوامع به دست آمده است. سخن آنتونی گیدنز جامعه‌شناس خالی از فایده نیست، وی می‌گوید: تغییراتی که در شیوه‌های زندگی انسان از دویست سال پیش تا به حال اتفاق افتاده بسیار فراگیر بوده است، مثلاً امروزه ما شاهد شهرهای بزرگ با جمعیت‌ها و ساختمان‌های بسیار زیاد و گسترده هستیم، اما در دوران‌های گذشته هرگز چنین نبوده؛ بلکه انسان‌ها در گروه‌های کوچک و در اجتماعات روستایی زندگی می‌کرده‌اند. حتی در اوج پیشرفته‌ترین تمدن‌های کهن مانند روم باستان کمتر از ۱۰ درصد جمعیت در نواحی شهری زندگی می‌کرده‌اند. در گذشته اکثریت مردم ناچار بودند به کشاورزی بپردازند، خوراک و سایر وسایل زندگی‌شان را خود تهیه کنند، اما امروزه بیش از ۹۰ درصد مردم در نواحی شهری زندگی می‌کنند و کمتر از ۲ تا ۳ درصد جمعیت به کار و تولید کشاورزی مشغولند. علمای تاریخ نیز در حال حاضر تحت تأثیر نتایجی که از مطالعات جامعه‌شناسی به دست آمده است، ابعاد جدیدی را مورد توجه قرار داده‌اند. هم‌چنین اگر جامعه را در بُعد تاریخی آن بنگریم، زندگی جوامع شامل یک رشته تغییرات و دگرگونی‌هایی است که خود ناشی از عوامل گوناگونند. به این ترتیب می‌توان گفت جامعه‌شناسی هم‌چنین به مطالعه‌ی چگونگی تحولات تاریخی جوامع نیز می‌پردازد؛ و در پی درک علل حاکم بر این تغییرات و دگرگونی‌هاست.



پرسش‌های نمونه

- ۱- چرا در تاریخ، پدیده‌ها به شیوه‌ی «مشاهده‌ی غیرمستقیم» بررسی می‌شوند؟
- ۲- چرا نتایج مطالعات تاریخی کاملاً یکسان نیست؟
- ۳- منابع کسب اطلاعات از حوادث گذشته به چه دسته‌هایی تقسیم می‌شوند؟
توضیح دهید.
- ۴- نقش مورخ در حفظ و انتقال میراث‌ها و دستاوردهای تاریخ بشر را توضیح دهید.
- ۵- صفات لازم برای مورخ را بیان کنید.
- ۶- مراحل کار مورخ را به‌طور خلاصه توضیح دهید.



اندیشه و جست‌وجو

- ۱- یک نمونه از پدیده‌های مربوط به مشاهده‌ی غیرمستقیم را انتخاب و گزارشی درباره‌ی آن تهیه کنید (نظیر تاریخچه‌ی بنای مدرسه، مسجد یا محله‌ی خود).
- ۲- با مطالعه‌ی یک کتاب تاریخی (یا یک بخش از آن) و با در نظر گرفتن خصوصیات لازم برای مورخ، نظر خود را درباره‌ی نویسنده‌ی آن بنویسید.

زمان و اهمیت آن در تاریخ

بررسی یک رویداد، بدون توجه به زمان وقوع آن، منجر به درکی نادرست یا ناقص از آن پدیده خواهد شد. همان طور که هر علمی براساس یک سلسله اصول بدیهی و ستون‌های اصلی بنا شده است، زمان نیز یکی از اصول اساسی علم تاریخ است.

توجه به زمان تنها مختص مورخان نیست بلکه انسان از آغاز زندگی در کره‌ی زمین با این پدیده و سنجش آن مواجه شده است. وقت‌شناسی و ترتیب و تنظیم اوقات و سنجش زمان از جمله مسائل و مشکلات انسانی بوده است و می‌توان گفت که اندازه‌گیری زمان یکی از دستاوردهای تمدن بشری محسوب می‌شود. «مارتین نیلسون»^۲ مورخ سوئدی می‌گوید: «مهم‌ترین عمل هوشمندانه در تاریخ،



یکی از ارکان مهم علم تاریخ زمان^۱ است. آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید در بررسی‌های تاریخی، زمان از چه جایگاهی برخوردار است؟ و تحقیقات تاریخی بدون در نظر گرفتن زمان وقوع یک رویداد چه پیامدهایی خواهد داشت؟

۱- در تعریف زمان دانشمندان تعاریف متعددی ارائه داده‌اند. از نظرگاه علم فیزیک، زمان عبارت است از آن کمیت فیزیکی که با ساعت اندازه‌گیری می‌شود. برخی از دانشمندان معتقدند زمان محیطی است عمومی که همه‌ی وقایع در آن به توالی یا ظاهراً به توالی رخ می‌دهد. و به وسیله‌ی تغییر است که ما بر زمان آگاهی داریم و آن را اندازه می‌گیریم و به تعبیر دیگر زمان چیزی است که بدون کمترین تأملی صحیح و واقعی فرض می‌کنیم. زیرا گذشت آن را تجربه می‌کنیم و برای ما زمان همواره حرکتی رو به آینده دارد ...

۲- Martin P. Nilsson

زمان شماری است.» هرچه دانش بشری در شمارش دقیق زمان پیشرفت بیشتری کرد، وقایع تاریخی دقیق‌تر ثبت و ضبط شدند. بنیادی‌ترین پرسش‌های مورخان به هنگام بررسی یک رویداد عموماً عبارتند از:

- ۱- واقعه در چه زمانی اتفاق افتاد؟
- ۲- واقعه در کجا روی داد؟
- ۳- واقعه چگونه و چرا روی داد؟

مورخان برای بررسی دقیق‌تر رویدادهای تاریخی، به‌طور اعتباری به تقسیم‌بندی‌هایی از زمان گذشته دست زده‌اند، مانند قرن، دوره، هزاره و... به‌عنوان مثال می‌توان از تقسیم‌بندی گذشته بشر به دوره‌ی پیش از تاریخ (دوره‌ی ماقبل اختراع خط) و دوره‌ی تاریخی (دوران اختراع خط) یاد کرد.



- در تقسیم‌بندی دیگری مورخان و زمان‌شناسان زمان را به سه بخش تقسیم کرده‌اند.
- ۱- زمان‌های کوتاه، که با ساعت اندازه‌گیری می‌شود، (مانند ثانیه، دقیقه، ساعت و...).
 - ۲- زمان‌های طولانی که در تقویم‌ها و گاه‌شمارها آمده‌اند (مانند هفته، ماه، سال و...).
 - ۳- دوران‌های زمان شمار تاریخی که از سال‌های متمادی تشکیل شده‌اند (مانند قرن، هزاره، دوره و...).

پیدایش تقویم و اهمیت آن در زندگی بشر

زمان جلب شد و درک انسان از این پدیده چگونه بود؟ اولین توجه انسان‌های اولیه به زمان، گردش شبانه‌روز بود^۱. او هر صبح طلوع

به نظر شما چگونه توجه انسان به عامل

۱- خداوند در آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی اسراء می‌فرماید: و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم، نشانه‌ی شب را تیره‌گون و نشانه‌ی روز را روشنی‌بخش گردانیم تا در آن فضلی از پروردگارتان بجوید و تا شماره‌ی سال‌ها و حساب (عمرها و رویدادها) را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم.

و اندازه‌گیری زمان طولانی و به‌خصوص سال و ماه اختراع کرده است.

بنابراین کاربرد مهم تقویم محاسبه و اندازه‌گیری دقیق زمان است. برای اندازه‌گیری زمان در هر تقویم باید مبدایی انتخاب شود. بدون وجود مبدأ، سنجش زمان امکان‌پذیر نیست.

مهم‌ترین مبداهای تقویم در جهان

انسان‌ها در طول زندگی خود مبداهای متفاوتی را برای زمان‌شماری در نظر گرفته‌اند. در این‌جا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- مبدأ دینی: این مبدأ در میان بسیاری از مردم و ملت‌های جهان پذیرفته شده و عمومیت دارد. در این مبدأ یک واقعه‌ی بزرگ دینی به‌عنوان مبدأ آن تقویم قرار می‌گیرد. مانند تقویم هجری قمری که مبدأ آن هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه است و یا تقویم میلادی که تولد حضرت مسیح (ع) مبدأ آن قرار گرفته است.

۲- مبدأ ملی و قومی: برخی از ملت‌ها وقایع و حوادث خاص ملی و یا قومی خود را

خورشید و سیر آن را در آسمان می‌دید و در غروب خورشید و با آمدن شب وضعیت ماه را نظاره می‌کرد. به جز گردش شبانه‌روز و گردش ماه، انسان‌های اولیه متوجه تکرار منظم بعضی از امور طبیعی از جمله تغییرات فصلی، مانند فصل شکوفه و بهار، فصل رسیدن میوه‌ها، موسم برگ‌ریزان، فصل سرما و یخ‌بندان و... شدند. این موارد نیز از نشانه‌های توجه انسان به عامل زمان بود. برخی از دانشمندان معتقدند تقویم و گاه‌شماری از زمانی آغاز گشت که انسان، کشاورزی را به‌عنوان شیوه‌ی اصلی معیشت خود برگزید و در یک مکان ساکن شد و براساس تجربه متوجه تکرار زمان بذرافشانی و زمان برداشت محصولات کشاورزی شد.^۱ محاسبه و اندازه‌گیری زمان کاشت و برداشت و زمان آبیاری، ضرورت توجه دقیق‌تر به زمان و ساختن وسیله‌ای برای اندازه‌گیری آن را جدی‌تر کرد. بنابراین دستگاه اندازه‌گیری زمان (تقویم) ساخته شد و طی قرون متمادی با گسترش علم نجوم و ریاضیات کامل‌تر شد. تقویم^۲ در تعریفی کلی، نظامی است که انسان برای محاسبه

۱- شاید به همین دلیل بود که نخستین نظام‌های گاه‌شماری در اولین کانون‌های کشاورزی، یعنی مصر و بابل بنیان‌گذاری

شد.

۲- در اصطلاح نجومی تقویم عبارت است از مجموعه‌ای از اصول و قوانین که برای تقسیم و تنظیم زمان، به سال، ماه، هفته و روز که براساس گردش زمین به دور خورشید و گردش زمین و گردش خود تنظیم و تدوین شده است.



نمونه‌ای از اسطرلاب‌هایی که در گذشته برای اندازه‌گیری زمان و جهت‌یابی مورد استفاده ستاره‌شناسان و دریانوردان قرار می‌گرفت.

- مناسبت‌های دینی (ایام حج، روزه و...) و ملی
- تنظیم دفترهای بودجه‌ی سالیانه
- تنظیم زمان دریافت مالیات و خراج
- تنظیم و تعیین زمان پرداخت مخارج و هزینه‌های دولت
- تعیین و تنظیم زمان قراردادها و عهدنامه‌ها
- تعیین زمان جنگ و زمان‌های سعد (فرخنده) و نحس (شوم).

به‌عنوان مبدأ تقویم خود انتخاب می‌کردند. مثلاً تاریخ جلوس یک فرمانروا و یا تاریخ پیروزی در یک نبرد میهنی را به‌عنوان مبدأ تقویم خود انتخاب می‌کردند.

۳- مبدأ مبتنی بر حوادث طبیعی^۱:

برخی از ملت‌ها یک حادثه و رویداد بزرگ طبیعی مانند طوفانی سهمگین و یا زلزله‌ای ویرانگر و یا آتشفشانی هولناک و از این قبیل حوادث طبیعی را به‌عنوان مبدأ تقویم خود انتخاب می‌کردند. مانند سومریان که تاریخ خود را به قبل از طوفان و بعد از طوفان تقسیم کرده بودند.

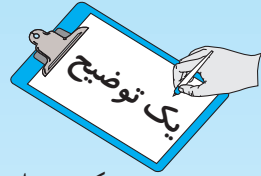
۴- مبدأ نجومی: برخی از منجمان

معتقدند که باید یک حادثه‌ی بزرگ کیهانی و نجومی را به‌عنوان مبدأ تقویم قرار داد زیرا این مبدأ از مقبولیت عام برخوردار خواهد شد. مثل طلوع ستاره‌ای خاص و یا یک خسوف و یا یک انفجار سیاره‌ای و... البته این نوع مبدأ به جز منجمان چندان مورد توجه سایر مردم نیست.^۲

دولت‌ها و ملت‌ها همواره به منظور امور دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و برخی امور دیگر به تقویم نیازمند بودند. مهم‌ترین کاربردهای تقویم عبارت بودند از:

۱- برخی از محققان از این مبدأ به‌عنوان مبدأ ارضی (زمینی) نام برده‌اند. در این مورد نگاه کنید به نبی، ابوالفضل: تقویم و تقویم‌نگاری در ایران، آستان قدس، ۱۳۶۶، صفحه‌ی ۲۱ تا ۲۴.

۲- لازم به توضیح است که این تقسیم‌بندی‌ها اعتباری و نسبی هستند و قطعیت ندارند.



سعد و نحس

حکومت‌ها در قدیم به منظور انجام پاره‌ای از امور نظیر جلوس و تاج‌گذاری، جنگ و یا صلح، عقد قراردادهای مهم و مانند این‌ها و مردم عادی نیز به منظور انجام برخی از امور مدنی و اجتماعی و... به زمان خوب، میمون و مبارک (سعد) و زمان بد، نامبارک (نحس)، اعتقاد داشتند. منجمان اولیه که در واقع طالع‌بین هم محسوب می‌شدند، معتقد بودند بین این زمان‌ها و حرکت کواکب و سیارات ارتباط برقرار است و در واقع بین سرنوشت انسان‌ها و حرکت سیارات و طلوع و غروب آن‌ها نوعی پیوند وجود دارد. منجمان قدیم سیاره‌های «زحل» و «مریخ» را نحسین یا دو نحس می‌خواندند و سیاره‌های مشتری و زهره را سعدین و یا دو سعد می‌نامیدند. آنان با رصد سیارات و ستارگان در صورت مشاهده‌ی سیارات سعد (مشتری و زهره) انجام یک کار را مبارک و میمون و خوش فرجام قلمداد می‌کردند و با رصد سیارات نحس (زحل و مریخ) انجام آن کار را نامبارک و بدفرجام پیش‌بینی می‌کردند. از این‌رو منجمان در دربار پادشاهان از اهمیت زیادی برخوردار بودند.

نگاهی به برخی از تقویم‌های جهان

در میان دو رود گاه‌شماری خورشیدی قمری^۱ مرسوم بوده است و پیشینه‌ی اختراع این نوع گاه‌شماری را نزدیک به اختراع خط می‌دانند. بابلی‌ها که از پیشگامان علم گاه‌شماری و نجوم بودند، تقویمی درست کردند که بعدها مصریان و هخامنشیان تقویم خود را براساس

آن ترتیب دادند. در گاه‌شماری بابلیان، مبدأ شمارش سال‌ها، جلوس پادشاهان بود، به‌گونه‌ای که با جلوس هر پادشاه، مبدأیی نو به‌وجود می‌آمد. سال به ۱۲ ماه ۳۰ یا ۲۹ روز تقسیم می‌شد. نخستین ماه تقویم بابلی نِیسانو^۲ بود که روز اول نِیسانو (نوروز) بود و ماه دوازدهم اِدارو^۳ نام داشت. برای تعدیل و

۱- سال آن شمسی و ماه آن قمری ۳۰ یا ۲۹ روزه بود.

۲- Nissanu

۳- Addaru

از بین بردن اختلاف طول سال‌های خورشیدی و قمری هر سه سال یک بار ماه سیزدهمی به سال می‌افزودند و آن را در بابل آداروی دوم می‌نامیدند.

یکی از ملت‌های باستانی که گاه‌شماری نسبتاً پیشرفته‌ای داشتند، مصریان بودند؛ زیرا آنان در نجوم و ریاضیات به موفقیتهای زیادی دست یافته بودند و مبنای تقویم یولیانی (قیصری) و تقویم میلادی امروز براساس تقویم مصری است. مصریان سال را ۳۶۵ شبانه‌روز و $\frac{1}{4}$ حساب می‌کردند.

سال آن‌ها دارای ۱۲ ماه ۳۰ روزه بود که بر روی هم ۳۶۰ شبانه‌روز می‌شد و پنج روز اضافی سال را به آخر ماه دوازدهم سال می‌افزودند^۱. بنابراین تقویم مصریان ۱۱ ماه ۳۰ روزه داشت و ماه دوازدهم آن‌ها ۳۵ روزه بود. و با حساب کردن $\frac{1}{4}$ روز در هر سال با گذشت سه سال، در سال چهارم ماه ۳۵ روزه را ۳۶ روز حساب می‌کردند. مبدأ تقویم در این کشور مقارن با سلطنت هر پادشاه بود.

یکی دیگر از تقویم‌های کهن، تقویم رومی است. در این تقویم هر سال دارای ۱۰ ماه بود و هر ماه به‌نام یکی از پهلوانان و خدایان اساطیری رومی نام‌گذاری می‌شد. بعدها دو ماه دیگر به آن ۱۰ ماه اضافه شد. از آن‌جا که سال رومی‌ها شمسی و ماه‌های آن قمری ۲۹ یا ۳۰ روز بود، اختلاف ۱۱ روز سال شمسی با سال قمری موجب بی‌نظمی‌های فراوانی در این تقویم می‌شد. مثلاً مراسمی که باید در زمستان برگزار می‌شد در بهار برپا می‌گردید. در نتیجه در زمان ژولیوس سزار (قیصر روم) اصلاحاتی در این تقویم صورت گرفت^۲. این تقویم تا ۱۵۰۰ سال بعد رواج داشت. تا این‌که در زمان پاپ گریگوار سیزدهم اصلاحاتی در این تقویم صورت گرفت. این تقویم که به تقویم گریگوری^۳ شهرت دارد هنوز مورد استفاده‌ی اکثر کشورهای مسیحی است.

تقویم رایج بیشتر کشورهای اسلامی تقویم هجری قمری است. این تقویم به کلی قمری است. مبدأ این تقویم اول محرم سالی است که پیامبر (ص) از مکه به مدینه هجرت فرموده است^۴. تقویم هجری قمری مبتنی بر

۱- مصریان این ۵ روز اضافی را اپاگومن «epagomene» نامیدند.

۲- به فرمان سزار یک منجم مصری به‌نام سوسیگنس در سال ۴۶ ق.م تغییراتی براساس تقویم مصری در این تقویم به‌وجود آورد.

۳- ۱۵۸۲م. Gregorian calendar - ۳

۴- برابر با جمعه ۱۶ ژوئیه‌ی سال ۶۲۲ میلادی است.

دوره‌ی حرکت ماه به دور زمین است. سال قمری ۱۲ ماه دارد که به تناوب ۳۰ و ۲۹ روزه است.^۱ سال قمری ۳۵۴ شبانه‌روز و در سال‌های کبیسه ۳۵۵ شبانه‌روز است. با

گسترش اسلام این تقویم به‌عنوان تقویم دینی مسلمانان در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه ایران رواج یافت و هم‌اکنون نیز رایج است.



سال کبیسه

به سال ۳۶۶ شبانه‌روزی سال کبیسه گویند. از آن‌جا که مدت زمان حرکت انتقالی زمین به دور خورشید ۳۶۵ شبانه‌روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه و ۸ صدم ثانیه است برای تطبیق سال حقیقی با سال تقویمی با احتساب خرده ساعت‌های اضافه بر ۳۶۵ شبانه‌روز، ۳ سال متوالی را ۳۶۵ شبانه‌روز و سال چهارم را ۳۶۶ شبانه‌روز حساب می‌کنند. این اقدام نخستین بار در سال ۴۶ ق.م. در زمان ژولیوس سزار امپراتور روم صورت گرفت.

پیشینه‌ی تقویم در ایران

پیشینه‌ی تقویم و گاه‌شماری در ایران به قبل از دوره‌ی هخامنشیان بازمی‌گردد. در دوره‌ی هخامنشیان گاه‌شماری شمسی قمری بابلی رایج بود. از ویژگی‌های این تقویم این بود که آغاز سال با آغاز پاییز یکی بود و اولین ماه سال با جشن‌هایی هم‌زمان می‌شد. مبدأ این تقویم آغاز سلطنت هر شاه بود و روزهای هر ماه را

شمارش می‌کردند. در این تقویم سال به چهار فصل تقسیم می‌شد. بسیاری از محققان معتقدند که در اوایل حکومت داریوش یکم این نوع گاه‌شماری منسوخ و گاه‌شماری اوستایی به‌جای آن رایج شد. سال در تقویم اوستایی ۳۶۵ شبانه‌روز بود. هر سال به ۱۲ ماه ۳۰ شبانه‌روزی و ۵ شبانه‌روز که به‌عنوان پنجه^۲ به آخر سال اضافه می‌کردند، تقسیم می‌شد.

۱- خداوند در آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی توبه می‌فرماید: *لِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ وَ...* به‌درستی که شمار ماه‌ها نزد خدا

دوازده ماه است و...

۲- به آن پنجه دزدیده یا خمسه‌ی مستترقه و یا بهیزک کوچک، نیز می‌گویند.

در تقویم اوستایی نام روزها و ماهها مربوط به خدا و ایزدان زردشتی است. اسامی ماههای تقویم رسمی رایج در کشور ما برگرفته از تقویم اوستایی است. در دوره‌ی اشکانیان روز و ماه تقویم اوستایی به کار می‌رفت. اما سال را براساس مبدأ خودشان یعنی تأسیس حکومت اشکانیان شمارش می‌کردند. در دوره‌ی ساسانیان نیز گاه‌شماری اوستایی با تفاوت‌هایی رایج بود. مبدأ این تقویم

در دوره‌ی ساسانیان آغاز پادشاهی و جلوس هر پادشاه بر تخت بود. از آن جا که در این تقویم سال را ۳۶۵ شبانه‌روز می‌گرفتند، در هر ۴ سال یک شبانه‌روز و در هر ۱۲۰ سال ۳۰ شبانه‌روز از سال شمسی حقیقی عقب می‌افتاد. برای رفع این مشکل آنان بعد از هر ۱۲۰ سال یک ماه به دوازده ماه سال اضافه می‌کردند و آن سال سیزده ماهه می‌شد.^۱

اسامی ماهها و روزها در تقویم اوستایی

اسامی ماهها		
دی	مهر	تیر
بهمن	آبان	مرداد
اسفند	آذر	شهریور
فروردین	اردیبهشت	خرداد
اسامی روزهای ماه		
۱- هرمز	۱۱- خور	۲۱- رام
۲- بهمن	۱۲- ماه	۲۲- باد
۳- اردیبهشت	۱۳- تیر	۲۳- دی‌بدین
۴- شهریور	۱۴- جوش	۲۴- دین
۵- اسفندارمذ	۱۵- دی‌بمهر	۲۵- ارد
۶- خرداد	۱۶- مهر	۲۶- اشتاد
۷- مرداد	۱۷- سروش	۲۷- آسمان
۸- دی‌بآذر	۱۸- رشن	۲۸- زامیاد
۹- آذر	۱۹- فروردین	۲۹- ماراسفند
۱۰- آبان	۲۰- بهرام	۳۰- انیران

۱- این ماه را بهیزک (کیسه) بزرگ می‌نامیدند.

اسامی ماه‌ها در تقویم هجری شمسی، میلادی و هجری قمری.
این ماه‌ها معادل هم نیستند.

میلادی	هجری قمری	هجری شمسی
۱- ژانویه	۱- محرم	۱- فروردین
۲- فوریه	۲- صفر	۲- اردیبهشت
۳- مارس	۳- ربیع الاول	۳- خرداد
۴- آوریل	۴- ربیع الثانی	۴- تیر
۵- مه	۵- جمادی الاول	۵- مرداد
۶- ژوئن	۶- جمادی الآخر	۶- شهریور
۷- ژوئیه	۷- رجب	۷- مهر
۸- اوت	۸- شعبان	۸- آبان
۹- سپتامبر	۹- رمضان	۹- آذر
۱۰- اکتبر	۱۰- شوال	۱۰- دی
۱۱- نوامبر	۱۱- ذی القعدة	۱۱- بهمن
۱۲- دسامبر	۱۲- ذی الحجه	۱۲- اسفند



عمر خیام، دانشمند
برجسته‌ی ایرانی

و پیشرفته جهت رفع این مشکل چاره‌جویی شد به طوری که در عهد جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵ هجری) و وزیر دانشمند و کاردان او خواجه نظام‌الملک، مجمعی از منجمان از سال ۴۶۷ هجری قمری به امر

با ورود اسلام به ایران تقویم هجری قمری به مرور در ایران رایج شد. این تقویم مبتنی بر فصول طبیعی سال نبود و چندان با روند زندگی کشاورزی ایرانیان مطابقت نمی‌کرد. از سویی به علت عدم اجرای کبیسه در تقویم یزدگردی، نوروز از نقطه‌ی اعتدال بهاری خارج شده بود؛ و کارگزاران مالیاتی برای زمان دریافت مالیات‌ها و مردم جهت زمان پرداخت آن دچار زحمات فراوان شدند. در دوران حاکمیت امپراتوری سلجوقیان به علت وسعت قلمرو، حاکمیت امنیت و سازمان اداری منظم



شروع می‌شد. سال به چهار فصل طبیعی بهار، تابستان، پاییز و زمستان تقسیم و به ۱۲ ماه ۳۰ روزه تقسیم می‌شد. خمسه‌ی مسترقله را در آخر اسفند اضافه کردند و هر چهار سال یا پنج سال یک روز را کبیسه و آن را ۳۶۶ روز حساب کردند. بنابراین هدف اصلی اصلاح گاه‌شماری در زمان جلال‌الدین ملک‌شاه تثبیت نوروز در آغاز بهار (اعتدال بهاری) بود. تقویم شمسی

ملکشاه مأمور اصلاح تقویم شدند. سرانجام پس از چهار سال تلاش منجمان به رهبری عمر خیام^۱ متوجه شدند که تقویم یزدگردی هجده روز از اول فروردین حقیقی جلو افتاده است؛ بنابراین آن را کبیسه کردند. می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی این تقویم این است که نخستین کبیسه به هنگام رسمیت بخشیدن این تقویم اعمال شد^۲. در این تقویم سال با اول فروردین

۱- دربارهی کسانی که در مجمع منجمان و اصلاح تقویم دخالت و حضور داشتند نظرات یکدستی وجود ندارد ولی بسیاری از افراد، اشخاصی چون عمر بن ابراهیم خیامی، ابوالمظفر اسفزاری، میمون بن نجیب واسطی، خواجه عبدالرحمن خازنی و برخی دیگر را نام برده‌اند.

۲- مبدأ این تقویم جمعه دهم رمضان سال ۴۷۱ هجری قمری مطابق با پانزدهم مارس ۱۰۷۹ میلادی است.

رایج در ایران براساس تقویم جلالی است. این تقویم یکی از دقیق‌ترین تقویم‌های جهان است. با چیرگی مغولان بر ایران نوعی گاه‌شماری به نام تقویم دوازده حیوانی^۱ در ایران رایج شد. این تقویم شمسی قمری است، یعنی سال آن شمسی و ماه‌های آن قمری ۲۹ یا ۳۰ شبانه‌روزی و دارای یک دوره‌ی ۱۲ ساله‌ی حیوانی است. پادشاهان صفوی و قاجار این تقویم را تقویم رسمی اعلام کردند. از سال ۱۳۰۴ هجری شمسی استفاده از آن منع و سال‌های تقویم دوازده حیوانی و معادل فارسی آن

۱- سچقان بیل	۱- موش
۲- اود بیل	۲- گاو
۳- بارس بیل	۳- پلنگ
۴- توشقان بیل	۴- خرگوش
۵- لوی بیل	۵- نهنگ
۶- بیلان بیل	۶- مار
۷- یونت بیل	۷- اسب
۸- قوی بیل	۸- گوسفند
۹- پیچی بیل	۹- میمون
۱۰- تغاقوی بیل	۱۰- مرغ
۱۱- ایت بیل	۱۱- سگ
۱۲- تنگوز بیل	۱۲- خوک

به کلی منسوخ شد. گفتنی است تقویم هجری قمری به‌عنوان تقویم دینی پا به پای این فراز و نشیب‌ها در ایران کاربرد داشته و دارد. بسیاری از متون تاریخی و اسناد این دوره با تقویم دوازده حیوانی و تقویم هجری قمری به‌صورت توأمان تاریخ‌گذاری شده است.

تقویم رسمی ایران هجری شمسی بر پایه‌ی تقویم جلالی است که به موجب قانون تاریخ ۱۱ فروردین ماه ۱۳۰۴ هجری شمسی^۲ رسمیت یافت. این قانون پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تثبیت شد. بر طبق این قانون مبدأ این تقویم هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه است و اسامی ماه‌ها برگرفته از ماه‌های ایرانی اوستایی است.

تبدیل تاریخ

پژوهشگران مسائل تاریخی همواره در مطالعات اسناد و مدارک تاریخی با تاریخ‌گذاری‌هایی مواجه می‌شوند که این تاریخ‌گذاری‌ها براساس تقویم‌های رایج زمان هر کشور ثبت شده‌اند.

۱- این تقویم به ترکی، مغولی، ختایی، غازانی و اُغوری نیز مشهور است. سازندگان این تقویم هر سال را به نام جانوری نامیدند و وقایع و حوادث آن سال را از طبع و خوی آن حیوان استنباط می‌کردند.

۲- برابر با ۱۳۴۴ (ه.ق) و ۱۹۲۵ میلادی

برخی روش‌های معروف تبدیل تاریخ عبارت است از :

۱- تبدیل سال هجری قمری به میلادی از طریق فرمول هارتر فرمول

(سال هجری قمری $\frac{۳۲}{۳۳} + ۶۲۲ =$ سال میلادی)
 مثال ۱: سال مورد نظر سال ۶۱ هجری قمری

$$۱) ۶۲۲ + \frac{۳۲}{۳۳} \times ۶۱ =$$

$$۲) ۶۲۲ + \frac{۳۲ \times ۶۱}{۳۳} =$$

$$۳) ۶۲۲ + \frac{۱۹۵۲}{۳۳} =$$

$$۴) ۶۲۲ + ۵۹/۱ = ۶۸۱/۱ \quad \text{میلادی}$$

سال مورد نظر ۶۸۱ است. (سال شهادت امام حسین (ع) در کربلا)

مثال ۲: سال مورد نظر ۱۳۵۸ هجری

قمری

$$۱) ۶۲۲ + (\frac{۳۲}{۳۳} \times ۱۳۵۸) =$$

$$۲) ۶۲۲ + \frac{۳۲ \times ۱۳۵۸}{۳۳} =$$

$$۳) ۶۲۲ + \frac{۴۳۴۵۶}{۳۳} =$$

$$۴) ۶۲۲ + ۱۳۱۶/۸ = ۱۹۳۸ + ۱ = ۱۹۳۹$$

توجه: حتماً به هنگام تقسیم، یک رقم اعشار می‌رویم. اگر ارقام اعشاری مازاد بر ۵/۰ باشد عدد ۱ را به سال به دست آمده اضافه می‌کنیم (مثال ۲) و اگر کمتر از ۵/۰ باشد، اعشار را حذف می‌کنیم. (مثال ۱) به دلیل این که در مثال (۲) رقم اعشاری مازاد بر ۵/۰ است عدد ۱ را به سال به دست آمده اضافه می‌کنیم. بنابراین سال به دست آمده ۱۹۳۹ میلادی است.

۲- تبدیل سال میلادی به هجری قمری از طریق فرمول هارتر فرمول

$$\text{(سال میلادی - ۶۲۲)} \times \frac{۳۳}{۳۲} = \text{سال هجری قمری}$$

مثال: سال مورد نظر ۱۸۱۲ میلادی

$$۱) \frac{۳۳}{۳۲} (۱۸۱۲ - ۶۲۲) =$$

$$۲) \frac{۳۳}{۳۲} (۱۱۹۰) =$$

$$۳) \frac{۳۳ \times ۱۱۹۰}{۳۲} =$$

$$۴) \frac{۳۹۲۷۰}{۳۲} = ۱۲۲۷/۱$$

چون رقم اعشاری کمتر از ۵/۰ است بنابراین به حساب نمی‌آید و حذف می‌شود. بنابراین سال مورد نظر ۱۲۲۷ هجری قمری است.

جدول (۱)

تبدیل روز و ماه و سال هجری شمسی به روز و ماه و سال میلادی	
اول فروردین = ۲۱ مارس	برابر با سومین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول اردیبهشت = ۲۱ آوریل	برابر با چهارمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول خرداد = ۲۲ مه	برابر با پنجمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول تیر = ۲۲ ژوئن	برابر با ششمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول مرداد = ۲۳ ژوئیه	برابر با هفتمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول شهریور = ۲۳ اوت	برابر با هشتمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول مهر = ۲۳ سپتامبر	برابر با نهمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول آبان = ۲۳ اکتبر	برابر با دهمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول آذر = ۲۲ نوامبر	برابر با یازدهمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول دی = ۲۲ دسامبر	برابر با دوازدهمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول بهمن = ۲۱ ژانویه	برابر با اولین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول اسفند = ۲۰ فوریه	برابر با دومین ماه سال میلادی در سال‌های عادی ۲۸ روز و در سال‌های کبیسه ۲۹ روز دارد.

جدول (۲)

تبدیل روز، ماه و سال میلادی به روز، ماه و سال هجری شمسی	
اول ژانویه برابر با ۱۱ دی	
اول فوریه برابر با ۱۲ بهمن	
اول مارس برابر با ۱۰ اسفند (در سال کبیسه ۱۱ اسفند)	
اول آوریل برابر با ۱۲ فروردین	
اول مه برابر با ۱۱ اردیبهشت	
اول ژوئن برابر با ۱۱ خرداد	
اول ژوئیه برابر با ۱۰ تیر	
اول اوت برابر با ۱۰ مرداد	
اول سپتامبر برابر با ۱۰ شهریور	
اول اکتبر برابر با ۹ مهر	
اول نوامبر برابر با ۱۰ آبان	
اول دسامبر برابر با ۱۰ آذر	

اقتباس از کتاب فریداندو وستنفلد و ادوارد ماهلر؛ تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله‌ی هجری قمری و میلادی با مقدمه و تجدیدنظر از دکتر حکیم‌الدین قریشی.



✓ تبدیل روز و ماه و سال هجری شمسی به روز و ماه و سال میلادی از طریق جدول (۱)
مراحل کار عبارتند از:

۱- ابتدا به جدول (۱) مراجعه کنید و معادل اول ماه شمسی را پیدا کنید.
۲- دقت کنید که تاریخ موردنظر شمسی مربوط به کدام قسمت از سال شمسی است یعنی قبل از ۱۱ دی یا بعد از ۱۱ دی ماه است؟

۳- در صورتی که تاریخ موردنظر شمسی بین اول فروردین و ۱۱ دی باشد سال شمسی را با عدد ۶۲۱ جمع می‌کنیم. عدد به‌دست آمده سال میلادی است.

۴- در صورتی که تاریخ موردنظر شمسی بین ۱۱ دی و ۲۹ یا ۳۰ اسفند بود سال ۶۲۲ را با سال شمسی جمع می‌کنیم. عدد به‌دست آمده سال میلادی است.

مثال: ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ هجری شمسی برابر با کدام روز، ماه و سال میلادی است؟

۱- اول بهمن مطابق با ۲۱ ژانویه است.

۲- ۲۲ بهمن مطابق با ۱۱ فوریه است.

۳- چون ۲۲ بهمن بین ۱۱ دی و ۲۹ یا ۳۰ اسفند قرار دارد، بنابراین به تاریخ شمسی موردنظر عدد ۶۲۲ می‌افزاییم.

$$۱۳۵۷ + ۶۲۲ = ۱۹۷۹$$

بنابراین ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ برابر است با ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ میلادی

✓ تبدیل روز، ماه و سال میلادی به روز، ماه و سال هجری شمسی از طریق جدول

شماره‌ی (۲)

مراحل کار به‌ترتیب ذیل انجام می‌شود.

۱- اگر سال میلادی موردنظر، بین اول ژانویه تا ۲۰ مارس باشد، عدد ۶۲۲ را از سال میلادی کم می‌کنیم عدد به‌دست آمده سال شمسی است.

۲- اگر سال میلادی موردنظر، بین ۲۱ مارس تا ۳۱ دسامبر قرار داشته باشد، عدد ۶۲۱ را از سال میلادی کم می‌کنیم.

مثال: ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی برابر با کدام روز، ماه و سال هجری است؟

۱- اول اوت برابر است با ۱۰ مرداد
 ۲- ۵ اوت برابر است با ۱۴ مرداد
 ۳- از آنجا که تاریخ موردنظر میلادی بین ۲۱ مارس تا ۳۱ دسامبر قرار دارد عدد ۶۲۱ را از سال میلادی کم می‌کنیم.

$$۱۹۰۶ - ۶۲۱ = ۱۲۸۵$$

بنابراین، ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی برابر است با ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی

✓ روش تبدیل سال هجری قمری به

سال هجری شمسی

۱- سال هجری قمری موردنظر را در عدد ۱۱ ضرب می‌کنیم.

۲- سپس حاصل ضرب را بر عدد ۳۶۵ تقسیم می‌کنیم.

۳- نتیجه‌ی به‌دست آمده را از سال قمری موردنظر کم می‌کنیم. سال به‌دست آمده سال هجری شمسی است.

مثال: سال ۱۲۶۸ هجری قمری برابر با

کدام سال هجری شمسی است؟

$$۱) ۱۲۶۸ \times ۱۱ = ۱۳۹۴۸$$

$$۲) ۱۳۹۴۸ \div ۳۶۵ = ۳۸$$

$$۳) ۱۲۶۸ - ۳۸ = ۱۲۳۰$$

بنابراین سال ۱۲۶۸ هجری قمری برابر

است با سال ۱۲۳۰ هجری شمسی.

روش تبدیل سال هجری شمسی به

سال هجری قمری

۱) سال شمسی موردنظر را در عدد ۱۱

ضرب می‌کنیم

۲) حاصل ضرب را بر عدد ۳۵۴ تقسیم

می‌کنیم

۳) سپس عدد به دست‌آمده را به سال

شمسی اضافه می‌کنیم.

مثال: سال ۱۳۲۰ هجری شمسی برابر

با کدام سال هجری قمری است؟

$$۱) ۱۳۲۰ \times ۱۱ = ۱۴۵۲۰$$

$$۲) ۱۴۵۲۰ \div ۳۵۴ = ۴۱$$

$$۳) ۱۳۲۰ + ۴۱ = ۱۳۶۱$$

بنابراین سال ۱۳۲۰ هجری شمسی برابر

است با سال ۱۳۶۱ هجری قمری



ابوریحان بیرونی
 دانشمند ایرانی از
 نخستین کسانی
 است که درباره‌ی
 گاه‌شماری و نجوم
 تحقیقاتی انجام داد.



حساب جُمَّل و «ماده تاریخ» چیست؟

از قدیم الایام منجمین و تقویم نویسان برای ثبت بسیاری از اطلاعات نجومی و تقویمی ناچار بودند برای بسیاری از موضوعات موجود در تقویم علائم اختصاری قرار دهند، زیرا دفترهای تقویم گنجایش این همه اطلاعات را نداشت و برای این منظور برای هر یک از حروف الفبای عربی ارزش عددی ایجاد کردند. این حروف در اصطلاح نجومی «جُمَّل» و یا «حروف تقویمی» نام دارد. این حروف به شیوه‌ی الفبای فینیقی نوشته می‌شود و هرکدام ارزش عددی واحدی دارد. به جدول صفحه‌ی بعد توجه کنید.

این گونه نوشتن حروف را الفبای «ابجد» خواندند و برای سهولت در حفظ کردن آن به شکل زیر خوانده می‌شود «أَبْجَد، هَوَز، حُطی، کَلِمَن، سَعْفَص، قَر شَت، ثَخَذ، ضَطْع» ماده تاریخ: یکی دیگر از کاربردهای حساب ابجد تنظیم ماده تاریخ بود. ماده تاریخ، کلمه، جمله، بیت و یا مصراعی است که مجموع حروف آن به حساب ابجد مطابق با تاریخ واقعه‌ای تاریخی یا رویدادی خاص باشد. مثل سال جلوس، وفات، فتح یک شهر و ... نویسندگان بسیاری از متون با ارزش ادبی و تاریخی ما ایرانیان، از زمان‌های دور برای ذکر زمان یک رویداد، از «ماده تاریخ» استفاده می‌کردند. بنابراین پژوهشگران تاریخ برای درک و شناسایی زمان این رویدادها، الزاماً باید با اصول این فن آشنایی داشته باشند.

توجه داشته باشید که برای به دست آوردن سال مورد نظر باید ارزش عددی حروف آن کلمه یا قطعه شعر را با هم جمع کنید.

مثال:

شاه عالم پناه اسماعیل	تا شده مهر در نقاب شده
رفت خورشید و «ظل» شدش تاریخ	سایه تاریخ آفتاب شده

این «ماده تاریخ» نشانگر سال وفات شاه اسماعیل اول صفوی است. زیرا مجموع

ارزش عددی دو حرف «ظ» (۹۰۰) + ل (۳۰) « سال ۹۳۰ هجری قمری است.

(۸)	(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	ارزش عددی و	
ح	ز	و	هـ	د	ج	ب	ا	ترتیب حروف ابجد	
(۹۰)	(۸۰)	(۷۰)	(۶۰)	(۵۰)	(۴۰)	(۳۰)	(۲۰)	(۱۰)	(۹)
ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	ط
(۱۰۰۰)	(۹۰۰)	(۸۰۰)	(۷۰۰)	(۶۰۰)	(۵۰۰)	(۴۰۰)	(۳۰۰)	(۲۰۰)	(۱۰۰)
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق

پرسش‌های نمونه



- ۱- مهم‌ترین مبادی تقویم در جهان را نام برده و به اختصار شرح دهید.
- ۲- مهم‌ترین کاربرد تقویم توسط دولت‌ها و ملت‌ها در گذشته چه بود؟
- ۳- قبل از داریوش اول چه نوع تقویمی در ایران رایج بود و چه ویژگی‌هایی داشت؟
- ۴- در دوره‌ی ساسانیان چه نوع گاه‌شماری رایج بود؟ شرح دهید.
- ۵- روز، ماه و سال تولد خود را به روز و ماه و سال میلادی تبدیل کنید و سپس سال میلادی به دست آمده را به سال هجری قمری تبدیل کنید.

اندیشه و جست‌وجو



- ۱- با راهنمایی دبیران محترم ادبیات و تاریخ، سه «ماده تاریخ» را از متون ادبی و یا تاریخی استخراج کنید و در کلاس ارائه دهید.
- ۲- در مصرع ذیل «ماده تاریخ» وفات حافظ آمده است؛ آن را استخراج کنید.
- ۳- بجزو تاریخش از «خاک مصلی»
- ۳- آیا می‌توانید برای سال تولد خود یک «ماده تاریخ» بسازید؟

جغرافیا بستر تحولات تاریخی



از ابعاد حیات اجتماعی زندگی گذشته‌ی انسان آماده‌تر می‌کند. بازدید یک شهر و مشاهده‌ی آثار و بناها، بازار، میدین و محلات قدیمی، خود راهی برای ورود به زندگی ساکنان گذشته‌ی آن است و مورخان را برای فهم عمیق‌تر و بازسازی دقیق‌تر گذشته‌ها آماده می‌کند.

در این درس به بررسی یکی دیگر از بنیادها و ارکان علم تاریخ، یعنی مکان می‌پردازیم. بررسی و مطالعه‌ی بستر جغرافیایی رویدادها، یعنی مکان، در پژوهش‌های تاریخی اهمیت بسیار دارد؛ زیرا هر واقعه‌ی تاریخی در بستری جغرافیایی رخ می‌دهد. مطالعه و مشاهده‌ی دقیق محل و مکان وقوع رویدادها، مورخان را برای درک بسیاری

انسان و محیط جغرافیایی

زمینی که ما بر روی آن زندگی می‌کنیم آب و هوا و ویژگی‌های جغرافیایی گوناگونی دارد. مثلاً از نظر آب و هوا، کره‌ی زمین به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود که عبارتند از: ۱- آب و هوای گرم (گرم استوایی، گرم مداری و گرم بیابانی)، ۲- آب و هوای منطقه‌ی معتدل (مدیترانه‌ای، اقیانوسی، برّی) ۳- آب و هوای منطقه‌ی سرد (سرد قطبی و کوهستانی). هر کدام از این مناطق از نظر پوشش گیاهی و جانوری، جنس زمین، پراکندگی جمعیت، منابع طبیعی و معدنی، ناهمواری‌ها و... با هم متفاوتند. در این سرزمین‌ها، انسان‌هایی زندگی می‌کنند که برای ادامه‌ی حیات خود در حال تعامل با محیط خود هستند. هر کدام از این محیط‌ها با توجه به ویژگی‌های خاص خود، بر زندگی ساکنان خود تأثیر می‌گذارند. جغرافیای انسانی به تأثیرات متقابل انسان و محیط بر یکدیگر می‌پردازد. محیط جغرافیایی از بدو خلقت انسان، بر زندگی و فعالیت‌های او تأثیر داشته است؛ گرچه با توسعه‌ی علم و فن‌آوری در عرصه‌های مختلف، به تدریج از تأثیرات محیط جغرافیایی بر زندگی انسان تا حدودی کاسته شده اما هیچ‌گاه این تأثیر از بین نرفته است. برخی از

جغرافی دانان در تأکید بر نقش عامل محیط بر زندگی اجتماعی انسان تا آن جا پیش رفته‌اند که منکر نقش عامل انسان در تغییر و دگرگونی محیط طبیعی شده‌اند.^۱ پدیده‌های جغرافیایی مانند رودخانه‌های نیل، دجله و فرات، سند، کارون و... همواره جمعیت‌های فراوانی را در کرانه‌های خود جذب کرده و در ظهور تحولات بزرگ تاریخی و تمدنی نقش فراوانی ایفا کرده‌اند. زندگی ایلی و اقتصاد مبتنی بر دامداری و کوچ‌نشینی در مکان‌هایی توسعه یافته‌اند که دارای مراتع سرسبز و چراگاه‌های وسیع و باران کافی بودند. سواحل مناسب دریاها، موجب توسعه‌ی اقتصاد مبتنی بر تجارت دریایی و صیادی شده است. ظهور تمدن‌های دریایی مانند تمدن فنیقی، یونانی و کارتاژی مستقیماً به نقش دریاها و سواحل مناسب آن بستگی داشته است. توسعه‌ی زندگی صحراگردی و تکیه بر زندگی عشیره‌ای و قبیله‌ای ناشی از شرایط آب و هوایی مناطق گرم و خشک است. در میان عوامل طبیعی تأثیرگذار بر زندگی انسانی، نقش آب و هوا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با نگاهی به نقشه‌های پراکندگی جمعیت، درمی‌یابیم که مناطق پرجمعیت دنیا که در واقع قطب‌های انبوه تراکم جمعیت هستند در نیم کره‌ی شمالی

۱- راتزل (Fridrich Rotzel) جغرافی‌دان آلمانی و بنیانگذار جغرافیای انسانی به جبر جغرافیایی یا دترمینیسم (Determinism)

که همان تأثیر قاطع محیط بر زندگی انسان است معتقد بود.

دریاهای پهناور، رودخانه‌های یخ‌زده، صحراهای سوزان و بی‌آب و علف، مرداب‌ها و باتلاق‌ها و دره‌های عمیق، جریان ارتباطات بین جوامع را در گذشته کُند و یا در پاره‌ای از موارد متوقف می‌ساخت و برخی از جوامع را در انزوا و دور از تحولات فرهنگی و تمدنی نگاه می‌داشت. به تصاویر این صفحه و صفحه‌ی بعد توجه کنید.



قرار گرفته‌اند^۱ و از سویی مناطقی از جهان به علت وضعیت نامساعد جغرافیایی و آب و هوایی خالی از سکنه باقی مانده‌اند. زیرا انسان همواره از گرمای شدید و طاقت فرسا و سرمای خشن و گزنده‌گريزان است. برخی از جغرافی‌دانان و مورخان بین ظهور تمدن‌های باستانی مصر، یونان، روم و ایران باستان و وضعیت آب و هوایی آن‌ها نوعی ارتباط قائل هستند^۲. هانتینگتن^۳ معتقد است، در بین عوامل طبیعی مؤثر بر زندگی انسان، شرایط آب و هوا در رشد و شکوفایی تمدن‌ها نقش اساسی و مهم ایفا کرده است. به جز شرایط آب و هوا، وضعیت جغرافیایی سرزمین‌ها در ایجاد ارتباط با سرزمین‌های دیگر تأثیرگذار بوده‌اند. به عنوان نمونه برخی از عوامل طبیعی مانند، رودهای قابل کشتیرانی، گذرگاه‌های کوهستانی، جلگه‌ها و دشت‌های باز و رشته‌کوه‌های کم‌ارتفاع، همواره باعث تسهیل ارتباطات بین جوامع و گاه وقوع رویدادهای مهم تاریخی نظیر مهاجرت‌ها و جنگ‌ها و با ظهور تمدن‌ها شده‌اند. و از سویی دیگر، پاره‌ای از عوامل جغرافیایی مانند، رشته‌کوه‌هایی که عبور از آن بسیار دشوار بود، اقیانوس‌ها و

۱- مانند آسیای شرقی (چین، ژاپن و کره) و آسیای جنوب و جنوب شرقی (هند، پاکستان، بنگلادش و ...) و اروپای مرکزی و غربی و ایالات متحده‌ی آمریکا تماماً در نیم‌کره‌ی شمالی قرار گرفته‌اند.
 ۲- این جغرافی‌دانان معتقدند درجه حرارت سالیانه‌ی محل پیدایش این تمدن‌ها در آن دوران در وضعیت بسیار مطلوب قرار داشته است.

جغرافی‌دان مشهور آمریکایی Hantington - ۳

پیوند جغرافیا و تاریخ

یکی از بنیادی‌ترین سؤالات مورخان در بررسی یک رویداد، آگاهی از مکان وقوع آن است، زیرا همواره رویدادهای تاریخی در برشی از زمان و در صحنه‌ای به نام مکان ظهور پیدا می‌کنند. پیشینه‌ی پیوند تاریخ و جغرافیا به زمان‌های بسیار دور بازمی‌گردد. هرودوت مورخ مشهور یونانی که عنوان پدر تاریخ را به او داده‌اند، به منظور تألیف اثر تاریخی خود بسیاری از سرزمین‌ها را از نزدیک مشاهده کرد. او برای مشاهده‌ی بستر جغرافیایی رویدادهای تاریخی مورد نظر خود به سفر پرداخت.

هم‌چنین بسیاری از مورخان مسلمان چون مسعودی برای تألیف آثار خود برای مشاهده‌ی محل وقوع رویدادهای تاریخی و درک و فهم بهتر وقایع، دست به مسافرت‌های دور و درازی زدند. آنان به اهمیت مکان در بررسی‌های تاریخی توجه داشتند و به همین دلیل آثار برجای مانده از آن‌ها، ترکیبی از تاریخ و جغرافیا است.



ابن خلدون مورخ برجسته‌ی تونس‌ی در قرن نهم هـ. از نخستین مورخان است که درباره‌ی تأثیر جغرافیا در جریان‌های تاریخی و حتی خلق و خوی آدمیان اظهار نظر کرده است.

اطلاعات جغرافیایی به دلایل گوناگون مورد توجه فرمانروایان کشورها و تجار و ... بوده است. برخی از این دلایل عبارتند از:

۱- آگاهی از موقعیت جغرافیایی سرزمین‌های دور و نزدیک و سرزمین‌های تحت سلطه، مانند وضعیت چراگاه‌ها، مراتع و آب و هوای سرزمین‌ها، جهت اداره‌ی قلمرو حکومت، نظیر تعیین مالیات و خراج.

۲- اطلاع از گذرگاه‌ها، تنگه‌ها و کمین‌گاه‌های نظامی، منابع آب و آذوقه، استحکامات شهری به منظور اهداف نظامی و سیاسی.

۳- آگاهی از شبکه‌ی راه‌های زمینی و دریایی جهت انجام امور تجاری و اقتصادی و حتی برخی از ضرورت‌های دینی نظیر زیارت اماکن مقدس و علم‌آموزی و آگاهی از فرآورده‌های صنعتی و کشاورزی ممالک دیگر جهت توسعه مرادات تجاری و ...

امروزه مورخ سعی می‌کند تاریخ را با توجه به محل وقوع رخدادها، بازسازی کند. بسیاری از ابعاد تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی با مطالعه‌ی مکان وقوع حوادث روشن و مشخص خواهند شد. بازسازی تاریخ براساس اسناد و مدارک با مشاهده و بازرسی عرصه‌ی وقوع حوادث، یعنی مکان، کامل‌تر و دقیق‌تر صورت خواهد گرفت. در بررسی تاریخ یک کشور، تنها با مطالعه‌ی رویدادهای تاریخی محض به شناخت دقیق و فهم درستی از گذشته نایل نمی‌شویم. بلکه زمانی این امر میسر می‌شود که در کنار مطالعه‌ی رویدادها به بررسی موقعیت مکانی و جغرافیایی آن نیز بپردازیم. شهرها، پایتخت‌ها، راه‌های ارتباطی، مناطق مهم نظامی، (مثل گذرگاه‌ها و تنگه‌ها) باید به دقت مشاهده و توصیف شوند.

کتاب‌های مسالک و ممالک



مسالک در لغت به معنی راه‌ها و ممالک به معنی کشورها و سرزمین‌ها و ولایات است. المسالک و الممالک (راه‌ها و کشورها) عنوان برخی از کتب جغرافیایی است که توسط جغرافی‌دانان مسلمان ایرانی و عرب به زبان عربی تألیف شده‌اند. مانند کتاب المسالک و الممالک ابن خردادبه و یا کتاب المسالک و الممالک ابن حوقل و ... که حاوی اطلاعات جغرافیایی و تاریخی سرزمین‌ها و راه‌های آن‌ها است.



ویرانه‌های شهر موسوم به «شهر غُغله» در سیستان قدیم که اینک در خاک افغانستان قرار دارد. این تصویر به خوبی تأثیر عوامل طبیعی (ماسه روان) را بر ویرانی مناطق مسکونی نشان می‌دهد.

اهمیت نظامی آن حتی نقش بازرگانی آن را تحت الشعاع قرارداد و امروزه با کشف ذخیره‌های عظیم نفت در جزایر، سواحل و بستر آب‌های آن، اهمیت آن به شدت افزایش یافته است. مطالعه‌ی سیر تاریخ استعمار در ایران بیانگر این حقیقت است که، حضور استعمارگران در ایران با موقعیت جغرافیایی ممتاز خلیج فارس گره خورده است.

جغرافیای تاریخی^۲

بررسی و مطالعه‌ی تاریخ در عرصه‌ی

در بررسی تاریخ سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران، توجه به پدیده‌های جغرافیایی نظیر شبکه‌های راه‌ها، (مثل راه ابریشم^۱) گذرگاه‌ها و آبراه‌های مهم مانند خلیج فارس اهمیت فراوانی دارد. آبراه‌ها همواره بستری برای انتقال و مبادله‌ی دستاوردهای مادی و معنوی بشر بوده‌اند و در میان آن‌ها خلیج فارس نقشی ممتاز در تاریخ دارد. با شروع دریانوردی و تجارت دریایی، خلیج فارس نقش جهانی یافت و به یکی از گذرگاه‌های مهم ارتباطی اروپا با آسیا تبدیل شد و بعد از چندی

۱- راه ابریشم جاده‌ای بود که چین شرقی را به دریای مدیترانه پیوند می‌داد و از شهرهای مهمی از ایران نظیر ری و از جنوب شرقی دریای خزر عبور می‌کرد. این راه شرق دور را به اروپا پیوند می‌داد. کالاهای گرانبها و نفیس شرقی نظیر ابریشم، ادویه، جواهرات و سنگ‌های قیمتی از این راه به اروپا حمل می‌شد. اما از آن‌جا که ابریشم شرقی طرفداران زیادی در مغرب زمین داشت به جاده‌ی ابریشم شهرت یافته است. تا زمان فتح ایران به دست اعراب مسلمان، تجارت عمده و اصلی ابریشم مشرق زمین را تجار ایرانی اداره می‌کردند. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به مصاحب، غلامحسین، دایرة‌المعارف فارسی، جلد اول، امیرکبیر، ۱۳۸۱، صفحه‌ی ۷۱۷.

۲- Historical geography

جغرافیای آن به عهده‌ی علمی به نام جغرافیای تاریخی است. تاریخ علم بازسازی گذشته‌ی اجتماعی انسان و جغرافیای تاریخی به منزله‌ی بازسازی گذشته‌ی جغرافیایی محسوب می‌شود. گذشته‌ای که آثار آن ممکن است هم‌اکنون وجود نداشته و یا از دید ما پنهان باشد. و به عبارت دیگر جغرافیای تاریخی علمی است که محل دقیق حوادث و رویدادها، و تأثیر مداخلات انسان در محیط طبیعی و تأثیر محیط بر زندگی انسان را در گذشته مورد مطالعه قرار می‌دهد. روزه دیون^۱ جغرافی‌دان فرانسوی می‌گوید: «جغرافیای تاریخی نوعی جغرافیای انسانی است که به گذشته توجه دارد.» بنابراین جغرافیای تاریخی هر نوع مسئله مربوط به جغرافیای انسانی را در گذشته مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد. امروزه در جهان به ویژه در برخی از کشورهای اروپایی نسبت به جغرافیای تاریخی رویکردی جدید در حال شکل‌گیری است و برای بازسازی جغرافیایی گذشته مطالعات وسیعی طرح‌ریزی شده است تا از این طریق، سهم محیط جغرافیایی را در رویدادهای تاریخی به‌خوبی اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل نمایند. مثلاً متخصصان جغرافیای تاریخی شهری به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی از

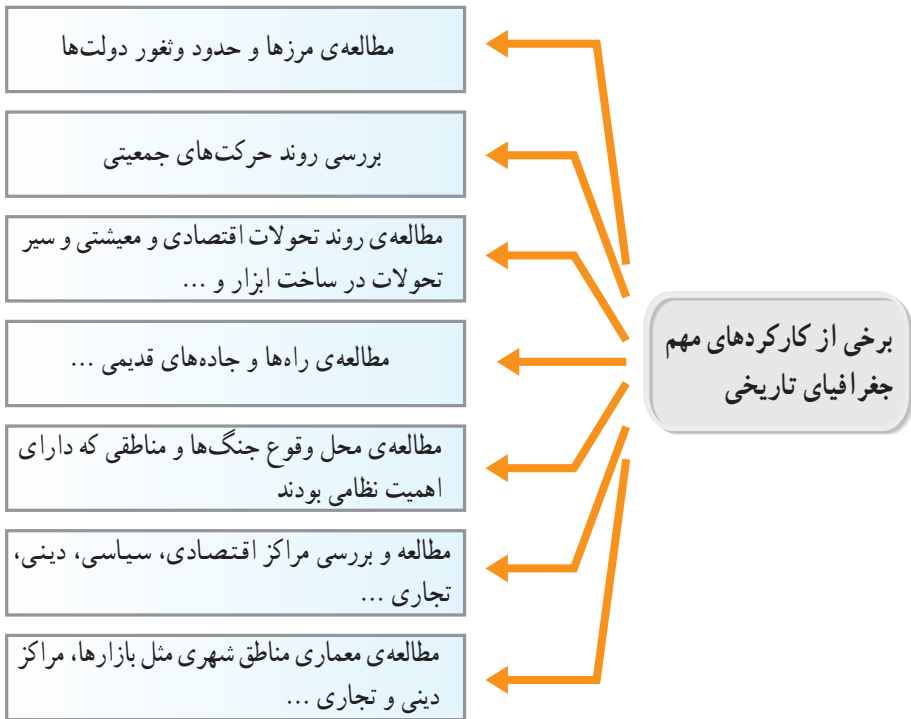
این قبیل هستند : ۱- چرا در دوره‌ی ایلخانان مراغه به عنوان پایتخت انتخاب شده است؟ ۲- علت رشد و رونق اقتصادی و یا رکود آن در گذشته چه بوده است؟ ۳- آیا این شهر دژی نظامی محسوب می‌شده است؟ ۴- مراکز صنعتی، فرهنگی و اقتصادی آن در فلان دوره در چه مناطقی قرار داشته است و

دامنه‌ی مطالعات جغرافیای تاریخی بسیار گسترده است. مطالعه‌ی مرزها و حدود و نفوذ دولت‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی، بررسی روند حرکت‌های جمعیتی مثل مهاجرت‌های بزرگ اقوام، مطالعه‌ی روند تحولات اقتصادی و معیشتی و بررسی جریان تولید و سیر تحولات در ساخت ابزار و فن‌آوری در عرصه‌های صنعت و کشاورزی در قلمرو مطالعات این رشته قرار دارد. حتی مطالعه‌ی راه‌ها و جاده‌های قدیمی و مطالعه‌ی مردمانی که از این جاده عبور می‌کردند. مانند تجار و بازرگانان، نظامیان، زائران، مبلغان مذهبی، چاپارها و بررسی اشیاء و اجناس و کالاهای تجارتی که در این جاده‌ها حمل و نقل می‌شده، یکی دیگر از موضوعات مطالعات این رشته است. مطالعه و بررسی محل وقوع جنگ‌ها و مناطقی که از لحاظ نظامی اهمیت داشته‌اند مانند دره‌ها، گذرگاه‌های طبیعی، قلعه‌ها و برج‌ها و

بررسی مکان‌هایی که از نظر اقتصادی و سیاسی و دینی در گذشته مهم بوده‌اند، مانند بندرها، رودها و دریاها، شاهراه‌های تجارتي، چاپارخانه‌ها، شهرها، پایتخت‌ها، پل‌ها، مساجد، خانقاه‌ها، کلیساها، دیرها و معابد، همه از مواردی هستند که بازسازی گذشته را به صورت دقیق‌تر میسر می‌سازند.

مرزها پدیده‌ای جغرافیایی و تاریخی
یکی از موضوعاتی که در مطالعات

تاریخی و به‌ویژه در جغرافیای تاریخی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد مسئله‌ی مرز است. در جغرافیای تاریخی مرز به عنوان عنصری زنده و پویا و در مواقعی مخاطره‌آمیز که موجب جنگ‌های فراوانی در طول تاریخ شده است، بررسی می‌شود. در گذشته مفهوم مرز به شکل امروزی وجود نداشت. هنگامی که کلمه‌ی مرز را در رابطه با تاریخ زمان‌های گذشته به کار می‌بریم، منظور ما «سرحدات» و «حدود و ثغور» است^۱. چرا که مرز کلمه‌ای



۱- به عنوان مثال دولت ساسانیان در بین‌النهرین حیره را به عنوان منطقه‌ی سرحدی میان خود و روم شرقی قراردادند و دولت روم شرقی نیز غسان را در شامات به عنوان منطقه‌ی سرحدی با ایران تأسیس کرد.

است که در دوره‌ی معاصر به ادبیات سیاسی و نظامی ما وارد شده است و در گذشته به جای این کلمه از سرحدات و حدود و ثغور استفاده می‌شد. به مرور زمان شیوه‌ی سرحدداری در جهان به شیوه‌ی مرزداری تبدیل شد. در آغاز مرزها و سرحدات به مفهوم اولیه‌ی خود، شکل طبیعی داشت نه مصنوعی. دریاها و رودها تا مدت‌ها از نمونه‌های مشخص و عینی مرز طبیعی بودند. جنگل‌ها و مرداب‌ها و صحراها، مکان‌های خالی از انسان بودند که میان اجتماعات انسانی فاصله می‌انداختند. در آن سوی این حصارها و مناطق خالی از سکنه، سرزمین‌هایی قرار داشت که در آن حکومت‌ها و دولت‌ها شکل گرفته بود. در درون هر کدام از این واحدهای سیاسی و اجتماعی کوچک و بزرگ گاه مرزهای داخلی وجود داشت که قلمرو حکومت‌های محلی و منطقه‌ای را مشخص

می‌ساخت.

مورخان با مطالعه‌ی مرزها، به بررسی و شناسایی بسیاری از عوامل می‌پردازند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- ۱- بررسی ریشه‌ی جنگ‌های برخی از اقوام و ملت‌ها در گذشته و نیز بررسی قراردادهای مرزی بین کشورها؛
- ۲- راه‌های نفوذ و عبور سپاهیان و محل وقوع جنگ‌ها در مناطق سرحدی و مرزی و شناسایی مراکز نظامی، پادگان‌ها، دژها، استحکامات و ... که در مناطق مرزی کشورها ایجاد شده‌اند؛
- ۳- نقش قدرت سیاسی و نظامی حکومت‌ها و یا خلع آن‌ها در تعیین خطوط مرزی در سلسله‌های تاریخی گذشته و نیز کشف و شناسایی خطوط مرزی در دوره‌های مختلف تاریخی.

فکر کنید و پاسخ دهید



به جز موارد فوق آیا موضوعات دیگری نیز در مطالعات و بررسی‌های مرزها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند؟ به چند مورد اشاره کنید.

نقشه‌های تاریخی

جغرافیای تاریخی صورت می‌گیرد، سرانجام به تهیه و تدوین نقشه‌ها و اطلس‌های^۱ تاریخی

مطالعات و پژوهش‌هایی که در عرصه‌ی

۱- اطلس به کتابی گفته می‌شود که شامل نقشه‌ها، تصاویر، نمودار، جدول، و یک سلسله اطلاعات دیگر درباره‌ی یک

موضوع و رشته‌ی خاص است. مانند اطلس جغرافیایی، اطلس تاریخی و ...



مدرک تاریخی مورد توجه مورخان قرار می‌گیرد.

نقشه‌ی تاریخی حاصل کار مورخان و مؤسسات نقشه‌نگاری در دوره‌ی کنونی است که از طریق بررسی و مطالعه‌ی جامع و دقیق اسناد و منابع تاریخی به دست می‌آید و علت توجه مورخان به تهیه و تنظیم نقشه‌های تاریخی بیشتر به جهت فراوانی نسبی اطلاعات موجود در آن است. اطلاعات موجود در نقشه‌های تاریخی بیشتر کمیت‌های سیاسی و نظامی را در برمی‌گیرد و چنین نقشه‌هایی از ارائه‌ی اطلاعات و اخبار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی

می‌انجامد. با پیشرفت روش‌ها و تکامل شیوه‌های پژوهش در تاریخ در دو قرن اخیر، مورخان به اهمیت و استفاده از نقشه‌هایی برده‌اند. به طوری که در آثار تاریخی تألیف شده این دوره نقشه‌هایی از دوره‌های مختلف تاریخی تهیه و ترسیم شده است. مراجعه به نقشه‌های تاریخی به تاریخ‌پژوهان کمک می‌کند تا با مشاهده‌ی تاریخ برگستره‌ی جغرافیایی آن ناآل شوند. توجه داشته باشید که، نقشه‌های تاریخی با نقشه‌های قدیمی متفاوت است. مثلاً نقشه‌ای که از شهر اصفهان در دوره‌ی شاه عباس اول تهیه شده است، نقشه‌ای قدیمی است و تنها به عنوان یک سند و

و بسیاری دیگر از جلوه‌های حیات اجتماعی انسان در گذشته ناتوان هستند؛ اما با مطالعات دقیق و موشکافانه‌ی مورخان و پژوهشگران در

عرصه‌ی جغرافیای تاریخی به مرور این گونه نقشه‌ها کامل‌تر و غنی‌تر می‌شوند.

فکر کنید و پاسخ دهید



در کلاس با همکاری دبیر خود نقشه‌ی تاریخی دوره‌ی سامانیان را با عصر صفویان مقایسه کنید. چه برداشتهایی از این مقایسه دارید؟ در چند سطر بنویسید.

برخوردهای نظامی، مناطق استراتژیک، شبکه‌ی راه‌ها، مراکز فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یک دوره تاریخی بازشناخته و با سهولت بیشتری بررسی می‌شوند.

۴- یکی از راه‌های درک بصری رویدادهای تاریخی استفاده از نقشه‌های تاریخی است. نقشه‌های تاریخی ابزار سودمند در آموزش تاریخ محسوب می‌شوند، زیرا استفاده از آن‌ها در آموزش سلسله‌ها و دوره‌های حکومتی، دانش‌آموزان و دانشجویان را آماده می‌کند تا مفاهیم و موضوعات تاریخی را در فضای جغرافیایی و در بستر مکان بهتر درک کنند.

نقشه‌های تاریخی به عنوان ابزاری سودمند به مورخان و معلمان تاریخ یاری می‌رسانند. برخی از این موارد عبارتند از:

۱- با مشاهده‌ی نقشه‌های تاریخی و بررسی قلمرو جغرافیایی و سیاسی یک سلسله، می‌توان به اقتدار و عظمت و اهمیت آن دوره و یا به ضعف و سستی آن پی برد.

۲- از طریق نقشه‌های تاریخی مقایسه‌ی دوره‌ها و سلسله‌های حکومتی از لحاظ وسعت قلمرو، پایتخت‌ها، شهرها، شبکه‌ی راه‌های تجاری و نظامی، خطوط مرزی و ... امکان پذیر می‌شود.

۳- از طریق نقشه‌های تاریخی، محل



نام خلیج فارس در نقشه جهان بطلمیوس



جغرافیای تاریخی خلیج فارس

خلیج فارس به واسطه‌ی اهمیت مهم جغرافیایی، تجاری، اقتصادی و نظامی خود یکی از کانون‌های اصلی تبادل فرهنگی در مشرق زمین محسوب می‌شود. کهن‌ترین نامی که از خلیج فارس وجود دارد «نارمَرتو»^۱ است که در کتیبه‌های آشوری برجای مانده است. در کتیبه‌ای که از داریوش اول پادشاه هخامنشی در تنگه‌ی سوئز در مصر برجای مانده، عبارت «درایه تیه هچا پارسا آئی تی»^۲ یعنی دریایی که از سرزمین پارس می‌رود یعنی همان خلیج فارس نام برده شده است. در دوره‌ی ساسانیان این دریای کهن را دریای پارس می‌گفتند. در بسیاری از منابع دست اول و قابل استناد یونانی و رومی نام خلیج فارس برده شده است. فلاویوس آریانوس^۳ (قرن دوم میلادی) در اثر خود به نام شرح سفرهای جنگی اسکندر خلیج فارس را «پرسیکون کای تاس»^۴ نوشته است که ترجمه‌ی آن خلیج فارس است. استرابن^۵ جغرافی دان نامی یونانی (قرن یکم میلادی) از خلیج فارس با همین عنوان یاد کرده است. بطلمیوس جغرافی دان بزرگ قرن دوم میلادی در اثر جغرافیایی بزرگ خود خلیج فارس را با عنوان «پرسیکوس سینوس»^۶ یاد کرده است. همچنین مورخ مشهور رومی قرن اول میلادی «کونین توس کورسیوس روفوس»^۷ خلیج فارس را به زبان لاتینی «آکواریوم پرسیکو»^۸ یعنی آبگیر فارس خوانده است. سپس اصطلاح «سینوس پرسیکوس» در بسیاری از زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه گردید و همه‌ی ملت‌های جهان این دریای ایرانی را به زبان خود، خلیج فارس می‌خوانند. در منابع جغرافیایی و تاریخی اسلامی، مورخان و جغرافی دانان بزرگ جهان اسلام خلیج فارس را با نام‌های «بحرفارسی» یا «البحرالفارسی» یا «الخلیج الفارس» یا «خلیج فارس» یاد کرده‌اند.^۹

۱- Narmaratu به معنی رود تلخ است.

۲- Draya tya hacha parsa aity

۳- Flavius Arrianus

۴- Persikon kaitas

۵- Strabon

۶- Persicus sinus

۷- Quintus curtius Rufus

۸- Aquarum persico

۹- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به مشکور، محمد جواد؛ نام خلیج فارس در طول تاریخ، بی تا، بی نا، صفحه‌ی ۷ و ۸.



پرسش‌های نمونه

- ۱- چه عوامل جغرافیایی در طول تاریخ موجب تسهیل ارتباطات و یا کندی و توقف آن بین جوامع شده‌اند؟
- ۲- چرا اطلاعات جغرافیایی مورد توجه فرمانروایان بود؟
- ۳- خلیج فارس از چه ابعاد گوناگونی از گذشته تاکنون حائز اهمیت است؟
- ۴- مهم‌ترین کارکردهای جغرافیای تاریخی چیست؟
- ۵- مورخان با مطالعه‌ی مرزها چه مسائلی را مورد بررسی قرار می‌دهند؟
- ۶- محدودیت نقشه‌های تاریخی چیست؟ شرح دهید.



اندیشه و جست‌وجو

- ۱- آیا به جز موارد مطرح شده در درس مورخانی را می‌شناسید که در آثار خود بر اهمیت بستر جغرافیایی رویدادهای تاریخی تأکید کرده باشند؟ در این باره تحقیق کنید و گزارشی در یک صفحه به کلاس ارائه دهید.
- ۲- در مورد جغرافیای تاریخی شهر و یا روستای محل زندگی خود گزارشی تهیه کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.
- ۳- یکی از کتاب‌های جغرافیای تاریخی نظیر المسالک والممالک تألیف ابن خردادبه یا صورة الارض تألیف ابن حوقل را از کتابخانه تهیه کنید و با کمک دبیر خود سابقه‌ی تاریخی نام خلیج فارس را با استفاده از آن بررسی کنید.

دنیای پر رمز و راز افسانه‌ها و حماسه‌ها



جنگ‌های ایرانیان با تورانیان

چه اندازه بازسازی آغاز تاریخ انسان، دشوار است و مورخان برای بازسازی گذشته‌های دور، از چه منابعی استفاده می‌کنند. یکی از این منابع افسانه‌ها و حماسه‌های رایج در میان ملت‌ها هستند که در این درس با آن‌ها آشنا می‌شوید.

افسانه و تاریخ

مشهور است که تاریخ از افسانه شروع می‌شود؛ یعنی ابتدای تاریخ، «افسانه‌ای» است. ایرانیان باستان عقیده داشتند که اولین انسان و نخستین فرمانروای روی زمین شخصی به نام

براساس آن‌چه تاکنون خوانده‌اید، تاریخ دانشی معرفی شد که دو رکن عمده‌ی آن زمان و مکان است. موضوع اصلی این دانش بررسی گذشته‌ی بشر و تحولات آن است. اما باید دید اندازه‌ی آگاهی‌های ما از گذشته چه قدر است؟ آیا ما درباره‌ی همه‌ی گذشته‌ی طولانی بشر، آگاهی‌های نوشته شده (مکتوبات) داریم؟ در این درس و درس‌های بعد با این موضوع آشنا می‌شوید که مورخان چگونه به بازسازی گذشته می‌پردازند و برای این کار از چه ابزارهایی بهره می‌برند. نیز با این نکته آشنا خواهید شد که تا

کیومرث بوده است. چینی‌های باستان بر این باور بودند که اولین انسان پان‌کو نام داشته و از نفس او باد و از موهایش درختان به وجود آمده‌اند. به همین نحو اگر تاریخ همه‌ی اقوام و ملل را مطالعه کنیم، می‌بینیم همه‌ی آن‌ها وقتی تاریخ خود را از زمان‌های دور - زمان‌هایی که ما به درستی نمی‌دانیم چند هزار سال پیش بوده است - آغاز می‌کنند، از افسانه‌ها کمک می‌گیرند. اقوام و ملت‌ها با استفاده از افسانه‌ها، چگونگی پیدایش انسان، ساخته‌شدن وسایل و ابزارها، بنیان‌گذاری اعیاد و سنت‌ها و همانند آن‌ها را بیان می‌کنند.

وقتی که افسانه‌ها، گذشته‌ی جوامع انسانی را بازگو می‌کنند، انسان با دنیایی از رمز و رازها، شگفتی‌ها و زیبایی‌های خیال‌انگیز روبه‌رو می‌شود، اما در همان حال توضیحی روشن و دقیق از آن‌چه روی داده است به دست نمی‌آورد. در حقیقت وقتی که انسان به افسانه‌ها که محتوای آن‌ها مربوط به دور دست‌های تاریخ است، می‌نگرد، مانند آن است که در افق‌های دور دست همه‌چیز در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود. در عین حال اجزای اشیاء از یکدیگر تفکیک نمی‌شوند.

نامشخص و غیردقیق بودن محتوای افسانه‌ها بدین دلیل است که در افسانه‌ها به زمان

و مکان پدیده‌ها توجهی نمی‌شود در حالی که در درس‌های گذشته خواندید که در تاریخ، هر واقعه‌ای زمان و مکان معینی دارد. مثلاً در افسانه‌های سومری آمده است که پهلوانی به نام گیل‌گامش^۱ در جست‌وجوی زندگی جاوید به جزیره‌ای به نام دیلمون سفر کرد. ما نمی‌دانیم دیلمون کجاست و گیل‌گامش کی و طی چند روز به آنجا رسیده است. اما در تاریخ، به عنوان مثال، می‌خوانیم؛ در سال ۴۶۳ ه. ق در ملازگرد (در شرق آسیای صغیر) میان آلب ارسلان سلجوقی و رومانوس دیوجانوس امپراتور بیزانس جنگی درگرفته و آلب ارسلان پیروز شده است. حتی می‌توان این خبر را دقیق و با ذکر جزئیات فراوان عرضه کرد.

اصطلاحاتی مانند افسانه، قصه، داستان و اسطوره اگر چه هر یک معنای خاص و ریشه‌ی لغوی مخصوص خویش را دارند، اما تقریباً به یک مفهوم به کار می‌روند. معمولاً منظور از به‌کاربردن این نام‌ها، داستان یا سرگذشت خیالی و غیرواقعی است. اما در مورد این که محتوای افسانه‌ها به کلی غیرواقعی است یا نه، میان مورخان، اسطوره‌شناسان و صاحب‌نظران فرهنگ بشری اتفاق نظر وجود ندارد. اکثر آنان بر این عقیده هستند که افسانه‌ها بر اساس واقعیات ساخته شده‌اند و در اصل واقعی بوده‌اند، لیکن با گذشت زمان دچار



بر اساس افسانه‌های یونانی، مهاجمان با ساختن یک اسب چوبی و پنهان کردن سربازان خود در آن، موفق به نفوذ در شهر تروا شدند.

۲- مفاهیم و مضامین افسانه‌ها، اختصاصاً به یک قوم یا ملت ندارد. مثلاً «قهرمان» در همه‌ی افسانه‌ها وجود دارد. در افسانه‌های ایران باستان اسفندیار، قهرمانی روئین تن است. در یونان باستان آشیل و در اسکانديناوی بالدِر روئین تن هستند. بدون آن‌که ظاهراً میان این فرهنگ‌ها رابطه‌ای وجود داشته باشد، در این مفاهیم مشترک می‌باشند. این تشابه و اشتراک نشانه‌ی چیست؟ دانشمندان با استفاده از اسطوره‌شناسی تطبیقی به مطالعه درباره‌ی وجوه مشترک افسانه‌های ملل می‌پردازند و به موارد فراوانی از این شباهت‌ها دست یافته‌اند. آنان به این نتیجه رسیده‌اند که این شباهت‌ها اتفاقی نیست و گویای حقایقی است. مثلاً نشان می‌دهد که انسان‌ها در گذشته‌های دور با هم

دگرگونی شده و به شکل افسانه و اسطوره درآمده‌اند. در این تغییر و تبدیل، آن‌قدر سخنان عجیب و مطالب حیرت‌انگیز به آن‌ها افزوده شده و توأم با اغراق‌گویی و خیال‌پردازی شده است که ظاهر آن‌ها با خرد سازگار نمی‌نماید.

بعضی از دانشمندی که افسانه‌ها را یک‌سره بی‌اساس می‌دانند معتقدند که چون انسان‌ها در گذشته، درباره‌ی پدیده‌های طبیعی و وقایع تاریخی آگاهی اندکی داشته‌اند، برای بیان آن‌ها به تخیل و پندار متوسل می‌شده‌اند. بنابراین نظر، افسانه دستاورد خیال‌پردازی انسان‌ها بوده است، اما تحقیقات گروهی دیگر از دانشمندان، این ادعا را رد می‌کند که افسانه‌ها یکسره زاده‌ی پندار و خیال باشند؛ زیرا:

۱- در اثر مطالعات مورخان و باستان‌شناسان، شواهدی به‌دست آمده که با بعضی مطالب موجود در افسانه‌ها هم‌خوانی دارد. مثلاً در تاریخ و فرهنگ یونان باستان «داستان جنگ تروا» بسیار مشهور است. جنگ تروا میان اقوام مهاجم یونانی با ساکنان شهر تروا صورت گرفت و سرانجام شهر به تصرف مهاجمان درآمد. همه فکر می‌کردند این داستان غیرواقعی است، اما هنگامی که در پی کاوش‌های باستان‌شناسی، خرابه‌های شهر تروا در غرب آسیای صغیر کشف شد،^۱ تحقیقات نشان داد این جنگ در ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد رخ داده است.

۱- در سال ۱۸۷۰ م توسط شلیمان باستان‌شناس آلمانی

زندگی می‌کرده‌اند و سپس از هم جدا شده‌اند. به همین دلیل برخی باورها و شکل زندگی آن‌ها در دوران زندگی مشترک همانند هم بوده است؛ مثلاً در ایران باستان مردم بر این باور بوده‌اند که موجود شروری به نام دیو وجود دارد. همین موجود را هندی‌ها دئوس می‌خوانده‌اند، و آن را یکی از خدایان خود می‌پنداشته‌اند. یونانی‌ها

نیز به خدایی به نام زئوس اعتقاد داشته‌اند. تحقیقات اسطوره‌شناسی و زبان‌شناسی نشان داده که دیو، زئوس و دئوس یکی بوده‌اند و در زمانی که اقوام ایرانی و هندی با هم زندگی می‌کرده‌اند خدای مورد پرستش آنان بوده است. حال ببینیم افسانه‌ها چگونه پدید آمده‌اند.



بر اساس اسطوره‌های اسکاندیناوی، لوکی دشمن بالدر است. بالدر چندین بار در خواب می‌بیند که خواهد مرد. اما فریگ (یکی از خدایان) همه‌ی موجودات را سوگند می‌دهد که به بالدر آسیبی نرسانند؛ به جز درختی که بسیار کوچک است. لوکی با شاخه‌ای از درخت، تیری می‌سازد و به هود می‌دهد تا به طرف بالدر پرتاب کند. بدین ترتیب بر اثر آن تیر، بالدر جان می‌سپارد.

فرهنگ شفاهی و پیدایش افسانه‌ها

یکی از دلایل حضور بینش‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای در تاریخ بشر، حاکمیت فرهنگ شفاهی، فرهنگ مکتوب است. نقطه‌ی مقابل فرهنگ مکتوب عامل اصلی حفظ و انتقال دانش‌ها و تجارب بشری و به‌طور کلی آن‌چه فرهنگ را می‌سازد، کتابت است؛ اما در فرهنگ شفاهی عامل اصلی حفظ و انتقال دانش‌ها، تجارب و به‌طور کلی فرهنگ، حافظه و گفت و شنود است. انسان‌ها در زمان‌های

گذشته برای حفظ میراث‌های فرهنگی جوامع خویش تلاش بسیار می‌کرده‌اند، و به خصوص ایرانیان باستان از دروغ‌گویی متنفر بوده‌اند. اما باید توجه داشت که حافظه‌ی انسان همواره در معرض خطر قرار دارد و این موضوع موجب از بین رفتن اطلاعات ما درباره‌ی آن واقعه یا تغییر و تبدیل آن می‌شود. از سوی دیگر در گفت‌و شنود هم، همواره احتمال اشتباه و لغزش وجود دارد. اگر گوینده در گفتار خود دچار نارسایی باشد یا شنونده در درک شنیده‌ها دقت کافی به خرج ندهد، به احتمال زیاد موضوع مورد

راست و جدی بوده‌اند، اما بعدها دستخوش تغییر شده‌اند.

معمولاً فرهنگ شفاهی جوامع با حاکمیت فرهنگ مکتوب به پایان می‌رسد. در هند باستان پس از آن که چندین قرن افسانه‌ها و اعتقادات مردم سینه به سینه نقل شد در حدود ۱۲۰۰ ق. م به صورت مکتوب درآمد که به آن‌ها کتاب‌های ودا می‌گویند. در یونان باستان نیز پس از چند قرن افسانه‌ها و داستان‌ها در قرن نهم قبل از



هومر، حماسه سرای یونانی به جمع‌آوری افسانه‌ها و حماسه‌های یونانی پرداخت و آن‌ها را در دو مجموعه به نام‌های «ایلیاد» و «اوڈیسه» گرد آورد.

میلاد مکتوب شد. دو کتاب ایلیاد و اوڈیسه از آن جمله هستند. افسانه‌ها تا زمانی که مکتوب نشده‌اند همواره در حال تغییر و تحول و نیز تلفیق با افسانه‌های دیگر ملل هستند، اما پس از نوشته‌شدن، دیگر تقریباً شکل و محتوای ثابتی به خود می‌گیرند. برای مثال هنگامی که فردوسی شاهنامه را به نظم می‌آورد، روایت‌های مختلفی

گفت‌وگو دچار تغییر و تبدیل فراوان می‌شود. علاوه بر این عواملی چون گذشت زمان، تحول فرهنگ‌ها، اعمال سلیقه، نفوذ اغراض و اهداف و دخالت تعصبات اعتقادی و قومی و مسائلی نظیر آن‌ها از مهم‌ترین عوامل دگرگونی اخبار و داستان‌ها در فرهنگ‌های شفاهی است.

پیدایش افسانه‌ها یا به عبارتی دیگر تبدیل رخداد‌های تاریخی به افسانه‌ها، در اصل به همین دلیل بوده است. زیرا واقعه‌ای که رخ می‌داد از نسلی به نسل دیگر به صورت سینه به سینه انتقال می‌یافت و در این انتقال تغییراتی به وجود می‌آمد و یک واقعه‌ی تاریخی را به افسانه تبدیل می‌کرد. به عنوان مثال رستم، قهرمان معروف شاهنامه، فردی است که در حماسه‌ها چند صد سال عمر می‌کند. در همه‌ی جنگ‌ها پیروز می‌شود، بسیار زورمند است و... شکی نیست که پهلوانی به نام رستم وجود داشته، اما در مورد او اغراق‌گویی شده است. فردوسی خود در این مورد می‌گوید:

که رستم یلی بود در سیستان
منش کرده‌ام رستم داستان
بنابراین دانشمندان معتقدند افسانه‌ها هسته‌ای از واقعیت دارند که در طول زمان در حاله‌ای از تخیلات و در معرض افزودن‌ها و کاستن‌ها قرار می‌گیرند. ویکو مورخ ایتالیایی در این مورد می‌گوید: افسانه‌ها در اصل

کریتایوگا انسان‌ها عمر طولانی داشته و براساس راستی و درستی زندگی می‌کرده‌اند به عقیده‌ی چینی‌های باستان، در عصر خاقان‌های نیکوکار، انسان‌ها خوشبخت بوده‌اند. خاقان‌ها که خیرخواه انسان‌ها بوده‌اند مانند معلمی دلسوز آن‌ها را به سوی زندگی سالم و به کارگیری ابزار و وسایل راهنمایی می‌کرده‌اند.

اگر به افسانه‌های ملت‌های دیگر نیز مراجعه کنیم، می‌بینیم که همه در اوایل افسانه‌های خویش دارای دورانی طلایی بوده‌اند.

حماسه‌ها

گفتیم که تاریخ با افسانه آغاز می‌شود یا به قولی افسانه‌ها سپیده‌دم تاریخ را مه‌آلود کرده‌اند. در حد فاصل افسانه و تاریخ، حماسه قرار دارد. حماسه بیان شاعرانه‌ی اعمال رزمی و پهلوانی است. افسانه با حماسه تفاوت زیادی ندارد. فقط می‌توان گفت که در افسانه‌ها بیشتر راجع به پیدایش ملت‌ها، سنت‌ها، ابزارها و پدیده‌ها سخن گفته می‌شود، در حالی که در حماسه‌ها درباره‌ی حفظ جوامع از دستبرد دشمنان با توسل به جنگ و اعمال پهلوانی گفت و گو می‌شود. در فرهنگ ملت‌ها همواره حماسه بیش از افسانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. زیرا حماسه‌ها نقش بسیار مهمی در حفظ جوامع از خطراتی که آن‌ها را تهدید می‌کرده، ایفا کرده‌اند و روحیه‌ی جوانمردی و جنگاوری را تقویت می‌کرده است.



از افسانه‌ها و حماسه‌های ایرانی وجود داشت. اما پس از آن همگان شاهنامه را شکل واحد افسانه‌ها و حماسه‌های ایرانی دانستند.

عصر طلایی در تاریخ ملت‌ها

گفتیم که اقوام و ملل مختلف، تاریخ خود را با افسانه‌ها آغاز می‌کنند. در افسانه‌ها از چگونگی پیدایش انسان و جهان، جدال خیر و شر و اموری مانند آن‌ها سخن گفته می‌شود معمولاً در افسانه‌ها، هر ملتی دارای یک عصر طلایی است. یعنی عصری که سراسر آن خوبی و خوشبختی بوده و از درد و رنج و دشمنی اثری و خبری نبوده است. ایرانیان باستان بر این باور بوده‌اند که در روزگاران دور، شهریاری افسانه‌ای به نام جمشید در محلی به نام وَرَجْمَکَرْد زندگی می‌کرده است. در ورجمکرد اثری از مرض، پیری، مرگ، گرسنگی، حسادت، دشمنی و مانند آن‌ها نبوده و انسان‌ها در خوشبختی زندگی می‌کرده‌اند. به عقیده‌ی هندی‌های باستان در عصری به نام



به طور خلاصه می‌توان گفت که گذشته‌ی ملت‌های بزرگ و قدیمی دارای سه مرحله است که به ترتیب عبارتند از:

۱- مرحله‌ی افسانه‌ای

۲- مرحله‌ی حماسی

۳- مرحله‌ی تاریخی

در مرحله‌ی اول (افسانه) وقایع تاریخی کاملاً دگرگون شده‌اند. در مرحله‌ی دوم (حماسه) وقایع تاریخی تا حدود زیادی دگرگون شده‌اند و در مرحله‌ی سوم (تاریخ) وقایع تاریخی کمابیش بدون تغییر مانده‌اند. مهم‌ترین عامل حفظ اخبار تاریخی و جلوگیری از تبدیل آن‌ها به حماسه یا افسانه گسترش استفاده از خط است. استفاده از خط تا آن اندازه در تاریخ نویسی اهمیت دارد که مورخان بر مبنای آن، تاریخ را به دو دوره‌ی پیش از تاریخ و تاریخی تقسیم کرده‌اند.

تاریخ ایران پیش از اسلام بر اساس شاهنامه

چنان‌که در سال‌های قبل خوانده‌اید، مشهور است که در ایران پیش از اسلام به ترتیب

پنج حکومت بر سر کار آمده‌اند: ۱- ایلام
 ۲- ماد ۳- هخامنشی ۴- اشکانی ۵- ساسانی
 در حد فاصل هخامنشیان و اشکانیان نیز حکومت بیگانه‌ی سلوکی حاکم بوده است. این ترتیب برای تاریخ ایران پیش از اسلام، از حدود دو‌یست سال پیش در ایران رایج شده است. پیش از آن مورخان ایرانی تاریخ ایران را به چهار دوره: ۱- پیشدادیان ۲- کیانیان ۳- اشکانیان ۴- ساسانیان تقسیم کرده بودند. بدین ترتیب ظاهراً سلسله‌های اول و دوم در هر دو تقسیم‌بندی قدیم و جدید با یکدیگر متفاوت هستند.

دوره‌ی اساطیری	دوره‌ی حماسی	دوره‌ی تاریخی
پیشدادیان - کیانیان	کیانیان	اشکانی - ساسانی
	کیخسرو	اواخر کیانیان

بر این اساس، و با توجه به مراحل سه‌گانه‌ی تاریخ‌م‌ها در گذشته، تاریخ ایران پیش از اسلام را می‌توان چنین تقسیم‌بندی کرد: (۱) دوران افسانه‌ای (اساطیری) از پیشدادیان تا دوره‌ی کیخسرو

پادشاه کیانی

(۲) دوران حماسی

از فرمانروایی کیخسرو تا اواخر دوره‌ی

کیانیان.

(۳) دوران تاریخی

از سال‌های پایانی فرمان‌روایی کیانیان تا سراسر دوران فرمان‌روایی اشکانیان و ساسانیان.

دوران تاریخی کشور ما در حال حاضر

نیز ادامه دارد.

بیش‌تر بدانید



تاریخ حماسی ایران براساس شاهنامه

در زیر شرح خلاصه‌ای از این دوره‌ها براساس شاهنامه‌ی فردوسی و دیگر روایات ایرانی آورده می‌شود.

پیشدادیان – پیشداد یعنی قانون‌گذار نخستین و جمع آن پیشدادیان است. به نوشته‌ی شاهنامه‌ی فردوسی کیومرث اولین انسان و اولین فرمانروا بود. او که در کوه‌ها زندگی می‌کرد و لباسش از پوست پلنگ بود، سی سال بر انسان و حیوان فرمانروایی کرد. پسر کیومرث، سیامک نام داشت که به دست دیوها کشته شد. اما فرزندش به نام هوشنگ از دیوها انتقام گرفت. هوشنگ اولین کسی است که لقب پیشدادی یافت و شیوه‌ی استخراج فلزات و رام کردن حیوانات را به بشر آموخت. روزی هوشنگ سنگی به سوی ماری پرتاب کرد. از برخورد آن سنگ با سنگی دیگر جرقه‌ای پدید آمد و بوته‌ای خشک را به آتش کشید. بدین ترتیب آتش کشف شد.

پسر هوشنگ، تهمورث نام داشت. او فن ساختن نخ از پشم و دوختن پارچه را به مردم آموخت. تهمورث دیوها را مطیع خود ساخت و آنان به او خواندن و نوشتن آموختند.

پس از تهمورث **جمشید** به فرمان روایی رسید. او ۷۰۰ سال حکومت کرد جمشید ساختن اسلحه، پارچه بافی از ابریشم و خانه سازی را به مردم آموخت. سپس جمشید بر دیوان پیروز شد و روز پیروزی خود را نوروز نامید. بدین ترتیب عید نوروز به وجود آمد. او در اواخر عمر دچار غرور شد و گناهکاری پیشه ساخت. در نتیجه بدبختی پدید آمد و جادوگری به نام **ضحاک** به او حمله کرد. جمشید اسیر ضحاک شد و با ارّه به دو نیمه گردید. **ضحاک** هزار سال حکومت کرد و چون بر شانه هایش دو مار روییده بود، برای خوراک آن‌ها عده‌ی زیادی را کشت. تا آنکه **کاوه‌ی آهنگر** علیه او به پاخواست. کاوه‌ی آهنگر چرمی را بر سر نیزه کرد که آن را **درفش کاویان** نامیدند. درفش کاویان پرچم ایرانیان پیش از اسلام بوده است. با قیام کاوه‌ی آهنگر، **فریدون** نوه‌ی جمشید که پنهان شده بود، به کاخ ضحاک حمله کرد و او را اسیر و در کوه دماوند زندانی کرد. فریدون مدت‌ها حکومت کرد. او بر تمامی جهان حکم می‌راند. فریدون سه پسر به نام‌های **ایرج، سلم و تور** داشت. او غرب دنیا را به سلم داد. سلم نیای مردم مغرب یعنی یونان و روم است. شرق دنیا را هم به تور داد. تور نیای تورانی‌ها یعنی ترکان و چینی‌ها است. وسط زمین را هم به ایرج داد. ایرج نیای ایرانیان است. قلمرو ایرج را که در میانه‌ی جهان قرار دارد، ایران می‌نامند.

چون ایران بهترین جای دنیا بود، سلم و تور بر ایرج حسد بردند و او را کشتند. اما **منوچهر** نوه‌ی ایرج با کشتن سلم و تور انتقام گرفت. از زمان منوچهر جنگ ایران و توران آغاز شد. **افراسیاب** پادشاه توران به ایران حمله کرد. براساس روایات حماسی پس از مدتی جنگ، دو طرف تصمیم گرفتند برای تعیین مرز ایران و توران، **آرش پهلوان** ایرانی از بالای کوه دماوند تیری به سوی مشرق پرتاب کند. آرش با تمام نیرو تیری پرتاب کرد؛ به طوری که بر اثر فشار ناشی از این کار جان به جان آفرین تسلیم کرد. تیر پس از طی مسافتی طولانی در کنار رود **جیحون** به تنه‌ی درختی نشست و آن‌جا مرز ایران و توران شد.

اما افراسیاب که فرد شرووری بود حمله به ایران را ادامه داد و کشتار و خرابی بسیار پدید آورد. ایرانیان سخت در برابر او ایستادگی می‌کردند. به خصوص پهلوانان سیستانی در جنگ‌ها دلیری بسیار نشان دادند. یکی از این پهلوانان **سام** نام داشت. او

پسری داشت به نام زال که موهای سفیدی داشت. سام از داشتن پسری با این رنگ مو شرمنده بود لذا او را در کوهی رها کرد. اما سیمرغ که پرنده‌ای دانا بود او را نجات داد و بزرگ کرد. زال که جوانی زیبا و نیرومند شده بود به سوی پدرش که از عمل خود پشیمان شده بود بازگشت. زال صاحب فرزندی به نام رستم شد. او نیرومندترین پهلوان ایران قدیم بود و بارها دشمنان ایران را شکست داد.

کیانیان - حملات وحشیانه‌ی افراسیاب، ایران را دچار نابسامانی و ویرانی ساخت. پس از مدتی **کی قباد** از نوادگان فریدون فرمانروای ایران شد. «کی» به معنای پادشاه است و کیانیان یعنی «پادشاهان». کی قباد بنیانگذار سلسله «کیانی» است و پس از او **کی کاووس** به پادشاهی رسید. کی کاووس فرمانروای خردمندی نبود و دو بار به دست دشمنان اسیر شد هر دو بار رستم او را نجات داد. اقدامات کی کاوس سرانجام موجب رنجش پسرش **سیاوش** گردید. سیاوش نیز به توران نزد افراسیاب رفت. افراسیاب در ابتدا با سیاوش مهربانی کرد. اما سپس با ناجوانمردی او را به قتل رساند. لشکریان ایرانی به فرماندهی رستم به انتقام خون سیاوش به توران حمله کردند.

پس از مدتی **کی خسرو** پسر سیاوش که از دست افراسیاب جان سالم به در برده بود، به ایران آمد و پادشاه شد. او به انتقام خون سیاوش به توران حمله کرد. پهلوانان ایرانی در این جنگ دلیری‌های بسیار از خود نشان دادند. عاقبت افراسیاب اسیر شد و به قتل رسید.



کشته شدن سیاوش به دست تورانیان. زنی که در تصویر دیده می‌شود، فرنگیس دختر افراسیاب و همسر سیاوش است.

پس از کی خسرو، **لهراسب** به شاهی نشست که به خوبی کشور را اداره کرد. سپس فرمانروایی به پسرش **گشتاسب** رسید. در زمان گشتاسب **زرتشت** پیامبر ایران باستان ظهور کرد. گشتاسب و ایرانیان آیین زردشت را پذیرفتند. **ارجاسب** پادشاه توران که دشمن خداپرستان (زردشتیان) بود به ایران حمله کرد، اما ایرانیان او را شکست دادند. در این دوره از جنگ‌های ایران و توران، **اسفندیار** پسر گشتاسب، خدمات بزرگی انجام داد و در مقابل از پدر خواست که تاج و تخت را بدو واگذارد، گشتاسب برای آن که از خواسته‌ی پسر سرباز زند، از او خواست به سیستان برود تا رستم را دست بسته به نزدش بیاورد، زیرا می‌دانست او از عهده‌ی این کار برنخواهد آمد. رستم بسیار کوشید که اسفندیار را از اجرای فرمان پدر منصرف سازد، اما موفق نشد؛ لذا جنگ میان آن دو درگرفت. چون اسفندیار رویین تن بود، رستم نتوانست او را شکست دهد. لذا با راهنمایی سیمرغ تیری از چوب درخت گز بر چشم او (تنها جایی از بدنش که رویین نبود) زد و اسفندیار را کشت. پس از کشته شدن اسفندیار، **بهمن** پسر او به سیستان لشکر کشید. او عده‌ی زیادی را کشت و همه جا را ویران ساخت. رستم نیز به دست برادر نادان و حسود خود کشته شده بود. رستم پهلوان بزرگ ایران سرنوشتی تلخ یافته بود. او در چاهی که برادرش بر سرراهش کنده بود، افتاد و کشته شد. پیش از آن نیز در نبردی که با پسرش **سهراب** انجام داده بود، او را به قتل رساند زیرا سهراب را از کودکی ندیده بود و نمی‌دانست که با پسر خود می‌جنگد. پس از آن که سهراب به قتل رسید، رستم متوجه شد فرزند خود را کشته است. رستم از این مصیبت سخت به ناله افتاد و دلشکسته شد.

پس از بهمن، خواهرش **همای** به پادشاهی رسید و پس از او پسرش «**دارا**» ی بزرگ پادشاه شد. او در دریاها فتوحات بسیار کرد. سپس پسرش که او نیز **دارا** نام داشت بر تخت نشست. در زمان دارا، **اسکندر** به ایران حمله کرد. او دارا را کشت و ایران را تصرف کرد. با کشته شدن دارا سلسله کیانیان نیز به پایان رسید.

کاربرد حماسه‌ها و افسانه‌ها در تاریخ

مهم‌ترین موارد کاربرد افسانه‌ها و

حماسه‌ها در مطالعات تاریخی عبارتند از :

۱- پیدایش بسیاری از آیین‌ها، رسوم، اعیاد، بنای شهرها، استفاده از ابزارها، فنون و ... در افسانه‌ها بیان شده است. مثل عید نوروز و کشف آتش. در حقیقت ریشه و بنیان بسیاری از پدیده‌ها تنها با استفاده از افسانه‌ها قابل شناسایی و مطالعه است.

۲- بسیاری از اخبار و اطلاعاتی که در تاریخ گم شده یا مورخان به آن‌ها دسترسی ندارند، در افسانه‌ها و حماسه‌ها قابل کشف و استفاده است. در حقیقت افسانه‌ها و حماسه‌ها بسیاری از کمبودها و خلأهای دانش تاریخی بشر را تکمیل می‌کنند. مثلاً از نام **لهراسب**، **گشتاسب** و تعدادی دیگر که در نامشان کلمه «اسب» وجود دارد، به وجود خاندانی موسوم به «اسب» در تاریخ ایران بی برده‌اند. از آن‌جا که اسب وجه مشخصه‌ی اقوام آریایی در هنگام ورود به ایران بوده است، با استفاده از تحقیقات درباره‌ی این خاندان، تا حدودی ابهامات این قسمت از تاریخ ایران برطرف شده است.

۳- چنان‌که پیش‌تر هم اشاره شد، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مطالعه درباره‌ی افسانه‌ها و حماسه‌ها، اسطوره‌شناسی تطبیقی است. اسطوره‌شناسی تطبیقی اطلاعات فراوانی در مورد روابط اقوام و ملل، چگونگی جدا شدن

آن‌ها از یکدیگر، مبادلات فرهنگی میان آن‌ها، تحول زبان‌ها و دگرگونی فرهنگ‌ها به دست داده است. مثلاً دیو در ایران با دئوس در هند و زئوس در یونان از یک ریشه بوده‌اند که این نشان می‌دهد ایرانی‌ها، هندی‌ها و یونانی‌ها ریشه‌ی قومی مشترک دارند که به آن‌ها هند و اروپایی (آریایی) می‌گویند.

۴- افسانه‌ها و حماسه‌ها علاوه بر آن‌که در بردارنده‌ی اطلاعات تاریخی، ادبی و اجتماعی فراوانی درباره‌ی ملت‌ها هستند؛ طرز فکر، روحیات، آرمان‌ها و به‌طور کلی خصوصیات روحی و معنوی آن‌ها را نشان می‌دهند. به همین جهت یکی از عرصه‌های مهم شناخت هویت ملت‌ها، مطالعه در افسانه‌ها و حماسه‌های آن‌هاست.

درجه‌ی اعتبار و ضعف افسانه‌ها در تاریخ‌نویسی

گرچه افسانه‌ها به تکمیل دانش تاریخی ما کمک می‌کنند، اما بنا به دلایلی که قبلاً شرح داده شد، توأم با تخیل هستند و یا به اطلاعات اندک، شاخ و برگ می‌دهند و اشخاص یا وقایع را به سمبل‌ها تبدیل می‌کنند. بنابراین در استفاده‌ی تاریخی از آن‌ها باید شاخ و برگ‌ها را کنار زد و هر چه بیشتر به واقعیت نزدیک شد. در این حالت است که می‌توان به آگاهی‌هایی از تاریخ دست یافت. مثلاً حتی اگر شخصی به نام کیومرث هم وجود نداشته، او سمبل دوره‌ی

زندگی کوه‌نشینی انسان در تاریخ است.

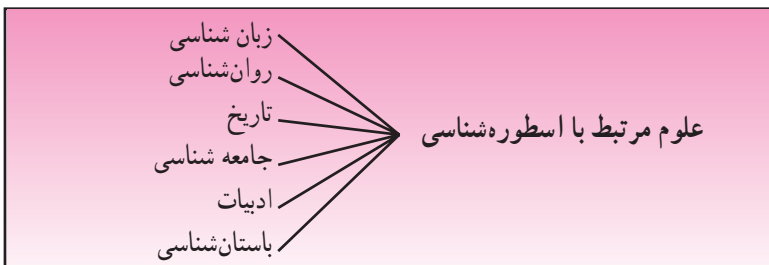
حماسه‌ها بیشتر به ارائه‌ی تاریخی آرمانی می‌پردازند، یعنی بیش از آن که تاریخ بسازند، تاریخ ملت‌ها را در قالبی مطابق با آرمان‌ها و آرزوهایشان درمی‌آورند. بدین ترتیب در افسانه‌ها و حماسه‌ها امکان جعل، غلتیدن در دامان توهم، آلودگی به خرافات، مواجهه با شرک و کفر، در هم آمیختگی فرهنگ‌ها، فرو رفتن در تعصبات، پیروی از اهداف و اغراض، اغراق‌گویی و قوم پرستی همواره وجود دارد. لذا کسانی که به تحقیق درباره‌ی افسانه‌ها و حماسه‌ها می‌پردازند، لازم است با بینش علمی و دانشی غنی بدین کار مشغول شوند. لازم است آنان با دقت، حوصله، نگرش عمیق توأم با جامع‌نگری و به کارگیری علوم و فنون مختلف در این راه گام بردارند.

علوم مرتبط با افسانه‌ها و حماسه‌ها

کسانی را که به مطالعه درباره‌ی افسانه‌ها و حماسه‌ها (اسطوره‌ها) می‌پردازند، اسطوره‌شناس می‌نامند. آنان پس از سال‌ها تحقیق موفق به رسیدن به چنین مرتبه‌ای شده‌اند.

اسطوره‌شناسان با دیدگاه‌های متفاوتی به اسطوره‌ها می‌نگرند؛ بعضی براساس زبان‌شناسی، یا روان‌شناسی، یا جامعه‌شناسی، عده‌ای از دید تاریخی. به همین نحو نتایج مطالعات اسطوره‌شناسی نیز برای علوم گوناگونی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، ادبیات و غیره کاربرد دارد. به همین دلیل اگر چه در دانشگاه‌ها رشته‌ی خاصی در مورد اسطوره‌شناسی وجود ندارد، امروزه این علم اهمیت زیادی یافته است.

متخصصان ادبیات نیز، با اسطوره‌شناسی سروکار دارند. زیرا کتاب‌های ادبی گاه از ماجراهای اساطیری تأثیر می‌پذیرند. کتاب‌های افسانه‌ای و حماسی به یک معنی کتاب‌های ادبی هستند. زبان‌شناسی (زبان‌های باستانی) نیز چون امکان خواندن کتاب‌ها و کتیبه‌ها و اسناد قدیمی را فراهم می‌سازد، به مضامین افسانه‌ای و حماسی می‌پردازد. مورخان نیز به دلیل احاطه بر ادوار تحول فرهنگی و اجتماعی بشر به تحقیق درباره‌ی افسانه‌ها و حماسه‌ها می‌پردازند. باستان‌شناسان نیز با کشفیات خود کمک‌های فراوانی به اسطوره‌شناسی کرده‌اند.





پرسش‌های نمونه

- ۱- آیا افسانه‌ها صرفاً زاده‌ی پندار و خیال هستند؟ توضیح دهید.
- ۲- مسائل مشکل‌آفرین در فرهنگ شفاهی را توضیح دهید.
- ۳- حماسه چیست و چه تفاوتی با افسانه دارد؟
- ۴- کاربرد افسانه‌ها و حماسه‌ها در تحقیقات تاریخی از چه جهاتی است؟



اندیشه و جست‌وجو

- ۱- در محل زندگی شما درباره‌ی کوه، رود، ستاره‌ها و... چه داستان‌هایی وجود دارد؟ یک مورد آن را گزارش کنید.
- ۲- برای تجربه کردن تأثیر نقل قول‌های مکرر در تغییر اخبار (یک کلاغ چهل کلاغ) سه تن از دانش‌آموزان را انتخاب کنید و از آن‌ها بخواهید به خارج از کلاس بروند. سپس داستانی را که کمی مفصل باشد به‌طور دقیق برای دانش‌آموزان حاضر در کلاس بیان کنید. پس از آن یکی از دانش‌آموزان (از سه نفر) را به کلاس بخواهید تا یکی از دانش‌آموزان حاضر در کلاس داستان را برایش بگوید. در هیچ مرحله‌ای، دیگر دانش‌آموزان نباید تذکری بدهند یا نکته‌ای را تصحیح کنند. سپس دانش‌آموز دوم را به کلاس بخواهید و توسط نفر اول (وارد شده به کلاس) داستان را برایش تعریف کنید. بعد دانش‌آموز سوم را بخواهید تا دانش‌آموز دوم برایش داستان را بگوید. در پایان از دانش‌آموز سوم بخواهید آن‌چه را شنیده برای همه‌ی دانش‌آموزان نقل کند. آیا آنچه شما برای دانش‌آموزان تعریف کرده‌اید با آن‌چه نفر سوم تعریف کرد، یکی است؟
- ۳- برداشت‌های خود را از تاریخ افسانه‌ای ایران که در «بیشتر بدانید» این درس آمده است، در چند سطر بنویسید.
- ۴- یکی از داستان‌های شاهنامه‌ی فردوسی را انتخاب کرده و با راهنمایی دبیر خود نکات تاریخی آن را براساس آن‌چه که در درس تاریخ ایران و جهان (۱) درباره‌ی تاریخ ایران خوانده‌اید، بررسی و مقایسه کنید.

آثار باستانی، مرز تاریخ و روشن تاریخ



تمامی مسائل مربوط به این دوره‌ی پنج هزار ساله را شامل نمی‌شوند. چرا که بیشتر در بردارنده‌ی وقایع مهم سیاسی - نظامی و زندگی اشخاص برجسته هستند. از این جاست که بشر باید به دنبال راه‌های دیگری برای تکمیل دانش تاریخی خویش باشد. یکی از مهم‌ترین این راه‌ها مطالعه‌ی آثار مادی به جامانده از انسان‌های گذشته است که اصطلاحاً «آثار باستانی» یا «آثار تاریخی» نامیده

انسان طی هزاران سال زندگی بر روی زمین، کارهای فراوانی انجام داده و حوادث بی‌شماری را از سر گذرانده است، اما همه‌ی اطلاعات و اخبار مربوط به آن‌ها به دست ما نرسیده است. نوشته‌های قدیمی نیز تنها بخشی از گذشته‌ی بشر را برای ما روشن می‌کنند. به علاوه عمر این گونه دانستنی‌ها به زحمت تا پنج هزار سال می‌رسد. کتاب‌های تاریخی نیز

می‌شوند.^۱ در این درس با چگونگی استفاده از این آثار در مطالعات تاریخی آشنا می‌شوید.

آثار باستانی

آثار باستانی به بناهای تاریخی، مجسمه‌ها، فسیل‌های انسانی، اشیاء، سنگ‌نشته‌ها و به طور کلی همه‌ی آثاری که ساخته‌ی دست و اندیشه‌ی انسان‌های گذشته هستند و یا به نحوی با زندگی او ارتباط دارند^۲ گفته می‌شود. بدین ترتیب نسخه‌های خطی یا اسناد کهن نیز گذشته از محتوای آن‌ها، اثری تاریخی محسوب می‌شوند که می‌توان به کمک آن‌ها دانستنی‌هایی درباره‌ی مواردی چون کاغذسازی، نوع خط و شیوه‌ی نگارش و جنس مرکب در عصر نوشته شدن آن‌ها پی برد.

آثار باستانی بیشتر در جاهایی که سکونت‌گاه و یا مسیر آمد و رفت انسان بوده‌اند، یافت می‌شوند. اگر هر یک از ما از دیدگاه باستان‌شناسی به محیط روستا، شهر، یا کشورمان بنگریم، می‌توانیم نمونه‌های

بسیاری از این آثار را شناسایی کنیم. این آثار چشم‌اندازی ملموس و بی‌واسطه از چگونگی زندگی گذشتگان را در اختیار ما می‌گذارند. برای مثال یک بنای تاریخی فقط توده‌ای از سنگ، گل، گچ، چوب و فلز نیست؛ بلکه همچون کتابی است که اندیشه، هنر، علم، دین و در یک کلام تمدن و فرهنگ سازندگان آن را به ما معرفی می‌کند. دست یافتن به چنین درکی از آثار باستانی نیازمند داشتن دانش‌ها و مهارت‌های خاصی است که اصطلاحاً به آن‌ها «باستان‌شناسی» گفته می‌شود.

باستان‌شناسی و باستان‌شناسان

باستان‌شناسی علمی است که در آن آثار به جامانده از انسان‌های گذشته، شناسایی و مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. به کمک این علم است که یک بنا یا شیء معمولی مربوط به گذشته تبدیل به گنجینه‌ای از اطلاعات تاریخی می‌شود و مورخان این امکان را می‌یابند تا پاسخ بعضی از پرسش‌ها و ابهامات خویش را بیابند.

۱- در مورد نام‌گذاری آثار باقی مانده از گذشته، شیوه‌ی یکسانی وجود ندارد و تعریف‌های مربوط به آن‌ها براساس دیدگاه‌های گوناگون و نیز دوره‌های زمانی مختلف، متفاوت است. مثلاً عده‌ای همه‌ی آن‌ها را آثار باستانی می‌نامند، اما عده‌ای دیگر فقط آثاری را «باستانی» می‌نامند که متعلق به دوره‌های قدیمی‌تر زندگی انسان هستند. بر این اساس آثار دوره‌های بعدی با نام‌هایی چون «آثار تاریخی»، «آثار اسلامی»، «آثار رومی» و ... نام‌گذاری می‌شوند. در این درس عبارت‌های آثار باستانی یا آثار تاریخی برای اشاره به همه‌ی آثار به جا مانده از انسان‌های گذشته به‌طور یکسان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- در این معنی آثاری مانند بقایای انسانی و حیوانی هم چنانچه در محیط زندگی انسان یافت می‌شوند، اهمیت باستان‌شناختی پیدا می‌کنند.



در روستا، شهر یا استان محل زندگی شما چه آثار تاریخی مهمی وجود دارد؟
جدول زیر را درباره‌ی آن‌ها تکمیل کنید :

نام اثر	محل قرار گرفتن اثر	دوره‌ی زمانی مربوط به اثر

می‌باشد، آن‌ها از دستاوردهای علوم دیگر نظیر زمین‌شناسی، شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی و جغرافیا نیز بهره می‌گیرند.

مراحل کار باستان‌شناسی

به‌طور کلی مراحل فعالیت باستان‌شناسان شامل موارد زیر می‌شود :

۱- مرحله‌ی کشف و شناسایی مکان‌ها و آثار

۲- مرحله‌ی کاوش و حفاری

۳- مرحله‌ی استخراج و تنظیم اطلاعات

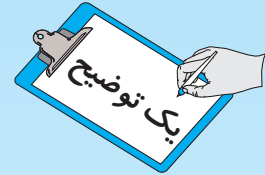
در مرحله‌ی کشف و شناسایی باستان‌شناسان با استفاده از شواهد و ابزارهای مختلف اقدام به شناخت آثار می‌کنند. بدیهی است که برخی آثار مانند بناهای تاریخی یا ویرانه‌های آن‌ها به آسانی قابل شناسایی هستند، اما بخش

اهمیت این موضوع تا آنجا است که برخی صاحب‌نظران نقش یافته‌های باستان‌شناسی در مطالعه گذشته‌ی انسان را همانند کتاب‌ها و اسناد تاریخی دانسته‌اند.

توسعه‌ی فعالیت‌های باستان‌شناسانه در دو قرن اخیر و پی بردن به اهمیت و حساسیت‌های ویژه‌ی این کار موجب شده تا رشته‌ای به نام «باستان‌شناسی» در بعضی دانشگاه‌ها تأسیس شود. دانشجویان این رشته درباره‌ی چگونگی شناسایی و کشف آثار، تعیین سن آن‌ها، فنون حفاری و کاوش، شناخت دوران‌های تاریخی و ویژگی‌های هر دوره و مواردی از این قبیل آموزش می‌بینند. بخش مهمی از کار آنان نیز مربوط به حضور در محوطه‌های تاریخی و انجام فعالیت‌های عملی می‌شود. از آن‌جا که آثار مورد مطالعه‌ی باستان‌شناسان و شیوه‌های کار آنان بسیار متنوع

به کمک دوربین‌های بسیار قوی، اقدام می‌کنند. به کمک بعضی از این دوربین‌ها می‌توان بدون حفاری وجود آثار در دل زمین را تشخیص داد.

مهمی از آن‌ها در معرض دید مستقیم انسان نیستند. به همین جهت باستان‌شناسان از شیوه‌هایی چون مراجعه به منابع نوشتاری (مثل کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌ها) و عکس‌برداری



کتیبه‌ی روزت^۱

گاهی اوقات نیز ممکن است یک اثر باستانی به‌طور تصادفی شناسایی شود. برای مثال در آخرین سال قرن هجدهم میلادی (۱۷۹۹) یعنی زمانی که مصر به اشغال ارتش ناپلئون درآمد، یک سرباز فرانسوی در حین حفر سنگر به سنگ نوشته‌ای برخورد که بعداً معلوم شد یکی از مهم‌ترین آثار مصر باستان و جهان است. این اثر همان کتیبه‌ی سه زبانه‌ی رشید یا روزت بود که در کتاب تاریخ ایران و جهان (۱)، مطالبی درباره‌ی آن خواندید.



از آنجا که مطالب موجود در کتیبه‌ی روزت (رشید) علاوه بر خطوط مصری با ترجمه‌ی یونانی همراه بود، باستان‌شناسان با استفاده از آن توانستند به رموز خط مصریان باستان پی ببرند.

۱- کتیبه‌ی روزت یا رشید امروزه در کشور انگلستان نگهداری می‌شود.

شوند.^۱ به دلیل همین حساسیت هاست که یکی از باستان شناسان معتقد بود «در مواقعی که حفاری منجر به از بین رفتن آثار می شود، بهتر است از انجام آن خودداری شود.^۲»

سرانجام آن که در مرحله ی استخراج و تنظیم اطلاعات باستان شناسان به کارهایی مانند تاریخ گذاری آثار، شناسایی مواد به کار رفته در آن ها و ارائه ی آگاهی های تاریخی براساس آن ها می پردازند.

کاوش و حفاری برای یافتن آثاری صورت می گیرد که در ویرانه ها یا درون زمین پنهان هستند. این مرحله یکی از مراحل حساس و مهم در کار باستان شناسی است که در آن دانش و تجربه ی باستان شناس محک زده می شود. زیرا آنچه یک باستان شناس در حین حفاری می بیند و می آزمايد، تکرارپذیر نیست و به همین جهت لازم است کوچک ترین آثار گردآوری و تمام جزئیات با دقت ثبت و گاه عکس برداری



نمونه هایی از کتاب های باستان شناسان ایرانی و خارجی

- ۱- برای مثال گاهی مواقع با الک کردن یا شستن خاک محل کاوش ریزه های آثار جمع آوری می شوند. همچنین ممکن است بعضی آثار که دچار تجزیه ی شیمیایی شده اند در اثر لمس شدن یا کوچک ترین ضربه ای متلاشی شوند.
- ۲- این سخن از اسکار منتلیوس (Oscar Montelius) باستان شناس سوئدی است.

تعیین سن آثار باستانی

یکی از کارهای مهم و در ضمن پیچیده و فنی در باستان‌شناسی تعیین دوره‌ی زمانی است که یک اثر بدان تعلق دارد. همچنان که در درس دوم خواندید «زمان» در مطالعات تاریخی نقشی محوری دارد و بنابراین تاهنگامی که زمان مربوط به یک اثر تاریخی شناخته نشود، مورخان نمی‌توانند از آگاهی‌های به دست آمده از آن اثر استفاده کنند. سال‌یابی یا تاریخ‌گذاری آثار با استفاده از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی انجام می‌شود که در ادامه با تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها آشنا می‌شوید. لازم است به این نکته توجه شود که هر یک از روش‌های زیر دارای مراحل، محاسبات و نکات فنی دقیق و پیچیده‌ای هستند؛ اما در این جا فقط به معرفی کلی آن‌ها بسنده می‌شود.

۱- استفاده از شواهد نوشتاری:

بر روی بعضی از بناها، ظروف و سایر اشیای تاریخی نوشته‌هایی وجود دارد که گاه شامل توضیحاتی درباره‌ی زمان ساخت و نیز سازنده‌ی آن‌ها می‌باشد. گاهی هم در میان آثار به دست آمده در یک محل آثار نوشتاری مانند لوحه یا سکه یافت می‌شود که به کمک آن‌ها می‌توان زمان مربوط به آن آثار را تعیین کرد. این امکان نیز وجود دارد که در نوشته‌های مورخان، جغرافی‌دانان، سیاحان و مسافران و دیگر نوشته‌های قدیمی درباره‌ی یک اثر (مثلاً یک

بنا یا وسایل و ابزارهای مورد استفاده در زمانی خاص) مطلبی نوشته شده باشد. به این ترتیب باستان‌شناسان می‌توانند به کمک این نوشته‌ها زمان اثر مورد نظر را تعیین کنند.

۲- سال‌یابی به روش کربن ۱۴:

روش یکی از مشهورترین روش‌های مورد استفاده‌ی باستان‌شناسان است که در اواسط قرن بیستم ابداع شده است. کربن ۱۴ عنصری است که بر اثر فعل و انفعالات انجام شده بین اتم‌های نیتروژن و پرتوهای کیهانی در سطوح بالایی جو زمین به وجود می‌آید. این کربن پس از چندی در طبیعت پراکنده می‌شود. گیاهان از طریق عمل فتوسنتز، انسان‌ها و حیوانات از راه تغذیه، مقداری از کربن ۱۴ را جذب می‌کنند. همچنین ممکن است مقداری از آن جذب مواد دیگر از قبیل سنگ‌ها یا فلزات شود. این عنصر با گذشت زمانی نسبتاً طولانی اما مشخص، دوباره به نیتروژن تبدیل می‌شود. تا زمانی که یک موجود زنده (مثل گیاه) به حیات خود ادامه می‌دهد فرایند جذب کربن ۱۴ و تبدیل آن تکرار می‌شود. اما هنگامی که این موجود می‌میرد، جذب کربن ۱۴ متوقف می‌شود؛ در حالی که روند تبدیل آن به نیتروژن ادامه دارد. دانشمندان دریافته‌اند که تجزیه‌ی کربن ۱۴ با سرعت زمانی معین و منظمی انجام می‌شود. از نظر آنان حدود ۵۷۰۰ سال طول می‌کشد تا میزان کربن ۱۴ موجود در بقایای یک موجود دارای این کربن نصف شود. سپس

در همین مدت، نیمه‌ی باقی مانده‌ی آن نیز نصف می‌شود و این روند همچنان ادامه می‌یابد تا این که کربن ۱۴ تمام می‌شود. دانشمندان این دوره‌ی زمانی ثابت (حدود ۵۷۰۰ سال) را اصطلاحاً «نیمه عمر» کربن ۱۴ نامیده‌اند. هرگاه مقدار کربن ۱۴ موجود در بقایای به‌دست آمده در کاوش‌های

باستان‌شناسی با مقدار آن در نمونه‌ای زنده از آن نوع مقایسه شود، معلوم خواهد شد که آن بقایا چند دوره‌ی ۵۷۰۰ ساله را از سر گذرانده‌اند. دوره‌ی زمانی که می‌توان از روش کربن ۱۴ برای تعیین سن آثار استفاده کرد، حداکثر تا حدود ۷۰ هزار سال است.



کفن تورین

در سال ۱۳۸۰ میلادی یک اسقف مدعی شد پارچه‌ای در شهر تورین ایتالیا به‌دست آمده که کفن حضرت عیسی (ع) است. این ادعا همچنان وجود داشت تا این که در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی عملیات سال‌یابی به روش کربن ۱۴ بر روی این پارچه به‌طور همزمان در سه آزمایشگاه در کشورهای مختلف انجام گرفت و مشخص شد که پارچه متعلق به سال‌های بین ۱۲۶۰ تا ۱۳۸۰ میلادی است. یعنی حدود ۱۳۰۰ سال بعد از دوران زندگانی عیسی (ع)!

۳- سال‌یابی پتاسیم — آرگون: از این روش برای شناسایی سن آثار باستانی چند صد هزار تا چند میلیون سال استفاده می‌شود پتاسیم عنصری است که در پوسته‌ی زمین و به‌ویژه سنگ‌های آتشفشانی به فراوانی یافت می‌شود. با گذشت زمان به تدریج مقداری از این پتاسیم در فرایندی شبیه به آنچه درباره‌ی کربن ۱۴ گفته شد (با دوره زمانی بسیار طولانی‌تر)، به گاز آرگون تبدیل و در منافذ سنگ‌ها محبوس می‌شود. هرگاه غلظت پتاسیم

و آرگون موجود در یک نمونه سنگ قدیمی اندازه‌گیری و با میزان آن در طبیعت مقایسه شود، امکان تعیین سن تشکیل آن سنگ فراهم می‌شود. بدین ترتیب اگر فسیل‌های انسانی یا سایر آثار در لایه‌های سنگی یا نزدیک آن‌ها یافت شوند، می‌توان از این روش برای تعیین سن آن‌ها استفاده کرد. قدیمی‌ترین اجساد انسانی به‌دست آمده در قاره‌ی افریقا با قدمت ۲/۵ تا ۴ میلیون سال با همین روش تاریخ‌گذاری شده‌اند.

علاوه بر کربن ۱۴ و پتاسیم باستان‌شناسان و دیرینه‌شناسان با تجزیه و تحلیل عناصر دیگر نظیر اورانیم هم به سال‌یابی می‌پردازند.

۴- تعیین سن براساس حلقه‌های

تنه درختان: اگر به برش عرضی یک تنه‌ی درخت کهن‌سال توجه کنید، حلقه‌های تودرتوی متعددی را در آن می‌بینید. گیاه‌شناسان دریافته‌اند که هر یک از این حلقه‌ها به‌طور معمول در طی یک سال به‌وجود آمده‌اند. نکته‌ای که در تعیین سن اهمیت دارد این است که پهنای حلقه‌های مربوط به هر سال با بقیه متفاوت است. تعیین سن براساس حلقه‌های درختان با تهیه نمودارهای نمونه برای درختان هر ناحیه (درختان تازه بریده شده و درختان بریده شده در دوره‌های قبل)، همراه با محاسباتی خاص انجام می‌گیرد. برای مثال اگر نموداری از حلقه‌های یک نوع درخت در یک منطقه در

مدت ۵۰۰ سال تهیه شود، می‌توان با تطبیق پهنای حلقه‌های یک قطعه چوبی مربوط به گذشته از جنس همان درخت، با پهنای حلقه‌ها در نمودار مذکور، سن آن را تعیین کرد. امروزه با استفاده از ابزارهای دقیق و پیشرفته و از جمله تکنیک‌های رایانه‌ای بر سرعت و دقت این روش افزوده شده است. باستان‌شناسان از این روش برای تعیین سن آثاری که در آن‌ها به نحوی از چوب استفاده شده باشد، بهره می‌گیرند. خانه‌های چوبی یا بناهایی که در آن‌ها از چوب استفاده شده، کشتی‌های قدیمی، ابزارهای چوبی و حتی تابلوهای نقاشی که بوم آن‌ها از چوب است، از این جمله‌اند. برای مثال دربارهی یکی از تابلوهای رامبراند که متعلق به قرن هفدهم میلادی است، مدت‌ها اختلاف‌نظر وجود داشت، تا این که با سال‌یابی بوم چوبی آن مشخص شد که این زمان تقریباً درست است.

کاربرد مطالعات باستان‌شناختی در تاریخ‌نویسی

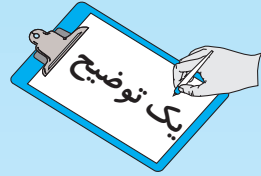
حتماً تا کنون متوجه شده‌اید که مورخان برای بازسازی کامل‌تر زندگی انسان‌های گذشته نیازمند توجه به آثار تاریخی و نتایج کار باستان‌شناسان بر روی آن‌ها هستند. هر چه به گذشته‌های دورتر می‌رویم و دسترسی ما به سایر منابع (کتاب‌های تاریخی و دیگر منابع نوشتاری) کمتر می‌شود، اهمیت آثار تاریخی در بازسازی گذشته بیشتر می‌شود. برای شناخت بهتر کمک‌های باستان‌شناسی به تاریخ‌نگاری بحث را درباره‌ی دو دوره پیش از تاریخ و دوره‌ی تاریخی زندگی بشر جداگانه بی می‌گیریم.

دوره‌ای که انسان هنوز نوشتن را نیاموخته بود و بنابراین اثری نوشتاری نیز از او به جا نمانده است، آثار باستانی مهم‌ترین منبع کسب آگاهی هستند. به عبارت دیگر تاریخ‌نویسی انسان

باستان‌شناسان در همایش‌های علمی حاصل‌کاوش‌های خود را به صورت مقاله یا سخنرانی ارائه می‌کنند.

در این دوران را باید در لابه‌لای آثار جست‌وجو کرد. آنچه که ما درباره‌ی اعصراری مانند عصرسنگ، عصر مس، عصر مفرغ و نظایر آن‌ها می‌دانیم، همچنان که از نام آن‌ها برمی‌آید، به کمک آثار انسانی به دست آمده است. در واقع با استفاده از دستاوردهای باستان‌شناختی است که آگاهی مورخان و ما به ده‌ها، صدها، هزارها و گاه میلیون‌ها سال رسیده است. زیرا چنان‌که قبلاً گفتیم عمر نوشته‌های تاریخی به زحمت تا چند هزار سال می‌رسد.





شهر سوخته، بهشت باستان‌شناسان

یک نمونه‌ی مهم از اهمیت آثار باستانی در شناخت تاریخ ایران را در منطقه‌ای در نزدیکی زابل می‌توان مشاهده کرد که «شهر سوخته» نامیده شده است. این شهر که در هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد (حدود شش هزار سال پیش) آباد بوده، در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد به دلایلی که هنوز کاملاً شناخته نیست^۱، رونق و آبادانی خود را از دست داده است. در نوشته‌های تاریخی تا اواسط قرن بیستم هیچ‌گونه آگاهی تاریخی درباره‌ی این شهر و مردم آن وجود نداشت اما امروزه در اثر حدود نیم قرن تلاش باستان‌شناسان و کشف هزاران شیء تاریخی آگاهی‌های بسیاری درباره‌ی این شهر به دست آمده و مشخص شده است که ساکنان این شهر دارای تمدنی درخشان و برجسته در جهان آن زمان بوده‌اند. لوله‌های سفالی (برای انتقال آب و فاضلاب)، چرخ، مهرهای تجاری، زیورآلات ظریف و مجموعه‌ی جراحی شده‌ی یک کودک از جمله آثار به دست آمده در این منطقه هستند. باستان‌شناسان می‌گویند وسعت محوطه‌ی باستانی شهر سوخته و گستردگی آثار موجود در آن به حدی است که کشف و شناسایی آن‌ها ده‌ها سال دیگر نیز طول خواهد کشید.



بخشی از گورستان شهر سوخته

۱- از جمله دلایل ذکر شده در این مورد می‌توان به تغییر مسیر رود هیرمند، حمله‌ی اقوام مهاجم و آتش‌سوزی

اشاره کرد.

آن را نیز بیشتر به ما نشان می‌دهد. از سوی دیگر همواره این امکان هست که یافته‌های باستان‌شناسان بعضی اطلاعات تاریخی موجود را رد یا تصحیح کنند. برای نمونه تا قبل از کشف آثار مربوط به دوره‌ی اشکانیان و مطالعه بر روی آن‌ها، تاریخ این سلسله ایرانی در هاله‌ای از ابهامات و اخبار نادرست قرار داشت.

جنبه‌ی دوم کمک آثار باستانی به شناخت دوران تاریخی زندگی انسان، به تأثیر آن‌ها در تکمیل دانش تاریخی مورخان مربوط است. کتاب‌های تاریخی در بعضی زمینه‌ها همچون زندگی روزمره مردم، وضع هنر و صنعت و ارتباط‌های تمدنی ملت‌ها با یکدیگر دانستی‌های زیادی در اختیار ما نمی‌گذارند. در عوض مطالعه بر روی آثاری نظیر ابزارها، بناها، سکه‌ها، نقوش، ظروف و امثال آن‌ها در این موارد راه‌گشاست. نظیر آثار دوره‌ی اشکانی که در شهر نسا (در ترکمنستان امروزی) یافت شده است.

درباره‌ی دوران تاریخی زندگی انسان نیز اگر چه به تدریج منابع نوشتاری اهمیت بیشتری می‌یابند، اما این موضوع موجب غفلت مورخان از توجه به نتایج فعالیت‌های باستان‌شناسان نمی‌شود. در بررسی دوران تاریخی زندگی انسان توجه به آثار باستانی از دو جنبه به مورخان کمک می‌کند:

۱- تأیید یا رد آن چه در نوشته‌های تاریخی وجود دارد.

۲- روشن ساختن مسائلی از تاریخ که در منابع نوشتاری نیست و یا بسیار کم به آن‌ها توجه شده است.

در مورد نخست، آثار تاریخی می‌توانند با تأیید نوشته‌های مورخان و دیگر نویسندگان گذشته بر یقین ما بیفزایند. مثلاً اگر در تاریخ چین بارها از هجوم اقوام شمالی به این کشور سخن به میان آمده، وجود دیوار چین به عنوان یک اثر تاریخی ضمن تأیید این موضوع، اهمیت



دیوار بزرگ چین از جمله مهمترین آثار تاریخی جهان است.



آیا نمونه‌های دیگری از نقش مهم آثار باستانی در روشن شدن زوایای پنهان تاریخ ایران یا جهان می‌شناسید؟ درباره‌ی آن‌ها در کلاس بحث کنید.



ملاحظات مورخان در استناد به آثار تاریخی

اگر چه آگاهی‌های به دست آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی برای مورخان روشنی بخش هستند، اما باید توجه داشت که همه اطلاعاتی که درباره‌ی آثار ارائه می‌شوند، دارای ارزش یکسان نیستند و چه بسا اعتماد به بعضی از آن‌ها موجب دوری مورخ از واقعیت شود. برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی توجه به چند نکته ضروری است:

کنند. بدیهی است که هرگونه استناد به این گونه موارد به معنی انحراف از واقعیت تاریخی است.

۳- نتایج حاصل از تحقیقات باستان‌شناسی مانند بسیاری دیگر از یافته‌های تاریخی تنها تا زمانی معتبر هستند که یافته‌های باستان‌شناسی و تاریخی جدیدتر آن‌ها را نقض نکرده باشند. بنابراین مورخ باید همواره از آخرین اطلاعات مربوط به اثر مورد استناد خود آگاه باشد.

۱- اطلاعات تاریخی در مورد یک اثر باید از سوی افراد متخصص (در باستان‌شناسی) تأیید شود. آن‌چه یک فرد غیرمتخصص با حدس و گمان درباره‌ی آثار تاریخی می‌داند با اطلاعات ارائه شده توسط یک باستان‌شناس معمولاً تفاوت‌های قابل توجهی دارد.

۲- این امکان هست که افراد یا مراکزی با انگیزه‌های سودجویانه (کسب درآمد یا تحریف تاریخ) و یا از سر ناآگاهی اشیای جعلی را به عنوان اثر تاریخی مربوط به یک دوره معرفی

حفظ آثار باستانی به عنوان مدارک تاریخی

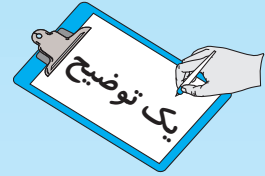
پس از کشف یا شناسایی یک اثر تاریخی بلافاصله تلاش برای نگهداری و در صورت نیاز مرمت آن مطرح می‌شود. دست‌اندرکاران حفظ و مرمت آثار معمولاً آن‌ها را به دو دسته «قابل انتقال» و «غیرقابل انتقال» تقسیم‌بندی می‌کنند. آثار منقول مانند ظرف‌ها، ابزارها و سلاح‌ها به آزمایشگاه‌های باستان‌شناسی و سپس موزه‌ها برده می‌شوند و آثار غیرمنقول همچون بناها در محلی که هستند مورد مطالعه قرار گرفته و حفظ می‌شوند. البته گاهی ممکن است قسمت‌هایی از یک بنای ویران شده (مثل سر ستون‌ها و گچ‌بری‌ها) نیز به موزه‌ها انتقال داده شوند.

اهمیت مراقبت از آثار باستانی کمتر از اهمیت کشف آن‌ها نیست. چه بسیار آثاری که به دلیل کم‌توجهی در حفظ آن‌ها به تدریج از

بین رفته یا سرقت شده‌اند. برای حفظ آثار کارهای مختلفی انجام می‌شود که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به ایمن‌سازی در برابر حوادث طبیعی (مثل سیل و زلزله)، ترمیم خرابی‌های آن‌ها و نگهداری آن‌ها در مکان‌های امن و مناسب از نظر دما و نور اشاره کرد. انجام هر یک از این کارها نیازمند دانش، دقت و سرمایه‌ی کافی است. برای مثال در بازسازی بناها طوری عمل می‌شود که ضمن افزودن بر عمر و استحکام آن‌ها، هویت تاریخی و حقیقی آن‌ها نیز آسیب نبیند. برای انجام این امور و سایر امور مربوط به آثار باستانی در همه‌ی کشورهای جهان مؤسسه‌ها یا سازمان‌هایی تأسیس شده‌اند که توصیه می‌شود هر اثر یافت شده‌ای در اختیار آن مؤسسه یا سازمان قرار داده شود. در کشور ما مسئولیت این امور بر عهده‌ی «سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی» است.



تصویری از مرمت یک اثر تاریخی



کشف یک تمدن کهن در جیرفت

سال ۱۳۸۰، برای خبرگزاری‌های سراسر جهان، با پیگیری خبرهای مربوط به آثار یافت شده در چند کیلومتری جیرفت همراه بود. بررسی این آثار (که هنوز هم ادامه دارد) نشان می‌دهد که این منطقه یکی از مراکز مهم تمدن در ایران بوده است که قدمت آن به حدود ۵ تا ۶ هزار سال می‌رسد. ابتدا این آثار توجه حفاران غیرقانونی و سارقان میراث فرهنگی را به خود جلب کرد. در نتیجه اقدامات آنان، مقداری از آثار یا نابود شد و یا از موزه‌های کشورهای دیگر سر درآورد. سپس باستان‌شناسان به کاوش و مطالعه در تپه‌های باستانی این منطقه مشغول شدند و در نتیجه فعالیت‌های آنان آثار و



تنگ مخروطی از جنس سنگ صابونی (بلندی ۲۶/۲ سانتی‌متر) نمونه‌ای از آثار یافت شده از جیرفت که نبرد مارها و عقاب‌ها را نشان می‌دهد.

آگاهی‌های تاریخی قابل توجهی به دست آمد. به دلیل وسعت محوطه‌ی باستانی و آثار موجود در این منطقه، آنان پیش‌بینی می‌کنند استخراج آثار و شناخت کامل تمدن جیرفت مدت زیادی طول بکشد. آنان هم‌چنین معتقدند که شناخت این تمدن می‌تواند به تکمیل یا تصحیح دیدگاه‌ها و اطلاعات موجود در مورد تاریخ ایران و خاورمیانه باستان کمک زیادی کند.

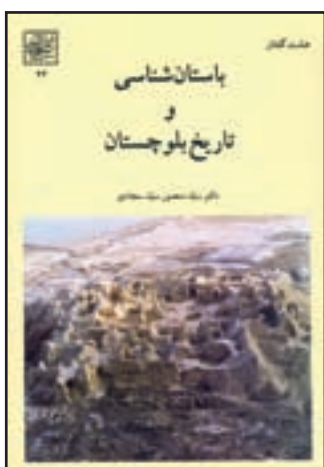
موزه‌ها، گنجینه‌های آثار باستانی
مهم‌ترین مکان نگهداری آثار و اشیای
تاریخی موزه‌ها هستند که در عین حال با
به نمایش گذاشتن آن‌ها امکان آشنایی مستقیم
همه‌ی مردم با آثار را فراهم می‌کنند.



نمای درونی یکی از بخش‌های گنجینه‌ی ملی ایران. در این بخش و بخش‌های دیگر، آثار گوناگونی که طی کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده، به ترتیب زمانی قرار داده شده است.

۱- کلمه موزه از ریشه یونانی موزیون (Mouseion) گرفته شده است. در یونان قدیم، معابد رب‌النوع‌های یونانی به این نام خوانده می‌شدند. به همین جهت به مرور زمان برای هر مکانی که در آن آثار مقدس و گرانبها نگهداری می‌شد، این کلمه به کار رفته است. خواه این آثار ارزشمند مربوط به دوران گذشته و خواه مربوط به زمان حاضر باشد.

آثار در شناخت بهتر زندگی گذشتگان از جمله دلایل توجه جدی جوامع و حکومت‌ها در این زمینه بود. در نتیجه همین توجه است که همواره بر تعداد و دامنه‌ی کار موزه‌ها افزوده شده و امروزه تبدیل به یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی در داخل هر کشور و در سطح بین‌المللی شده‌اند.^۱



سابقه‌ی تشکیل موزه‌ها برای نگهداری و نمایش آثار باستانی به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد. تمایل ذاتی بشر به حفظ اشیای کمیاب و گرانبها، پیشرفت‌های علمی در زمینه‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، رشد احساسات ناسیونالیستی و علاقه به هویت ملی و افزایش آگاهی نسبت به اهمیت این



برخی کتاب‌های تاریخی، براساس یافته‌های باستان‌شناسی نوشته می‌شود.

و تعداد آن‌ها دائماً در حال افزایش است. بازدید از موزه‌ها نیازمند رعایت برخی اصول و نکات است. علاقه‌مندی، دقت در جریان بازدید، داشتن وقت و حوصله‌ی کافی و داشتن اطلاعات اولیه‌ی تاریخی در این مورد اهمیت دارد.

از جمله موزه‌های بزرگ جهان می‌توان از موزه‌های «لوور»^۲ در پاریس، «بریتانیا»^۳ در لندن، «ارمیتاژ»^۴ در سن پترزبورگ و «متروپولیتن»^۵ در نیویورک نام برد. در ایران مهم‌ترین موزه‌ی آثار تاریخی «گنجینه‌ی ملی ایران» است که در تهران قرار دارد. در بسیاری از شهرهای دیگر کشور نیز موزه‌هایی ایجاد شده

۱- رسیدگی و نظارت بین‌المللی بر امور موزه‌ها بر عهده شورای بین‌المللی موزه‌ها یا (International Council Of Museums) I.C.O.M می‌باشد که بخشی از سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) است.

۲- Louvre ۳- British Museum ۴- Ermitazh ۵- MetroPolitan



آثار باستانی و دنیای رایانه‌ای

ابداع و پیشرفت آن چه که اصطلاحاً «سواد رایانه‌ای» خوانده می‌شود، بر وضعیت آثار باستانی و رابطه‌ی انسان با آن‌ها نیز همچون سایر عرصه‌های زندگی بشر تأثیر گسترده‌ای داشته است. امکانات رایانه‌ای از یک سو ابزارها و فنون تازه‌ای را برای انجام دقیق‌تر و سریع‌تر فعالیت‌های علمی در اختیار باستان‌شناسان قرار داده است و از سوی دیگر دسترسی همگانی به این آثار و دستاوردهای علمی مربوط به آن‌ها را در مقیاسی وسیع و آسان ممکن ساخته است. برای مثال در مورد نخست با کمک رایانه بازسازی چهره‌ی کامل نقوش تصویری و اشیای ناقص مربوط به گذشته و همچنین انجام محاسبات آزمایشگاهی و فنی با سرعت و دقت بالاتر عملی شده است. در یک کلام می‌توان گفت که امروزه رایانه و امکانات آن ابزاری ضروری در مراحل مختلف فعالیت‌های باستان‌شناسان به شمار می‌آید. در مورد دوم نیز این امکان فراهم شده تا عموم مردم بتوانند با دسترسی رایانه‌ای به آثار تاریخی و اطلاعات علمی مرتبط با آن‌ها در ابعادی وسیع و جهانی، هر چه بیشتر با اهمیت این آثار آشنا شوند. علاوه بر تولید سی‌دی‌های اختصاصی درباره‌ی آثار، بسیاری از موزه‌ها و مراکز مرتبط با آثار باستانی (سازمان‌های مسئول، دانشکده‌ها و ...) با ایجاد سایت‌های اینترنتی اطلاعات و یافته‌های خود اعم از مطالب نوشتاری، تصاویر و گاه فیلم‌ها را در اختیار مراجعان قرار می‌دهند. حتی با ایجاد تورهای مجازی به آن‌ها این امکان را داده‌اند که از داخل خانه یا محل کارشان به بازدید از یک موزه یا محوطه‌ی تاریخی بازسازی شده به صورت گرافیکی، اقدام کنند. برای آشنایی با اهمیت و ابعاد این دنیای جدید کافی است نام یا آدرس اینترنتی یک موزه یا اثر تاریخی مهم (مانند تخت جمشید یا اهرام مصر) را به رایانه‌ی خود بدهید. بدون شک از آن‌چه در برابر دیدگان شما ظاهر می‌شود، شگفت زده خواهید

شد. در ایران سایت سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با آدرس www.iranmiras.org از جمله سایت‌های فعال اطلاع‌رسانی علمی در این عرصه است.



تصویر سایت خبرگزاری میراث فرهنگی www.chn.ir



پرسش‌های نمونه

- ۱- آثار باستانی (تاریخی) به چه آثاری گفته می‌شود؟
- ۲- مراحل کار در یک عملیات باستان‌شناسی را نام ببرید.
- ۳- درباره‌ی یکی از شیوه‌های سالیابی آثار باستانی توضیح دهید.
- ۴- آثار باستانی چگونه به شناخت بهتر دوران تاریخی زندگی انسان کمک می‌کنند؟
- ۵- مورخان در استناد به آثار تاریخی چه ملاحظاتی را باید در نظر بگیرند؟
- ۶- دلایل اهمیت یافتن موزه‌ها در قرون اخیر چیست؟



اندیشه و جست‌وجو

- ۱- از یک بنای تاریخی یا موزه در محلی که زندگی می‌کنید، بازدید نموده و گزارش مشاهدات خویش را به کلاس ارائه کنید.
- ۲- مجموعه‌ای از عکس‌های مربوط به آثار تاریخی تهیه و آن‌ها را براساس موضوع یا سیر زمانی دسته‌بندی کنید.

سکه‌ها آینه گذشته‌ها

متعلق به سناخریب پادشاه آشور است که در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد تهیه شده است. شاید در همین حدود بود که در لودیه^۲ سکه‌هایی از جنس الکتروم^۳ ضرب شد. سکه‌هایی که کروزوس پادشاه لودیه رواج داد به کروزئید (کروزوسی) معروف شد. پس از فتح لودیه توسط کوروش هخامنشی سکه‌های کروزوسی در ایران رواج یافت. داریوش یکم هخامنشی سکه‌های



نمونه‌هایی از نخستین پول‌ها

سکه‌ها یکی دیگر از منابع پژوهش در تاریخ هستند. در این درس با چگونگی پیدایش و تکامل آن‌ها و نیز نقشی که در پژوهش‌های تاریخی دارند، آشنا می‌شوید.

همه‌ی شما با سکه آشنا هستید. سکه پول فلزی است که می‌توان با آن چیزی را خرید. آیا تا کنون اندیشیده‌اید که این پول چگونه ساخته شده، چگونه رواج یافته و چه کسی آن را ساخته است؟ آیا تاکنون به نقش‌ها و نوشته‌های روی سکه‌ها دقت کرده‌اید؟ سکه‌شناسی علمی است که به این گونه سؤالات تا حد امکان پاسخ می‌دهد. در این درس با سکه‌شناسی و کاربرد سکه‌های قدیمی در تاریخ‌نگاری آشنا می‌شوید.

سرگذشت سکه

کهن‌ترین سکه‌ی یافته شده در جهان

۱- اگر چه سکه‌ها از جهتی در ردیف آثار باستانی قرار می‌گیرند، اما نظر به اهمیت خاص آن‌ها نسبت به بسیاری آثار دیگر و نیز بدان جهت که امروزه «سکه‌شناسی» علمی با مبانی خاص خود تلقی می‌گردد، در این درس به‌طور جداگانه درباره‌ی آن‌ها بحث شده است.

۲- واقع در آسیای صغیر - دولت لودیه پیش از دوره‌ی هخامنشیان اقتدار داشت.

۳- آلیاژی طبیعی مرکب از طلا و نقره ($\frac{3}{4}$ طلا، $\frac{1}{4}$ نقره).



در یک طلا و شیکل نقره را ضرب کرد که کهن‌ترین سکه‌های ایرانی است. کشورهای دیگر جهان نیز یکی پس از دیگری اقدام به ضرب سکه کردند. در کنار رواج سکه، مؤسساتی نیز به وجود آمدند که سرمایه‌ی اضافی مردم را حفظ و به متقاضیان وام می‌دادند. این مؤسسات پس از چندی به بانک معروف شدند. در گذشته مراکزی نیز وجود داشتند که سکه‌های سرزمین‌های گوناگون را تعویض می‌کردند. به این مراکز «صرافی» گفته می‌شد که اینک نیز همچنان به فعالیت مشغول هستند. بعدها انواع دیگر پول مانند اسکناس، چک، سفته، کارت اعتباری و غیره نیز پیدا شدند. اختراع پول پس از «کشف آتش و آهن» و «اختراع چرخ و خط»، مهم‌ترین دستاورد تمدن بشری بوده است.

چگونگی ساخت سکه در گذشته و حال

سکه‌ها معمولاً به دو روش ساخته می‌شوند: ۱- قالب‌ریزی، ۲- ضرب.

۱- روش قالب‌ریزی: در این روش قالب‌هایی از گل رس یا گچ تهیه می‌شد که تصویر رو و پشت سکه بر آن نقش می‌بست. سپس قالب‌ها را به هم چسبانده و از بالا فلز ذوب شده در آن می‌ریختند، پس از سرد شدن، قالب‌ها را شکسته و سکه‌ها را از قالب بیرون می‌آوردند. این نوع سکه‌ها بیشتر در چین و هند ساخته می‌شد.

۲- روش ضرب: در این روش ابتدا فلز را به ورق‌های نازک و مسطح تبدیل می‌کردند. سپس از آن قطعاتی مدور می‌بردند که به آن پولک می‌گفتند. پولک بدون نقش با روش قالب‌ریزی هم به دست می‌آمد. سپس با استفاده از دو قطعه فلز فولادی یا چدنی که شبیه میخ بود و به آن سرسکه یا میخ سکه گفته می‌شد، و نقش موردنظر به صورت معکوس بر روی آن‌ها حک شده بود، پولک‌ها را منقوش می‌کردند. به این صورت که سرسکه‌ی پایینی را که نقش روی سکه را بر خود داشت در سندان قرار می‌دادند. سپس پولک تهیه شده را گرم کرده و روی سرسکه‌ی پایینی قرار می‌دادند. بعد سرسکه‌ی بالایی را روی پولک نهاده با چکش بر آن



ضرب سکه در ضربخانه

و با دیگر کشورها به کار می‌رفت و ضرب آن مخصوص پادشاهان مستقل بود. اگر در کشوری، حاکم یک ایالت چنین سکه‌ای ضرب می‌کرد، معنای آن شورش بر ضد پادشاه کشور و استقلال طلبی بود. سکه‌های نقره در بازار داخلی کشورها کاربرد بیشتر و همگانی‌تری داشت. برای ساختن سکه‌ها از فلزات دیگری مانند مس، آهن، آلومینیوم و سرب که ارزشی کمتر از طلا و نقره دارند، نیز استفاده شده و می‌شود. گاه نیز ترکیبی (آلیاژی) از دو یا چند فلز برای ساختن سکه

می‌گرفتند تا نقش سرسکه‌ها بر پولک افتد.^۱ نقش سرسکه پایینی به صورت برجسته بر روی سکه می‌افتاد. در دوره‌ی ما ضرب سکه با دستگاه‌های جدید و سرعت زیاد انجام می‌شود.

جنس سکه‌ها

طلا و نقره فلزاتی قالب‌پذیر و در برابر رطوبت و گرما مقاوم هستند، به همین دلیل همواره برای ضرب سکه از آن‌ها استفاده می‌شد. سکه‌ی طلا معمولاً در معاملات بزرگ

۱- گاه پیش می‌آمد که فرصت ضرب سکه‌ی جدید نبود و یا سکه‌های معتبری به‌دست می‌آمد که به ضرب مجدد نیاز نداشت، در این صورت آنگ (مهر) کوچکی ساخته و بر گوشه‌ی سکه‌ی قدیمی می‌زدند. این عمل، ضرب مجدد (سورشارژ) نام داشت که بر یک روی سکه انجام می‌شد. بعضی از سکه‌های شاهرخ تیموری تا پنج بار ضرب مجدد شده است.

مورد استفاده قرار می‌گیرد^۱.

واحدهای پول

معمولاً هر سکه‌ای نامی دارد که نشانگر واحد پول کشوری است که آن سکه در آن رایج می‌باشد. این نام مانع اشتباه در شناسایی سکه می‌گردد. در دوره‌ی اسلامی به سکه‌ی طلا دینار^۲، به سکه‌ی نقره درهم^۳ و به سکه‌ی مسی فلس^۴ گفته می‌شد. نام سکه‌ها معمولاً به چند طریق انتخاب می‌شد. جدول زیر راه‌های نامگذاری سکه‌ها را نشان می‌دهد.



نمونه‌هایی از شکل‌های مختلف پول از قدیم تا کنون

۱- لقب حاکم	مثل شاه‌ی، قران (صاحب قرانی)، ریال (سلطنتی)
۲- نام حاکم	مثل یمینی (یمین الدوله محمود غزنوی) ذریک (داریوشی)، عباسی (شاه عباس صفوی)
۳- نام شهر	مثل نیشابوری، لاری، فلوری (منسوب به فلورانس)
۴- جنس سکه	مثل فضی (نقره‌ای)، آئوروس (طلایی)
۵- رنگ سکه	مثل آقچه (سفید کوچک)، پول سیاه (مسی)
۶- اجزا و اضعاف سکه	مثل ربعی (یک چهارم)، بیستی (بیست دینار)، تومان (ده هزار)
۷- نقش روی سکه	مثل تیرانداز (نقش دریک هخامنشی)

ملاک‌های نام‌گذاری و نمونه‌های نام سکه‌ها

در دوره‌ی اسلامی، علاوه بر نام‌های گرفته شده از یونان (دینار، درهم، فلس) واحدهای پولی، نام‌هایی باریشه‌ی ترکی-مغولی (آقچه، تومان) هندی (مُهر، تنگه) و اروپایی (منات، ریال، لیره) داشته‌اند.

۱- سکه‌های ۲۵۰ ریالی که در کشور ما رایج است، دو جنسی هستند نه آلیاژی.

۲- از کلمه‌ی یونانی Denarius که سکه‌ای نقره‌ای بود و در صدر اسلام برای نامیدن سکه‌های طلایی رومی به کار می‌رفت.

۳- از کلمه‌ی یونانی Drachma (دراخما) که سکه‌ای نقره بود. سکه‌های نقره‌ی ایرانی پیش از اسلام نیز درهم نام داشتند.

۴- از کلمه‌ی یونانی Folis به معنی «سکه‌ی مسی» گرفته شده بود. جمع فلس، فلوس بود که بعداً برای سکه مسی به کار رفت.

روش کار در سکه‌شناسی

سکه‌شناس در کار خود مراحل زیر را در پیش رو دارد:

۱- یافتن: روش یافتن سکه‌ها معمولاً روشی باستان‌شناسی است. به این ترتیب که در کاوش‌های باستان‌شناسی، به همراه دیگر آثار باستانی، گاه تعدادی سکه یا ابزارهای پولی نیز به دست می‌آید. همچنین ممکن است به هنگام تعمیر یا تخریب بناها و یا کاوش‌های غیرمجاز، تعدادی سکه کشف گردد. این سکه‌ها معمولاً به موزه‌ها و مراکز تحقیقاتی برده می‌شوند. سکه‌شناس خود به تنهایی به حفاری نمی‌پردازد بلکه از نتیجه‌ی کار باستان‌شناس بهره می‌گیرد. پاره‌ای اوقات، سکه‌ها در مجموعه‌های خصوصی نیز نگهداری می‌شوند.

۲- پاک کردن: چون سکه‌های قدیمی مدتی طولانی در زیر زمین یا در مخازن و صندوق‌ها بوده‌اند، پوشیده از خاک و گل و زنگ زدگی هستند و در معرض آلودگی‌های شیمیایی قرار دارند. بنابراین در آزمایشگاه ویژه‌ای پاکسازی می‌شوند.



علوم یاری‌گر سکه‌شناسی

۳- شناسایی: از این زمان سکه‌شناس، کار تخصصی خود را آغاز می‌کند و می‌کوشد سکه را شناسایی کند. او از تحقیقات دیگران و فهرست‌های سکه‌های شناسایی شده نیز بهره می‌برد.



یک سکه‌ی اشکانی قبل و بعد از مرمت

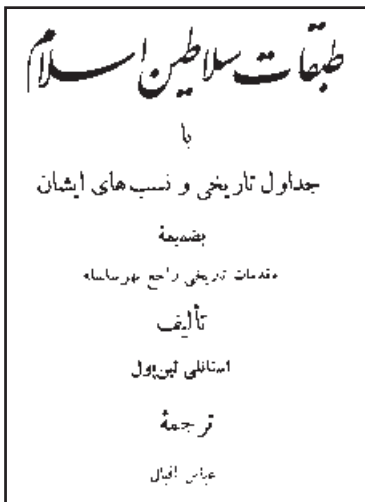


۴- طبقه‌بندی: سکه‌های شناسایی شده براساس معیارهای تاریخی، جغرافیایی و دودمانی طبقه‌بندی می‌گردند. در ثبت مشخصات سکه اطلاعات زیر جمع‌آوری می‌گردد:

دوره‌ی ضرب سکه، حاکم ضرب‌کننده، جنس، وزن، قطر دایره‌ی سکه، مشخصات ویژه (ساییدگی، شکستگی، بریدگی، لحیم خوردگی، سوراخ، ضرب مجدد)، زمان ضرب، مکان ضرب، متن روی سکه، متن پشت سکه

۵- انتشار: نتایج کار سکه‌شناس پس از طبقه‌بندی به صورت فهرست (کاتالوگ)

منتشر می‌گردد تا مورد استفاده‌ی مورخان و محققان و نیز سکه‌شناسان دیگر قرار گیرد.



لین پول در مقدمه‌ی این کتاب نوشته است: طبقات سلاطین اسلام نتیجه‌ی بیست سال تحقیقات من در سکه‌های اسلامی است.

۲- تاریخ اقتصادی و اجتماعی:

سکه‌ها با وزن و عیار خود، توان اقتصادی دولت‌ها، و با پراکندگی خود رواج تجارت را نشان می‌دهند. مثلاً پیدا شدن سکه‌ی یک کشور در سرزمین‌های دیگر، نشانه‌ی ارتباطات متقابل بین آن‌هاست. گسترش روابط تجاری نیز نشانه‌ی وجود امنیت اجتماعی است. وجود سکه‌های مسی کم‌ارزش فراوان در یک منطقه نشانه‌ی نیازمندی مردم به لوازم روزمره و عیار پایین سکه‌ها حاکی از فساد مالی حکام، ضعف ضرابخانه‌ها و ناتوانی اقتصادی است. پنهان کردن سکه‌ها در زیر زمین یا در خمره‌ها نیز نشانگر آن است که صاحبان پول، امنیت نداشته‌اند.



گاه سکه‌های یافت شده موجب تغییر نظریات تاریخی می‌گردد. در کتاب‌های تاریخی آمده است که سلسله ساسانی با مرگ یزدگرد سوم منقرض شد. در کتاب آخرین شاه، نویسنده با استناد به سکه‌های یافت شده، معتقد است پس از یزدگرد سوم نیز تعدادی از شاهزادگان ساسانی به نام خود به عنوان شاه ایران سکه ضرب کرده‌اند.

استفاده‌های تاریخی از هر سکه

در پژوهش‌های تاریخی، سکه‌ها منبع مهم استخراج آگاهی‌ها در زمینه‌های گوناگون هستند و از هر سکه می‌توان در شاخه‌های گوناگون دانش تاریخ بهره برد، نظیر:

۱- تاریخ سیاسی: سکه‌ها سال‌شماری

دقیقی از حکام، تعداد، سال‌های حکومت و توالی آن‌ها به دست می‌دهند. همچنین از نسب آن‌ها، پیدایش دودمان‌های حکومتگر جدید، مدعیان حکومت، شورش‌ها و فتوحات خبر می‌دهند. چگونگی رابطه‌ی حکام محلی با یکدیگر و با حکام برتر نیز با مطالعه‌ی سکه‌ها روشن می‌گردد.

۳- تاریخ مذهبی: سکه‌ها نشانگر گرایش‌های دینی دولت‌های ضرب‌کننده‌ی آن نیز هستند. مثلاً با کمک نوشته‌های روی سکه می‌توان به شیعه یا سنی بودن یک فرمانروا پی برد. روابط امرا و پادشاهان کشورها با خلیفه (در بغداد) و پاپ (در واتیکان) نیز از روی نقش‌های سکه‌ها مشخص می‌گردد.

۴- تاریخ فرهنگی و هنری: خط، زبان و هنر هر قومی، بر سکه‌های آن قوم نقش

می‌بندد. با مطالعه‌ی هر سکه می‌توان به وضع هنری و تحول، تغییر و تأثیرپذیری آن قوم از هنر اقوام دیگر پی برد.

۵- جغرافیای تاریخی: به یاری سکه‌ها می‌توان نام دقیق شهر و محل ضرب آن را شناسایی کرد. بسیاری از مکان‌هایی که سکه‌ها در آن‌جا ضرب شده‌اند، اکنون ویران شده یا جای آن‌ها را شهر دیگری گرفته است. با کمک سکه‌ها می‌توان با نام این مکان‌ها آشنا شد.



اندازه‌گیری وزن اشیای فلزی به عنوان واحد پول در دوره‌ی هخامنشی

۶- باستان‌شناسی: پیدا شدن سکه‌ها در بناهای تاریخی، عُمر آن‌ها را مشخص می‌کند. از آن‌جا که در گذشته، همراه مردگان غذا، پول و سایر چیزها را در گور قرار می‌دادند، یافتن سکه‌ها در آن گورها، عمر سایر اشیاء را

نیز معین می‌کند.

مورخان با یاری گرفتن از آگاهی‌های بالا، می‌کوشند اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و دینی هر عصری را همه‌جانبه‌تر بررسی کنند.



دشواری‌های سکه‌شناسی

مهم‌ترین دشواری‌های سکه‌شناسی عبارتند از: آسیب‌ها (نظیر ساییدگی، زنگ‌زدگی، شکستگی)، اشتباه در خواندن، عدم دسترسی فراوان، عدم اطلاع از محل کشف سکه‌ها و احتمال جعل سکه.



یکی از نخستین سکه‌های اسلامی: این سکه در زمان عبدالملک بن مروان اموی ضرب شده است. نقش دو طرف این سکه با خط کوفی می‌باشد.

متن روی سکه:

مرکز: لا اله الا الله وحده لا شریک له

کناره: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین-

الحق لیُظهِره علی الدین کُلّه



متن پشت سکه:

مرکز: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد

کناره: بسم الله ضرب هذا الدرهم فی سنة سبع و سبعین



مهم ترین وقایع پولی در ایران

رواج حلقه‌های نقره‌ای در شوش (دوره‌ی ایلامی)	ح (حدود) ۲۰۰۰ پ.م
رواج شمش و حلقه‌ی طلا و نقره در سرزمین ماد (دوره‌ی مادی)	ح ۶۰۰ پ.م
رواج سکه‌های کرزوسی در ایران (دوره‌ی هخامنشی)	ح ۵۵۰ پ.م
رواج دریک طلا و شکیل نقره در ایران (دوره‌ی داریوش اول)	ح ۵۲۰ پ.م
رواج سکه‌ی نقره‌ی یونانی در اخمانا در ایران (دوره‌ی سلوکی)	ح ۳۲۰ پ.م
رواج سکه‌های پارتی با نوشته‌ی یونانی (دوره‌ی اشکانی)	ح ۱۶۰ پ.م
رواج سکه‌های پارتی با نوشته‌ی پهلوی	ح ۶۰ پ.م
رواج سکه‌های عرب - ساسانی در ایران (صدر اسلام)	ح ۳۰ ه.ق
رواج سکه‌های اسلامی در ایران (دوره‌ی اموی)	ح ۷۵ ه.ق
رواج سکه‌های پهلوی در طبرستان (دوره‌ی اسپهبدان طبرستان)	ح ۱۰۰ ه.ق
رواج اولین سکه‌های ایرانی پس از اسلام (دوره‌ی طاهریان)	ح ۲۱۰ ه.ق
ضرب سکه‌ی هزار دیناری توسط صاحب‌بن عباد (دوره‌ی آل بویه)	ح ۳۷۸ ه.ق
رواج شمش طلا و نقره (بالش) در ایران (دوره‌ی مغولی)	ح ۶۴۰ ه.ق
انتشار پول کاغذی ایرانی (چاو) در ایران (دوره‌ی ایلخانان)	ح ۶۹۳ ه.ق
اصلاحات پولی غازان خان (دوره‌ی ایلخانان)	ح ۷۰۰ ه.ق
رواج سکه‌های لاری در ایران (دوره‌ی صفوی)	ح ۹۰۰ ه.ق
اصلاحات پولی شاه سلیمان صفوی (دوره‌ی صفوی)	ح ۱۰۹۷ ه.ق
ورود اولین دستگاه ضرب سکه به ایران (دوره‌ی قاجار)	ح ۱۲۷۸ ه.ق
برقراری سیستم فرانک فرانسه در ایران (دوره‌ی قاجار)	ح ۱۲۹۰ ه.ق
تأسیس ضرابخانه دولتی در ایران و رواج اولین سکه‌های ماشینی در ایران (دوره‌ی قاجار)	ح ۱۲۹۵ ه.ق
تأسیس بانک جدید شرق (انگلیسی) در ایران (دوره‌ی قاجار)	ح ۱۳۰۴ ه.ق
تأسیس بانک شاهنشاهی ایران (انگلیسی) (دوره‌ی قاجار)	ح ۱۳۰۶ ه.ق
انتشار اسکناس توسط بانک شاهنشاهی ایران (دوره‌ی قاجار)	ح ۱۳۰۷ ه.ق
تصویب قانون تأسیس بانک ملی ایران (دوره‌ی مشروطه)	ح ۱۳۲۶ ه.ق
رواج اسکناس‌های آلمانی توسط دولت مهاجرین در غرب کشور (دوره‌ی مشروطه)	ح ۱۳۳۴ ه.ق
تأسیس بانک سپه، اولین بانک ایرانی	ح ۱۳۰۴ ه.ش
تأسیس بانک ملی ایران	ح ۱۳۰۶ ه.ش
خرید امتیاز انتشار اسکناس از بانک شاهنشاهی ایران	ح ۱۳۰۹ ه.ش
انتشار اسکناس توسط بانک ملی ایران	ح ۱۳۱۱ ه.ش
تأسیس بانک مرکزی ایران	ح ۱۳۳۹ ه.ش
انتشار اسکناس توسط بانک مرکزی ایران	ح ۱۳۴۰ ه.ش
تأسیس بورس اوراق بهادار ایران	ح ۱۳۴۵ ه.ش
ملی شدن بانک‌های کشور	ح ۱۳۵۹ ه.ش

پرسش‌های نمونه



- ۱- با استفاده از تصویر ص ۷۹ مهم‌ترین اشکال سکه را نام ببرید.
- ۲- چگونه می‌توان از سکه‌ها در نگارش تاریخ سیاسی بهره جست؟

اندیشه و جست‌وجو



- ۱- یکی از سکه‌های رایج در جامعه را انتخاب کنید و نظرات خود را درباره‌ی آن بنویسید.
- ۲- سکه‌ی دوره‌ی اشکانی (صفحه‌ی ۸۰) را با سکه‌ی دوران اسلامی (صفحه‌ی ۸۳) مقایسه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را بیان کنید.

هنر و تاریخ



تجسم گذشته در آثار هنری

می‌دانیم که رویدادهای تاریخی تنها یک بار اتفاق می‌افتند و پس از آن دیگر وجود خارجی ندارند تا انسان بتواند دوباره آن‌ها را مشاهده کند. اما یک اثر هنری پدیده‌ای زنده و موجود در برابر بینایی و شنوایی انسان‌هاست که گوشه‌هایی از اوضاع و احوال زمان آفرینش خود را منعکس می‌کند. به تعبیر دیگر هر اثر هنری را می‌توان گونه‌ای رخداد تاریخی دانست که تا زمان حال باقی مانده است و به محقق این امکان را می‌دهد که از دریچه‌ی آن با دوران‌های گذشته ارتباط

برقرار کند و اختصاصی‌ترین ویژگی‌های یک جامعه را در زمانی مشخص آشکار سازد. پس بی‌دلیل نیست که مورخان برای تدوین سرگذشت شهرها، مناطق و

نقاشی روی دیوار غار
لاسکو در فرانسه

شخصیت‌های تاریخی و یا اوضاع فرهنگی هر دوره، از آثار هنری یاری می‌جویند.

نقاشی قدیمی‌ترین هنر انسانی

محققان نقاشی را قدیمی‌ترین هنری می‌دانند که توسط انسان آفریده شده است. زمان آفرینش کهن‌ترین نقاشی‌های شناخته شده به حدود ۲۰ هزار سال قبل باز می‌گردد. این آثار که در دل تاریک‌ترین نقاط غارهایی در اسپانیا و فرانسه^۱ ترسیم شده‌اند، مشتمل بر تصویر حیواناتی‌اند که به دست انسان‌ها شکار شده و از



۱- غار آلتامیرا (Altamira) در اسپانیا و غار لاسکو (Lascaux) در فرانسه

کاربرد نقاشی در تاریخ‌نویسی

یک تابلوی نقاشی به عنوان محصول اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی زمان خود، حاوی اطلاعات مهمی برای شناخت مسائل آن دوره است. از یک تابلو نقاشی می‌توان در شاخه‌های مختلف تاریخ‌نویسی استفاده کرد، از جمله:

۱- تاریخ اجتماعی: با بررسی یک اثر

نقاشی می‌توان مطالب گوناگونی را پیرامون تاریخ اجتماعی کشورهای مختلف در مقاطع خاصی از زمان به دست آورد. از جمله: نوع و شکل لباس و آرایش طبقات اجتماعی، انواع غذاهای مرسوم و نحوه‌ی سرو آن‌ها، شیوه‌ی کاربرد تزئینات و دکوراسیون داخلی بناها، وسایل مورد نیاز در زندگی روزانه‌ی طبقات مختلف، نوع و شکل وسایل حمل و نقل رایج، آداب و رسوم برگزاری

پای درآمده‌اند. اما هدف نقاشان ماقبل تاریخ از ترسیم این نقوش چه بوده است؟ به گفته‌ی پژوهشگران، این نقاشی‌ها به دلیل اعتقاد انسان‌های نخستین به قدرت جادویی موجود در آثار هنری کشیده شده‌اند. بدین معنی که پیکرنگاران ماقبل تاریخ می‌بنداشتند کشیدن شکل حیوانات زخم خورده و از پای درآمده، جریان شکار را در عالم واقع آسان‌تر و نتیجه‌بخش‌تر خواهد نمود.

با گذشت زمان و به دنبال تحولاتی که در زندگی اجتماعی بشر پدید آمد، نقاشی هم دچار دگرگونی‌های فراوانی گردید. برای شناخت بهتر این دگرگونی‌ها آثار را براساس معیارهایی مانند زمان و مکان آفرینش و نیز شکل و محتوای آن‌ها طبقه‌بندی کرده، تحت عنوان سبک‌های^۱ مختلف نام‌گذاری می‌کنند.



نقاشی صحنه‌ای از جنگ‌های ایران و روسیه

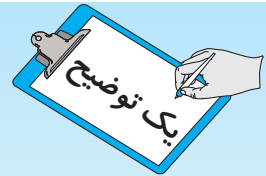
۱- سبک style - ویژگی‌ها و مشخصات صوری مربوط به یک دوره‌ی هنری، گروه و یا شخص معین را می‌گویند.

مراسم مختلف اجتماعی مانند ازدواج، جشن، مهمانی، سوگواری و انواع سرگرمی‌های مردم.

۲- تاریخ فرهنگ و تمدن: در زمینه‌ی عقاید و آداب و رسوم مذهبی، تفکرات غالب فلسفی، نوع معیشت، شکل و شیوه‌ی دادوستدهای اقتصادی، شیوه‌های معماری و شهرسازی، روش‌ها و مسائل تعلیم و تربیت، شکل و نوع آلات موسیقی، مطالبی زنده و گویا در تابلوهای نقاشی یافت می‌شود. مثلاً عقاید اساطیری مردمان میان دو رود در نقاشی‌هایی که آن اقوام بر روی سفالینه‌های خود باقی گذاشته‌اند، تجلی پیدا کرده است، و نقاشی‌های

باقی مانده از دوره‌ی قرون وسطای اروپا، آینه‌ای از عقاید دینی مسیحیان است، که مباحث مختلف این آیین از خلقت انسان تا وقایع روز جزا (طبق روایات مسیحی) و نیز روایات مربوط به عیسی (ع) را دربر می‌گیرند.

۳- تاریخ سیاسی: تابلوهای نقاشی که از مجلس مذاکرات صلح بین عباس میرزا و پاسکویچ ترسیم شده‌اند، از جمله اسناد گران‌بها پیرامون جنگ‌های ایران و روس است که از طریق آن می‌توان سیاستمداران ایرانی و روسی شرکت‌کننده در مذاکرات را شناسایی و اهمیت مرتبه‌ی هر یک را مشخص نمود.



جایگاه هنر ایران در جهان

ایرانیان در طول تاریخ از فرهنگ و تمدن جهانی تأثیر پذیرفته و در عین حال بر آن تأثیر گذاشته‌اند. هنر ایران در جهان جایگاهی والا دارد.

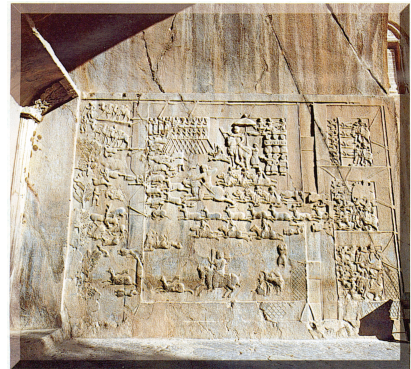
تابلوهای نقاشی که با موضوع صحنه‌های مختلف جنگ‌های ایران و روس کشیده شده‌اند، بهترین مثال در این مورد هستند.

۵- تاریخ هنر: بررسی آثار نقاشی نشان می‌دهند که در هر دوره‌ای چه تحولاتی در هنر نقاشی پدید آمده است.

۴- تاریخ نظامی: از خلال نقوش موجود بر روی تابلوهای نقاشی می‌توان با انواع سلاح‌های مورد استفاده، شکل و شیوه‌ی آرایش‌های رزمی و تاکتیک‌های جنگی، وسایل حمل و نقل نظامیان و ادوات نظامی، لباس‌ها و تجهیزات سربازان و افسران و چهره‌ی فرماندهان مشهور تاریخ، در هر عصر، آشنا شد.

حجاری و مجسمه‌سازی

پژوهشگران، مجسمه‌سازی^۱ را نیز همپای نقاشی یکی از نخستین هنرهای آفریده‌ی دست بشر می‌دانند. کهن‌ترین حجاری‌های شناخته شده، در غارهای^۲ محل زندگانی انسان‌های ماقبل تاریخ حک گشته‌اند. این آثار با کار تکمیلی هنرمندان غارنشین بر روی اشکال طبیعی سنگ‌های دیواره‌ی غارها و یا دیگر سنگ‌ها و مواد موجود در محیط اطراف پدید آمده‌اند.



بخشی از حجاری‌های طاق بستان

مجسمه‌سازی نیز در آغاز راه همانند نقاشی از اعتقاد انسان‌ها به نیروهای جادویی نشأت گرفته است. مجسمه‌سازان نخستین، همچون اولین نقاشان، می‌پنداشتند که با شکار پیکره‌ی سنگی حیوانات شکاری در عالم خیال، موفقیت خود را در صحنه‌های واقعی شکار

تضمین خواهند نمود.

همان‌طور که درباره‌ی دگرگونی‌های سبک‌های نقاشی گفته شد، مجسمه‌سازی نیز تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در ادوار مختلف تاریخ رخ داده، سبک‌های مختلفی را به خود دیده و شیوه‌های گوناگونی را تجربه کرده است.

کاربردهای مجسمه‌سازی و حجاری در تاریخ‌نویسی

آثار حجاری نیز می‌توانند اطلاعات متنوعی را از گذشته در اختیار تاریخ‌نویسان



مجسمه‌ی یک شاهزاده‌ی بارتی که در ایزده واقع در خوزستان یافت شده است.

۱- مجسمه‌سازی statue، هنری سه بُعدی است که از طریق کاربرد فنون آن، هنرمند مجسمه‌ساز به توده‌ای از مواد ملموس و بدون شکل، شکل و حالت دلخواه خود را می‌بخشد.

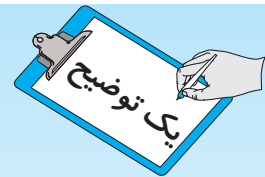
۲- مثلاً در غارهای کاپ بلان - فون دو گوم - و کُمبارل که همگی در فرانسه واقع شده‌اند.

قرار دهند. از جمله در تاریخ فرهنگ و تمدن، تاریخ اجتماعی، تاریخ سیاسی و تاریخ هنر می‌توان از اطلاعات تاریخی موجود در یک اثر حجاری استفاده کرد.

به‌طور مثال با کمک آثار حجاری مربوط به دوره‌ی هخامنشی، در نقش رستم فارس، که در آن پادشاه در مقابل آتشدانی افروخته به سوی نماد اهورامزدا (فَرَوَهَر) و رو به سمت شرق ایستاده است، مورخان می‌توانند تصویری درست‌تر از عقاید دینی رایج در دوران هخامنشی ارائه دهند. در همین نقوش اقوامی که تخت پادشاه را حمل می‌کنند، گواهی بر

وسعت قلمرو کشور هخامنشی اند. نقوش حجاری شده بر روی پلکان‌های کاخ آپادانا در تخت جمشید، نوع لباس، نوع آرایش و مهمترین محصولات اقتصادی هر یک از ملل تابعه‌ی امپراتوری هخامنشیان را نمایش می‌دهند و در عین حال چگونگی باریابی نمایندگان آن ملل را به دربار شاه، در جشن نوروز، نمایانگرند.

برخی نقوش اساطیری موجود در تخت جمشید مانند نقش کشتن دیو خشکسالی توسط شاه هخامنشی، مؤید نگرانی خاطر همیشگی ایرانیان نسبت به مشکل طبیعی کم آبی است.



ایران دوستی پوپ

آرتور پوپ ایران‌شناس و نویسنده‌ی آمریکایی، سال‌ها در ایران به مطالعه و پژوهش درباره‌ی آثار هنری پرداخت. او در پایان عمر (۱۳۴۸ ش) وصیت کرد تا جسدش را مجاور پل خواجه در اصفهان دفن کنند.

فکر کنید و پاسخ دهید



به‌نظر شما از نقوش حجاری‌های ساسانی در طاق بستان چه برداشت‌هایی می‌توان

کرد؟

نمایش و تاریخ

نمایش که خود اقسام گوناگونی دارد، از مهم‌ترین شاخه‌های هنر محسوب می‌شود. مطالعات مردم‌شناسی و تحقیقات باستان‌شناسی نشان داده که نمایش نیز نزد انسان‌های نخستین نمایانگر نوعی اعمال جادویی بوده است. آن‌ها از جمله می‌پنداشته‌اند که با تقلید حرکات و حالات موجودی که «توتم»^۱ قبیله محسوب می‌شده است، قدرت او را از آن خود خواهند نمود.

در پی رشد جوامع انسانی و پدید آمدن شیوه‌ی معیشتی کشاورزی، نمایش در قالب مراسم جادویی طلب باران یا مراسم شادی و شکرگزاری به مناسبت فصل برداشت محصولات کشاورزی به حیات خود ادامه داد. کشاورزان

اولیه می‌پنداشتند که این نمایش‌ها سبب غلبه و تسلط آن‌ها بر قوای طبیعت خواهد شد.

از دل همین نمایش‌های آیینی بود که برای نخستین بار در یونان باستان، هنر تئاتر^۲ پدید آمد. عناصر اصلی هنر تئاتر و تئوری‌های توضیح‌دهنده‌ی ارکان آن نیز توسط یونانیان ابداع شده است.

هنر نمایش در ایران همانند سایر نقاط جهان، ریشه در اعتقاد بشر به نیروهای ماوراءالطبیعه دارد. کما اینکه تصاویر موجود بر روی سفالینه‌های به جای مانده از ادوار بسیار دور ایران، نشان از برگزاری نوعی مراسم آیینی به مناسبت برداشت محصولات کشاورزی دارند. هرودوت از اجرای نمایشی خاص در سالروز قتل گئوماتای مغ خبر داده و اخبار بسیاری از برگزاری نمایش اسطوره‌ای سوگ سیاووش در



در داستان‌های حماسی ایرانی، سیاووش فرزند برازنده‌ی کیکاووس کیانی است که پس از رفع تهمتی که به او زده بودند به توران زمین رفت و با دختر افراسیاب پادشاه توران ازدواج کرد. اما در پی توطئه چینی درباریان، افراسیاب به قتل او فرمان داد. این قتل فجیع و ناجوانمردانه آتش کینه و جنگ را بین ایرانیان و تورانیان گدازان‌تر کرد. ماجرای مرگ دلخراش سیاووش در قالب نمایش‌های غمناکی تحت عنوان سوگ سیاوش، در روزی که سالروز قتل او می‌دانستند اجرا می‌شد. کیخسرو جانشین کیکاووس، فرزند سیاووش، از همسر تورانی او فرنگیس دختر افراسیاب، است.

۱- توتم (Totem) حیوان یا گیاهی است که در اعتقاد انسان‌های ابتدایی نیای یک گروه انسانی به‌شمار می‌رفت.

۲- کلمه‌ی تئاتر [Theater] در اصل مشتق از واژه‌ی تئاترون [Theatron] است که جزء اول آن ثنا [Thea] به معنی تماشاگردن و یا محل تماشا و مشاهده می‌باشد. ریشه‌ی این مفهوم به دوره‌ای از تاریخ یونان بازمی‌گردد که تماشاگران بر شیب تپه‌ای می‌نشستند و مراسم آیینی را که در پای همان تپه انجام می‌شد، تماشا می‌کردند.

نقاط مختلف ایران در دست است.

اما شاخص‌ترین نمایش آیینی ایرانی، تعزیه یا شبیه‌خوانی است، نمایشی که ریشه‌های عمیق در سایر نمایش‌های آیینی ایرانی داشته و موضوع اصلی آن واقعه‌ی جانسوز کربلا و شهادت امام حسین(ع) است. اجرای این نمایش از دوران صفویه و همگام با رسمی شدن آیین تشیع در ایران مرسوم گردیده است. باید به خاطر داشت که تعزیه تنها نمایش بومی-مذهبی، در جهان اسلام است.

یکی دیگر از نمایش‌های بومی-سنتی ایران نقالی است. نقال در مکان‌های عمومی (به‌خصوص قهوه‌خانه‌ها) به نقل داستان‌های مختلف شاهنامه (و گاه داستان‌های دیگر) می‌پردازد. او ضمن شاهنامه‌خوانی نقش تمام قهرمانان داستان‌هایش را نیز به صورت نمایش‌های تک‌گویی (مونولوگ) بازی می‌کند.

گاه نقالی در کنار پرده‌های نقاشی مزین به تصاویر قهرمانان شاهنامه یا مقدسین مذهبی اجرا می‌شود و نقال ضمن داستان‌گویی به تصاویر روی پرده که در ارتباط با داستان‌های او نقش شده‌اند، اشاره می‌کند و با این تمهید درکی بصری از داستان در شنونده پدید می‌آورد. این نوع از نقالی را پرده‌خوانی می‌نامند.

شاید بتوان نقالان را تنها آموزگاران تاریخ قبل از تأسیس مدارس جدید دانست.

زیرا آنان در قالب روایات عامیانه گوشه‌هایی از تاریخ را نیز به مخاطبان خود می‌آموختند.

کاربرد نمایش در تاریخ‌نویسی

اجرای نمایش‌های آیینی در زمان حاضر (مانند تعزیه) که به همان شکل و شیوه‌ی سنتی خود اجرا می‌شوند، حکم دریچه‌ای را دارند که به سوی گذشته‌ی فرهنگی یک ملت گشوده می‌شود. همچنین از آن‌جا که متون باقی‌مانده از اجرای نمایش‌های آیینی، خود در واقع جزء متون ادبی به‌شمار می‌آیند، بررسی آن‌ها به روشن‌تر شدن تاریخ ادبیات (به‌خصوص ادبیات مذهبی و ادبیات عامیانه) در هر دوره‌ای یاری می‌رساند. این در حالی است که کنکاش در عناصر مختلف متون مزبور، از جمله اصطلاحات، تکیه‌کلام‌ها، شیوه‌ی ادای گفتگوهای نمایش، موسیقی متن و عناصر صحنه، می‌تواند برای محققان در زمینه‌ی تاریخ اجتماعی و تاریخ هنر ایران، از عصر صفوی به این سو، برخی مواد لازم را فراهم کند.

نمایشنامه‌های اروپایی نیز علاوه بر اهمیتی که در تاریخ ادبیات دارند، به لحاظ این‌که گاه جزئیات لباس بازیگران، چهره‌نگاری آنان، تزئینات و تجهیزات صحنه‌ی نمایش نیز در متن نمایش مشخص شده است، می‌توانند به مشخص‌تر شدن آداب و رسوم اجتماعی در دوران‌های گذشته یاری برسانند. از خلال متن

نمایشنامه‌ها اطلاعات مفیدی پیرامون اعتقادات مذهبی، موقعیت اقشار و طبقات مختلف و اوضاع سیاسی - اقتصادی زمان تألیف نمایشنامه‌ها به دست می‌آید. ضمن این که این نمایشنامه‌ها از آن‌جا که گاه در قالب‌های مختلف به انتقاد از اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر خود می‌پردازند، آینه‌ای شفاف از معضلات و مشکلات جامعه در آن عصر هستند^۱. علاوه بر این‌ها، نمایشنامه‌ها حاوی اطلاعات مهمی پیرامون نوع زبان، لهجه و اصطلاحات عوامانه‌ی زمان خلق خود می‌باشند.

بدیهی است که هر نمایشنامه، روشن - کننده‌ی گوشه‌ای از تاریخ هنر محسوب می‌شود.

فیلم و سینما

تلاش دانشمندان برای ثبت حرکت سرانجام در سال ۱۸۹۵م به دست برادران لومیر^۲ به ثمر نشست و نخستین فیلم^۳ متحرک در پاریس به نمایش عمومی درآمد.

مقوله‌ی فیلم را می‌توان به شاخه‌های مختلفی مانند فیلم‌های خبری، مستند و داستانی تقسیم کرد که هر کدام در جای خود برای مورخ تاریخ معاصر دارای اهمیت‌اند.

کاربرد فیلم و سینما در تاریخ‌نویسی با توجه به این مسئله که فیلم و سینما وقایع را در جریان حرکتی نمایشی در معرض دید بینندگان خود قرار می‌دهند، می‌توان ادعا نمود که اختراع فیلم و سینما به مثابه‌ی تحقق آرزوی دیرین مورخان جهت دیدن رویدادهای گذشته است.

فیلم‌های خبری مستقیم‌ترین منابع و شواهد را از وقایع مختلف سیاسی - اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و ... در اختیار محققان تاریخ قرار می‌دهند. آن‌ها با کمک گرفتن از فیلم‌های خبری می‌توانند صحنه‌ی جنگ‌ها، شورش‌ها، انقلاب‌ها، کودتاها، ترورها، ملاقات‌های سیاسی، کنفرانس‌ها و اجلاس سران کشورهای مختلف، رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری، ورزشی و حوادث طبیعی را که در تاریخ معاصر روی داده‌اند، بارها و بارها تماشا کنند و به تبیین و تفسیر دقیق‌تر و واقعی‌تری از این حوادث و رویدادها دست یابند.

فیلم‌های مستند که در موضوع‌های مختلف مانند علوم، هنر، صنعت، آموزش، صنایع دستی، فنون، سیاست، ارتش، تبلیغات سیاسی جنگ، قوم‌نگاری، جرم‌شناسی و غیره

۱- نمایشنامه‌های مربوط به عصر مشروطیت از مهم‌ترین نمونه‌ها در این زمینه‌اند.

۲- لوئیس و اوگست لومیر

۳- فیلم (film) ورقه‌ای شفاف و انعطاف‌پذیر است که پوششی از نیترا ت نقره دارد. از فیلم برای ثبت و ضبط حرکات

استفاده می‌کنند.

عکس‌های تاریخی

از قرن نوزدهم بشر به امکان دیگری برای به تصویر کشیدن صحنه‌های زندگی خود دست یافت و آن عکاسی به معنای فن تثبیت دائمی تصاویر بود.

عکاسی همانند سینما با ضبط تصاویر، خاطره‌ی هر آنچه را که در سیر زمان نابودشدنی است، حفظ نموده، آن را به ساده‌ترین شکل ممکن در اختیار مورخان قرار می‌دهد.

در عکس‌های تاریخی موضوعاتی مانند چهره‌ی رجال سیاسی و فرهنگی، مناظری از زندگانی روزمره‌ی مردم کوچه و بازار، صحنه‌ی نبردها، جنبش‌ها، انقلاب‌ها، مجازات‌های قضایی، کنفرانس‌ها و ملاقات‌های سیاسی، رویدادهای مهم طبیعی و غیره ثبت دائمی شده‌اند. به همین خاطر در تمام تحقیقات پیرامون تاریخ معاصر، از عکس‌ها به عنوان شواهدی مستند که می‌توانند به روشن‌تر شدن مباحث گوناگون تاریخ نویسی کمک کنند استفاده



تصویری از یک خانواده‌ی ارمنی در دوره‌ی رضا شاه

تولید شده‌اند دیر یا زود به منبعی تاریخی بدل می‌شوند. مثلاً یک فیلم مستند از سال ۱۹۶۰ در زمینه‌ی هواپیماهای جت، در سال ۲۰۰۷م دیگر ارزش علمی چندانی ندارد، اما به لحاظ تاریخ علم و صنعت، به خصوص تاریخ صنایع هوایی، بسیار با ارزش بوده، گوشه‌ای از تحولات این رشته از علم را در اختیار مورخان تاریخ علم قرار می‌دهد.

در صورتی که فیلم‌های خبری و مستند مورد نقد کامل قرار گیرند، می‌توانند مدارکی جالب‌تر و قطعی‌تر از یک سند کتبی، تابلوی نقاشی یا عکس ارائه دهند. فیلم‌هایی که از قتل رئیس‌جمهور مصر در سال ۱۹۸۱م ۱۳۶۰ش یا جریان زلزله‌ی سونامی در سال ۲۰۰۴م/ ۱۳۸۲ش تهیه شده‌اند، بهترین مثال در این زمینه می‌باشند.

محققان تاریخ هنر هم با مطالعه در عناصر پدیدآورنده‌ی یک فیلم داستانی (سینمایی) می‌توانند تاریخ تکامل سینما را روشن ساخته و با قاطعیت بیشتری درباره‌ی توان هنری هنریشگان پیشین داوری کنند.

اهمیت فیلم و سینما تنها به ثبت رویدادهای مهم ختم نمی‌شود بلکه سینما با ثبت صحنه‌هایی از نحوه‌ی زندگی افراد عادی بهترین سند را در این زمینه پیش‌روی مورخان آینده قرار می‌دهد.

می‌شود. از سوی دیگر عکس‌های تاریخی با پدید آوردن درک بصری از موضوعات مختلف به تفهیم بهتر مطالب تاریخی یاری می‌رسانند. با انتخاب عکس‌های مناسب می‌توان از این منبع در جهت تفسیر حوادث و رویدادها نیز استفاده کرد. به تعبیری عکس‌ها خود در واقع نوعی تفسیر از وقایع تاریخی هستند.

استفاده از منابع هنری در تاریخ‌نگاری

استفاده از منابع هنری در تاریخ‌نویسی دارای ظرایف و تنگناهای خاصی است که بی‌توجهی به آن‌ها درجه‌ی اعتبار هر تحقیق تاریخی را که با استفاده از منابع هنری تألیف شده باشد، پایین می‌آورد. بنابراین هنگام بهره‌بردن از منابع هنری باید از جمله به مطالب زیر توجه نمود:

۱- یکی از مهم‌ترین مواردی که باید از آن اطمینان حاصل نمود، اصالت اثر، به‌خصوص در مورد هنرهای تجسمی^۱ است که باید توسط متخصصان فن تأیید شده باشد. آفریننده‌ی یک اثر تقلبی به‌ندرت می‌تواند سبک هنرمند اصلی را به‌طور کامل درک و آن را عیناً تقلید کند. کارشناسان با دقت در ریزه‌کاری‌های یک اثر تجسمی مانند شیوه‌ی ترسیم خطوط چهره، جزئیات لباس و پوشش و نیز شیوه‌ی تجسم حالت‌های بشری (شادی، غم، خشم و نفرت) می‌توانند اصالت یا عدم اصالت یک اثر

را که به هنرمندی خاص منتسب است مشخص کنند. همچنین می‌توان با کمک آزمایش‌های شیمیایی اصل و مبدأ یا قدمت مواد را تشخیص داد و تاریخ ذکر شده در مورد آفرینش یک اثر را رد یا تأیید نمود.

البته باید توجه داشت که برخی از آثار هنری نیمه‌تقلبی هستند به این معنا که مدت‌ها پس از آفرینش یک اثر هنری، افرادی، حتی بدون قصد فریب و نیرنگ، در جهت تعمیر و مرمت اثر، شکل آن را تغییر داده یا مواردی را که ناقص می‌دانسته‌اند، بنا بر سلیقه و نظر خودشان تکمیل کرده‌اند. به این ترتیب اطلاعات تاریخی موجود در این دسته از آثار تا حدود زیادی تحریف شده است.

۲- در استفاده از منابع هنری، نباید تنها به بررسی شاهکارها پرداخت چرا که آثار هنری عامیانه حتی چه بسا واقعیات بیشتری را از زندگانی مردم عادی منعکس می‌کنند. امری که به‌خصوص در تألیف تاریخ اجتماعی باید مورد نظر مورخان قرار گیرد.

۳- در فیلم و سینما، مونتاژ مهم‌ترین عامل تحریف محتوای یک اثر است. مثلاً احساسات مثبت مخاطبان نسبت به یک سخنران را می‌شود با مونتاژ فیلمی که در آن جمعی با هیاهو و جنجال علیه فرد دیگری اعتراض

۱- هنرهای تجسمی (Art Terms) از جمله شامل دو زیرشاخه‌ی مهم نقاشی و مجسمه‌سازی است.

کرده‌اند، معکوس جلوه داد.

دهد چرچیل صمیمانه دست هیتلر را می‌فشارد. به وسیله‌ی تکنیک رُتوش^۱ می‌توان، تصویر واقعی یک شخصیت را در جهت محبوبیت بیشتر او تغییر داد.

در فیلم‌های مستند نیز که از طریق مونتاز، مناظر واقعی را با صحنه‌های مصنوعی در هم می‌آمیزند باید بخش بازسازی شده را از بخش‌های خیالی آن جدا کرد. این کار با بررسی فیلم از یک سو و استفاده از شواهد کتبی از سوی دیگر امکان‌پذیر می‌شود.

همچنین برخی از عکس‌ها در جهت اهداف مشخص سیاسی صحنه‌سازی شده‌اند. مثلاً رژیم آلمان هیتلری در آستانه‌ی حمله به لهستان، عکس‌هایی از اجساد سربازان مقتول لهستانی را در لباس ارتش آن کشور انتشار داد، که مدعی بود در حمله به پاسگاه‌های مرزی آلمان کشته شده‌اند. حال آن‌که بعداً معلوم شد کشته‌شدگان در اصل زندانیان سیاسی آلمانی بوده‌اند که لباس ارتش لهستان را به تنشان پوشانده و سپس آن‌ها را اعدام کرده‌اند.

۴- صداگذاری یکی دیگر از عوامل مهم تحریف در مقوله‌ی فیلم و سینماست. مثلاً می‌توان با گذاشتن صدای تیراندازی بر روی فیلمی واقعی از حرکت ساده‌ی تانک‌ها در یک شهر، توهم درگیری شدید مسلحانه را در بیننده پدید آورد. هم‌چنین صدا در فیلم‌های دوبله‌شده می‌تواند سبب تحریف در مفاهیم و حتی موضوع اصلی فیلم گردد.

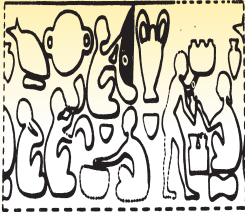
پس با توجه به نکات ذکرشده باید هنگام استفاده از عکس‌های تاریخی به کمک سایر اسناد و مدارک از واقعی بودن آن‌ها اطمینان حاصل کرد. در ضمن باید به خاطر داشت که عکس‌های تاریخی تنها زمانی در تاریخ‌نویسی قابل استفاده هستند که دقیقاً معرفی، تدوین و آماده‌سازی شوند و شخصیت‌ها، ساختمان‌ها و فضای تصویری موجود در آن‌ها معرفی و زمان عکس‌برداری نیز به‌درستی تعیین شده باشد.

۵- با توجه به این‌که معمولاً فیلم‌های خبری به نمایش درآمده تنها تکه‌هایی منتخب از فیلم اصلی هستند، محققین باید سعی کنند نسخه‌ی کامل فیلم‌های مورد نظرشان را از طریق مراجعه به آرشیو فیلم‌های خبری، مشاهده و بررسی کنند.

۶- در عکاسی می‌توان به وسیله‌ی مونتاز وقایعی را که هرگز رخ نداده به‌طور مصنوعی ایجاد نمود، مثلاً عکسی را تهیه کرد که نشان

۱- رُتوش: تعمیر و اصلاح عکس قبل از چاپ را می‌گویند. رُتوش معمولاً به منظور رفع عیب‌های جزئی فیلم، قبل از

ظهور انجام می‌شود.



تصویر یک مهر قدیمی مربوط به دوره‌ی ایلام. در این مهر یک آوازخوان را می‌توان دید.

موسیقی و تاریخ

در مراحل ابتدایی حیات انسان، افراد هر گروه انسانی برای غلبه بر مشکلات توان فرسای زندگانی، اجباراً به صورت مشترک و به طرز هماهنگ کار می‌کردند و چون هر کاری مانند غلتانیدن سنگ یا فروانداختن درختان یا پارو زدن، مرکب از حرکاتی مکرر و منظم است، مردم ابتدایی در حین کار جمعی به رفتاری موزون دست می‌زدند. آن‌ها مانند پتک‌زنان امروزی نفس خود را به شدت و با صدا از سینه بیرون می‌دادند. این اصوات با صداهای ناشی از برخورد ابزار کار، به سبب وزن کار، هماهنگ می‌شدند. بدیهی است که انسان‌های ابتدایی در ضمن انجام کار، به مقتضای احوال خود، کلماتی هم بر زبان می‌آوردند. (مانند یا علی گفتن‌های کارگران امروزی) از این کلمات که در نظر آنان عناصری جادویی بودند، و پیوسته با فریاد کار و صدای ابزار قطع می‌گردیدند، ترانه‌های ابتدایی پدید آمد.

صداهای ناشی از ابزار کار انسان را به ساختن ابزارهای موسیقی کشانید. به طوری که برخی از قدیمی‌ترین آلات موسیقی، مستقیماً از ابزارهای کار پدید آمده‌اند. مثلاً بسیاری از سازهای زهی با الهام گرفتن از کمان ساخته شده‌اند. در موسیقی ایرانی چنگ و کمانچه دقیقاً چنین خاستگاهی دارند.

هنر موسیقی ایرانی که در عصر ساسانی به پیشرفت چشم‌گیری رسیده بود، در پی فتح ایران به دست مسلمانان، به میان اعراب رفت و موسیقی بدوی عرب‌ها را متحول

نمود. به طوری که موسیقی سرزمین های خلافت شرقی در دوران اقتدار بنی عباس به اوج شکوه خود رسید. هماهنگ با رشد موسیقی در بین مسلمانان، از قرن دوم هجری تألیف کتب مختلف درباره ی تاریخ موسیقی و قواعد آن آغاز شد که مهم ترین آن ها، اثر «ابوالفرج علی بن الحسین اصفهانی» تحت عنوان «الآغانی» است.

کتبی مانند الآغانی با داشتن اطلاعاتی درباره ی زندگانی موسیقی دان های بزرگ شرق و هم چنین از طریق گردآوری آوازاها و ترانه های مشهور و ثبت الحان (نوعی الفبای موسیقی) و نیز جمع آوری روایات و قصه های مختلفی که درباره ی هر آواز رسیده، تاریخ را با موسیقی پیوند می دهند.

اطلاعات تاریخی موجود در این دسته از منابع، علاوه بر کمک به نوشتن تاریخ هنر موسیقی، می توانند در تحقیقات پیرامون تاریخ فرهنگ و تمدن، تاریخ اجتماعی، تاریخ سیاسی، تاریخ تشکیلات اداری و نیز در روشن شدن اسرار درباره ی حکام و خلفا، مورخان را یاری دهند.

تحلیل و تفسیر علمی آثار موسیقایی جدی و سنگین می تواند در شناخت مسائل فرهنگی - اجتماعی مؤثر افتد. اما مهم تر از آن ها، ترانه ها و آهنگ های عامیانه است. آثاری که در عین سادگی، بهترین انعکاس دهنده ی مشکلات، دردها، نیازها، آرزوها و آرمان های اجتماع در یک مقطع زمانی خاص هستند. سراینده گان این آهنگ ها مردم کوچه و بازارند و الهام بخش آنان در سرایش شعر و ترانه بیشتر تحولات و تغییرات نامساعد یا نابهنگام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. این مردم هرگاه با امری مخالف شئون ملی یا سنن مذهبی یا فرهنگ اجتماعی خود مواجه می شدند یا در اموری ناروا مجبور به تحمل ستم آشکاری می گردیدند و در خود توان رویارویی نمی یافتند بی درنگ به حربه ی شعر و ترانه دست می بردند و چنین بود که ناگاه درباره ی آن امر نامطلوب یا دستور ظالمانه، ترانه ای با ساده ترین الفاظ و گاه با تندترین کلمات منتشر می شد و در مدت کوتاهی شهر و کشوری از آن با خبر شده در همه جا فریاد می شد. دلیل آن هم واضح است زیرا این ترانه ها زبان حال همه بود و از دردی برمی خاست که همه احساسش می کردند و آن را درد خود می دانستند.

پرسش‌های نمونه



- ۱- نقاشی چه نقشی در زندگی انسان‌های نخستین داشت؟
- ۲- چه شباهتی بین کاربرد نقاشی و مجسمه‌سازی در زندگانی انسان‌های ماقبل تاریخ وجود دارد؟
- ۳- هنر تئاتر چه پیوندی با فرهنگ یونان باستان دارد؟
- ۴- فیلم‌های خبری چه استفاده‌هایی در تاریخ‌نویسی دارند؟
- ۵- عکس‌های تاریخی در چه زمینه‌هایی به تاریخ‌نویسان یاری می‌رسانند؟
- ۶- اصطلاح آثار نیمه‌قلبی را در هنرهای تجسمی تعریف کنید.
- ۷- یکی از تحریفاتی را که می‌توان با کمک مونتاز در یک فیلم خبری ایجاد کرد، توضیح دهید.
- ۸- با کمک صحنه‌سازی چه تحریفاتی را می‌توان در یک عکس تاریخی ایجاد کرد؟

اندیشه و جست‌وجو



در مورد شبیه‌خوانی و تعزیه مطلبی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

ادبیات و تاریخ

مرز تاریخ و ادبیات

ایرانیان را در آن دید. گذشته از این، متون تاریخی و متون ادبی با هم ارتباط نزدیکی دارند. این ارتباط گاهی آن قدر نزدیک است که نمی‌توان بین متون ادبی و متون تاریخی فرقی گذاشت. کتاب‌هایی مثل تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی اگر چه نامشان تاریخ است ولی کتاب‌های ادبی هم هستند. گاهی هم در یک نوشته‌ی ادبی مانند یک شعر یا یک داستان کوتاه یا یک رمان، زمینه، بینش و یا اطلاعات تاریخی وجود دارد. کسانی که تاریخ یک دوره را می‌نویسند از مراجعه به متون ادبی بی‌نیاز نیستند.

در گذشته مورخانی که در خدمت دربارها بودند و با دستور سلاطین تاریخ می‌نوشتند، بیشتر شرح زندگی آن سلطان، توصیف اقدامات و جنگ‌ها و توضیح دوران حکومت او را هدف خود می‌دانستند و به سرگذشت مردم توجه نداشتند. از طریق این دسته از کتاب‌های تاریخی، ما می‌توانیم از تاریخ سیاسی و نظامی دوره‌های

تاریخ و ادبیات در سرزمین ایران سرنوشت نزدیک و مشترکی دارند. در اولین نگاه باید اشاره کرد که ادبیات فارسی در بستر جریان تاریخ ایران به وجود آمده و پیش رفته است. در تمامی تاریخ ما، ادبیات، هم ابزاری برای بیان رویدادهای تاریخی بوده و هم در چگونگی وقوع این رویدادها اثر داشته است. گاهی ابزاری بوده در دست حاکمان برای تبلیغ خواسته‌ها و محکم‌تر کردن پایه‌های قدرت خود و گاهی هم سلاحی بوده است در دست مردم برای مبارزه با ستم حاکمان و ستیز با بیگانگانی که هر از چندگاهی بر سرزمین ایران می‌تاختند و بر آن مسلط می‌شدند. ادبیات همواره راهی بوده است برای حفظ هویت ایرانی و نگهداری از آن در برابر فرهنگ و هویت اقوام مهاجم. در عمل و در مسیری که ایرانیان در طول تاریخ خود طی کرده‌اند، ادبیات آینه‌ای است که می‌توان فراز و نشیب زندگی اجتماعی و روحی

و ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی زینت می‌دادند. به همین ترتیب، در همان دوران، متونی به وجود آمد که هم از نظر مورخان و هم از نظر ادیبان اهمیت دارند. این روش، بعدها هم حفظ شد و نوشتن کتاب‌های تاریخی با رنگ و بوی ادبی طی چند قرن ادامه پیدا کرد. کتاب‌هایی چون ترجمه تاریخ طبری اثر ابوعلی بلعمی؛ تاریخ بیهقی اثر ابوالفضل بیهقی و تاریخ جهانگشای اثر عطاملک جوینی نمونه‌هایی از این متون تاریخی - ادبی است.

علاوه بر این، نویسندگان هر دوره‌ای، برای نوشتن از زبان و بیانی که در همان زمان در میان مردم متداول بود، استفاده می‌کردند. با گذشت یکی دو قرن زبان و بیان مردم و زبان نویسندگان تغییر می‌کرد و متن نوشته‌های تاریخی یک دوره، در قرون بعد برای مردم دشوار و گاه ناآشنا بود. مردم امروز دیگر نمی‌توانند به راحتی زبان نویسندگان قرون قبل را درک کنند و هرچه بیش‌تر به گذشته برگردیم، این دشواری بیش‌تر خواهد بود. در بعضی از این کتاب‌های تاریخی، شاید خلاقیت ادبی و زیبایی زبان و بیان مورد توجه نویسنده نبوده باشد، ولی چون نوشته به چند قرن قبل مربوط می‌شود، نویسنده‌ی امروز برای درک محتوای آن باید با ادبیات آشنایی کافی داشته باشد.

مختلف تاریخ ایران آگاه شویم، ولی اگر بخواهیم تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران را بنویسیم باید به سراغ منابع دیگری برویم. یکی از این منابع، گنجینه‌ی پریار و عظیم آثار ادبی است. مورخان، برای نوشتن تاریخ اجتماعی و فرهنگی یک ملت، باید از گنجینه غنی و عظیم آثار ادبی آن ملت نیز استفاده کنند. نظیر دیوان شعر شاعران، منظومه‌های تاریخی، حماسی و دینی، اشعار و نوشته‌های طنزآمیز و ادبیات عامه مثل قصه‌ها، تصنیف‌ها، حکایات، ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها، مثل‌ها و حتی لالایی‌ها.

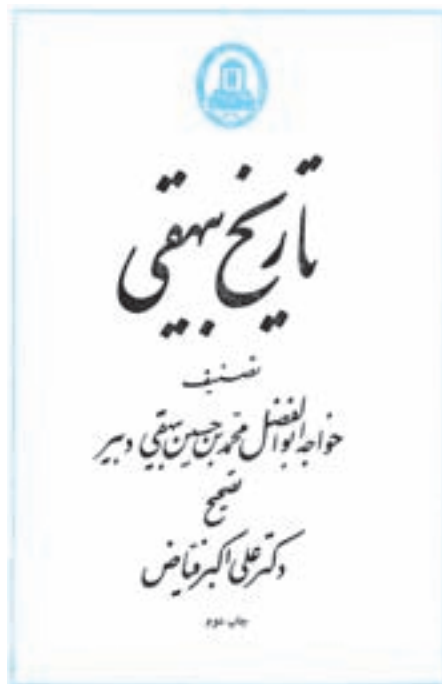
ادبیات در آینده‌ی تاریخ

تاریخ‌ها: در مراحل اولیه‌ی پیدایش و رشد زبان فارسی دری، نویسندگانی که در خدمت دربارها بودند وظایف مختلفی برعهده داشتند. چون ادبیات تنها ابزار تبلیغی این حکومت‌ها بود، نویسنده باید فنون و صنایع ادبی را به خوبی می‌دانست. همین فرد، وظیفه داشت وقایع تاریخی مربوط به حکومت معاصر خود را هم بنویسد و با نوشته‌اش موفقیت‌های آن حکومت را ماندگار کند. این دیرین، طبیعتاً از تمام توانایی‌های ادبی خود در نوشتن تاریخ بهره می‌گرفتند و کتاب آنان هم ترکیبی بود از مواد تاریخی و خصوصیات ادبی. این نویسندگان تاریخ را ادبیانه می‌نوشتند و نوشته‌ی خود را به آیات قرآن، احادیث، شعرها، حکایات

قرن هفتم هجری قمری به بعد بیش تر شد. مغولان به منظومه‌های تاریخی علاقه زیادی نشان دادند. آنان دوست داشتند کتاب‌های تاریخ به نظم درآید تا مردم به آن بیش تر توجه کنند و یاد و خاطره‌ی پیروزی‌های آن‌ها ماندگارتر شود. گاهی مورخی تاریخ خود را تنها با این انگیزه می‌نوشت که براساس آن یک منظومه‌ی تاریخی سروده شود. در دوره‌های بعد، به خصوص در دوران حکومت تیموریان، صفویان و قاجارها این شیوه دنبال شد و منظومه‌های تاریخی فراوانی به وجود آمد. ظفرنامه حمدالله مستوفی، تیمورنامه عبدالله هاتفی جامی، شاهنامه‌ی صادقی اثر صادقی بیگ افشار و شهنشاهنامه فتحعلی‌خان صبا، نمونه‌هایی است که به ترتیب در دوره‌های یاد شده به نظم درآمده‌اند.

آداب الملوک‌ها

برخی اندیشمندان می‌کوشیدند شیوه‌ی حکومت عادلانه و درست را به فرمانروایان زمان خود توصیه کنند. نوشته‌های این اندیشمندان را آداب الملوک یا سیاست‌نامه می‌نامند. کتاب‌های مربوط به روش کشورداری اگر چه نام تاریخ بر خود ندارند، ولی از نظر محتوایی برای نوشتن تاریخ اهمیت دارند. هر چند در این کتاب‌ها نباید به دنبال خبرهای تاریخی درست و معتبر بود، ولی می‌توان از آن‌ها برای



تاریخ‌های منظوم

گاهی هم مورخان وقایع تاریخی را به صورت شعر بیان کرده‌اند. این مورخان شاعر اعتقاد داشتند، تاریخ‌ی که به شعر درآید می‌تواند در میان مردم اثر بهتری داشته باشد و بیش تر بماند. ایرانیان همیشه به سرودن منظومه‌ها یا داستان‌هایی که به زبان شعر بیان می‌شد، علاقه داشته‌اند. منظومه‌های تاریخی و دینی که زبان آن پرشور و حماسی است در سراسر تاریخ ادب فارسی نمونه‌های فراوانی دارد. شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی یکی از شناخته شده‌ترین منظومه‌های حماسی و تاریخی زبان فارسی است. سرودن این‌گونه منظومه‌ها، از

رغبت بندگان در خدمت زیادت گردد و بیم گناهکاران بیش تر می شد و کارها بر استقامت می رود.»



حکایت: گویند روزی نوشروان عادل بر نشسته بود و با خاصگیان به شکار می رفت و برکنار دیهی گذر می کرد. بیری را دید نودساله که گردو در زمین می نشاند. نوشروان را عجب آمد، زیرا که بیست سال گردو کشته بر می دهد. گفت: «ای پیر! گردو می کاری؟» گفت «آری». خدایگان گفت: «چندان بخواهی زیست که برش بخوری؟» پیر گفت: «کشتند و خوردیم و کاریم و خوردند». نوشروان را خوش آمد. گفت: «زه».

آگاهی از اندیشه سیاسی و روش ها و سیاست های کشورداری در دوره های مختلف استفاده کرد. چون نویسندگان سیاست نامه ها، کتاب خود را برای سلاطین می نوشتند، در کار خود از حکایت های لطیف و دلنشین ادبی استفاده می کردند که هم مطالب کتاب خسته کننده نباشد و هم اثر بیشتری در خواننده بگذارد. یکی از این کتاب ها سیر الملوک یا سیاست نامه می خواجه نظام الملک طوسی است. سلطان ملکشاه سلجوقی از نزدیکان خود خواست در کار کشورداری اندیشه کند و باید ها و نبایدهای درگاه و دیوان را بنویسند. ملکشاه همچنین خواست راه و رسم پادشاهان گذشته در این مجموعه ذکر شود تا خاندان سلجوقی آن راه و رسم را بکار بندند. چند نفر از سیاستمداران و نویسندگان هر کدام کتابی نوشتند، ولی تنها کتابی که نظام الملک نوشته بود مورد قبول سلطان قرار گرفت. در این کتاب، ابتدا اصلی کلی که حاکمان باید در کار کشورداری به آن توجه داشته باشند ذکر شده و بعد از آن برای روشن تر شدن موضوع، حکایتی آورده شده است. نظام الملک در فصلی با عنوان «در گزاردن حق خدمتکاران و بندگان شایسته» چنین می نویسد:

«هر که از خدمتکاران خدمتی پسندیده کند، باید که در وقت نواختی یابد و ثمرت آن بدو رسد و آنکه تقصیری کند بی ضرورتی و سهوی، آن کس را به اندازه گناه مالشی رسد، تا

در وقت خزانه‌دار را گفت تا هزار درم به پیر داد. پیر گفت: «ای خداوند! هیچ‌کس زودتر از بنده بر این گردو نخورد». گفت: «چگونه؟» پیر گفت «اگر من گردو نکشتمی و خدایگان این‌جا گذر نکردی، آنچ بر بنده رسید نرسیدی و بنده آن جواب ندادی، من این هزار درم از کجا یافتمی؟» نوشروان گفت: «زه‌ازه!». خزانه‌دار در وقت دو هزار درم دیگر بدو داد از بهر آنک دو بار زه بر زبان نوشروان برفت.^۱

اندرزنامه‌ها هم مثل آداب‌الملوک‌ها هستند، با این فرق که اندرزنامه نوشته‌ای ادبی است، نه تاریخی. این کتاب‌ها، در توضیح روش و اخلاق کشورداری و شرح اخلاق فردی نوشته شده و دارای زبان و بیان ادبی است.

قابوس‌نامه عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بهترین نمونه این کتاب‌هاست.

تاریخ در آینده‌ی ادبیات

اخبار تاریخی در دیوان شعر شاعران یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های آگاهی مورخان اشعار شاعران است. در تمام انواع شعر، می‌توان مواد و مطالبی را یافت که به تاریخ سیاسی، اجتماع، اقتصادی و فرهنگی ایران مربوط

می‌شود. شاعران در انواع قالب‌های شعر فارسی به خصوص قصیده و قطعه از وضع زمانه خود سخن گفته‌اند. درست است که بعضی قالب‌ها مثل غزل در بیشتر دوره‌های شعر فارسی، برای بیان احساسات شاعر مورد استفاده قرار می‌گرفته و کاملاً شخصی بوده است، ولی همین قالب‌ها هم در دوره‌هایی از مفاهیم سیاسی و اجتماعی خالی نیست. برای نمونه، غزل‌های خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، آینه تمام‌نمای اوضاع اجتماعی و فرهنگی شیراز در دوران حکومت آل اینجو^۲ و آل مظفر^۳ است؛ همین‌طور، محتوای غزل‌های عصر مشروطه دیگر احساسات عاشقانه و شخصی نیست و این قالب شعر فارسی ابزاری رایج برای بیان انقلابات سیاسی و اجتماعی روزگار قاجار است.

قصیده‌های سبک خراسانی از قرن پنجم هجری قمری به بعد، تنها در مدح سلاطین و پادشاهان نبود. در میان انبوه قصاید مدحیه‌ی سبک خراسانی، قصایدی وجود دارد که بهترین سند در شرح اوضاع اجتماعی روزگار است. تاخت و تاز صحرائشینان در شهرهای خراسان و آشنفتگی وضع مردم در بعضی از منابع تاریخی چون *راحه‌الصدور* و *آیه‌السرور* راوندی آمده است؛ ولی گویا تر از کتاب راوندی در این

۱- نظام‌الملک طوسی، *سیرالملوک* (سیاستنامه)، تصحیح هیوبرت دارک، تهران ۱۳۵۵، صفحه ۴ و ۱۵۳.

۲- سلسله‌ای محلی که از سال ۷۰۳ تا ۷۵۸ ه.ق در فارس حکومت می‌کرد.

۳- سلسله‌ای محلی که از سال ۷۱۳ تا ۷۹۵ ه.ق در کرمان، یزد و فارس حکومت می‌کرد.

باره، قصیده‌ی انوری ابیوردی است که به عنوان «نامه اهل خراسان» در تاریخ ادبیات فارسی مشهور شده است. در قسمت‌هایی از این قصیده آمده است:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر
نامه اهل خراسان به برخاقان بر
نامه‌ای مطلع آن رنج تن و آفت جان
نامه‌ای مقطع آن رنج تن و سوز جگر
نامه‌ای بر رقمش آه عزیزان پیدا
نامه‌ای در شکش خون شهیدان مضمیر
نقش تحریرش از سینه مظلومان خشک
سطر عنوانش از دیده محرومان تر
بر بزرگان زمانه شده خردان سالار
بر کریمان جهان گذشته لثیمان مهتر
مسجد جامع هر شهر، ستورانشان را
پایگاهی شده نه سقفش پیدا و نه در ...
شاید هیچ نوشته‌ی تاریخی نتواند وضع
اجتماعی ایران را به خوبی این دو بیت شعر عبید
زاکانی بیان کند:

در وضع روزگار نظر کن به چشم عقل
احوال کس مپرس که جای سؤال نیست
در موج فتنه‌ای که خلاق فتاده‌اند
فریادرس بجز کرم ذوالجلال نیست
همین‌طور اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی
و حتی کلامی بعضی از فرقه‌ها و نهضت‌های
سیاسی ایران در اشعار شاعران قابل جستجو است.
نهضت‌هایی چون شعوبیه از شعر به عنوان مهم‌ترین

ابزار بیان اندیشه‌های خود استفاده می‌کردند و درک ماهیت این نهضت جز از طریق مطالعه‌ی اشعار شاعران آن ممکن نیست. آراء و اندیشه‌های اسماعیلیان را می‌توان با بررسی شعر شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی و یا نزاری قهستانی مطالعه کرد. از برخی فرقه‌ها چون حروفیه و نقطویه بیش از آن‌که متون منشور به جا مانده باشد، دیوان شعر باقی مانده است. این فرقه‌ها برای بیان اعتقادات خود که با اعتقادات عموم مردم سازگاری نداشت، به شعر نیازمند بودند و از آن استفاده می‌کردند.

طنز، ادبیات رمزی و تاریخ

تاریخ به شکل‌های مختلف راه خود را در آثار ادبی باز کرده است. در بسیاری از دوره‌های تاریخ ایران، استبداد سیاسی، دست و زبان نویسندگان را برای بیان درست و واقعی اوضاع سیاسی و اجتماعی بسته است. در چنین شرایطی، نویسندگان به طنز و ادبیات رمزی پناه برده‌اند و تلاش کرده‌اند وضع اجتماع خود را به شکلی بیان کنند که جان خود را در معرض خطر قرار ندهند و کتاب‌هایشان هم در معرض نابودی قرار نگیرد و برای نسل‌های بعد باقی بماند. در تاریخ ادبیات ایران، طنزنویسی با نام عبیدزاکانی پیوند خورده است.

عبید در سال ۷۷۱ و یا ۷۷۲ هجری قمری

از دنیا رفته است. دوران پختگی و کمال عمر او مصادف بود با دورانی از تاریخ ایران که اصلی‌ترین ویژگی آن هرج و مرج سیاسی، آشفتگی اجتماعی و بحران اقتصادی است. اضمحلال حکومت ایلخانان مغول که از سال ۷۳۶ هجری قمری آغاز شد و بعد از درگیری حکومت‌های محلی با یکدیگر، دست کم سه دهه پایانی عمر عبید را در برمی‌گیرد. عبید در همه آثار خود شرایط جامعه خود را به باد انتقاد گرفته است. برای نمونه دو حکایت او را می‌آوریم:

«دهقانی، در اصفهان، به در خانه خواجه بهاء‌الدین صاحب‌دیوان^۱ رفت. با خواجه سرا گفت: «با خواجه بگوی که خدا بیرون نشسته است، با تو کاری دارد. با خواجه به گفت: به احضار او اشارت کرد. چون درآمد، پرسید: «تو خدایی؟» گفت: «آری». گفت: «چگونه؟» گفت: «حال آن که من پیش، دهخدا و باغ خدا و خانه خدا بودم. نواب تو ده و باغ و خانه از من به ظلم بستند؛ خدا ماند»

«جنازه‌ای را بر راهی می‌بردند، درویشی با پسر بر سر راه ایستاده بودند. پسر از پدر پرسید: «بابا! در اینجا چیست؟» گفت: «آدمی». گفت: «کجایش می‌برند؟» گفت: «به

جایی که نه خوردنی باشد و نه پوشیدنی، نه نانی و نه آب و نه هیزم؛ نه آتش، نه زر، نه سیم، نه بوریا، نه گلیم» گفت: «بابا! مگر به خانه ما می‌برندش.»^۲

ادبیات رمزی نیز در همین دوره‌های نبود آزادی‌های سیاسی پدید آمده است. در این نوع نوشته‌های ادبی نویسنده از سمبل‌ها یا نمادهایی برای بیان مقصود خود استفاده می‌کند. حرف خود را بر زبان پیر زنان و دیوانگان یا دیوانه‌نمایان می‌گذارد و یا از قول حیوانات سخن می‌گوید. در بیان غیرمستقیم و کنایه‌آمیز و استعاری این نوشته‌ها، حقیقت تاریخی به صورتی بیان می‌شود که صاحبان خرد و بصیرت آن را دریابند، بی‌آنکه کسی به سبب گفتن حقیقت با خطر مواجه شود. یکی از عرصه‌های مهم استفاده از رمز و تمثیل در ادب فارسی، نوشته‌های عرفانی یا ادبیات صوفیانه است. منظومه‌هایی چون *منطق‌الطیر عطار* نیشابوری در زمره‌ی این داستان‌های رمزی است. آثار کلامی فرقه‌های مختلفی که با جریان رسمی و عرفی سازگار نبوده‌اند هم در پوششی از رمز و تمثیل بیان می‌شده است. این بیان آنان را از این که مورد تعقیب و آزار حکومت قرار گیرند رهایی می‌داده است.

۱- بهاء‌الدین محمدجوینی پدر شمس‌الدین و علاء‌الدین محمد جوینی که هر دو از دیوانسالاران برجسته‌ی ایرانی دوره‌ی ایلخانان مغول بودند.

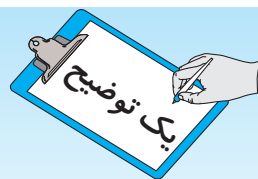
۲- عبیدزاکانی، کلیات دیوان، تهران، ۱۳۷۶، صفحات ۲۲۴ و ۲۳۳.

منشآت و مکاتبات



مرحله نسخه برداری شده است. دیگر این که زبان و بیان، یعنی وجه ادبی نامه، برای منشیان اهمیت خاصی داشته و تنها انتقال خبر تاریخی مدنظر نبوده است. منشآت برای بازسازی نظام اداره کشور و همچنین روابط میان کشورها برای مورخ اهمیت دارد. این نامه‌ها در نوشتن زندگی‌نامه اشخاص تاریخی نیز از منابع تاریخ محسوب می‌شود.

منشآت و مکاتبات یا نامه‌ها و مکتوبات را بیشتر متن ادبی می‌دانند. این تقسیم‌بندی برای این صورت گرفته است که منشآت معمولاً به نثری ادیبانه نوشته می‌شد و منشیان و نویسندگان توانایی ادبی خود را در این گونه آثار ارائه می‌کردند. ولی از نظر مضمون و محتوا، به ویژه منشآت مربوط به سلاطین (سلطانیات) و نامه‌های مربوط به مکاتبات اداری (دیوانیات) کاملاً در حوزه تاریخ قرار می‌گیرد. البته نامه‌های شخصی و مکاتبات دوستانه (اخوانیات) هم از مضمون تاریخی خالی نیست. با وجود این، منشآت در حقیقت به اسناد تاریخی نزدیک است، ولی به دو دلیل نمی‌توان آن را با اسناد تاریخی یکی دانست: نخست این که نسخه یا اصل نامه‌ها در دست نیست و آنچه از این منشآت به ما رسیده، در چندین



قلعه‌ی حیوانات اثر جرج اورول یکی از نمونه‌های ادبیات رمزی است.

را بر هم می‌زد و آشفته می‌کرد. چون قبل از وصف معشوق، شهری که در آن زندگی می‌کرد وصف می‌شد و درباره‌ی خصوصیات شهر توضیح داده می‌شد، این نوع شعر به صورت

شهر آشوب‌ها و تاریخ اجتماعی
شهر آشوب یکی دیگر از انواع شعر فارسی است. در این نوع شعر، معشوقی توصیف می‌شد که با حسن و زیبایی خود شهری

نوعی تاریخ محلی منظوم درآمد. شرایط تاریخی شهر و امتیازات آن در میان شهرهای دیگر، شغل‌ها و اصناف شهر و بسیاری از آگاهی‌های مهم دیگر درباره‌ی آن در این شهر آشوب‌ها ارائه می‌شود. در این آثار، هم ستایش شهرها به چشم می‌خورد و هم نکوهش و بدگویی شهرها و مردم آن وجود دارد. رفته رفته مضمون شهر آشوب‌ها به توصیف پیشه‌وران و صاحبان صنایع و حرف شهرها محدود شد. شهر آشوب در ادب فارسی سابقه‌ای طولانی دارد. نخستین شهر آشوب‌ها را مسعود سعد سلمان در زندان و در وصف لاهور سرود. این نوع شعر در دوره تیموری رشد و رونق بیش‌تری یافت و در دوره صفوی به اوج خود رسید. آگاهی‌های این نوع شعر درباره‌ی تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهرها در کتاب‌های تاریخی وجود ندارد و مورخان می‌توانند آگاهی‌های خود را با استفاده از این شعرها کامل کنند. شهر آشوب‌هایی درباره تبریز، اصفهان و هرات سروده شده است. شهر آشوب سیفی بخاری به نام صنایع البدایع و شهر آشوب لسانی شیرازی به نام مجمع الاصناف دو نمونه مشهور از شهر آشوب‌های زبان فارسی است.

رد پای تاریخ در ادبیات عامیانه

ادبیات عامیانه شامل انواع مختلف شعرها قصه‌ها و ضرب‌المثل‌ها یکی از سرچشمه‌های

آگاهی تاریخی است. ادبیات عامه یکی از راه‌هایی است که مردم هر سرزمین برای نگهداری و حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، آیین‌ها و اعتقادات خود در پیش می‌گیرند. شعر فولکلور، قصه‌ها و افسانه‌های بلند، مثل‌ها یا قصه‌های کوتاه، ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها و دیگر انواع این‌گونه ادبیات، به راستی زبان حال مردمی است که نسل به نسل و طی دوره‌های مختلف تاریخی فرهنگ خود سینه به سینه روایت و نقل کرده‌اند و از دستبرد روزگار ننگه داشته‌اند. فرهنگ بازی‌ها، جشن‌ها و شادمانی‌ها، ماتم‌ها و عزاداری‌ها جنگ‌ها و دوستی‌ها، عشق‌ها و نفرت‌ها و دیگر ابعاد زندگی اجتماعی در این ادبیات حفظ شده است. حتی رد پای بعضی رویدادهای سیاسی ثبت نشده و فراموش شده مناطق مختلف ایران در این فرهنگ قابل جستجو است. لالایی‌های محلی شکوه مادران از ستم‌کاری و بیداد و دلاوری ظلم ستیزی پدرانی است که در این راه جان باخته‌اند. یکی از سرچشمه‌های آگاهی درباره تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران همین‌گونه از ادبیات است. پژوهش در این زمینه دیگر در گوشه‌ی آرام و ساکت کتابخانه‌ها صورت نمی‌گیرد، بلکه پژوهشگر برای شناخت این فرهنگ باید به سراغ پژوهش میدانی برود و روستا به روستا و شهر به شهر این فرهنگ را

در میان مردم جستجو کند. در قصه‌ها و ترانه‌های آذری در آذربایجان، اشارات فراوانی به شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی وجود دارد. خاطره قهرمانی‌های رئیس علی دلواری در مبارزه با اشغال‌گران انگلیسی، در شروه‌های^۱ تنگستانی حفظ شده است. در بسیاری از لالایی‌های مردم گیلان می‌توان ذهنیت اجتماعی آن‌ها را درباره قیام میرزا کوچک خان جنگلی دید. در ترانه‌ها و تصنیف‌های عامیانه مردم

فارس و کرمان هنوز نشانه‌هایی از سلاطین خوشنام زندیه زمزمه می‌شود. برای نمونه، در ترانه‌ای کرمانی چنین می‌خوانیم:

بازم صدای نی میاد
آواز بی‌درپی میاد
لطفعلی خانم کی میاد
لطفعلی خان بوالهوس
زن و بچه شو بردن طبس
طبس کجا، اینجا کجا!

بیش تر بدانید



رمان تاریخی

رمان یا داستان بلند یکی از انواع آثار ادبی است. هر چند رمان در اساس در ادبیات غرب ظهور کرده و به عرصه رسیده، ولی نمونه داستان‌های بلندی چون سمک عیار در فرهنگ و زبان ما وجود داشته است. وقتی مضمون و محتوای رمان، تاریخ است و یا داستان در یک دوره تاریخی و درباره یک شخصیت تاریخی شکل گرفته باشد، رمان تاریخی پدید می‌آید. رمان تاریخی پلی است میان ادبیات و تاریخ؛ مردم را به تاریخ علاقه‌مند می‌کند و راهی است برای آشتی آنان با مطالعات بیش‌تر و عمیق‌تر در وادی تاریخ. در بعضی از رمان‌ها نویسندگان خود در متن تاریخ بوده‌اند و توانسته‌اند گوشه‌های تاریک اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار خود را روشن کنند. رمان **بینوایان** اثر **ویکتور هوگو** و **یا جنگ و صلح** اثر **لئون تولستوی** دو نمونه از این رمان‌ها هستند. در موارد زیادی هم تاریخ در یک رمان بازسازی شده و نویسنده خود در روزگاری که از آن سخن می‌گوید زندگی نکرده است.

۱- شروه: نوعی آهنگ حزُن‌آور که بیش‌تر در مناطق جنوب ایران مرسوم است.

پرسش‌های نمونه



- ۱- منظومه‌ی تاریخی چیست و از چه زمانی بیش‌تر رواج یافت؟
- ۲- چرا مغولان بیش‌تر به منظومه‌های تاریخی علاقه نشان می‌دادند؟
- ۳- آداب‌الملوک‌ها از چه جنبه‌هایی برای نوشتن تاریخ اهمیت دارد؟ دو نمونه از این کتاب‌ها را نام ببرید.
- ۴- در چه شرایطی نویسندگان به طنز و ادبیات رمزی پناه برده‌اند و در این نوع آثار به چه مسائلی اشاره می‌شود؟
- ۵- منشآت چیست و آیا می‌توان آن را با اسناد تاریخی یکی دانست؟
- ۶- شهر آشوب چه مضامینی دارد و نخستین شهر آشوب را چه کسی سروده است؟
- ۷- کدام دوره‌ی تاریخ ایران، دوران اوج شهر آشوب‌سرایی است؟

اندیشه و جست‌وجو



با مراجعه به یک اثر ادبی یا یک دیوان شعر، مطلبی تاریخی را از آن استخراج کنید و در کلاس ارائه دهید.

نسب نامه‌ها و تاریخ

و خود نیز معمولاً دارای یک یا چند فرزند می‌گردد. آن فرزندان نیز به نوبه‌ی خود صاحب فرزندی می‌شوند؛ بدین ترتیب حیات بشری از زمان آفرینش انسان تاکنون ادامه یافته است. اگر در یک خانواده نام پدران و فرزندان را به ترتیب پشت سر هم قرار دهیم، فهرست منظمی به دست می‌آید که نسبت آن افراد با یکدیگر را اعم از پدری یا فرزندی نشان می‌دهد. این فهرست را **نسب‌نامه** می‌نامند. مثلاً در صفحه‌ی ۱۱۳ به نسب‌نامه‌ی خاندان صفوی نگاه کنید. در این نسب‌نامه از بالا به پایین به ترتیب اسامی افراد خاندان صفوی از پدر به فرزند نوشته شده است. یعنی شیخ صفی پدر صدرالدین و صدرالدین پدر خواجه علی می‌باشد. شاه اسماعیل صفوی بنیان‌گذار این دولت با علامت ستاره مشخص شده است. **آسلاف**^۱ (پدر و اجداد) او تا شیخ صفی‌الدین مشخص شده‌اند و **آخلاف**^۲ او نیز تا صفی‌میرزا ارائه گردیده

یکی از منابع مهم پژوهش تاریخی، نسب‌نامه‌ها است.^۱ آنچه تاکنون درباره‌ی منابع پژوهش در تاریخ خوانده‌اید، دربرگیرنده‌ی آگاهی‌هایی درباره‌ی متون و گزارش‌های گفتاری و نوشتاری بود. نسب‌نامه‌ها معمولاً درباره‌ی یک خاندان یا افراد گوناگونی که هر یک به گونه‌ای در رویدادهای تاریخی مؤثر بوده‌اند، سخن می‌گویند. بنابراین، روشن است که بازیگران اصلی رویدادها، انسان‌ها هستند. چون انسان‌ها نقش عمده‌ای در تحولات تاریخی یک کشور داشته و دارند، بنابراین شناخت آن‌ها، به‌ویژه پیوندهای خانوادگی آن‌ها اهمیتی به‌سزا در پژوهش‌های تاریخی دارد. در این درس با **نسب‌نامه** و نقش و اهمیت آن در تاریخ‌نگاری آشنا می‌شوید.

نسب و نسب‌نامه

هر انسانی از پدر و مادری زاده می‌شود

۱- نسب یعنی خویشی و خویشاوندی و جمع آن انساب است.

۲- اسلاف به معنای پیشینیان است. جمع سلف.

۳- اخلاف به معنای جانشینان و بازماندگان است. جمع خلف.

است. نسبت هریک از افراد این نسب‌نامه با شاه اسماعیل در سمت راست نوشته شده است. دوره‌ی زندگی هر فرد را تا وقتی که جای خود را به دیگری (فرزندش) بدهد نسل^۱ (یک نسل) می‌نامند. بدین ترتیب از شیخ صفی تا شاه اسماعیل هفت نسل می‌شود. معمولاً هر نسل را یک دوره‌ی سی‌ساله می‌دانند زیرا به‌طور معمول هر شخص از تولد تا ازدواج و صاحب فرزند شدن زمانی نزدیک به سی سال را از سر می‌گذراند. این دوره‌ی سی‌ساله تقریبی و تخمینی است. معمولاً افرادی را که در یک زمان نشو و نما یافته باشند، یک نسل می‌نامند. مثلاً در نسب‌نامه‌ی صفحه‌ی بعد، شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خداپنده در یک نسل یعنی نسل نهم صفویه هستند.

نسب‌نامه فقط در بردارنده‌ی فهرست پدران و فرزندان نیست بلکه خواهران و برادران را نیز می‌توان در آن نشان داد. پس از گذشت یک نسل، خواهران و برادران برای نسل بعدی به صورت عمو، عمه، دایی یا خاله درمی‌آیند. در نسب‌نامه‌ها پدران و فرزندان پشت سر هم قرار می‌گیرند و خواهران و برادران در یک ردیف در کنار هم واقع می‌شوند. مثلاً در نمودار صفحه‌ی ۱۱۵ مربوط به خاندان صفوی، می‌توانید نام خواهران و برادران شاه محمد خداپنده و نیز پدر، جد، عموها و عمه‌ی او را

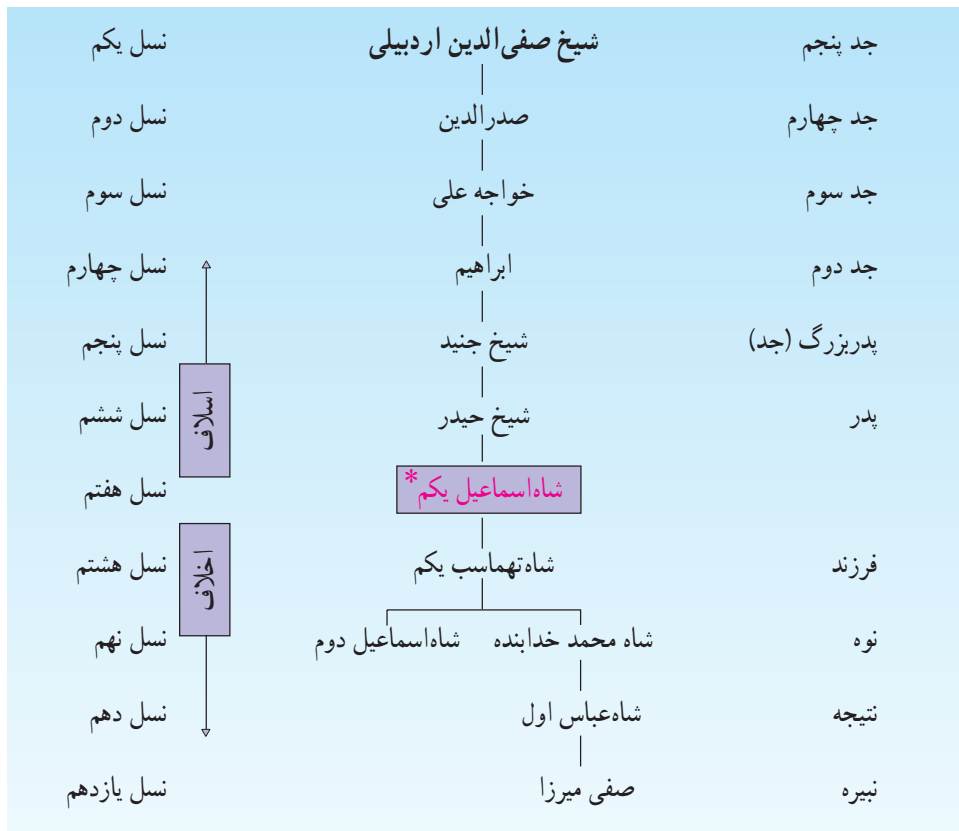
۱- نسل در لغت به معنای فرزند است.

پیدا کنید.

صورت کلی یک نسب‌نامه را می‌توانید در صفحه‌ی ۱۱۵ مشاهده کنید. در این نسب‌نامه برای شخصیت فرضی احمد می‌توانید موقعیت بستگان او را روی نسب‌نامه ملاحظه نمایید. از آن‌جا که از یک فرد فرزندان به وجود می‌آید و از آن فرزندان نیز فرزندان دیگر، نسب‌نامه را می‌توان به صورت درختی نمایش داد که دارای یک تنه است و سپس شاخ و برگ پیدا می‌کند. به همین جهت به نسب‌نامه، **شجره‌نامه** نیز می‌گویند.

نسب‌نامه گویای چه نکاتی است؟

یک نسب‌نامه دربرگیرنده‌ی گروهی از انسان‌هاست که با یک‌دیگر خویشاوند به‌شمار می‌آیند. پس در قدم نخست نسب‌نامه گویای نسبت افراد با یک‌دیگر است. نسب‌نامه به‌صورتی خلاصه، گویا و آسان نسبت هریک از این افراد با دیگری را در اختیار ما می‌گذارد. از آن‌جا که خویشاوندی، یکی از مهم‌ترین شکل‌های روابط میان انسان‌هاست و این روابط تأثیر بسیار زیادی بر زندگی فردی و اجتماعی دارد، مطالعه‌ی تاریخ و به‌طور کلی مسائل یک جامعه بی‌نیاز از شناختن این روابط نیست. بدین ترتیب در دومین قدم، نسب‌نامه ساده‌ترین وسیله‌ی نشان دادن روابط افراد



می‌دهد و در زیر هر نام دوره فرمان‌روایی او مشخص شده است.

واژه‌ی سلسله که برای حکومت خاندان‌ها به کار می‌رود، براساس نسب‌نامه است. سلسله در لغت به معنای زنجیر است و مقصود آن است که افراد یک خاندان که به ترتیب یکی پس از دیگری به حکومت رسیده‌اند، مانند حلقه‌های زنجیر با یکدیگر مربوط و متصل می‌باشند. این ارتباط و اتصال میان فرمانروایان

خویشاوند اعم از خویشاوندان نسبی^۱ و خویشاوندان سببی^۲ است.

از آن‌جا که هر فرد دارای یک تاریخ تولد و مرگ است یا فرمان‌روایان برای مدتی معین حکومت می‌کنند، لذا نسب‌نامه آسان‌ترین راه نشان دادن ترتیب افراد، فرمانروایان و غیره است. مثلاً در نسب‌نامه صفحه‌ی بعد شاهان سلسله صفوی نشان داده شده‌اند. شماره‌ای که در کنار هر نام است ترتیب فرمانروایان را نشان

۱- خویشاوندان نسبی مانند پدر، مادر، فرزند.

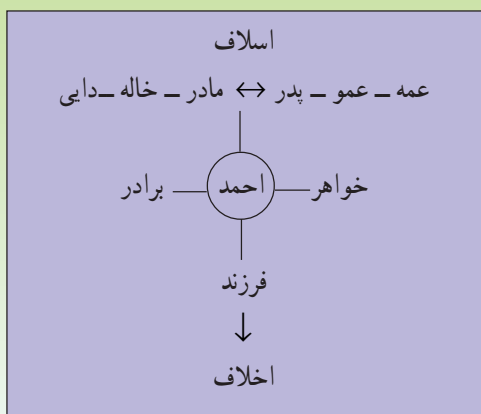
۲- خویشاوند سببی یعنی خویشاوندی که به دلیلی (سببی) مثل ازدواج به وجود آمده باشد.

در نسب نامه به خوبی نشان داده می شود.

نسب نامه‌ی پادشاهان صفوی



شاه اسماعیل [یکم] صفوی



فکر کنید و پاسخ دهید



به نظر شما ازدواج‌های سیاسی چه نقشی در سلسله‌های فرمانروایان داشته است؟

مشخص کردن ترتیب افراد، وقایع تاریخی مربوط به زمان هریک را منظم و مرتب کرد.

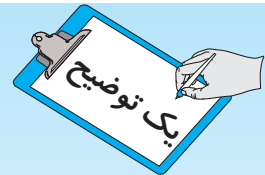
بدین ترتیب که در مقابل نام هر فرد وقایعی را نوشت که به دست او یا در زمان حیات و حکومت او رخ داده است. بنابراین ترتیب وقایع (اعم از آن که تاریخ آن‌ها موجود باشد یا نباشد) و نیز ارتباط آن‌ها با افراد معلوم می‌شود. این کار که گامی اساسی در تاریخ‌نویسی است اگرچه

کاربرد نسب‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی

خواندید که مورخان برای نوشتن تاریخ نیازمند به داشتن ترتیب زمانی وقایع هستند. اما تاریخ وقوع همه‌ی وقایع در کتب تاریخ ثبت نشده است. چون تمامی وقایع تاریخی توسط انسان‌ها رخ داده‌اند و در مقابل نام هریک از اشخاص تاریخی، تعدادی از وقایع قابل ثبت است، پس می‌توان با تنظیم شجره‌نامه‌ها و

ساده به نظر می‌آید، اما کاری سخت و مستلزم دقت و صرف وقت بسیار است. اگر اشتباهی در این مرحله رخ دهد، بسیاری از مطالب بعدی اشتباه خواهد بود. لذا استخراج نسب‌نامه‌ها (مثلاً سلسله‌ها) و تنظیم وقایع براساس آن‌ها، از اقدامات اساسی مورخان به‌شمار می‌آید. در واقع نسب‌نامه‌ها چهارچوبه‌ی مناسبی برای ارائه و شناخت رویدادهای تاریخی هستند. دومین استفاده‌ی نسب‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی، بازشناختن افراد همنام از یک‌دیگر بوده است. مثلاً می‌گفتند احمد پسر

حسن و اگر باز هم تشابه اسمی وجود داشت می‌گفتند احمد پسر حسن پسر مرتضی. به همین نحو اگر ضرورت داشت همچنان نام اجداد او را ذکر می‌کردند تا کاملاً از اسامی مشابه متمایز شود. انجام چنین کاری مستلزم استخراج نسب‌نامه‌ها و استفاده از آن‌ها بود. در فهرست اسامی پادشاهان صفوی چند تن دارای نام اسماعیل یا عباس هستند که ما آن‌ها را با نوشتن یکم و دوم پس از اسامی آن‌ها مشخص می‌کنیم، اما همین کار با داشتن نام فرمانروای پیش از آن‌ها ممکن شده است.



یادگاری از این روش هنوز در میان عرب‌ها وجود دارد که برای مشخص ساختن افراد از نام پدرشان استفاده می‌کنند. مثلاً می‌گویند فلان بن (پسر) فلان یا فلانه بنت (دختر) فلان. اما در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما، برای شناسایی افراد، نام خانوادگی معمول شده است؛ یعنی پس از نام (نام کوچک) نام خانوادگی (فامیل) آورده می‌شود مانند رضا حسینی.

نسب‌شناسی^۱

اجتماعی و سیاسی براساس خویشاوندی و روابط قبیله‌ای بوده است، همگان توجهی ویژه در به خاطر سپردن نسب افراد و قبایل داشته‌اند. در جوامعی مانند یونان باستان که اشراف^۲ (نجبا - اصل زادگان) قدرت را در دست داشته‌اند، فقط

دانستن اصل و نسب همواره برای انسان‌ها اهمیت داشته و به‌خصوص در زمان‌های گذشته از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. به‌طور کلی چون در جوامع گذشته، روابط

۱- Genealogy

۲- آریستوکرات (ها)

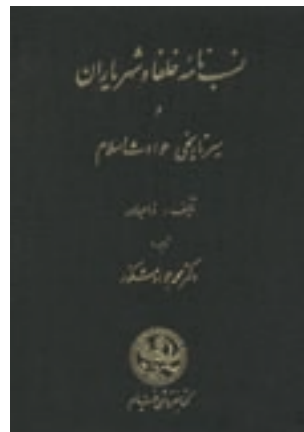
افرادی که اصل و نسب مهمی داشتند، جزو اشراف به‌شمار می‌آمدند. در ایران باستان طبقه‌ی حاکمه یعنی طبقه‌ی ممتاز مدعی بود که دارای اصالت خون است. پادشاهان ساسانی خود را از نسل پادشاهان کیانی می‌دانستند. بر این اساس کسی که از نسل کیانیان و به‌خصوص ساسان نبود، نمی‌توانست به پادشاهی برسد. مرتبه و منزلت اجتماعی افراد نیز براساس نسب آن‌ها مشخص می‌شد. در روم باستان با حفظ نسب افراد، طبقات جامعه را مشخص می‌ساختند؛ یعنی اشراف را از مردم طبقات پایین جدا می‌کردند. برای این کار افرادی که موسوم به سانسور بودند، نسب‌نامه‌ی افراد را بررسی می‌کردند. چنان‌که شغل، مقام و موقعیت فردی با نسب او منطبق نبود، وی را وادار می‌کردند شغل و موقعیت اجتماعی خود را تغییر دهد. در میان عرب‌ها نیز شناخت نسب اهمیت بسیاری داشته است. افراد هر قبیله می‌کوشیدند

نام پدران خود را حفظ کنند و روابط قبیله‌ی خود با قبایل دیگر را بشناسند. در حقیقت براساس همین روابط، (سببی یا نسبی) اتحاد قبایل به‌وجود می‌آمد. به همین جهت در میان عرب‌ها اشخاصی موسوم به نَسَابَه (نسب‌شناس) وجود داشتند که نسب افراد و قبایل را می‌شناختند و به دیگران می‌آموختند. بعدها در تمدن اسلامی مقامی به نام نَقِیب به وجود آمد که وظیفه‌اش شناختن نسب افراد خاندان‌های مهم بود. نقیب در اصل رابط حکومت با افراد این خاندان‌ها بود. چون این کار مستلزم شناخت نسب افراد این خاندان‌ها بود، لذا نقیب‌ها افرادی نسب‌شناس به‌شمار می‌آمدند.

اهمیتی که جوامع در طول تاریخ به نسب می‌داده‌اند موجب شده است تا علمی به نام نسب‌شناسی (تبارشناسی) به وجود آید. این علم یکی از شعبه‌های علم تاریخ است. هرچند فواید و نتایج آن منحصر به علم تاریخ نبوده است، برای این منظور کتاب‌های متعددی در مورد شناخت نسب‌ها تألیف شده است. از جمله‌ی این کتاب‌ها می‌توان «الأنساب» نوشته‌ی «کَلْبِی» و «الفُصُولُ الفَخرِیة» نوشته‌ی «ابن عَنَبَه» و تعدادی کتاب دیگر را نام برد.

درجه‌ی اعتبار نسب‌نامه‌ها

آن چه تا این جا گفته شد در مورد جنبه‌های مثبت نسب‌نامه‌ها بود، اما باید توجه



آشنایی با چند واژه در نسب‌شناسی	
نام خانوادگی	در جوامع مختلف به شیوه‌های گوناگونی انتخاب می‌شود. در کشور ما معمولاً برای فرزندان نام خانوادگی پدر را برمی‌گزینند. مگر آن‌که به هر دلیلی بخواهند نام خانوادگی دیگری انتخاب کنند؛ اما همسر نام خانوادگی خود را حفظ می‌کند. در ممالک انگلیسی زبان زن پس از ازدواج، از نام خانوادگی شوهر استفاده می‌کند. در سرزمین‌های اسپانیولی زبان، نام خانوادگی فرزند مرکب از فامیل پدر و مادر است.
لقب	عرب‌ها علاوه بر نام معمولی، نام دیگری نیز دارند که بدان مشهورند مانند این‌که پیامبر (ص) را در کودکی محمد «امین» می‌گفتند. به این نام، لقب می‌گویند.
کنیه	اسمی است که در آن شخص را به نام پدر یا پسر بزرگش می‌نامیدند مانند ابوجعفر یا ابن‌خلدون
سلسله، آل، دودمان، خاندان	همه‌ی این‌ها غالباً به یک معنی به کار می‌روند.
خویشاوندی غیر طبیعی	گاه بنا به عللی روال معمولی پیوند خانوادگی (پدر، مادر، فرزند) تغییر می‌یابد و پیوندهای دیگر ایجاد می‌شود مانند: پدرخواندگی، فرزندخواندگی، نامادری و ...
جد، نیا، جدّه	پدر پدر را جد یا نیا یا نیاک و مادر پدر را جدّه می‌گویند.

دلایل زیر بوده است:

۱- بسیاری از سلسله‌هایی که در تاریخ به قدرت می‌رسیدند، یا دارای نسب عالی نبودند و یا چون پیش‌بینی نمی‌کردند که ممکن است به قدرت برسند، اقدام به ثبت نسب خود نمی‌کردند. در نتیجه پس از رسیدن به قدرت، چون مطابق فرهنگ عصر خویش باید خود را دارای نسب عالی نشان می‌دادند، اقدام به ساختن نسب‌نامه اعم از راست یا دروغ می‌نمودند. مثلاً عبیدالله‌المهدی بنیان‌گذار دولت اسماعیلی فاطمیان در مصر، مدعی بود که نسبش به امام جعفر صادق (ع) می‌رسد، یا

داشت که نسب‌نامه‌ها به دلایل متعددی ممکن است درست نباشند. گذشت زمان و مرور ایام موجب فراموش شدن اسامی افراد یک خاندان یا اشتباه در ترتیب و تاریخ زندگی آن‌ها می‌شود. به‌علاوه آشفتگی سیاسی جوامع که موجب به قدرت رسیدن چند فرمان‌روا در یک کشور به‌طور همزمان یا جدال قدرت می‌شود، معمولاً فهرست نسب‌نامه را دچار بی‌نظمی می‌سازد. چنین اشکالاتی گرچه اهمیت دارند و باید برطرف شوند، اما مسأله‌ی مهم و درخور توجه، جعل و تحریف نسب‌نامه‌ها است. جعل و تحریف نسب‌نامه‌ها معمولاً به

صفویان مدعی بودند که سید هستند و نسبشان به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. چون این سلسله‌ها تا قبل از رسیدن به قدرت چنین ادعاهایی نداشته‌اند، بنابراین مورخان اعتماد کاملی به این ادعاها ندارند.

۲- در بعضی از دوران‌ها، فرهنگ سیاسی رایج در جامعه حکومت را فقط حق‌خاندانی خاص می‌دانسته است. لذا کسانی که به قدرت می‌رسیدند، می‌کوشیدند نسب خود را به همان خاندان برسانند تا حکومتشان مشروعیت پیدا کند. مثلاً تیمور مدعی خویشاوندی با

چنگیزخان بود؛ سامانیان ادعا داشتند که از نسل بهرام چوبین (سردار ساسانی) هستند. در مورد صحت این ادعاها تردیدهایی وجود دارد. ۳- از آن جا که داشتن نسب مشترک میان دو شخص یا دو قبیله، موجب اتحاد آنان می‌شده است (یعنی یک خانواده هستند و خویشاوند به‌شمار می‌آیند) لذا بنا بر مصالح اجتماعی و سیاسی گاهی دو قبیله بدون آن که در واقع دارای یک نیا باشند، چنین ادعایی داشتند.^۱ این مسأله باعث گمراهی نسل‌های بعدی می‌شد.



نسب‌شناسی در دنیای کنونی

امروزه با تحولاتی که در جوامع بشری به‌خصوص جوامع صنعتی روی داده، تنها در موارد محدودی از مسایل حقوقی و کشف هویت ممکن است شناخت نسب ضرورت پیدا کند و یا در بعضی از جوامعی که تمایلات نژادپرستانه داشته‌اند یا هنوز به سنت‌های اشرافی پای‌بند هستند ممکن است به نسب‌نامه‌ها اهمیت فراوان داده شود.



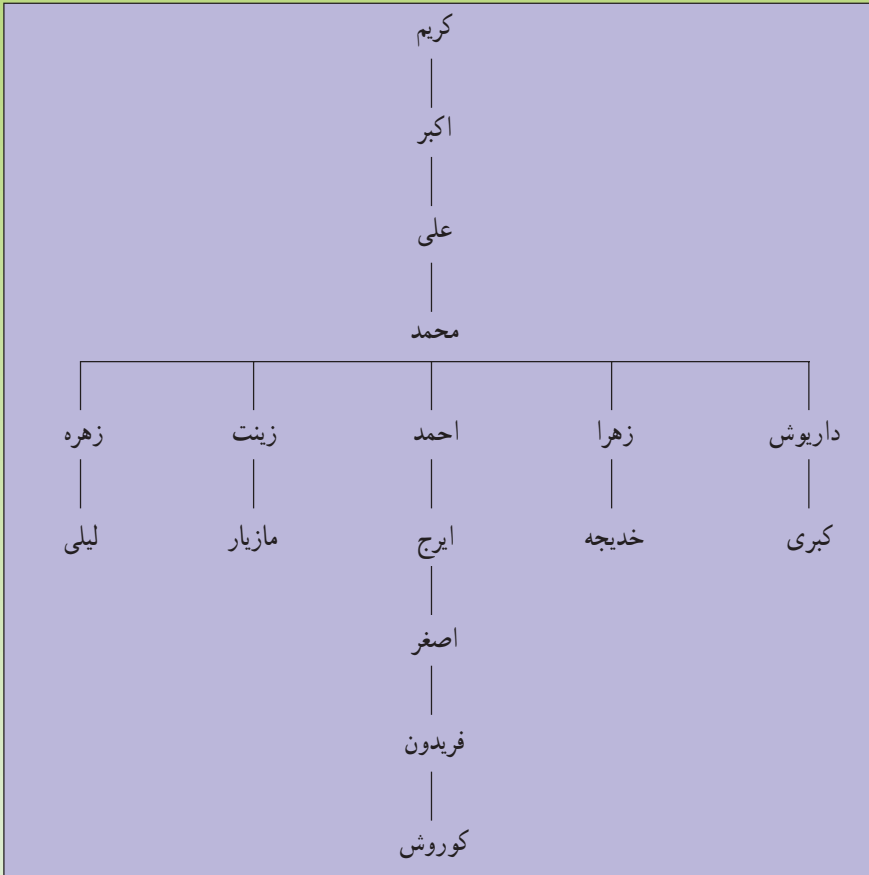
پرسش‌های نمونه

- ۱- نسب‌نامه چیست؟
- ۲- کاربرد نسب‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی را توضیح دهید.
- ۳- به چه دلایلی ممکن است نسب‌نامه‌ها دچار تغییر و تحریف شوند؟

۱- به همین جهت عده‌ای معتقدند که بعضی از انساب چیزی جز حلف (پیمان اتحاد) نیستند.



۱- در نسب‌نامه‌ی فرضی زیر



- الف : داریوش با لیلی چه نسبتی دارد؟
 ب : زهرا و زهره چه نسبتی با هم دارند؟
 ج : کریم چه نسبتی با احمد دارد؟
 د : کوروش چه نسبتی با احمد دارد؟
 هـ : کبری چه نسبتی با اصغر دارد؟
 و : خدیجه چه نسبتی با مازیار دارد؟
 ز : لیلی چه نسبتی با اصغر دارد؟

۲- با استفاده از اطلاعات پدر و مادر و سایر بزرگ‌ترهای فامیل، نسب‌نامه‌ی خود را به صورت یک نمودار تنظیم و نام خود را در آن مشخص کنید.

سفرنامه، گشت و گذار در سرزمین‌ها



انگیزه‌های قوی نیاز داشت تا فردی از شهر و دیار خود دل بکند و عزم سفر کند. معمولاً سفر برای انسان‌ها با تغییر و تحولات فکری و روحی همراه است. به همین دلیل قرآن کریم انسان‌ها را به گشت و گذار و دقت در آنچه بر مردمان سایر سرزمین‌ها گذشته است، دعوت می‌کند. برای توجه بیشتر بدین نکته، لازم است درباره‌ی «اقامت» و «مسافرت» بیشتر تأمل کنیم.

در مسافرت فرد می‌بایست، اگرچه برای زمانی کوتاه، از بسیاری تعلقات خود دل بکند؛ زحمت و سختی سفر را تحمل کند؛ در شرایطی

حال که با نقش و اهمیت نسب‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی آشنا شدید، به بررسی یکی دیگر از مهم‌ترین منابع پژوهش در تاریخ می‌پردازیم. خواندید که مورخان، «گذشته» را به یاری اطلاعات مختلفی که از اخبار و آثار به دست می‌آیند، بازسازی می‌کنند. در سده‌هایی از تاریخ ایران، سفرنامه‌ها یکی از مهم‌ترین منابع به دست آوردن آگاهی درباره‌ی وضع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به شمار می‌روند.

اقامت و مسافرت

در گذشته مسافرت آسان نبود و



از آن‌جا که در گذشته وسایل حمل و نقل به اسب، الاغ و شتر و نظایر آن منحصر می‌شد و حمل و نقل، با سرعتی بسیار کمتر از عصر حاضر انجام می‌گرفت، وجود مکان‌هایی در بین راه برای استراحت و سپری کردن شب ضروری بود. آیا نمونه‌هایی از این کاروانسراها را در شهر و دیار خود می‌شناسید؟

متفاوت از شرایط معمولی زندگی اش، قرار بگیرد و با آن مدارا کند. در مسافرت، آنچه انسان در پیرامون خود می بیند، توجه او را جلب می کند، در نتیجه دقت، تأمل و تفکر او افزایش می یابد و در مجموع به دلیل عادت شکنی و تجاری که به همراه دارد، موجب تحول روحی می گردد.

انگیزه ها و انواع سفر

سفرها انواع مختلفی دارند. در این باره به موارد زیر می توان اشاره کرد:

سفرهای نظامی (لشکرکشی)، اجتماعی (مهاجرت های قومی)، تجاری، مذهبی، سیاسی، علمی (دانش اندوزی) و تفریحی.

۱- سفرهای نظامی (لشکرکشی):

سفرهای نظامی از جمله مهم ترین سفرهایی است که از قرن ها پیش همواره صورت می گرفته است. در سال های گذشته درباره ی برخی

لشکرکشی های فرمانروایان مطالبی خوانده اید. این گونه لشکرکشی ها از نوع سفرهای نظامی هستند و باید دانست که انجام آن ها کاری ساده نبوده است. هنگامی که در تاریخ می خوانید کوروش پادشاه هخامنشی از پارس به سارد لشکر کشید، یا محمود غزنوی برای فتح سومنات از غزنین به هندوستان رفت یا ...

باید توجه کنید که حرکت یک لشکر عظیم و طی صدها و هزاران کیلومتر مسافت با وسایل و امکانات روزگار گذشته، با حوادث زیادی همراه بوده و هفته ها و ماه ها به طول می انجامیده است.

۲- سفرهای اجتماعی (مهاجرت

اقوام): مواردی نظیر مهاجرت آریایی ها به ایران، هند و اروپا؛ مهاجرت ایلات و عشایر ترک به ایران؛ مهاجرت های گروه هایی از مردم ایران در پی حملات هول انگیز نظیر حمله ی مغولان را سفرهای اجتماعی می نامند.

فکر کنید و پاسخ دهید

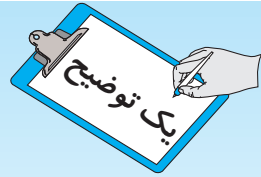


این گونه سفرها معمولاً تحولات اجتماعی مهمی را در پی داشته اند. آیا می توانید برخی از این تحولات را حدس بزنید؟

بازرگانان از جمله کسانی بوده اند که همواره از شهری به شهر دیگر در حرکت بوده اند.

۳- سفرهای تجاری: از آن جا که

نیازهای مردمان هر شهر و دیار از طریق تجارت و انتقال کالا برآورده می شود، در طول تاریخ،



سلیمان سیرافی در چین

در سال ۲۳۷ هجری قمری، یک بازرگان ایرانی از اهالی بندر سیراف (که امروزه از بین رفته است) از طریق دریا به چین سفر کرد و در بازگشت به شرح مشاهدات خود پرداخت. سلیمان سیرافی چند قرن پیش از مارکوپولو قدم به خاک چین نهاد.

سفیرهایی را نزد دیگر فرمانروایان می‌فرستاده‌اند. برخی از این دلایل عبارت‌اند از:

— برقراری روابط بازرگانی و فراهم نمودن تسهیلات تجاری

— تقدیم هدایا و یا باج و خراج

— بازرخرد یا مبادله‌ی اسیران جنگی

— ترک نزاع و انجام مذاکرات صلح

— زمینه‌سازی برای اتحاد برضد دولتی

دیگر

— درخواست کمک نظامی در مواقع

ضروری

— گردآوری اخبار و اطلاعات از اوضاع

کشورها

— شادباش و تسلیت به مناسبت‌های

مختلف

— خواستگاری

۶— سفرهای علمی (دانش‌اندوزی):

در گذشته بسیاری از عالمان دینی در روستاها

و شهرها پراکنده بودند و طالبان علوم برای

بهره‌گیری از دانش آنان راهی دیارشان می‌شدند.

۴— سفرهای مذهبی: نزد پیروان هر

آیینی بعضی مکان‌ها مقدّس هستند. شهرهای

مذهبی نظیر مکه، مدینه، نجف، مشهد،

بیت‌المقدّس، لاهاسا (مرکز بودایی‌ها در تبت)،

بنارس (مرکز هندوها در هند) معابد و

آشکده‌های زردشتیان در یزد، از این جمله‌اند.

پیروان آیین‌های مختلف نظیر اسلام،

مسیحیت، بودایی، هندویی، زردشتی و غیره با

توجه به آموزه‌های دینی خود، با شوقی وافر و

به امید تقرب یا انجام تکلیف، به سوی مکان‌های

مذهبی به حرکت درمی‌آیند. در طول قرن‌ها،

این گونه سفرها با همه‌ی سختی‌ها و صرف وقت

زیاد، انجام می‌شده است.

علاوه بر این، پیروان و مبلغان هریک از

آیین‌های بزرگ جهان، به‌منظور گسترش آیین خود،

راهی سرزمین‌های شناخته و ناشناخته می‌شدند.

مهاجرت مبلغان بودایی، مانوی، مسلمان و مسیحی

در تحولات تاریخ اهمیتی بسزا دارد.

۵— سفرهای سیاسی: از روزگاران

قدیم فرمانروایان همواره بنا به دلایلی مأموران و



آرمینیوس و امبری جهانگردی از اهالی مجارستان که در اواسط قرن نوزدهم از طریق قلمرو عثمانی به ایران آمد و با نام مستعار «رشید افندی» به آسیای میانه رفت و پس از بازگشت، اطلاعات فراوانی از این سرزمین‌ها در اختیار دولت‌های اروپایی قرار داد^۱.

کشورها به تحقیق پرداختند.

سفرنامه چیست؟

برای بسیاری از کسانی که به سفرهای یادشده می‌رفتند، بسیاری از پدیده‌هایی که می‌دیدند تازگی داشت و از دیدن آن‌ها به شگفت می‌آمدند، بنابراین تصمیم می‌گرفتند مشاهدات

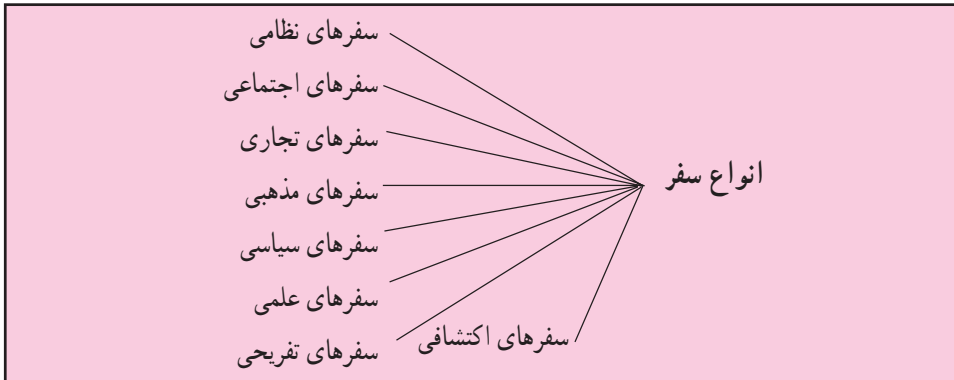
به همین دلیل در سرگذشت بسیاری از دانشمندان پیشین به خصوص در جهان اسلام، می‌خوانیم که در پی کسب علم به سفرهای دور و نزدیک پرداخته‌اند.

۷- سفرهای تفریحی: دیدن سرزمین‌ها

و گشت و گذار در طبیعت، جوامع انسانی و آشنایی با نهادها و پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌ها و دیدن عجایب جهان اطراف، همواره برای انسان‌ها نشاط‌آور بوده است. به همین دلیل تفریح و تفریح از انگیزه‌های مهم سیر و سیاحت بوده است.

۸- سفرهای اکتشافی: در قرن‌های

اخیر سفر به منظور پژوهش و بررسی پدیده‌های طبیعی (کویر، دشت، ...)، انسانی (بررسی اقوام و فرهنگ‌های آنان) و تاریخی (آثار باستانی، کتیبه‌ها، نقش‌ها، خط‌های قدیمی) مورد توجه بوده است. مثلاً راولینسون و دیولافوا از جمله اروپاییانی بودند که در دوران معاصر به ایران و عراق سفر نمودند و بر روی آثار باستانی این



۱- سفرنامه‌ی وامبری با این مشخصات به فارسی ترجمه شده است: سیاحت درویشی دروغین، ترجمه‌ی فتحعلی

خواجه نوریان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.

خود را برای دیگران بنویسند (برخی ضمن سفر و برخی پس از انجام سفر).

از طرف دیگر هیأت‌های سیاسی که به هر کشور می‌رفتند، وظیفه داشتند از اوضاع اقتصادی و سیاسی مربوط به دربار، پایتخت و غیره گزارش‌هایی تهیه کرده، در اختیار دولت خویش قرار دهند؛ زیرا این دولت‌ها برای

هدف‌های سیاسی و نظامی خود، به چنان اطلاعاتی نیازمند بودند. به این گونه نوشته‌ها سفرنامه گویند. بنابراین سفرنامه عبارت است از گزارش یک یا چند سفر. امروزه سفرنامه‌های فراوانی از دوران‌های مختلف تاریخی برجای مانده که توسط بازرگانان، سفیران، زایران، کشیشان، جاسوسان، دولتمردان و پژوهشگران نوشته شده است.

فکر کنید و پاسخ دهید

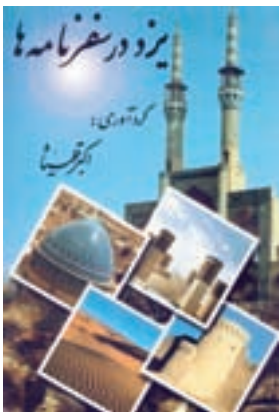


از برخی از دوره‌های تاریخی یک سرزمین، سفرنامه‌های بیشتری برجای مانده است. آیا می‌دانید چرا؟

و خوراک، فنون و هنرها، اوضاع دربارها، روحیات مردم و غیره به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند و حتی بعضی از آنان به ترسیم آن، پرداخته‌اند.^۱ امروزه این تصویرها آگاهی‌هایی سودمند در اختیار بیننده قرار می‌دهد. بنابراین

سفرنامه چه کاربردی در تاریخ‌نویسی دارد؟

سفرنامه‌ها از منابع مهم تاریخ‌نگاری هستند. به نظر شما در سفرنامه‌ها چه نوع مطالبی می‌توان یافت؟ تصور کنید اگر در گذشته کاروانی از ایران راه می‌افتاد چه مدت طول می‌کشید تا پس از پیمودن فرسنگ‌ها راه از بیابان‌ها و روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ، به چین برسند؟ سفرنامه‌نویسان معمولاً بسیاری از ماجراهای تلخ و شیرین و نیز مشاهدات خود را از راه‌ها، بناهای تاریخی، ساختمان‌ها، آداب و رسوم، لهجه‌ها، بازارها، اوضاع عمومی شهرها، شیوه‌ی تجارت سپاهیان، نوع ازدواج، پوشاک



۱- مثل اوزن فلاندن که در دوره‌ی قاجار به ایران آمد.



سفرنامه‌های این مأموران سیاسی، گذشته از دربرداشتن اطلاعات اقتصادی و اجتماعی، منابع بسیار خوبی برای آگاهی از روابط سیاسی دولت‌ها به‌شمار می‌روند.

از دیگر کاربردهای سفرنامه، آشنایی با دیدگاه‌ها و اندیشه‌های نویسندگانی آن است.

بخشی از یک سفرنامه

ابن بطوطه در سفر طولانی خود، در سال ۷۵۳هـ. به منطقه‌ی شمال آفریقا رسید. پس از آن به مالی رفت.

برای آشنایی بیشتر با آگاهی‌هایی که از خواندن یک سفرنامه به دست می‌آید قسمتی از سفرنامه‌ی «ابن بطوطه» را در زیر می‌خوانید. او خصوصیات مثبت اهالی مالی را چنین برشمرده است:

«از نیکویی‌های سیاهان یکی این است که ظلم و ستم در میان آنان بس اندک می‌باشد.



تصویر منسوب به ابن بطوطه

سفرنامه‌ها حاوی اطلاعاتی ارزشمند از همه‌ی شؤون حیات اجتماعی هر دوره هستند.

برخی از جهان‌گردان اروپایی هنگام دیدار از شهرها، بناها و شخصیت‌ها به ترسیم تصویر آن‌ها می‌پرداخته‌اند، حتی برخی از آنان هنگام عزیمت به مشرق زمین، نقاشی استخدام می‌کردند تا تصویرهای مورد نظرشان را ترسیم کنند؛ در نتیجه امروزه که بسیاری از آثار از میان رفته یا دچار تغییراتی شده‌اند، این تصویرها آگاهی‌هایی سودمند برای شناخت گذشته در اختیار بیننده قرار می‌دهد.

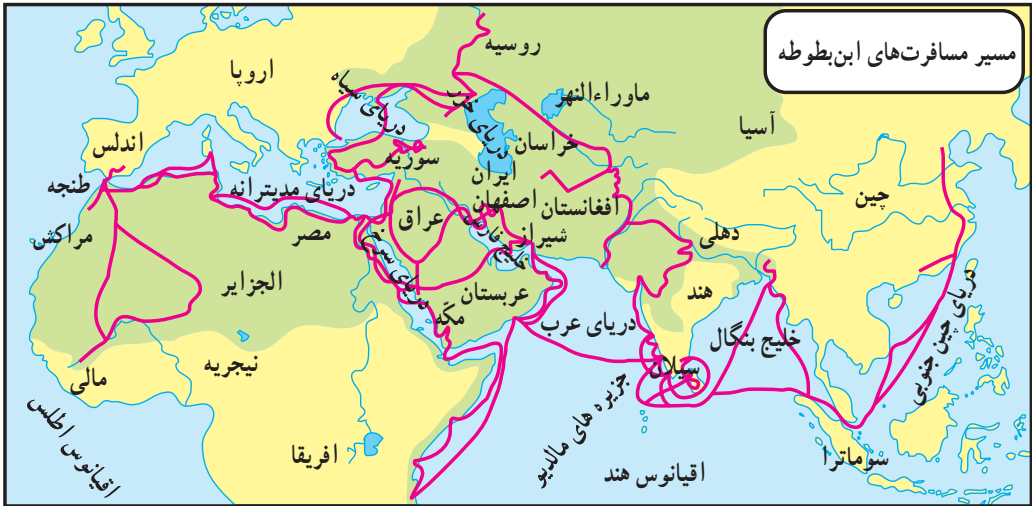
خواندید که انگیزه‌های مسافرت در گذشته، گوناگون بود. در میان مسافران، مأموران سیاسی بیشترین سفرنامه‌ها را از خود برجای گذاشته‌اند. آنان پس از طی طریق، پیامی را که گاه سرّی بود، به پادشاه می‌رساندند و طی چند جلسه با او به مذاکره می‌پرداختند. سپس پاسخ و پیام او را برای پادشاه خود می‌بردند.

۱- مثل شاردن که در دوره‌ی صفویان به ایران آمد.

سیاهان از ظلم و ستم کاری بسیار بدورند؛ سلطان آنان در این باره اغماض و چشم پوشی روا نمی‌دارد. دیگر، امنیت است که در آن کشور نه در حَضَر و نه در سفر بیمی از دزدی و تعدی در میان نمی‌باشد.

دیگر از رسوم مستحسن آنان، این است که اگر سپیدپوستی در آن کشور بمیرد مداخله‌ای در ماترک او نمی‌کنند، اگر چه اموال او بسیار زیاد و هنگفت بوده باشد.

دیگر از رسوم نیک آنان مواظبت بر نماز و ادای آن با جماعت و تنبیه اولاد به خاطر نماز است. روزهای جمعه اگر انسان زودتر و اول وقت به مسجد نرود از کثرت ازدحام، جا برای نماز پیدا نخواهد کرد و عادت آنان چنین است که هرکس از پیش، سجاده‌ی خود را توسط غلام به مسجد می‌فرستد تا آن را در جای مناسبی بگستراند و سجاده‌ی آنان از برگ‌های درختی شبیه به خرما بافته می‌شود و این درخت میوه ندارد.»



سرزمین‌های اسلامی در قرن هشتم هجری

حرکت از مراکش به مکه و سفر او به ایران	۷۲۷-۷۲۵ ه.ق
سفر دریایی به آفریقای شرقی و بازگشت به عربستان	۷۳۰-۷۲۷ ه.ق
حرکت به هند از راه آناتولی و آسیای مرکزی	۷۳۳-۷۳۰ ه.ق
توقف در دهلی، بازگشت به کلکته و سپس سفر به مرزهای چین	۷۴۱-۷۳۳ ه.ق
سفر به بنگال و فراتر از آن از راه‌های بازرگانی دریایی و بازگشت به مراکش	۷۴۹-۷۴۱ ه.ق
عبور از کوه‌های اندلس، عبور از صحرای آفریقا همراه کاروان	۷۵۴-۷۴۹ ه.ق

فکر کنید و پاسخ دهید



به نظر شما آیا همه‌ی مطالب سفرنامه‌ها حقیقت دارند؟



چهره‌ی زنان ایرانی در سفرنامه‌ها

سفرنامه‌نویسان اروپایی کم و بیش زنان را نیز مورد توجه قرار داده و مطالبی نیز درباره‌ی آن‌ها نگاشته‌اند. از آن‌جا که سفرنامه‌نویسان از سرزمین‌های دوردست به ایران می‌آمدند، تفاوت بسیاری میان شیوه‌ی زندگی زنان ایرانی با زنان وطن خودشان می‌دیدند. این تفاوت‌ها اغلب به دلیل ناآشنایی آنان با فرهنگ ایرانی - اسلامی بود. به عنوان مثال زنان ایرانی از پوشش خود به‌ویژه چادر ناراحت و ناراضی نبودند؛ در حالی که اروپاییان آنان را در زحمت می‌دانستند و یا در حالی که شمار زیادی از مردم شهری و روستایی فاقد سواد بودند، آنان در سفرنامه خود از بی‌سوادی زنان می‌نوشتند و یا به دلیل بی‌خبری از دستورات دینی، نسبت به حقوق اجتماعی زنان قلم‌فرسایی می‌کردند. با این حال از لابه‌لای مطالب آن‌ها نکات جالب و خواندنی به‌ویژه مطالب مربوط به تاریخ اجتماعی می‌توان یافت. در یک دسته‌بندی می‌توان گفت مطالب مربوط به زنان در سفرنامه‌ها عبارت است از:

۱- پوشاک زنان مناطق مختلف؛

۲- زنان شهری؛

۳- زنان روستایی؛

۴- زنان دربار (زنان پادشاه و نظایر آن)؛

۵- زنان عشایر؛

۶- ازدواج و مراسم آن؛

۷- بچه‌داری و تربیت فرزند؛

۸- سرگرمی‌ها و تفریحات؛

۹- شغل و پیشه؛

۱۰- میزان تحصیلات؛

۱۱- زنان مسیحی، زردشتی و غیره.

مثلاً شاردن که در عصر صفویه به ایران آمد شرح نسبتاً مفصلاً از وضعیت زنان

پادشاه ارائه کرده است. مادام دیولافوا باستان شناس که در عصر ناصرالدین شاه قاجار به ایران آمد درباره‌ی زنان ایرانی مطالبی نوشته است. حتی نویسنده‌ای همچون کلارا کولیور رایس نام سفرنامه‌ی خود را «زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان» گذاشته است. او در جایی از کتاب خود می‌نویسد: «زن ایرانی ... از هرگونه فعالیت اجتماعی عام یا خاص که مردان انجام می‌دهند، محروم گشته است. به ندرت به دنبال آموزش و تحصیل می‌رود. و کمتر به وی اعتماد می‌شود و برای او ارزش و احترام قایلند. چگونه می‌توان از کشوری که زنان آن تا این اندازه عقب مانده نگاه داشته شده‌اند انتظار پیشرفت داشت؟» امروزه که حدود ۲۰۰ سال از آن تاریخ می‌گذرد، اگر وی زنده بود و حضور زنان ایرانی را در مراکز آموزشی، پژوهشی و اداری می‌دید، قطعاً قضاوت دیگری می‌کرد.

پرسش‌های نمونه



- ۱- مسافرت در دوران گذشته با امروز چه تفاوتی داشته است؟
- ۲- خوانید که فرمانروایان به دلایل مختلف، سفیرهایی نزد سایر فرمانروایان می‌فرستادند. چهار مورد از این دلایل را بنویسید.
- ۳- به نظر شما سفرهای اکتشافی با سفرهای علمی چه تفاوتی دارد؟

اندیشه و جست‌وجو



- ۱- فصلی از یک سفرنامه را انتخاب کنید و گزارشی کوتاه درباره‌ی کاربردهای آن برای مورخان و باستان‌شناسان آماده سازید.
- ۲- با مراجعه به یک کتابخانه و استفاده از رایانه، فهرستی از ۱۰ سفرنامه مربوط به ایران تهیه کنید.

زندگی نامه ها و تاریخ

فعالیت های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، حوادث و ماجراهای تلخ و شیرین و ... مرگ» است. بنابراین زندگی نامه عبارت است از هر نوع نوشته‌ی کوتاه و بلند که حاوی آگاهی‌هایی از تمامی یا بخش‌هایی از دوران زندگانی یا اندیشه‌های یک فرد باشد.

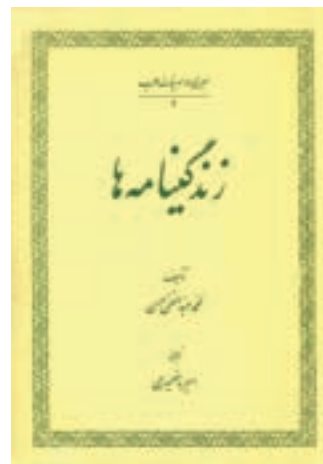
زندگی نامه‌ی هر کس، توسط خودش یا توسط دیگران نوشته می‌شود. زندگی نامه‌ای که توسط خود شخص نوشته می‌شود «زندگی نامه‌ی خودنوشت» و یا «حَسَبِ حَال» می‌نامند.

از سوی دیگر، از قرن‌ها پیش، عده‌ای از نویسندگان به نوشتن شرح حال شخصیت‌های مهم نظیر پیامبران، خلفا، امامان، پادشاهان، دانشمندان، صوفیان، عارفان و وزیران اقدام می‌کردند. این شرح‌حال‌ها که بعضی از آن‌ها شامل شرح زندگانی یک تا ده‌ها و صدها نفر می‌شوند، به نام‌های مختلفی چون: سیره، رجال و قیات (درگذشتگان) خوانده می‌شدند.

از طرفی بسیاری از کتاب‌های تاریخی،

در این درس خواهید خواند که زندگی نامه و یادداشت روزانه چیست و در تاریخ‌نویسی چه جایگاهی دارد. هم‌چنین، با اهمیت زندگی نامه‌ها آشنا خواهید شد. چه بسا تصمیم بگیرید که شما هم روزی زندگی نامه‌ی خود و یا دیگران را بنویسید.

اگر پسوند «نامه» را از این واژه برداریم، کلمه‌ی «زندگی» باقی می‌ماند. زندگی هر کس در برگیرنده‌ی نکاتی چون «تولد، خانواده و محیط اولیه‌ی پرورش، تحصیل، ازدواج، شغل،



در حقیقت زندگی نامه‌ی فرمانروایان آن دوره است، زیرا مورخان پیشین، آن‌ها را به قصد نگارش اقدامات شاهان عصر خود نوشته‌اند. در تاریخ ایران، از دوران معاصر به خصوص پس از مشروطه، نگارش حسب حال رایج‌تر و متنوع‌تر شد، به طوری که بخش مهمی از میراث فرهنگی ما را شامل می‌شود، زیرا این گونه آثار حقایق تاریخی، اخلاقی و اجتماعی فراوانی را در بر می‌گیرند.

اکنون ببینیم «حسب حال» چگونه تهیه می‌شود. این نوع نوشته‌ها معمولاً به یکی از این دو شیوه تهیه می‌گردد:

الف - نگارش حوادث زندگی به صورت یادداشت‌های روزانه

ب - نگارش یا تدوین خاطرات^۱ و ماجراهای زندگی به صورت یک‌جا

الف - یادداشت‌های روزانه: بعضی از افراد به ویژه سیاستمداران و دانش‌پژوهان، در پایان هر روز و یا هر چند روز یک‌بار، گزارش مهم‌ترین فعالیت‌های خود را یادداشت می‌کنند. این گونه یادداشت‌ها به مرور زمان افزایش می‌یابد و در پایان مجموعه‌ای را فراهم می‌سازد. این مجموعه‌ها در زمان نویسنده و یا پس از مرگ او

به چاپ می‌رسد.

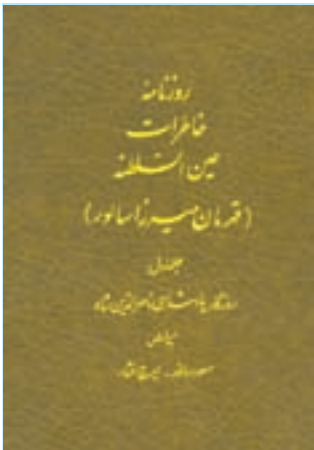
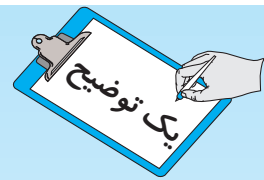
یادداشت‌های اسدالله علم وزیر دربار محمدرضا پهلوی از جمله این مجموعه‌ها است. در سال‌های قبل در کتاب «تاریخ ایران و جهان»^۲ در شرح حوادث مربوط به انقلاب اسلامی خوانده‌اید که در سال ۱۳۴۲ که رژیم پهلوی دست به کشتار در مدرسه‌ی علمیه زد، اسدالله علم نخست‌وزیر ایران بود. علم پس از برکناری از نخست‌وزیری، وزیر دربار شد و تا سال ۵۶ از نزدیک‌ترین افراد به شاه بود. او به طور سری مهم‌ترین فعالیت‌ها و حوادث روزانه‌ی دربار و خارج از دربار و ملاقات‌های خود با شاه را یادداشت می‌کرد و آن‌ها را به بانکی در سوئیس می‌سپرد تا نگهداری شود. پس از انقلاب، این یادداشت‌ها چاپ شد و از بسیاری از اسرار دربار و اقدامات خاندان پهلوی پرده برداشت. در زیر، گزیده‌ای از این مجموعه را می‌خوانید. این یادداشت‌ها به ترور چند آمریکایی در سال ۱۳۵۳ اشاره دارد، یعنی دوره‌ای که رژیم ایران به امریکا وابستگی زیادی داشت.

«شنبه ۶ شهریور. شرفیابی. اوقات شاه خیلی تلخ بود. قبل از اینکه فرصت کنم دهانم را باز کنم گفت که امروز صبح تروریست‌ها سه تن

۱- برای خاطرات تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. از جمله گفته‌اند: خاطره پدیده‌ای است دارای این ویژگی‌ها: الف - بادی از گذشته دربردارد. ب - مشتعل بر حادثه یا صحنه یا حالتی است. پ - دارای رنگی از احساس و عاطفه و خیال است و اغلب نشانگر تأثیرپذیری روانی فوق‌العاده است. ت - متکی و متوقف بر مشاهده و حضور است؛ اگرچه به صورت غیرمستقیم. ث - در یک ظرف زمانی و مکانی مشخص قرار دارد.

از مستشاران آمریکایی وابسته به ارتش ما را کشته‌اند. گفت: «در اسرع وقت به سفیر (سفیر آمریکا) تلفن کنید. تسلیت ما را به او و خانواده‌های قربانیان ابلاغ کنید. ضمناً نامه‌های خصوصی هم باید به آن‌ها نوشته شود... به ارتش بگویید بالاترین مستمری را که می‌توان در چنین موردی پرداخت، درست مشابه شهدای خودمان

بپردازند. ضمناً باید ترتیبی دهید از طرف بخش اجتماعی دربار، نمایندگان مخصوصی به دیدن هریک از خانواده‌ها در منازل خودشان بروند...» در فرصتی دیگر به شاه یادآوری خواهم کرد که در پی بحث سنا درباره‌ی فروش اسلحه، سازمان اطلاعاتی اسرائیل در مورد چنین حملاتی به مستشاران آمریکایی به ما هشدار داده بود.»



درباره‌ی سخت‌گیری‌های رضا شاه در مورد تغییر لباس، قسمتی از خاطرات عین‌السلطنه^۱ خواندنی است. «شاه باز می‌بیند [مردم] در کرمانشاه با همان کلاه و البسه‌ی قدیم خود هستند. لذا خیلی فحش می‌دهد ولدی‌الورود از تهران حکم می‌کند به همه تلگراف شود ممانعت کنند. امنیه به دهات افتاد قبا و کلاه است که پاره

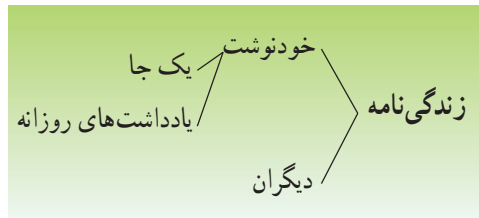
می‌کنند، رعیت فقیر است، قادر نیست لباس نو و کلاه بی‌دوام پهلوی تهیه کند. رعیتی که یک کلاه نم‌د به ارث به او رسیده و تا حال سرش است چطور ماهی یک کلاه پارچه‌ای بی‌دوام می‌تواند عوض کند، یا کُت و شلوار تنگ بیوشد... رعیت صبح تا شب مشغول کار است. آن وقت قبا و عبا و کلاه او را امنیه پاره می‌کند. (روزنامه‌ی خاطرات، جلد ۱۰، ص ۷۶۵۱)

۱- عین‌السلطنه (برادرزاده‌ی ناصرالدین شاه) از دوره‌ی نوجوانی اقدام به ثبت یادداشت‌های روزانه‌ی خود نمود. روزنامه‌ی خاطرات او از حدود سال ۱۳۰۰ قمری یعنی مصادف با چهلمین سال سلطنت ناصرالدین شاه شروع و تا سال ۱۳۲۴ شمسی یعنی چهارمین سال سلطنت محمدرضا شاه پهلوی ادامه می‌یابد. او در این اثر ده جلدی، خاطرات مربوط به دوران سلطنت شش پادشاه قاجار و پهلوی را نوشته است. خاطرات نویسنده بسیار متنوع و جامع است. در این خاطرات علاوه بر مسائل شخصی و خانوادگی، بسیاری از مسائل ایران و گاه جهان نیز آمده است.

توسط خود شخص، با انگیزه‌هایی یکسان نوشته نمی‌شوند، بلکه دلایلی گوناگون موجب اقدام برای ثبت خاطرات یک مرحله یا مراحل زندگی اشخاص می‌گردد. مهم‌ترین این انگیزه‌ها عبارت‌اند از:

۱- عبرت‌آموزی: داستان زندگی بعضی از دانشمندان، سیاستمداران، بازرگانان و مردم عادی، بیانگر این نکته است که آنان حوادث تلخ و شیرینی را دیده و ماجراهای فراوانی را سپری کرده‌اند. خصوصیات نظیر پشتکار، عزم و اراده، صبر و بردباری در برابر ناملايمات، موجب گشته که آنان سرانجام به موفقیت‌های زیادی دست یابند. تدوین زندگی‌نامه‌ی این گونه افراد معمولاً به منظور آموزش و تربیت جوانان صورت می‌پذیرد، تا راهنما و مشوق آنان در صحنه‌های زندگی باشد.

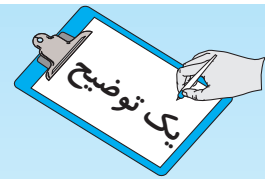
ب- نگارش یا تدوین خاطرات و ماجراهای زندگی به صورت یک‌جا: زندگی‌نامه‌ها معمولاً بیشتر به شیوه‌ی یک‌جا نوشته و تدوین می‌گردند. امروزه زندگی‌نامه‌ی شخصیت‌ها از طریق مصاحبه و نظایر آن نیز تدوین می‌گردد. عده‌ای نیز خاطرات خود را با استفاده از یادداشت‌های روزانه‌ی شخصی، به صورتی نو به نگارش درمی‌آورند.



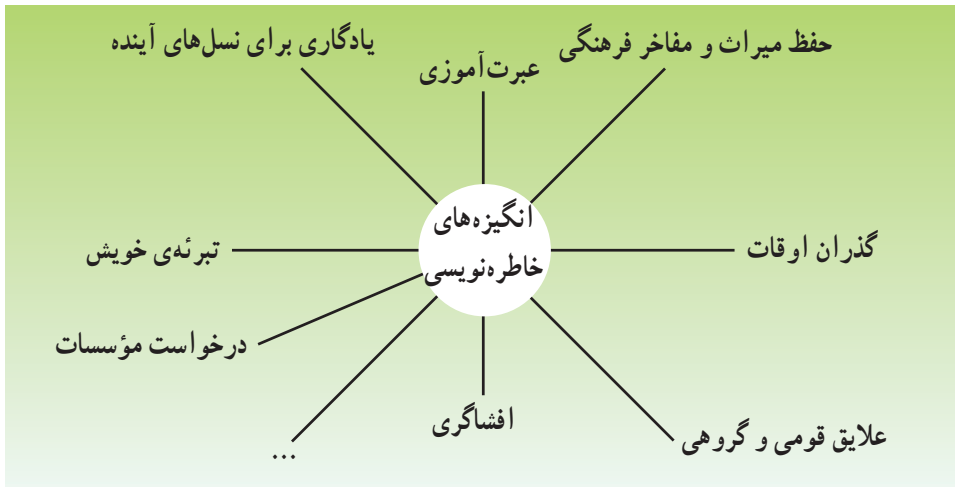
زندگی‌نامه‌ها و خاطرات چرا نوشته

می‌شوند؟

زندگی‌نامه‌ها خواه توسط دیگران و خواه



دکتر عبدالهادی حاتری مورخ برجسته‌ی معاصر در اواخر عمر، زندگی‌نامه‌ی خود را برای عبرت‌آموزی جوانان نگاشت و آن را «آن چه گذشت» نام نهاد.



و همراهان، خاطرات سیاسی - اجتماعی خود را می‌نگارند تا بدین وسیله به زعم خود به افشای فریب‌ها، خیانت‌ها و کژ رفتاری‌های یاران سابق و دشمنان امروزی خود بپردازند.



۲- یادگار برای نسل‌های آینده: انسان دوست دارد به طریقی، یادگاری از خود برجای نهد؛ به خصوص داستان زندگی، موضوعی است مناسب که می‌تواند برای آیندگان باقی بماند.

۳- تبرئه‌ی خویش: یک حادثه‌ی سیاسی - اجتماعی نظیر انقلاب، اختلافات درونی اعضای یک حزب و غیره ممکن است موجب بدنامی برخی اشخاص گردد (خواه به حق خواه به ناحق). در چنین مواردی این افراد ظاهراً به منظور بیان خاطرات، اما در حقیقت به قصد دفاع از خویش در برابر ادعاهای دیگران خاطرات خود را می‌نویسند.

۴- افشاگری: گاه بعضی از اعضای گروه‌های سیاسی، در پی اختلاف با سایر هم‌زمان

فکر کنید و پاسخ دهید

یکی از نویسندگان گفته است: «در خاطره‌نگاری، زمان، مکان و استناد باید پررنگ باشد.» به نظر شما منظور وی چیست؟

۵- درخواست مؤسسات و نهادها:

امروزه مؤسساتی که تحقیقات تاریخی و انتشار اسناد و نظایر آن از وظایف آنان است، با دعوت از شخصیت‌های سرشناس به تهیه و تدوین زندگی‌نامه و خاطرات آنان اقدام می‌ورزند. این کار معمولاً از طریق مصاحبه، ضبط خاطرات و غیره انجام می‌گیرد.

۶- گذران اوقات: زندان، بازنشستگی،

و نظایر آن برای بعضی از افراد فرصت‌هایی برای نوشتن داستان زندگی‌شان ایجاد می‌کند.

۷- حفظ میراث فرهنگی و مفاخر ملی:

این مورد از مهم‌ترین انگیزه‌های مورد نظر می‌باشد. در میان تمامی ملت‌ها، عده‌ای از نویسندگان برای حفظ یاد و نام مفاخر فرهنگی و ملی و یا شهادای خویش، به نگارش خاطرات مربوط به آن‌ها دست می‌یازند.

البته همیشه میان انگیزه‌های نام‌برده مرزی

مشخص نمی‌توان کشید و چه بسا یک زندگی‌نامه به انگیزه‌های گوناگون نوشته شود. اما معمولاً یک انگیزه نسبت به سایر انگیزه‌ها اهمیت بیشتری دارد. مثلاً فردی که روزگاری موقعیت مهم اجتماعی داشته است، در سنین پیری در بیان خاطرات خود، گاه به اشتباهاتش اعتراف می‌کند، گاه نکاتی را درباره‌ی اشخاص و ماجراهای عصر خویش

افشا می‌سازد، گاه یاد بزرگانی چند را پاس می‌دارد اما در مجموع، انگیزه‌ی او از نگارش خاطرات خود، «عبرت‌آموزی» است.

یادداشت‌های روزانه و زندگی‌نامه‌ها به هر انگیزه‌ای که نوشته شوند، از آن‌جا که انواع اطلاعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و غیره را در بردارند، در ردیف مهم‌ترین منابع مورد استفاده‌ی تاریخ‌نگاران هستند. زندگی‌نامه‌ها بسته به این که به چه شخصیتی مربوط باشند، به جنبه‌ای ویژه از تاریخ، ارتباط بیشتری می‌یابند. در مجموع، یادداشت‌های روزانه و شرح حال‌ها در تهیه‌ی این موضوعات کاربرد دارد: تاریخ سیاسی، تاریخ اجتماعی، تاریخ علم و اندیشه، تاریخ انقلاب‌ها، تاریخ جنگ‌ها، تاریخ زندگی اشخاص^۱. در زیر به اختصار شرح هر یک از این موضوعات را می‌خوانید:

۱- تاریخ سیاسی: شخصیت‌های

سیاسی خواه به عنوان عضو یک حزب، خواه به عنوان وزیر، سفیر، نماینده‌ی مجلس و نظایر آن، در دوران زندگی خویش با بسیاری از مسایل سیاسی درگیر هستند. مسایلی نظیر کشمکش با سایر گروه‌های سیاسی، قراردادهای سیاسی، مذاکرات میان دولت‌مردان، ترور اشخاص، انواع اقدامات دولت‌ها، تأسیس مؤسسات اداری، کودتاها، نقش افراد ذی‌نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها،

۱- زندگی‌نامه‌ها و خاطرات، از دیدگاه روان‌شناسان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. (مثلاً برای شناخت افراد و

ریشه‌های رفتار آنان.)

مسائل مالی، مسائل جاسوسی، مسائل مربوط به کنفرانس‌های بین‌المللی و مسائل جاری سیاسی از این قبیل اند.

بسیاری از این موضوعات در زمان وقوع و جریان، به دلیل اشتغالات روزمره‌ی دست‌اندرکاران یا سرّی بودن آن‌ها و غیره، به‌طور مشروح ثبت یا منتشر نمی‌گردند؛ اما با گذشت زمان شرح بسیاری از آن‌ها در کتاب‌های خاطرات و یادداشت‌های روزانه عرضه می‌شود. پژوهشگران برای نگارش تاریخ‌های سیاسی، به این گونه نوشته‌ها بسیار نیازمند هستند. به عنوان مثال کسی که بخواهد اوضاع سیاسی دوران پهلوی را بررسی کند، می‌بایست از خاطرات اشخاصی نظیر علم و فردوست استفاده کند.

۲- تاریخ اجتماعی: در تاریخ اجتماعی، زندگی مردم و مسائل مربوط بدان مورد بررسی قرار می‌گیرد. شیوه‌ی معیشت، آداب و رسوم، نوع پوشاک، خوراک، ورزش‌ها و تفریحات و موضوعاتی از این قبیل، در «تاریخ اجتماعی» مورد بحث قرار می‌گیرند. از آن‌جا که زندگی اجتماعی هر ملتی با گذشت زمان دچار دگرگونی می‌گردد، ثبت و ضبط آن‌ها در زندگی‌نامه‌ها، به مورخان بسیار یاری می‌رساند.

۳- تاریخ علم و اندیشه: تحول علوم و اندیشه‌ها و شرح حال بزرگان هر یک از دانش‌ها در «تاریخ فرهنگ و تمدن» بررسی می‌شود. زندگی‌نامه‌های دانشمندان، عارفان و نظایر آن،

برای نگارش تاریخ فرهنگ و تمدن مفیدند. در بحث از فرهنگ و تمدن اسلامی، سیره معصومین (ع) نیز باید مورد توجه مورخان قرار گیرد، زیرا آموزه‌های آن‌ها و شاگردانی که تربیت کردند در بیدایش تمدن اسلامی مؤثر بوده است.

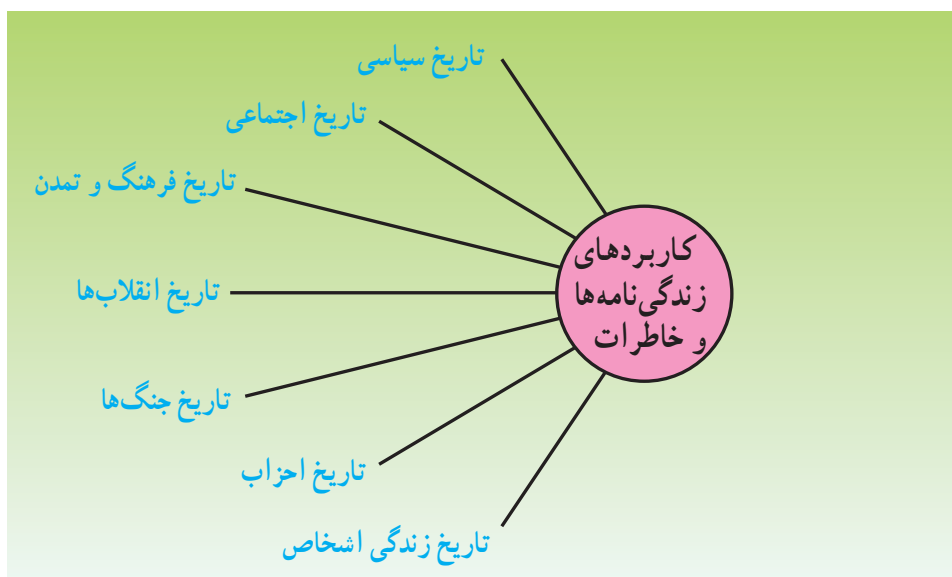
۴- تاریخ انقلاب‌ها: در انقلاب‌ها معمولاً همه‌چیز به سرعت رخ می‌دهد. معمولاً عده‌ای از کسانی که در جبهه‌ی انقلاب یا ضد انقلاب شرکت داشته یا شاهد آن بوده‌اند، پس از چندی خاطرات دوران انقلاب را می‌نگارند. این گونه نوشته‌ها اطلاعاتی مفید در اختیار تاریخ‌نگاران قرار می‌دهد تا به خوبی به علل انقلاب، روند آن و نقش هر یک از گروه‌ها و شخصیت‌ها در شکل‌گیری یا سرکوبی آن پی ببرند.

۵- تاریخ جنگ‌ها: در این مورد جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نمونه‌ی خوبی است. در این جنگ بسیاری از قهرمانان ملت ایران شرکت داشتند که زندگی‌نامه‌ی آنان به قلم خودشان یا به قلم دیگران به چاپ رسیده است. همچنین بسیاری از آنان خاطرات دوران جنگ یا دوران اسارتشان را نگاشته‌اند. برای تدوین تاریخ این جنگ، مورخان علاوه بر مطالعه‌ی سایر منابع، می‌بایست این گونه نوشته‌ها را نیز مورد توجه قرار دهند.

۶- تاریخ احزاب: یک حزب از هنگام تأسیس تا زمان تثبیت و فعالیت در اجتماع، به مرور تحولاتی را پشت سر می‌گذارد. در این

۷- تاریخ زندگی اشخاص: شاید از خواندن این عنوان تعجب کنید و بپرسید «مگر تاریخ زندگی اشخاص، همان زندگی نامه یا خاطرات آنان نیست؟» پاسخ به این سؤال منفی است! در این مورد باز هم یادداشت‌های «عَلَم» را مثال می‌زنیم. بدیهی است که «علم» علاوه بر یادداشت‌های خصوصی، در دوران زندگی خود، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و یا نوشته‌های دیگری نیز داشته است. چه بسا اسنادی نیز درباره‌ی او موجود باشد. پس برای نگارش تاریخ زندگانی‌اش می‌بایست همه‌ی این منابع مورد مطالعه قرار گیرد.

مدت با قدرت حاکم بر جامعه، همکاری یا مخالفت می‌کند، چه بسا دچار انشعاب گردد، یا جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی آن تغییر کند. ممکن است با قدرت‌ها و گروه‌های خارج از کشور ارتباط یابد، کتاب‌ها و نشریاتی به چاپ برساند، ممکن است به دلایلی، از هم بپاشد یا به حیات خود ادامه دهد. در هر حال به انگیزه‌های گوناگونی که پیش از این خواندید بعضی از اعضای آن، چندی بعد به عرضه‌ی خاطرات خود اقدام می‌کنند. انتشار این‌گونه نوشته‌ها برای تألیف تاریخ هر حزب یا نقش آن در تحولات جامعه بسیار مفید است.



فکر کنید و پاسخ دهید



به نظر شما آیا تمام مطالب زندگی نامه‌ها درست است؟



تاریخ شفاهی

چند سال پس از جنگ جهانی دوم، ضبط صوت اختراع شد. این وسیله‌ی مفید و قابل حمل که امکان به کارگیری آن در همه جا وجود دارد، موجب گسترش «مصاحبه گری» شده است. مصاحبه با استفاده از ضبط صوت به عنوان یک شیوه‌ی آسان و مطمئن گردآوری اطلاعات موجب شد تا شعبه‌ای از تاریخ‌نگاری که موسوم به تاریخ شفاهی (Oral history) است، توسعه‌ی فراوان یابد. پیش از آن، تاریخ شفاهی با نوشتن مصاحبه‌ها بود. زیرا تاریخ شفاهی یعنی «نوشتن تاریخ با روش مصاحبه کردن». پیش از آن، مورخان براساس آثار، اسناد، کتاب‌ها، سکه‌ها و ... اقدام به نوشتن تاریخ می‌کردند، اما در روش تاریخ شفاهی با مراجعه به اشخاص (زنده) که خود در وقایعی شرکت داشته‌اند یا از نزدیک شاهد آن وقایع بوده‌اند، اقدام به تاریخ‌نگاری می‌کنند. بدین ترتیب تاریخ شفاهی به «خاطره‌نویسی» بسیار نزدیک است؛ اما با آن تفاوت‌هایی دارد. از جمله آن که معمولاً خاطرات را انسان‌هایی می‌نویسند که صاحب مقام بوده و کارهای مهمی برعهده داشته‌اند. اما تاریخ شفاهی می‌تواند دربردارنده‌ی اطلاعات مردم

عادی نیز باشد. زیرا تشخیص مهم و مفید بودن اطلاعات در این جا، با مورخ است. نیز مسائل مربوط به زندگی، کار، فرهنگ، داد و ستد و به طور کلی همه چیز مورد توجه محققان تاریخ شفاهی است، مثلاً آداب و رسوم. به همین جهت تاریخ شفاهی موجب گسترده تر شدن و تنوع آگاهی‌های تاریخی شد. نیز این امکان را فراهم آورد که انسان‌های بیشتری در تحقیقات تاریخی شرکت کنند. امروزه در فعالیتهای درسی تاریخ در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها از روش تاریخ شفاهی استفاده می‌کنند. مثلاً یک دانش‌آموز با استفاده از اطلاعات و خاطرات افراد خانواده درباره‌ی شیوه‌ی زندگی در سال‌های قبل و نیز ابزارها و وسایل مورد استفاده‌ی مردم تحقیق می‌کند؛ یا درباره‌ی کوچه و محله و شهر که چه تغییراتی در چند سال گذشته داشته است، مقاله‌ای می‌نویسد. زیرا تاریخ شفاهی درباره‌ی مسائل تاریخی نزدیک به زمان زندگی ماست. امروزه دسرراسر دنیا مؤسسات پژوهشی دارای بخش‌های «تاریخ شفاهی» هست. آنان از طریق گفت‌وگو با سیاستمداران، دانشمندان و نویسندگان و نظایر آن که گاه چندین جلسه طول می‌کشد به گردآوری اطلاعات اقدام می‌کنند.

پرسش‌های نمونه



- ۱- کتاب‌های خاطرات معمولاً به چه انگیزه‌هایی نوشته می‌شوند؟
- ۲- کاربرد زندگی‌نامه‌ها را در تدوین تاریخ سیاسی توضیح دهید.
- ۳- به نظر شما چرا تمامی مطالب زندگی‌نامه‌ها ممکن است درست نباشد؟

اندیشه و جست‌وجو



با مطالعه‌ی فصلی از یک کتاب خاطرات، نکاتی را که می‌تواند برای یک تاریخ‌نگار مفید باشد، مشخص کنید و توضیح لازم درباره‌ی آن را بنویسید.

اسناد تاریخی

روزگار پیدایش خط، این چنین اسنادی همیشه در طول تاریخ بشر تولید شده و بعضی از آن‌ها به جای مانده‌اند. امروزه چنین اسنادی می‌تواند در گشودن نکات مبهم تاریخ ما را یاری دهد.

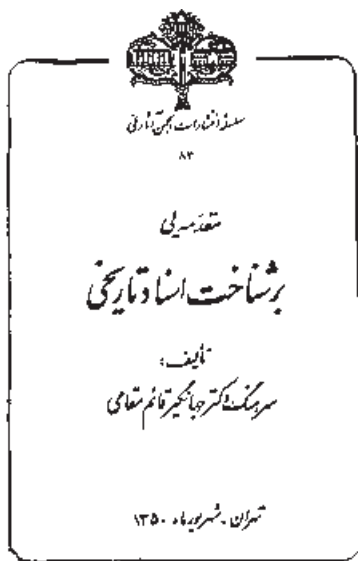
آیا هر نوشته‌ای می‌تواند برای ما کاربرد تاریخی داشته باشد؟ برای پاسخ به این سؤال باید تعریفی مشخص از سند ارائه داد. اسناد با توجه به استفاده‌ای که در هر زمان از آن‌ها می‌شود دارای دو ارزش اداری و تحقیقی هستند. یعنی هنگامی که مطالب آن‌ها مربوط به مسائل روزمره‌ی جاری است، اداری یا شخصی محسوب می‌شوند اما پس از آن که ارزش جاری و روزانه‌ی خود را از دست دادند، به آن‌ها اسناد تاریخی می‌گویند. بنابراین از دیدگاه تاریخی می‌توان تعریف زیر را برای سند ارائه داد: «سند تاریخی برگ نوشته‌ای است که با از دست دادن ارزش روزمره و اداری خود در پژوهش‌های تاریخی قابل استناد و استفاده بوده و بنابراین قابلیت نگهداری دائمی داشته باشند».

تاریخ واقعی هر کشور را تنها هنگامی می‌توان دقیق و صحیح نگاشت که بر مبنای منابع اصلی باشد. اسناد، نسخه‌های خطی (کتاب‌های غیرچاپی) و کتاب‌های چاپ شده از روی نسخه‌های خطی از مهم‌ترین منابع اصلی مورد نیاز مورخان هستند. اسناد برای پژوهش‌های تاریخی، هم چون مصالحی هستند که مورخ با استفاده از آن‌ها به بازسازی تاریخ می‌پردازد. بنابراین پژوهش‌ها و تحلیل‌های مورخ بدون مراجعه به اسناد و نسخه‌های خطی کامل نخواهد بود.

اسناد

اسناد در نتیجه‌ی «روابط اجتماعی» انسان‌ها به وجود می‌آیند. نامه‌ای که دوستی به دوست خود می‌نویسد، حکم استخدام یک کارمند یا کارنامه‌ی تحصیلی یک دانش‌آموز، پس از چندی خود به یک سند تبدیل می‌گردند. پس اگر هریک از ما نوشته‌های مربوط به روابط خانوادگی، وضعیت تحصیلی یا شغلی مان را نگاه داریم، یک بایگانی کوچک از اسناد خواهیم داشت. از

و در مراکز اسناد نگاهداری می‌شود، از دوره‌ی ایلخانیان، تیموریان و آق‌قویونلوها به بعد باقی مانده است. تعداد این اسناد تا دوره‌ی صفویه بسیار کم است و به همین دلیل تحقیقاتی که در زمینه‌ی تاریخ آن دوران انجام می‌شود، با مشکلات بسیاری روبه‌رو است. عوامل گوناگونی مانند تغییر محل پایتخت، آتش‌سوزی، سیل، حملات اقوام گوناگون به شهرها و غارت آن‌ها، جنگ‌های داخلی بی‌دری و مصادره‌ی اموال دیوان‌سالاران بزرگ سبب از میان رفتن بسیاری از اسناد شده است. بیشترین اسناد باقی‌مانده از سلسله‌های حاکم بر ایران مربوط به دوران پهلوی است.



اسناد تاریخی از مهم‌ترین منابع مکتوب در پژوهش‌های تاریخی به‌شمار می‌آیند و شامل مکاتبات حکومتی، فرمان‌ها، معاهدات سیاسی، نوشته‌های اداری، گزارش‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، اسناد قضایی، مالی، حقوقی و برخی مکاتبات خصوصی و خانوادگی می‌باشند. اسناد در اصل به صورت نوشته‌هایی یک و گاه چندبرگی هستند اما گاه کتاب‌هایی نیز تهیه می‌شد که در آن‌ها مجموعه‌ی سند به صورت یک‌جا گردآوری شده بود. این کار بیشتر به دلیل توجه به فن نویسندگی و آموزش و نیز مقام و موقعیت صاحبان اسناد و نامه‌ها انجام می‌گرفته است. این‌گونه مجموعه‌ها امروزه ارزش تاریخی فراوانی نیز یافته‌اند. منشآت قائم‌مقام فراهانی صدراعظم معروف دوره‌ی قاجار، از این نمونه است.

بی‌توجهی به حفظ و نگهداری اسناد موجب از میان رفتن بسیاری از آن‌ها در طول تاریخ شده است. اگر این بی‌توجهی صورت نمی‌گرفت اکنون مجموعه‌های بسیار عظیم و باارزشی از فرمان‌ها، احکام و اسناد دیگر در دست بود. تا آن‌جا که به تاریخ ایران مربوط می‌شود اسنادی که اکنون در دسترس محققان قرار دارد

فکر کنید و پاسخ دهید



آیا می‌دانید در کشور ما چه روزی به‌عنوان روز اسناد ملی تعیین شده است؟

انواع اسناد

اسناد را براساس محتوا و کاربردشان در تحقیقات تاریخی، می‌توان به شیوه‌ی زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- اسناد اقتصادی و اجتماعی: گویای اوضاع اقتصادی و چگونگی زندگی مردم در دوره‌ای معین هستند. اسناد مالیاتی، قباله‌های ملکی و ازدواج، اسناد و مکاتبات تجاری، وقف‌نامه‌ها و آمارهای جمعیتی از این قبیل‌اند.

۲- اسناد فرهنگی: مانند اسناد مربوط به تأسیس مدارس، دانشگاه‌ها، اعزام دانشجویان به خارج از کشور، امتیازنامه‌ی انتشار نشریات.

۳- اسناد سیاسی: مانند فرمان‌های پادشاهان یا مسئولین مملکتی و مکاتبات سیاسی میان کشورها

۴- اسناد شخصی: مانند خاطرات افراد یا یادداشت‌های روزانه‌ی سفر و نامه‌های

خصوصی^۱

کاربرد اسناد

اسناد، اطلاعاتی را درباره‌ی زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوران گذشته در اختیار مورخ می‌گذارند که در نوشته‌های مورخان کمتر به آن اشاره شده است؛ زیرا موضوع کتاب‌ها بیشتر در زمینه‌ی امور سیاسی، نظامی و در پاره‌ای موارد تشکیلات اداری است و مؤلفان آن‌ها کمتر به شرح و تفسیر مطالب، به‌ویژه از دیدگاه اجتماعی و اقتصادی، پرداخته‌اند. بنابراین مورخ امروزی می‌تواند با بررسی اسناد تاریخی به مطالبی جدید دست یابد. پاره‌ای از دلایل ارزش کاربردی اسناد عبارت است از:

۱- چون اسناد اداری در روند اداری روزگار خود صادر می‌شده‌اند با بررسی آن‌ها می‌توان به اوضاع سیاسی، شیوه‌ی مکاتبات اداری و چگونگی ثبت و ضبط احکام و نامه‌ها



منشآت

منشآت در لغت یعنی انشا شده، نوشته شده و دیکته شده. منشآت نوع خاصی از نامه‌هایی بود که در گذشته نوشته می‌شد و ویژگی‌هایی داشت؛ مثلاً در ابتدای آن به مدح خداوند می‌پرداختند که ممکن بود یک صفحه را به خود اختصاص دهد و یا با وعظ و خطابه پایان می‌یافت.

۱- این اسناد در بسیاری موارد توسط نسل‌های بعدی به صورت کتاب خاطرات یا سفرنامه چاپ شده‌اند.

بی برد. همچنین از میان اسناد اصطلاحات اداری روزگار گذشته مشخص می شود.

۲- با استفاده از اسناد می توان با وضعیت اقتصادی دوران گذشته آشنا شد زیرا در آن ها اطلاعاتی پیرامون انواع مالیات ها، شیوهی مالیات گیری، چگونگی انجام معاملات و وضعیت کشاورزی و آبیاری انواع زمین ها و میزان مزد افرادی که روی زمین کار می کردند

وجود دارد.

۳- با مطالعه ی اسناد می توان با اوضاع اجتماعی گذشته نیز آشنا شد مانند: آداب و رسوم، وضعیت طبقات اجتماع و اصناف و چگونگی زندگی مردم.

۴- از مسائل دیگری که می توان از لابه لای اسناد استنباط کرد تحول خط و شیوهی نگارش و انشاء است.

سوادِ نامه‌ی حاجی میرزا آقاسی به وزیر نظام (میرزا تقی خان)^۱



بسم الله الرحمن الرحیم
حاجی میرزا آقاسی به وزیر نظام
مخبر است که بحسب امر و دستور
مجلس و کتبات عید مردم نگارنده گشته و در این
موضوع به خط و خط و خط که در این
مقبول منظره گمانه نشد و عین از این
در مجلس و بسیار خوب و خط و خط
آفرین و در این عید و خط و خط
حالت عید ایران امانت کرد و همان صورت
در این عید و خط و خط که در این
در روز و خط و خط که در این
حقیقت نگارنده کرد و در این
گشته بود و در این عید و خط
با خط و خط که در این
کتابخانه ای که در این عید و خط

۱- از اسناد آرشیو وزارت امور خارجه ایران.



این نامه در اواخر سال ۱۲۵۹ قمری، به هنگامی که میرزا تقی‌خان در شهر ارزنة‌الروم (واقع در ترکیه) مشغول مذاکره درباره‌ی اختلافات مرزی ایران با دولت عثمانی بود، در ستایش از شایستگی او که توانسته بود از حقوق ایران به‌خوبی دفاع کند نوشته شده است. در پایین چند سطر از نامه بازنویسی شده است. دانش‌آموزان می‌توانند بقیه‌ی نامه را از روی سند بازنویسی کنند.

باز نویسی بخشی از سند:

«... خدمات آن فرزند مقبول خاطر مآثر ملوکانه افتاد و باعث ازدیاد مراحم و اشفاق مهراشراق خدیوانه درباره‌ی آن فرزند شد. به حق، آن فرزند در مجلس پنجم بسیار بسیار خوب از عهده [...] برآمده است. زیاد از حد از آن فرزند راضی و خشنود شدم. مرچبا مرچبا! صد هزار آفرین. روی آن فرزند سفید. نمک شاهنشاه دین پناه به آن فرزند حلال باشد که به‌طور دلخواه آن‌جانب در مجلس پنجم حقوق و حدود دولت علیّه ایران را ثابت کردی...»

کتیبه‌ها، آثار باستانی و غیره) ممکن نخواهد بود.

قوت‌ها و ضعف‌های اسناد

اسناد تاریخی به دلیل این که در زمان خود، کاربرد «شخصی» یا «اداری» داشته‌اند، از بسیاری دروغ‌ها و ملاحظه‌کاری‌ها و مسائلی از این قبیل که یک مؤلف در کتاب خود ممکن است آگاهانه در نظر گیرد، به

نکات مهم در مراجعه به اسناد تاریخی

استفاده‌ی تاریخی از اسناد مستلزم رعایت اصول خاصی است. یک برگ سند، نوشته‌ای است که شاید افراد زیادی با آن برخورد کنند، اما برای آن‌ها کاربردی نداشته باشد؛ حال آن که مورخ با بررسی خود، آن را برای تدوین تاریخ زنده می‌کند. این امر جز با سنجش محتوای اسناد با دیگر منابع تاریخ‌نویسی (سکه‌ها، کتاب‌ها،

دورند. بنابراین منبع موثقی برای مطالعات تاریخی به شمار می‌روند. مورخان در گذشته اسناد را کمتر به عنوان یک منبع تاریخی در نظر می‌گرفتند؛ اما امروزه تحقیق در تاریخ بدون مراجعه به اسناد ناقص خواهد بود. با وجود این نمی‌توان گفت آنچه در اسناد آمده، همواره درست است.

مورخ پیش از هر چیز باید از اصالت سندی که به آن استناد می‌کند، و جعلی نبودن آن مطمئن باشد. برای تعیین اصالت اسناد می‌توان شواهدی را در آن‌ها در نظر گرفت. سندی که بتوان به آن اطمینان کرد نباید مخدوش، خط‌خورده، تراشیده، شکسته، ترمیم شده و نونویس^۱ باشد. اگر سند، رونوشت یا به اصطلاح قدیم سواد است، باید از روی اصل نوشته شده و خلاصه نشده باشد. برای شناسایی سند، توجه به امضا، مهر و حاشیه‌ی نوشته‌های آن ضروری است. از طریق کاغذ، مرکب و تزیینات یک سند نیز می‌توان اصالت آن را تعیین کرد.

اسنادی که در دست بعضی افراد و خانواده‌ها هستند، ارزش بسیاری دارند، اما

چون در معرض خطرهای گوناگون از قبیل آسیب‌دیدگی، پوسیدگی و نابودی هستند، بهتر است شناسایی و منتشر شوند و یا به مراکز نگهداری اسناد منتقل گردند.

بایگانی‌ها و مؤسسات نگهداری اسناد

محل نگهداری اسناد امروزه به آرشیو^۲ معروف است. تأسیس آرشیو برای نگهداری اسناد به زمان‌های بسیار گذشته بازمی‌گردد. از زمانی که انسان مسائل مربوط به زندگانش را ثبت کرد، به فکر نگهداری آن‌ها نیز افتاد. نخستین بایگانی‌های به دست آمده، مربوط به تمدن‌های مهم بشری مانند مصر و آشور است. پس همیشه در طول تاریخ آرشیوهایی برای نگهداری اسناد و مدارک وجود داشته است. در اروپا از قرون وسطی آرشیوهایی برای اسناد و مدارک دولتی پدید آمد. از قرن هفدهم میلادی فهرست کردن و تنظیم اسناد دولتی در اروپا رواج یافت و هر روز آرشیوهای ملی گسترش بیشتری یافتند.

۱- یعنی بعدها با خطی دیگر، جاهایی از آن را از نو نوشته باشند.

۲- آرشیو (Archive) یا بایگانی محل نگهداری کلیه اسناد عمومی یا تاریخی است که توسط یک مؤسسه یا اداره نگهداری شود. مؤسسه‌ای که مسئول نگهداری اسناد راكد (غیرقابل استفاده) در کشور ماست، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نام دارد.



با توجه به آن چه که در کتاب تاریخ ایران و جهان (۱) در مورد خط، زبان و نظام مملکت داری هخامنشیان آموخته‌اید، به نظر شما آرشیو در ایران باستان چه وضعیتی داشته است؟

واقع شکل‌گیری نظام جدید اداری، اسناد هر وزارت‌خانه در بایگانی همان‌جا نگهداری می‌شد. این کار به تدریج موجب افزایش اسناد و مدارک گردید. به طوری که کم‌کم مؤسسات از عهده‌ی نگهداری آن‌ها برنیامدند. به این ترتیب فکر تأسیس مرکزی اختصاصی برای نگهداری اسناد مربوط به افراد یا ادارات مختلف به وجود آمد.

در ایران تا چند دهه‌ی پیش، اسناد به شکل پراکنده در خانواده‌ها و سازمان‌ها وجود داشتند تا این که فکر تأسیس مرکزی برای

در ایران تا پیش از تأسیس وزارت‌خانه‌های جدید، رسم بر این بود که مسئول هر دستگاه اداری و حکومتی، اسناد را در خانه نگهداری می‌کرد. بنابراین بیشتر اسناد اداری در خانواده‌های دیوان‌سالار به ارث مانده و به مرور زمان تعداد زیادی از آن‌ها از بین می‌رفت. تنها برای نگهداری اسناد و مکاتبات سلطنتی در دربار، آرشیوی وجود داشت که رونوشت اسناد را در آن‌جا نگهداری می‌کردند. پس از انقلاب مشروطه، به دلیل توجه به سازمان‌های اداری و ایجاد وزارت‌خانه‌ها و در



ساختمان گنجینه اسناد ملی



نگهداری اسناد مطرح شد و پس از پیشنهاد سازمان یونسکو برای تأسیس آرشیو در کشورهای مختلف، سرانجام در سال ۱۳۴۹ قانون آرشیو به تصویب مجلس وقت رسید و سازمان اسناد ملی ایران به عنوان آرشیو ملی تشکیل شد. امروزه همه‌ی سازمان‌های دولتی موظفند اسناد را کد و قابل بایگانی خود را به این سازمان بفرستند.^۱

از دیگر مراکز نگهداری اسناد، کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران است که اسناد قابل توجه و مهمی به‌ویژه از دوره‌ی قاجاریه و اسنادی از رجال سیاسی و دانشمندان معاصر را نگهداری می‌کند.^۲

وظایف مراکز اسناد

وظایف یک مرکز اسناد در ۴ بخش خلاصه می‌شود:

۱- حفظ و نگهداری اسناد از انواع خطرات مانند آتش‌سوزی، رطوبت، نور، حشرات و ...

۲- آماده‌سازی اسناد برای استفاده‌ی

مجله‌ی گنجینه‌ی اسناد یکی از مجله‌های تخصصی تاریخ پژوهی است که مقاله‌های آن عمدتاً مستند به اسناد مدارک تاریخی است. این مجله از سوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌شود.

محققین به‌وسیله‌ی فهرست، طبقه‌بندی و دسته‌بندی آن‌ها و تهیه‌ی راهنماهایی برای استفاده‌ی مراجعین.

۳- مرمت اسناد آسیب‌دیده.

۴- تکثیر اسناد برای حفظ آن‌ها به شکل میکروفیلم یا فتوکپی.

۱- این سازمان در سال ۱۳۸۲ با کتابخانه‌ی ملی ادغام شد و به سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تغییر نام داد. مرکز این سازمان در تهران قرار دارد و به تازگی در چند شهر دیگر مانند تبریز، کرمان، همدان و زاهدان شعبه‌هایی تأسیس کرده است و فعالیت‌های سودمندی برای نگهداری، طبقه‌بندی و آماده‌سازی اسناد و استفاده‌ی پژوهشگران و نیز نشر مجموعه‌هایی از آن‌ها انجام داده است.

۲- مراکز اسناد دیگری نیز در ایران برای نگهداری اسناد تاریخی وجود دارد. از جمله: کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی، کتابخانه‌های دانشگاهی، مؤسسه‌ی پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان، وزارت امور خارجه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران و ...



مراحل مرمت یک سند تاریخی



آغاز نسخه‌ی خطی جامع التواریخ اثر
رشیدالدین فضل‌الله همدانی

بیش تر بدانید



نسخه‌های خطی

امروزه ما کتاب‌هایی را در اختیار داریم که در نسخه‌های فراوان به یاری صنعت چاپ، نشر یافته و محققان و متفکران، افکار و یافته‌های خود را از طریق این کتاب‌ها به مردم انتقال می‌دهند. صنعت چاپ نخستین بار در نیمه‌ی قرن پانزدهم میلادی برابر با قرن نهم هجری در اروپا به کار گرفته شد. با توجه به این که نخستین چاپخانه‌ای که در ایران دست به چاپ کتاب زد در سال ۱۲۲۷ هـ. ق به کشور وارد شد، این سؤال پیش می‌آید که پیش از آن کتاب‌ها چگونه در اختیار مردم قرار می‌گرفتند؟

مدتی پس از این که بشر به نگارش بر روی کاغذ دست زد، این کاغذها را با

جلد به هم پیوست و کتاب را به وجود آورد. این کتاب‌ها که بخشی از آن‌ها امروزه در اختیار ماست، به دلیل این که با دست نوشته شده‌اند، به «دست نوشته» یا «نسخه‌ی خطی» معروفند. از هنگام آغاز کتاب‌نویسی در ایران، تاکنون هزاران هزار نسخه‌ی خطی نوشته شده است؛ اما همه‌ی آن‌ها به دست ما نرسیده است. دلیل این نیز همان آفاتی است که برای اسناد برشمردیم. تمامی منابع اصلی تاریخی، ادبی و جغرافیایی و سایر علوم که امروزه مورخان و دیگر دانشمندان برای بررسی علوم موردنظرشان از آن‌ها استفاده می‌کنند تا پیش از رواج صنعت چاپ، در شکل اولیه‌ی خود، نسخه‌ی خطی بوده‌اند.

مثلاً یک مورخ اگر بخواهد درباره‌ی تاریخ ایران در دوره‌ی مغولان، پژوهش و بررسی کند چاره‌ای ندارد جز این که به منابع اصلی این دوره مانند تاریخ جهانگشا، نوشته‌ی عطاملک جوینی، جامع‌التواریخ نوشته‌ی رشیدالدین فضل‌الله همدانی و بسیاری منابع دیگر مراجعه کند که در همان زمان یا اندکی پس از آن نوشته شده‌اند. این کتاب‌ها که اکنون چاپ شده و در اختیار مورخین قرار دارند، روزی به شکل نسخه‌ی خطی در گوشه‌ی کتابخانه‌ای پنهان بوده و چه بسا بسیاری از وجود آن‌ها بی‌اطلاع بوده‌اند. اما فردی که به او مصحح می‌گویند آن‌ها را یافته و تصحیح کرده و به چاپ سپرده است.

نسخه‌های خطی از نظر قدمت و ارزش تاریخی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- نسخه‌ی اصل: نسخه‌ی اصل نسخه‌ای است که به خط مؤلف است. نسخه‌ای که توسط یک کاتب نوشته می‌شد و مؤلف خود آن را تصحیح و بازخوانی می‌کرد نیز همان ارزش را دارد. نسخه‌ی اصل، مهم‌ترین نسخه‌ی یک کتاب است. زیرا مطالب موردنظر مؤلف بدون هیچ دخل و تصرفی در آن وجود دارد و چون این نسخه اساس نوشتن نسخه‌های دیگر بوده است به «نسخه‌ی مادر» معروف می‌باشد.

۲- نسخه‌ی نزدیک به اصل: پس از نسخه‌ی اصل، نسخه‌ای اهمیت دارد که از روی نسخه‌ی اصل نوشته شده باشد و اگر کاتب آن‌ها دقیق و امانت‌دار بوده باشد، در آن‌ها کمتر اشتباه راه یافته است. هر چه تاریخ کتابت نسخه از تاریخ تألیف آن دورتر باشد، اعتبار آن کمتر می‌شود چون امکان تغییر بیشتری در آن وجود دارد.



پرسش‌های نمونه

- ۱- سند را تعریف کنید.
- ۲- کاربردهای اسناد برای مورخ را توضیح دهید.
- ۳- ویژگی‌های یک سند تاریخی قابل استناد را بنویسید.



اندیشه و جست‌وجو

- ۱- یکی از مراکز اسناد را معرفی کنید.
- ۲- چنانچه سندی مربوط به گذشته در اختیار دارید، درباره‌ی آن گزارشی به کلاس ارائه دهید.



درس سیزدهم

نشریه‌ها و تاریخ نویسی

و «به‌طور متناوب» تولید و توزیع می‌شوند اصطلاحاً نشریه گفته می‌شود. عنوان «مطبوعات» نیز که گاه در زندگی روزمره با آن برخورد می‌کنید، به همین معناست. اگرچه روزنامه‌ها و مجلات تنها وسیله‌ی انتقال اخبار و آگاهی در جوامع نیستند. اما به دلایلی می‌بایست آن‌ها را در ردیف مهم‌ترین این وسایل به‌شمار آورد. آن‌چنان که پیدایش امکاناتی نظیر تلفن، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت نیز نه تنها از این اهمیت نکاسته بلکه برخی از این امکانات به توسعه‌ی نشریات کمک کرده‌اند. برخی از دلایل اهمیت نشریات

منابع کسب آگاهی درباره‌ی گذشته همیشه یکسان نیستند. بلکه بسته به این که درباره‌ی کدام دوره از تاریخ مطالعه کنیم، تفاوت‌هایی در این زمینه وجود دارد. برای مثال اهمیتی که آثار باستانی برای شناخت دوره‌های کهن‌تر تاریخ دارند بیش از اهمیت آن‌ها برای بررسی تاریخ دوره‌های جدید تاریخ بشر است. در عوض در اثر پیشرفت‌های تمدنی و فرهنگی قرون اخیر منابع دیگری به وجود آمده‌اند که امروزه به مورخان برای شناخت بهتر این قرون کمک می‌کنند. یکی از این منابع نشریات یا روزنامه‌ها و مجلات هستند که در این درس با اهمیت آن‌ها در سیر زندگی انسان و کاربردشان به‌عنوان یک منبع تاریخی آشنا خواهید شد.



نشریات و اهمیت آن‌ها در زندگی انسان

امروزه در جهان ارتباطات اجتماعی به رسانه‌های چاپی از قبیل روزنامه و مجله که در «زمان‌هایی مشخص»، با «هدفی معین»

عبارتند از :



۱- نشریات نخستین رسانه‌های گروهی هستند که انسان در قرون جدید از آن‌ها استفاده کرده و عاملی مهم در پیشرفت فکری، علمی، اقتصادی و سیاسی جوامع بوده و هستند.

۲- از نظر تنوع و حجم مطالب نشریات نسبت به دیگر رسانه‌ها محدودیت کم‌تری دارند. برای مثال یک شبکه رادیویی یا تلویزیونی معمولاً در مقایسه با یک روزنامه، اخبار و مطالب کم‌تری را با توضیحات محدودتر ارائه می‌کنند.

۳- استفاده از نشریه نیازمند اختصاص دادن وقت معین (مثل اخبار رادیو یا تلویزیون) نیست و در هر زمان امکان مراجعه به آن وجود دارد. هم‌چنین خواننده‌ی نشریه فرصت مطالعه‌ی مکرر مطالب و اندیشه و تفکر بیشتر در باره‌ی آن‌ها را می‌یابد.

۴- معمولاً سندیت مطالب نشریات بیش از هر رسانه‌ی دیگری است. زیرا این مطلب ثبت شده و مکتوبند و نگرش‌ها و دیدگاه‌های متنوع‌تری را شامل می‌شوند. بنابراین چه گفته شد در عصر کنونی نشریات جزئی مهم از زندگی روزمره‌ی مردم هستند. به همین دلیل است که تنوع و تعداد

فکر کنید و پاسخ دهید



به نظر شما نشریات چه ویژگی‌ها و فواید خاص دیگری دارند؟ پس از گفت و گو در کلاس چند مورد را یادداشت کنید.

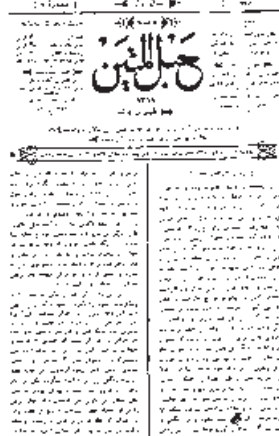
محتوا یا زمان انتشار آن‌ها به انواع مختلفی تقسیم‌بندی و نام‌گذاری کرده‌اند :

۱- از نظر موضوع و محتوا: از این

نظر نشریات به انواعی مانند خبری، سیاسی، علمی، ادبی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، طنز

آن‌ها در هر کشور، از جمله ملاک‌های پیشرفت یا عقب‌ماندگی آن کشور محسوب می‌شوند.

انواع نشریات در گذشته و حال نشریات را براساس نوع موضوع و



یا «مجله تحقیقی - کاربردی» برای نشان دادن این ویژگی‌ها صورت می‌گیرد. مطالب این دسته از نشریات با مطالب یک روزنامه یا مجله‌ی خبری و عمومی تفاوت بنیادی دارد و کاستی‌های موجود در نشریات (که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد) در آن‌ها کم‌تر به چشم می‌خورد.

۲- از نظر زمان انتشار: در تعریف نشریه خواندید که «زمان مند بودن» یکی از خصوصیات نشریات است. به همین جهت فاصله‌ی زمانی میان چاپ دو شماره از یک نشریه در تعیین نوع و نام آن مؤثر است. نام‌هایی چون «روزنامه»، «هفته‌نامه» و «فصل‌نامه» بیانگر دسته‌بندی نشریات از این بعد هستند.

در بسیاری از مواقع ترکیبی از عوامل محتوایی و زمانی موجب به‌وجود آمدن یک نشریه با عنوانی خاص می‌گردد. برای نمونه می‌توان به عنوان‌هایی نظیر «روزنامه‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی صبح» یا «فصل‌نامه‌ی مطالعات تاریخی» اشاره کرد.

و غیره تقسیم‌بندی می‌شوند. در بسیاری مواقع ترکیبی از چند موضوع تعیین‌کننده نوع مطالب یک نشریه است. معمولاً محورهای موضوعی نشریات در بالای صفحه‌ی نخست یا روی جلد آن‌ها نوشته می‌شود.

توجه به محتوا نوع دیگری از تقسیم‌بندی نشریات را نیز مطرح می‌سازد. در این نوع تقسیم‌بندی بیش‌تر کیفیت (میزان سندیت)، اهمیت و کاربرد مطالب مطرح است. نام‌گذاری‌هایی مانند «نشریه علمی - پژوهشی»

آرشیو نشریات



کتابخانه‌های بزرگ و مراکز پژوهشی، معمولاً دارای بخش نشریات قدیمی هستند. این نشریات بعد از دسته‌بندی، صحافی و گاه تبدیل شدن به میکروفیلم یا چاپ مجدد، در اختیار مراجعین قرار داده می‌شوند تا به جست‌وجوی مطالب مورد نظر خود در آن‌ها بپردازند.



آگاهی‌های تاریخی در نشریات

اگرچه هدف اصلی از به‌وجود آمدن نشریات آگاه‌کردن مردم هر عصر از اوضاع و احوال جهان دور و بر آن‌ها بوده و هست، اما در عین حال چون مدارکی مکتوب هستند با گذشت زمان به‌عنوان یک منبع، ارزش تاریخی نیز پیدا می‌کنند. آن‌چنان‌که امروزه جزو منابع اصلی مورخان برای آگاه‌شدن از اوضاع دوره‌ی انتشار آن‌ها به‌شمار می‌آیند، نشریات از راه‌های گوناگونی موجب افزایش دانش مورخان و توسعه‌ی علم تاریخ می‌شوند. از جمله:

محدود آمده باشد، در نشریات هم‌زمان با آن رویداد یا شخصیت جزئیات بیش‌تری یافت می‌شود. بنابراین با کمک نشریات می‌توان با رویدادهای سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و افکار و اندیشه‌های رایج در هر عصر و حتی حوادث جزئی و روزمره آشنا شد. به‌طور خلاصه نشریات آیینی‌ی اوضاع و احوال دوران انتشار خودشان هستند.

۱- چنان‌که می‌دانیم نوشته‌های به‌جامانده از هر دوره‌ی تاریخی مهم‌ترین منبع آگاهی درباره‌ی آن دوره می‌باشند. از این جهت نشریات به دلیل فاصله‌ی زمانی اندکی که با وقوع اخبار ذکر شده در آن‌ها دارند، منبع اصلی و مهم هستند. آگاهی‌های موجود در نشریات مستقیم، متنوع و مفصل است. مستقیم‌بودن مطالب آن‌ها از آن روست که هم‌زمان یا به فاصله‌ی اندکی پس از وقوع رویدادهایی که ذکر می‌کنند، ثبت شده‌اند. تنوع اطلاعات تاریخی نشریات به دلیل پرداختن آن‌ها به موضوعات مختلف (گاه تا ده‌ها موضوع) است. بالاخره آن‌که شرح و تفصیل موجود در نشریات درباره‌ی بسیاری از رویدادها نیز قابل توجه است. برای مثال اگر در یک کتاب تاریخ یا خاطرات درباره‌ی یک رویداد یا یک شخصیت سیاسی مطالبی کلی و

۲- نشریات در شکل‌گیری بعضی رویدادها و تحولات تاریخی قرون اخیر تأثیر داشته‌اند. در این حالت آن‌ها علاوه‌بر در اختیار گذاشتن اخبار تاریخی نقش یک عامل تاریخی را نیز دارند و بنابراین نادیده گرفتن آن‌ها موجب بروز نقص در شناخت واقعیت تاریخی خواهد شد. در قسمت پایانی این درس با نمونه‌هایی از نقش تاریخی نشریات در تاریخ معاصر کشورمان آشنا خواهید شد.

۳- نشریات به شکلی دیگر نیز با تاریخ پیوند می‌یابند و آن این‌که در بسیاری از آن‌ها

مطالبی به صورت عمومی و یا تخصصی و تحقیقی درباره‌ی تاریخ چاپ می‌شود. از این جهت نشریات به پیشرفت علم تاریخ و گسترش دانش و بینش تاریخی در جوامع کمک می‌کنند.

درجه‌ی اعتبار محتوای نشریات در مطالعات تاریخی

در درس‌های پیش خواندید که همه‌ی منابع تاریخ‌نویسی در هنگام مراجعه‌ی مورخ به آن‌ها مورد نقد قرار می‌گیرند تا نقاط قوت و ضعف آن‌ها شناخته شود. نشریات، به خصوص روزنامه‌ها، هم از این موضوع مستثنی نیستند. زیرا از نظر مورخان نمی‌توان همه‌ی مطالب آن‌ها را بدون ارزیابی پذیرفت. همواره این امکان وجود دارد که به دلایل مختلف اخبار و اطلاعاتی نادرست و غرض ورزانه در نشریات وجود داشته باشد. برخی از این دلایل عبارتند از:

۱- دخالت نظرات شخصی: ممکن

است افرادی که اخبار و مطالب یک نشریه را تهیه و تنظیم می‌کنند بر اساس دیدگاه یا منفعت شخصی خویش واقعیت‌ها را دستکاری کنند. به همین جهت لازم است مورخ دیدگاه‌ها و اهداف دست‌اندرکاران یک نشریه اعم از مدیران و نویسندگان مطالب آن را بشناسد و تأثیر آن‌ها بر محتوای نشریه را دریابد.

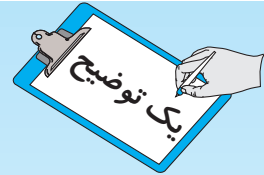
۲- ملاحظات سیاسی، اعتقادی،

اقتصادی و ...: این گونه ملاحظات باعث می‌شوند واقعیت‌ها آن گونه که بوده‌اند منعکس نشوند. مورخ باید این ملاحظات را که ممکن است در هر دوره‌ی تاریخی متفاوت باشند، شناسایی کند و با در نظر داشتن آن‌ها به مطالب نشریات اعتماد کند.

۳- شتاب‌زدگی: یکی از مشکلات مهم

در مورد مندرجات نشریات این است که چون با سرعت و عجله تهیه و چاپ می‌شوند، امکان بروز اشتباه در آن‌ها زیاد است. به دلیل اهمیت مسأله‌ی زمان در تولید نشریات و به‌ویژه روزنامه‌ها، دست‌اندرکاران آن‌ها به ناچار فرصت کافی برای تحقیق و بررسی پیرامون درستی یا نادرستی همه‌ی اخبار و جزئیات آن‌ها را ندارند. عجله و محدودیت وقت همچنین موجب می‌شود که اشتباهات چاپی در نشریات راه یابد. بنابراین در بسیاری مواقع اخبار موجود در نشریات با وجود تازه و دست‌اول بودن، کامل نیستند.

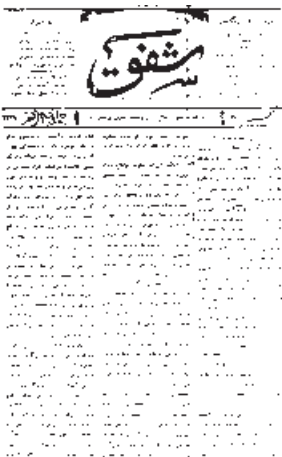




ژورنالیزم و تاریخ‌نویسی ژورنالیستی

مشکلاتی که به آن‌ها اشاره شد باعث می‌شود که اخبار و مقالات چاپ‌شده در نشریات در مجموع دارای سبک و اعتبار خاصی شود که اصطلاحاً به آن «ژورنالیزم» (journalism) می‌گویند. مورخان با استفاده از این اصطلاح هر کتاب تاریخی را نیز که محتوای آن با عجله، غرض‌ورزی و تحت تأثیر ملاحظات مختلف نوشته شده باشد، «ژورنالیزم تاریخی» یا «تاریخ‌نویسی ژورنالیستی» می‌نامند. کم یا زیاد کردن اهمیت یک موضوع یا شخصیت تاریخی، تبلیغ یا جوسازی، دخالت‌دادن نظرات شخصی و گروهی (حکومتی) و عجله در ثبت اخبار و رویدادها پیش از روشن‌شدن جزئیات و ابعاد مختلف آن‌ها، از جمله ویژگی‌های این نوع تاریخ‌نگاری است.

آگاهی اجتماعی و سیاسی مردم و به‌ویژه صاحبان فکر و اندیشه تعداد نشریات و کیفیت مطالب آن‌ها نیز افزایش یافت. سخت‌گیری‌های حکومت موجب شد بعضی افراد در خارج از ایران روزنامه‌هایی به زبان فارسی چاپ کنند و



نقش نشریات در تحولات تاریخ معاصر ایران و شناخت آن‌ها

چاپ روزنامه در ایران قدمتی نزدیک به دو قرن دارد. نخستین روزنامه «کاغذ اخبار» نام داشت که به همت میرزا صالح شیرازی در زمان حکومت محمدشاه قاجار منتشر شد. میرزاتقی‌خان امیرکبیر نیز از جمله کسانی بود که با انگیزه‌ی اصلاح حکومت و پیشرفت کشور به چاپ روزنامه‌ای با نام «وقایع اتفاقیه» اقدام کرد. در آغاز روزنامه‌ها در صفحاتی محدود (۲ تا ۵ صفحه) و تعدادی اندک (حداکثر چندصد نسخه) منتشر می‌شدند و ضمناً مطالب آن‌ها از سوی حکومت و حتی شخص شاه به‌شدت کنترل می‌شد. به تدریج و با افزایش

آن‌ها را به شکل‌های مختلف در کشور (بیش‌تر در تهران و چند شهر بزرگ دیگر) توزیع کنند. در این نشریات مطالب گوناگونی درباره‌ی اوضاع ایران و جهان به چاپ می‌رسید که تأثیری مهم بر افکار خوانندگان آن‌ها داشت. برای مثال در نشریاتی که پیش یا هم‌زمان با انقلاب مشروطیت ایران چاپ شده‌اند، مطالب زیر یافت می‌شود.

— بیان پیشرفت‌های برخی کشورها و

مقایسه‌ی وضع نامساعد ایران با آن‌ها همراه با ذکر علت‌های پیشرفت این کشورها و عقب‌ماندگی ایران.

— انتشار اخباری درباره‌ی رویدادهای داخلی و تحلیل آن‌ها که در روزنامه‌های داخلی اجازه‌ی چاپ نمی‌یافتند.

— چاپ مطالبی درباره‌ی آفات استبداد و استعمار و لزوم استقرار قانون و عدالت در کشور.

فکر کنید و پاسخ دهید



در قسمت پیش‌تر بدانید این درس یک آگهی از یک روزنامه مربوط به اواخر دوره قاجار، آورده شده است. با مطالعه آن بگویید چه آگاهی‌های تاریخی درباره اوضاع ایران در زمان انتشار این روزنامه در آن وجود دارد؟

گروه‌های سیاسی هر کدام با ایجاد روزنامه سعی در همراه کردن مردم با نظرات و خواسته‌های خویش داشتند. در رویدادهای مهم بعدی ایران همچون نهضت ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی هم نشریات ضمن تأثیرگذاری بر افکار جامعه، به انعکاس اخبار کشور و جهان می‌پرداختند. اگرچه بسیاری از این نشریات تحت تأثیر ملاحظات گروهی، حکومتی و شخصی قرار داشته‌اند، اما باید توجه داشت که حتی آگاهی از خود این ملاحظات، برای مورخان امروزی سودمند و روشنی‌بخش است.

بدین ترتیب مورخ با مراجعه به این روزنامه‌ها علاوه بر آگاهی از رویدادهای تاریخی آن زمان، با مسائلی چون ساختار سیاسی ایران، روابط خارجی، خواسته‌ها و مشکلات مردم، اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی رایج و علل و زمینه‌های انقلاب مشروطه آشنا می‌شود. در دوران بعد از انقلاب مشروطیت نیز روزنامه‌ها با وسعتی بیش‌تر در صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی کشور نقش‌آفرین بودند. در این روزنامه‌ها نظریات مختلف درباره‌ی چگونگی اداره‌ی کشور پس از استقرار نظام مشروطه و حوادث گوناگون به چاپ می‌رسید. دولت و



«بشارت باد اهل وطن را»

مژده باد وطن خواهان را و بشارت باد خانم‌های منسوجاتِ وطنی پوش را که ملزم نمودند خودشان را به پوشیدن لباس شرف و افتخار که بافت‌های داخلی وطن عزیز از قبیل پارچه‌های یزد و اصفهان و کاشان و کرمان باشد. چندی بود که به واسطه ناامنی راه و تاخت و تاز قاطعانِ طریق، جنس وطنی داخل طهران نمی‌شد و به این واسطه وطن‌طلبان مایوس و ناامید بودند. ولی الحمدلله از زمانی که انجمن محترم به همت خواتین ایرانی تشکیل یافته و اعضای انجمن در نهایت جدیت در ترویج منسوجات وطنی جدّ و جهد می‌نمایند و خبر به ولایات منتشر شده، حالیه کمپانی اسلامی با هزار رحمت دو عدل از پارچه‌های خوب اصفهان که خیلی ممتاز است و از همه جهت از پارچه‌های فرنگ بی‌نیاز است، وارد نموده است.

روزنامه‌ی شکوفه، سال سوم، غره [اول] شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۳۳۳، شماره ۱۷، صفحه ۱.





پرسش‌های نمونه

- ۱- نشریات به چه دلایلی در زندگی انسان اهمیت دارند؟
- ۲- از نظر موضوع و محتوا نشریات به چه انواعی تقسیم‌بندی می‌شوند؟
- ۳- نشریات از چه راه‌هایی به افزایش دانش مورخان و پیشرفت علم تاریخ کمک می‌کنند؟
- ۴- دلایل راه‌یافتن اخبار و مطالب نادرست در نشریات را توضیح دهید.
- ۵- نشریات چگونه در انقلاب مشروطیت ایران مؤثر واقع شدند؟



اندیشه و جست‌وجو

- ۱- یک نشریه (روزنامه، مجله یا...) مربوط به چند سال پیش (هرچه قدیمی‌تر بهتر) پیدا کنید. سپس براساس مطالب آن گزارشی تهیه کنید که گویای اوضاع کشور یا شهر شما در زمان انتشار آن نشریه باشد.
- ۲- با مراجعه به روزنامه‌فروشی فهرستی از نام و مشخصات (موضوع، زمان انتشار و...) نشریات موجود در آن تهیه و به کلاس ارائه کنید.

مورخان و تاریخ ایران

جامعه‌ای با ویژگی‌های جدید ایجاد گشت، که با وجود تغییرات و تحولات بسیار به حیات خود ادامه داده است.

در تمام این دوران که با مهاجرت اقوام مختلف به داخل ایران و جریان‌ها و حوادث بسیار همراه بود، عواملی هم چون زبان فارسی، دین اسلام و آیین زردشت، و نیز موقعیت جغرافیایی ایران در شکل‌گیری هویت ایرانیان تأثیری پایدار داشتند.

مورخان با در نظر داشتن ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تاریخ طولانی ایران از آن روزگار تاکنون، به بررسی تاریخ ایران و عوامل تشکیل دهنده‌ی هویت ایرانی می‌پردازند.

ایران کشوری با پیشینه‌ای بسیار طولانی و دارای افتخارآمیزترین جلوه‌های فرهنگ و تمدن بشری است. قرن‌ها پیش از آن که مهاجران آریایی وارد این سرزمین شوند، در گوشه و کنار ایران، مراکز مهم تمدنی مانند ایلام، سیلک، جیرفت و تمدن مشهور به شهر سوخته در سیستان وجود داشت که سازندگان هریک از آن‌ها در زمینه‌های گوناگون علمی و فرهنگی به درجه‌ی بالایی از شکوفایی رسیده بودند.

پس از مهاجرت آریایی‌ها به ایران، تحولاتی در وضع این سرزمین ایجاد شد. آنان پس از درگیری‌های اولیه، کم‌کم با ساکنان بومی ایران درآمیختند و بدین ترتیب از آمیزش دستاوردهای زندگی کوچ‌نشینان و یک‌جانشینان ایران،



منظور از هویت، عواملی همچون زبان، تاریخ و فرهنگ است که چپستی یک ملت را مشخص می‌کند.

دوره‌بندی‌های تاریخ ایران

مورخان روند زندگی ایرانیان در طول تاریخ را به شیوه‌های گوناگونی دوره‌بندی کرده‌اند.

در یک تقسیم‌بندی پذیرفته شده، تاریخ ایران به دو دوره‌ی بزرگ ایران پیش از اسلام (ایران باستان) و ایران در دوران اسلامی تقسیم

می‌گردد. در دوره‌ی اسلامی، مردم ایران به دین اسلام ایمان آوردند و در ساختن فرهنگ و تمدن اسلامی پیشگام دیگر مسلمانان شدند. بزرگ‌ترین دانشمندان اسلامی از این سرزمین برخاستند و آثار علمی فراوانی را به جامعه‌ی بشری تقدیم کردند.

فکر کنید و پاسخ دهید



به نظر شما ملاک تقسیم‌بندی تاریخ ایران به دو دوره‌ی قبل و بعد از اسلام چیست؟

بود. نظام سیاسی ایران در این دوران، اغلب استبدادی و ساختار اقتصادی آن بر بنیان کشاورزی و دامداری بود. در این دوران طولانی، بخش کوچک اما پرنفوذ اشراف و نجبا در ایران منشأ بسیاری از تحولات سیاسی، اقتصادی و اداری بود و نظام سیاسی را یک شبکه‌ی بسیار گسترده و پیچیده‌ی اداری مرکب از دیوان‌های مختلف، اداره می‌کرد. فرمانروا در رأس هرم قدرت قرار داشت و توده‌های مردم در قاعده‌ی این هرم قرار می‌گرفتند.

وضع سیاسی ایران از مشروطیت به بعد دچار دگرگونی شد که در سال قبل با آن آشنا شده‌اید. با انقلاب اسلامی تحولی بزرگ‌تر در تاریخ سیاسی ایران اتفاق افتاد. از ابتدای تاریخ

در هریک از این دوره‌ها زندگی جامعه‌ی ایرانی ویژگی‌های خود را داشت و دارد. ورود اسلام به ایران با اسلام‌پذیری تدریجی ایرانیان، سبب دگرگونی‌هایی در روند جامعه‌ی ایرانی شد و سبب پیدایی فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی گشت.

یک شیوه‌ی تقسیم‌بندی دیگر دوره‌بندی تاریخ ایران به لحاظ روند اقتصادی و سیاسی است. از این نظر می‌توان تاریخ ایران را به دو دوره، از روزگار باستان تا انقلاب مشروطیت و از مشروطیت تا عصر حاضر تقسیم کرد. ایران از روزگار باستان تا مشروطیت دارای وضع سیاسی تقریباً معینی با دگرگونی‌های اوایل دوره‌ی اسلامی و نیز شیوه‌ی اقتصادی مشخص

آشنا شدید به بررسی روند دانش تاریخ در ایران و شیوه‌های مورخان در دوره‌ی مختلف تاریخی می‌پردازیم.

تاریخ‌نگاری در ایران

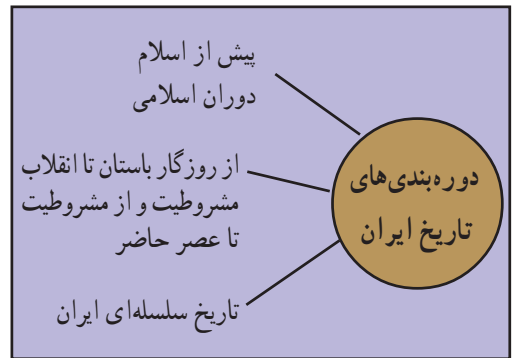
بررسی و تجزیه و تحلیل نقش عوامل گوناگون در شکل‌گیری جامعه‌ی ایرانی بدون یاری پژوهش‌های تاریخی امکان‌پذیر نیست. چون قصد نهایی این کتاب، آشنایی با دانش تاریخ است، می‌بایست شیوه‌های این بازسازی توسط مورخان ایرانی بازگو شود. در آغاز، نگاهی گذرا به سیر دانش تاریخ در ایران می‌اندازیم.

ایرانیان از دیرباز دلبسته‌ی روایت رویدادهای مهم بوده‌اند، اما این دلبستگی تا زمان ما به شیوه‌ای یکسان نمایان نشده است. آنچه در درس چهارم درباره‌ی پیوند افسانه‌ها و حماسه‌ها با تاریخ خواندید، درباره‌ی تاریخ ایران نیز درست است. مورخان اطلاعات اندکی از دوران باستانی ایران در دست دارند. جز کتیبه‌ها، سکه‌ها، آثار، ابزار، افسانه‌ها و حماسه‌های برجای‌مانده از آن دوران آثار مکتوبی از ایرانیان بر جای نمانده است.

بخش عمده‌ای از آگاهی‌های کنونی ما در این باره برگرفته از آثار مورخان یونانی و رومی است و چون رقیب ایرانیان آن دوران بوده‌اند، نمی‌توان به درستی به همه‌ی آن‌ها اعتماد کرد.

این سرزمین سلسله‌های حکومتی با یورش مؤسس آن علیه سلسله‌ی قبلی شکل می‌گرفت و حکومت به صورت موروثی به فرزندان وی منتقل می‌شد. با انقلاب اسلامی حکومت سلسله‌های پادشاهی پایان یافت و انتخاب رهبران جامعه بر عهده‌ی مردم قرار گرفت.

یکی دیگر از راه‌های دوره‌بندی تاریخ ایران، تقسیم آن بر بنیاد خاندان‌های حکومت‌گر یعنی سلسله‌های سیاسی حاکم بر ایران است. این شیوه از دیرباز تا کنون یکی از رایج‌ترین شیوه‌های دوره‌بندی تاریخ ایران بوده است. به عنوان مثال فهرست نام پادشاهان هخامنشی و یا ساسانی مبنای محاسبه‌ی دوره‌ی فرمان‌روایی آنان به‌شمار می‌رود. البته این شیوه دشواری‌هایی نیز دارد، که در درس دوم با آن آشنا شدید.



اکنون که با ویژگی‌های کلی جامعه‌ی ایرانی در طول تاریخ و نیز دوره‌بندی‌های آن



آیا می‌توانید ارتباط شاهنامه‌ی فردوسی را با خدای‌نامه‌ها بیان کنید؟

از کتاب‌های تاریخ ایران و تاریخ‌های محلی نوشته شد. ایلخانان مغول مانند دیگر کشورگشایان علاقه داشتند یاد جنگ‌ها و لشکرکشی‌های خویش را حفظ کنند. مورخان این دوره همراه با انجام این خواسته، بی‌آمدهای اندوهبار یورش آنان بر ایران را نیز بازگو کردند.

مورخان دوره‌ی حکومت مغولان در دو گروه قرار می‌گیرند: گروهی که در دستگاه مغولان مناصب دولتی داشتند. (مانند عظاملک جوینی نویسنده‌ی تاریخ جهانگشای) و گروهی که بیرون از نفوذ آنان بودند و بنابراین با دید انتقادی به فرمانروایی مغولان می‌نگریستند. (مانند منهاج سراج نویسنده‌ی کتاب طبقات ناصری) تاریخ‌نویسی در ایران عهد تیموریان و ترکمانان (آق‌قویونلوها و قراقویونلوها) همانند



پس از ورود اسلام به ایران بخشی از تاریخ شفاهی ایران باستان توسط علاقه‌مندان به آن دوران، نوشته شد و «خدای‌نامه»ها که به باور برخی پژوهشگران، سال‌شمار وقایع فرمانروایان ساسانی بوده است، مبنای کار مورخان مسلمان گشت.

با ورود اسلام به ایران، سنت‌های ایرانی و اسلامی درباره‌ی اندیشه تاریخی، در هم آمیختند. از آن پس مورخان با تأثیرپذیری از اندیشه‌ها و روش‌های جدید به نگارش تاریخ پرداختند. این مورخان در آغاز به دلیل جنبه‌ی دینی و رواج زبان عربی به عنوان زبان عمومی مسلمانان آثار خود را بدان زبان می‌نوشتند. این روند در پی کارآمدن فرمانروایان مستقل و نیمه‌مستقل در ایران و تجزیه‌ی خلافت اسلامی دگرگون شد. در دوران حاکمیت سلسله‌های ترک نژاد بر ایران، زبان فارسی مبنای تاریخ‌نویسی مورخان شد که رویدادهای مربوط به سرگذشت فرمانروایان ترک و یا رویدادهای یک شهر یا ولایت را ثبت می‌کردند. یورش مغولان به ایران ویرانی‌ها و کشتارهای فراوانی در پی داشت. با این همه در همین دوران چند نمونه‌ی بسیار ارزشمند

دوره‌های قبل ادامه یافت. در این دوران یک دسته از مورخان، تاریخ‌های عمومی و شرح حال فرمانروایان را مبنای کار خود قرار دادند و دسته‌ای دیگر به تاریخ شهرها پرداختند. به عبارت دیگر تاریخ‌های محلی را نوشتند.

مورخان دوران صفوی نیز به روایت رویدادهای دولت صفوی و فرمانروایان آن پرداختند. بسیاری از آن‌ها همانند مورخان پیش از خود، وقایع را به ترتیب وقوع آن‌ها می‌نوشتند.

منابع تاریخی این دوران به‌ویژه سفرنامه‌های اروپاییان سرشار از آگاهی‌های فراوان درباره‌ی زندگی و اقدامات فرمانروایان صفوی است. همچنین به دلیل روابط گسترده ایران با اروپا، دربردارنده‌ی آگاهی‌های باارزش درباره‌ی مناسبات خارجی ایران است.

با روی کار آمدن دولت قاجار در ایران، زمینه برای یک رشته دگرگونی‌ها نیز فراهم آمد. در نیمه‌ی نخست حکومت قاجاریان (از ابتدا تا سلطنت ناصرالدین‌شاه) روند تاریخ‌نویسی، همان تقلید از شیوه‌ی مورخان پیشین بود؛ به این معنی که در آثار مورخان چندان نشانی از حضور مردم در تاریخ نبود و نیز نشانی از زندگی اجتماعی در آن به چشم نمی‌خورد.

در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار، گونه‌ای نهضت ترجمه در ایران رواج یافت. در این دوران ایران روابط نزدیکی با اروپا داشت

و به همین دلیل شماری از آثار اروپاییان به فارسی ترجمه شد که بخشی از آن‌ها کتاب‌های تاریخی بود. این رویداد زمینه را برای نفوذ روش‌های تاریخ‌نگاری جدید غربی در ایران آماده ساخت. اما آنچه هم‌روش و هم‌بینش مورخان ایرانی را در این دوران دگرگون ساخت انقلاب مشروطیت ایران بود. در این زمان با تألیف کتاب تاریخ بیداری ایرانیان به دست ناظم‌الاسلام کرمانی، دوره‌ی تازه‌ای در تاریخ‌نویسی ایران آغاز شد زیرا برای نخستین بار در این کتاب مورخی ایرانی به‌طور گسترده به زندگی مردم و تکاپوهای آنان توجه کرد و رویدادهای مربوط به آنان را در اثر خویش آورد. از این پس شیوه‌ی سنتی و شیوه‌ی نو در تاریخ‌نویسی پا به پای هم پیش رفتند.

مورخان ایرانی؛ روش‌ها و بینش‌ها

از هنگام آغاز تاریخ‌نویسی در ایران، مهم‌ترین موضوع مورد اعتنای مورخان، رویدادهای بزرگ و مهم و به‌ویژه رویدادهای مربوط به زندگی فرمانروایان بود. در طول تاریخ ایران منصبی به نام وقایع‌نگاری و مجلس‌نویسی وجود داشت که وظیفه‌ی آن ثبت رویدادهای مربوط به فرمانروایان بود. این مورخان در کار خویش تقریباً همان مراحل را که در درس اول برای کار یک مورخ ذکر شد، می‌پیمودند. (سعی کنید آن‌ها را به یاد آورید.)

است، به علاوه در این روش بر ارزیابی و نقادی عالمانه‌ی منابع و به‌کارگیری همه‌ی مواد لازم برای تاریخ‌نویسی تأکید می‌شود.

بینش تاریخ‌نگاری معاصر ایران نیز کم‌کم به سوی تحولی بنیادی پیش می‌رود و موضوع کار مورخان، تنها سرگذشت فرمانروایان و شرح جنگ‌های آنان نیست. در تاریخ‌نویسی جدید، همه‌ی جنبه‌های گوناگون زندگی گذشته‌ی مردم ایران می‌بایست مورد تأکید قرار گیرد. به همین دلیل مورخان امروزه



عباس اقبال آشتیانی (۱۳۳۴-۱۲۷۵ ه. ش) یکی از نخستین پیشگامان تاریخ‌نویسی نو در ایران بود. او در مرز تاریخ‌نویسی سنتی و نو قرار دارند و گرچه از آن هنگام تاکنون، تاریخ‌نویسی در ایران دچار دگرگونی‌هایی گشته است، اما نوشته‌های اقبال آشتیانی همواره به عنوان نمونه‌هایی جدی از تأثیر روش‌های جدید در تاریخ‌نگاری باقی خواهد ماند.

با وجود این در شیوه‌ی تاریخ‌نگاری سنتی، کار مورخ بیش‌تر ارائه‌ی اطلاعات درباره‌ی فرمانروا، شرح جنگ‌ها و روابط سیاسی با دیگر دولت‌ها، بود. این مورخان بیش‌تر به بازگویی وقایع می‌پرداختند.

در سال‌های پایانی فرمانروایی قاجاریان، مورخان ایرانی به تدریج روش‌های نو تاریخ‌نگاری را که پیش از آن در اروپا شکل گرفته بود، فرا گرفتند. بنابراین تاریخ‌نویسی در ایران تحت تأثیر روش‌ها و حتی بینش‌های آنان قرار گرفت، اما این کار چندان گسترشی نیافت و حتی پس از تأسیس گروه‌های تخصصی تاریخ در دانشگاه‌ها، مورخان تنها اندکی از شیوه‌ی پیشینیان فاصله گرفتند.

در دوران کنونی، تاریخ به صورت یک رشته‌ی مستقل علمی در کشور مطرح گشته است و بنابر تقسیم‌بندی و تخصصی شدن علوم، تاریخ نیز روش‌ها و بینش‌های ویژه‌ی علمی خویش را یافته است. اکنون توجه به جنبه‌های تازه در تاریخ‌نگاری سبب دلبستگی پاره‌ای از مورخان به تاریخ‌نویسی علمی شده است. این شیوه مستلزم دگرگونی در روش و بینش مورخ است.

در تاریخ‌نویسی جدید ایران، سعی در به‌کار بستن روش علمی در پژوهش است. این کار دربرگیرنده گزینش، سازمان‌دهی و عرضه‌ی پژوهش‌های تاریخی با تکیه بر منابع اصلی و اسناد و مدارک مستند برای هر موضوع تحقیق

شیوه‌های جدید تاریخ‌نویسی مهم‌ترین اصل، همه‌جانبه‌نگریستن مورخ به گذشته به یاری تمامی موادی است که او را در کار بازسازی خردمندانه گذشته، یاری دهند.

به نگارش آثاری در زمینه‌های گوناگون دانش تاریخ یعنی تاریخ نظامی، تاریخ اقتصادی، تاریخ اندیشه‌ی دینی، تاریخ هنر و ... دل بسته شده‌اند و از همه‌ی منابع حتی منابع ادبی برای پژوهش‌های خویش سود می‌برند. بنابراین در

وقایع‌نگاران و مجلس‌نویسان قدیم با روش سنتی

مورخان ایرانی که برای حرفه‌ی تاریخ‌نگاری و

تحقیقات تاریخی، در دانشگاه‌ها آموزش دیده‌اند.

مورخان ایرانی

بعضی از مورخان مسلمان و غیرمسلمان که در گذشته درباره‌ی تاریخ ایران آثاری نوشته‌اند

شرق‌شناسان و ایران‌شناسان که پژوهش‌های آنان هم از دیدگاه روش و هم به لحاظ بینش تأثیر عمده‌ای در تاریخ‌نویسی ایران گذشته و روشن ساختن زوایای تاریک آن داشته است؛ هرچند به دلایل گوناگون سیاسی و فرهنگی می‌توان کاستی‌ها و غرض‌ورزی‌هایی نیز در کار برخی از آنان دید

مورخان غیر ایرانی



امروزه افرادی هم وجود دارند که از سرتفنن، سودجویی، شهرت‌طلبی یا دل‌بستگی‌های گروهی، به ظاهر به تاریخ‌نگاری، دست می‌زنند. این گروه تنها با سرهم‌بندی اطلاعات دیگران، به شیوه‌ای سطحی، وانمود می‌کنند اثری تاریخی عرضه کرده‌اند، اما در واقع حاصل کار آنان چیزی نیست جز یک رشته آگاهی‌های پراکنده‌ی نامنظم که از این‌جا و آن‌جا گرد آورده‌اند.



نقش دین و زبان در هویت ملی ایرانیان

دو عامل مهمی که در شکل‌گیری جامعه‌ی ایرانی نقش داشته‌اند، عامل دین و زبان فارسی است. اقوام ساکن در ایران همواره ضمن نگاهداشت خرده فرهنگ‌های خویش، پیکره‌یگانه فرهنگ ایرانی را ساخته‌اند. این کار بر بنیاد باورهای مشترک دینی و زبانی انجام یافته است.

دین از هزاران سال پیش تاکنون تأثیر عمده‌ای در زندگی ایرانیان داشته است. زیرا باورهای دینی، همه گستره‌ی زندگی سیاسی و اجتماعی را دربر گرفته است. در ایران عهد ساسانی، همبستگی استواری میان دین و دولت برقرار بود و تاریخ ملی ایران رنگی دینی داشت. این شیوه در ایران پس از اسلام نیز هم‌چنان پابرجا مانده و به‌ویژه پس از رسمی شدن مذهب تشیع در دوره‌ی حکومت صفویان جلوه‌ای ویژه یافت و به‌عنوان عامل مهم همبستگی مردم ایران درآمد.

پایه‌ی دین، عامل زبان نیز به وحدت‌بخشی جامعه ایرانی یاری رسانده است. زبان فارسی با ریشه‌های کهن و با داشتن آثاری باشکوه در زمینه‌ی شعر و نثر که حاوی بلندترین مفاهیم فکری است، از مهم‌ترین عناصر جلوه‌ی ایران در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی و نیز استمرار هویت ایرانی به‌شمار می‌رود. ایران گرچه از دیرباز به‌دلیل وضع ویژه‌ی طبیعی، گذرگاه فرهنگ‌ها، مهاجرت‌ها و یورش‌های گوناگون بود و از همه‌ی این رویدادها به مثابه زمینه‌ای برای مبادله‌ی فرهنگی با همسایگان سود جست، دین و زبان فارسی را به‌عنوان مهم‌ترین ابزارهای نگاهداشت هویت خویش، به کار برد و با تعالی بخشیدن بدان‌ها گروه‌های قومی فراوانی را در فرهنگ خویش مستحیل کرد.



پرسش‌های نمونه

- ۱- دو مورد از انواع دوره‌بندی‌های تاریخ ایران را شرح دهید.
- ۲- وضع تاریخ‌نویسی در ایران عصر مغول چگونه بود؟
- ۳- تاریخ‌نویسی ایران در عصر ناصرالدین شاه چه تحولی یافت؟
- ۴- منظور از «روش» و «بینش» در تاریخ‌نویسی جدید ایران چیست؟



اندیشه و جست‌وجو

- ۱- با مطالعه‌ی یک کتاب تاریخی (یا بخشی از آن) نظر خود را درباره‌ی روش و بینش آن بنویسید.
- ۲- به یک کتابخانه مراجعه کنید و مشخصات دست‌کم پنج کتاب را درباره‌ی یک دوره‌ی معین تاریخ ایران فهرست کنید.
- ۳- مهم‌ترین سلسله‌های تاریخی ایران از دوران باستان تا عصر حاضر را براساس ترتیب زمانی بنویسید.



مورخان و تاریخ جهان

تقسیمات تاریخ جهان

در این درس به این مطالب می‌پردازیم که «مورخان به تاریخ جهان چگونه می‌نگرند؟» نخستین گام مورخان برای بررسی تاریخ جهان، دوره‌بندی این دوران طولانی از زندگی انسان است، زیرا مطالعه و بررسی این دوره‌ی طولانی، بدون چنین کاری مشکل و حتی غیرممکن است. به همین جهت مورخان و دیگر دانشمندانی که درباره‌ی تاریخ جهان مطالعه می‌کنند، برای سهولت مطالعه‌ی خویش، تاریخ جهان را به دوره‌ها و عصرهایی تقسیم کرده‌اند.

مورخان به دلیل اهمیتی که خط (کتابت) در تاریخ‌نویسی دارد، بر این عقیده هستند که تاریخ به دو دوره تقسیم می‌شود، یکی «دوره‌ی ماقبل تاریخ» یعنی پیش از اختراع خط و دوم «دوره‌ی تاریخی» یعنی پس از اختراع خط.

در کتاب تاریخ ایران و جهان (۱) با برخی دیگر از این تقسیم‌بندی‌ها آشنا شدید. آیا می‌توانید یک نمونه از آن‌ها را بیان کنید؟

تاریخ جهان، تاریخ سراسر کره‌ی

زمین

کره‌ی زمین، جهان مشترک همه‌ی انسان‌هاست. به همین جهت تاریخ جهان هم، تاریخ همه‌ی انسان‌هاست، اما چنان‌که می‌دانیم از حدود ۵۰۰ سال پیش انسان‌ها موفق به کشف تمامی کره‌ی زمین و اثبات تجربی کرویت زمین شده‌اند. تا پیش از آن، بشر متمدن اطلاعی از قاره‌های امریکا، اقیانوسیه، قسمت‌هایی از افریقا و بسیاری از جزایر و سواحل و دریاها و اقیانوس‌ها نداشت. با این حال باز هم دانشی به نام «تاریخ جهان» وجود داشته است؛ اما نه در مفهوم کنونی آن.

با گسترش دانش بشر، اطلاعات تاریخی او نیز بیش‌تر شد، به‌خصوص در آثار مورخان مسلمان، وسعت دید قابل ملاحظه‌ای ارائه گردید. از پنج قرن پیش با کشف راه‌های دریایی و شناختن قاره‌های ناشناخته، نگرش تاریخ بشر وسعت بیش‌تری یافت و تاریخ جهان نسبت به قبل جهانی‌تر شد. با وجود این، تعصبات

فرقه‌ای، منافع سیاسی و اغراض و اهداف قومی، مانع از تحقق کامل این امر شده است. به‌ویژه بسیاری از مورخان اروپایی همواره کوشیده‌اند که تاریخ اروپا را اساس و محور تاریخ تمامی جهان قلمداد کنند؛ بدین دلایل تاکنون تاریخ جهانی منصفانه‌ای که سهم و جایگاه واقعی همه‌ی مردم جهان در آن منظور شده باشد، نوشته نشده است. بیش‌تر کتاب‌هایی که غربیان در دوران اخیر درباره‌ی تاریخ جهان نوشته‌اند دارای این نقیصه‌اند.

تاریخ جهان، عرصه‌ی وحدت انسانی و حاصل تمدن بشری

تعلیمات ادیان الهی و تحقیقات علمی نشان داده است که انسان‌ها در فطرت و سرشت برابرند به عبارت دیگر نوع انسان در «انسان بودن» دارای وحدت است. این وحدت ذاتی انسان‌ها مسلماً در اوایل تاریخ، با وحدت در ظواهر زندگی و تمدن نیز همراه بوده است. تفاوتی که بعدها در میان جوامع بشری به وجود آمد، در نتیجه‌ی عواملی نظیر تنوع محیط جغرافیایی، میزان اندیشه و تلاش و مانند آن‌ها بوده است. تفاوت انسان‌ها از لحاظ اندیشه، اراده و روحیات و توانایی‌های جسمی، هنگامی که با عوامل دیگری چون میزان وحدت جامعه و «قدرت مدیریت» همراه شود، سبب آشکار شدن اختلاف در پیشرفت جوامع می‌گردد.

تفاوت در سطح تمدن ملت‌ها به هیچ‌وجه ناقض برابری انسانی نیست تفاوت تا آن‌جا که باعث تحرک و تلاش گردد، مفید است؛ اما وقتی که موجب تبعیض و سلطه‌جویی شود، همکاری انسانی و صلح و سازندگی را به جنگ و جدال تبدیل می‌کند. به این جهت در دنیای کنونی تلاش برای استقرار برابری و عدالت و کوشش برای کمک به پیشرفت‌های تمدن بشری در زمان‌هایی بوده که صلح و تفاهم میان ملت‌ها حاکم بوده است. تمدن کنونی که جلوه‌گاه ترقیات عظیم فنی و فکری بشر می‌باشد، در واقع دستاورد تلاش مشترک همه‌ی انسان‌ها و جوامع است مثلاً کاغذ که همه‌ی ما هر روزه از آن استفاده‌ی فراوان می‌کنیم ابتدا به وسیله‌ی چینی‌ها اختراع شد، (بیش‌تر به صورت پارچه‌ای) سپس مسلمانان آن را از چینی‌ها گرفتند و تکمیل کردند (با استفاده از الیاف گیاهی) و بعدها اروپاییان فن کاغذسازی را از مسلمانان آموختند و با کمک مواد شیمیایی و ماشین‌آلات آن را توسعه دادند. همچنین است در زمینه ریاضیات که ملل قدیم (سومری، مصری، هندی، یونانی، ایرانی و...) همه سهمی در پیشرفت آن داشته‌اند.

نقش پیامبران و مصلحان در تمدن بشری

اگر به تمدن‌های جهان باستان و پس از

گسترش یافت. مصلحان بزرگ و شخصیت‌های معنوی نیز در شکل‌گیری و تداوم تمدن‌ها مؤثر بوده‌اند. در چین کنفوسیوس و لائوتزو، در هند بودا و در یونان سولون و سقراط از این دست مصلحان معنوی و اجتماعی بوده‌اند.

پیدایش و مرگ تمدن‌ها و عبرت‌آموزی از آن

از حدود پنج‌هزار سال پیش تا کنون که تاریخ جهان شاهد پیدایش مدنیت و تشکیل دولت‌ها بوده، تمدن‌های متعددی یکی پس از دیگری به وجود آمده و از میان رفته‌اند. مشاهده‌ی زوال بسیاری از تمدن‌ها، بشر امروز را با این پرسش مهم روبه‌رو ساخته که آیا تمدن کنونی نیز لاجرم نابود خواهد شد؟ و اساساً آیا می‌توان تدبیری اندیشید که این تمدن به مرحله‌ی زوال قدم نگذارد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها نظرات گوناگونی ابراز شده است. در قرن نوزدهم به دلیل پیشرفت‌های مادی در اروپا، چنین می‌نمود که تمدنی به‌وجود آمده که در تاریخ مانند نداشته و لذا برخلاف همه‌ی تمدن‌های گذشته زوال نخواهد یافت. اما ناتوانی این تمدن در ساختن دنیایی آرمانی و متعادل که مدعی آن بود و فقدان وحدتی درونی که برای بقای آن ضرورت داشت، موجب گردید تا در اواخر قرن نوزدهم، اندیشه‌ی بقای تمدن جدید غرب با تردیدهای اساسی روبه‌رو شود. دو



یکی از مورخان مشهور زمانه‌ی ما که به بررسی و تفسیر چگونگی تمدن‌های سراسر جهان پرداخت، توین‌بی بود.

آن بنگرید، در کنار هریک از آن‌ها نام پیامبران بزرگ الهی یا برخی از مصلحان بلندآوازه را می‌بینید. در نزد اقوام سامی، حضرت ابراهیم (ع) و سپس انبیای بنی‌اسرائیل، در آسیای غربی حضرت نوح (ع) و حضرت یونس، در مصر حضرت یوسف (ع) و غیره. دین همواره الهام‌بخش ترقی هنری، فکری، اجتماعی و سیاسی بوده و به همین جهت بیشتر تمدن‌های بزرگ، دین بزرگ یا پیامبر برگزیده را در کنار خود دارند. مثلاً تمدن اروپایی با پذیرش مسیحیت و پای‌بندی به آن، پیوندی ناگسستنی دارد. تمدن اسلامی نیز بر بنیاد ایمان و اعتقادات اسلامی از هند تا ایران و عربستان و شمال آفریقا و شامات شکل گرفت. تمدن ایران باستان نیز همراه با آیین زردشت و بر مبنای آن پدید آمد و

مطرح شده است، زندگی تعدادی از انسان‌ها در شهرهای اعماق اقیانوس‌ها، شهرک‌های فضایی یا احتمالاً در سیارات نزدیک به زمین است. اگر چه برخی از این طرح‌ها مراحل مقدماتی آزمایش خود را نیز طی می‌کنند، اما در وضعیتی نیستند که بتوان آینده را براساس آن تصور کرد و به تصویر کشید. با این حال چنین فرضی نشان می‌دهد که پدیده‌ی مهاجرت اقوام و انسان‌ها که یکی از پدیده‌های مکرر تاریخ بشر است دچار تحولی اساسی خواهد شد، زیرا در چند هزار سال گذشته که رخدادهای تاریخی کمابیش روشن است، سرزمین‌های گوناگون در سراسر قاره‌ها، بارها شاهد مهاجرت اقوام بوده‌اند، اما مهاجرت به خارج از قلمرو خاک (دریا و فضا) پدیده‌ای تازه است. این نشان می‌دهد که قلمرو خاک به دلیل افزایش جمعیت بشر دیگر امکان مهاجرت را نمی‌دهد، اما نباید تصور کرد که این به معنای عدم جابه‌جایی جمعیت در روزگار ماست. هم اکنون شمار فراوانی از انسان‌ها به صورت موقت (مسافرت) یا اقامت، جابه‌جا می‌شوند که تعداد آن‌ها شاید از مهاجرین گذشته کم‌تر نباشد اما چون در این جابه‌جایی یک قوم جایگزین قوم دیگر نمی‌شود و دگرگونی فرهنگی یا انسانی چندانی در محیط جدید صورت نمی‌گیرد، نمی‌توان آن را مهاجرت نامید.

بسیاری از تمدن‌های پرشکوه گذشته مانند مصر، هند، میان‌رودان و ایران باستان



انفجار اتمی

جنگ جهانی هولناک در نیمه‌ی اول قرن بیستم از نشانه‌های این وضع بود که در پیدایش آن هیچکس جز صاحبان همین تمدن مقصر نبودند. بدین ترتیب کم‌کم هراس از زوال تمدن کنونی صاحبان آن را نگران ساخت. به خصوص آن که ساخت سلاح هسته‌ای این فکر را پیش آورد که در صورت وقوع یک جنگ هسته‌ای، بی‌تردید تمدن نابود خواهد شد. انیشتین که از جمله دانشمندانی بود که اندیشه‌هایش در اختراع بمب اتمی مؤثر واقع شد، گفته بود که جنگ جهانی چهارم با چوب و چماق خواهد بود، یعنی آن‌که، در جنگ جهانی سوم، بمب اتمی تمدن را نابود خواهد کرد و لذا بشر پس از آن به دوران توحش و بدویت باز خواهد گشت.

مهاجرت و تمدن

یکی از فرض‌هایی که برای آینده‌ی جهان

حاصل مهاجرت اقوامی دیگر به آن جا به همراه دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی بوده است، اما میان مهاجرت و تمدن، همواره رابطه‌ای دقیق وجود ندارد. مغول‌هایی که پس از یورش چنگیزخان به غرب، به ایران مهاجرت کردند، تمدن نساختند و در بعضی موارد مانند ژاپن و روسیه نه انسان‌ها، که تمدن مهاجرت کرد.

براین اساس با توجه به وضعیت کنونی سرزمین‌ها و مردمان، می‌توان گفت که مهاجرت جمعیت در مفهوم گذشته‌ی آن، دیگر امکان وقوع ندارد، بلکه به جای آن «تمدن» امکان مهاجرت یافته است.

مسائل عصر ما

بدون شک همان‌گونه که صفحات آغازین کتاب تاریخ جهان، سر در فضای مه‌آلود اساطیر

دارد، صفحات آینده‌ی آن نیز آن‌چنان واضح نیست که مورخان و فیلسوفان تاریخ بتوانند درباره‌ی آن به روشنی سخن بگویند. بنابراین صفحات آخر کتاب تاریخ برای آنان، همین روزگار کنونی است؛ روزگاری که برای آن نام‌های گوناگونی پیشنهاد شده است: عصر فضا، عصر اتم، عصر کامپیوتر، عصر پتروشیمی، عصر الکترونیک، عصر ارتباطات و... اگرچه در آینده نیز برای آن نام‌هایی خواهند ساخت. مسلماً هر یک از کسانی که این اسامی را برگزیده‌اند مقایسه‌ای با گذشته‌ها را هم در نظر داشته‌اند. مثلاً نام‌گذاری دوران ما به عصر پتروشیمی یعنی صنعتی که از نفت، موادی بسیار متنوع و فراوان می‌سازد که کم و بیش جانشین پنبه، چوب، چرم، شیشه و غیره می‌شود در مقایسه با دوره‌های سنگ، برنز و آهن بوده است. پیشرفت‌های بشر در زمینه‌ی



سازمان ملل متحد

فضایمایی استفاده از اتم و الکترونیک هیچ سابقه‌ای در اعصار گذشته ندارد. چنان‌که هنگامی که این پیشرفت‌ها از اوایل قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم صورت می‌گرفت، بشر قرن نوزدهم انقلاب صنعتی را سرآغاز دوران کاملاً جدیدی احساس می‌کرد و بر این باور بود که قدم به دورانی گذاشته که هیچ یک از پیشینیان بدان وارد نشده بودند. پیشرفت‌های فنی خوش‌بینی‌هایی را موجب شد که حتی اعلان خطر در مورد افزایش جمعیت جهان و تذکر متفکران آگاه در مورد انحطاط اخلاقی انسان، جدی تلقی نشد، زیرا پیشرفت فنی که موجب افزایش تولید می‌شد، خطر افزایش جمعیت را مرتفع می‌ساخت و قدرت صنعت، ظاهراً به بشر امروز به جای انحطاط، اقتدار می‌بخشید، اما بعدها روشن شد که جدی نگرفتن این هشدارها و هشدارهای مشابه آن‌ها کاری صحیح نبوده است. مسأله‌ی افزایش جمعیت و انحطاط اخلاقی نشان داد که تا چه اندازه این هشدارها جدی است و تکنولوژی نیز مسائل خاص خود را دارد و راه خود را می‌رود و به جای آن که در خدمت انسان باشد، انسان را در خدمت خود می‌خواهد. بنابراین مسأله‌ی ماشین‌پر یعنی «سلطه‌ی مقدرات ماشین بر مقتضیات انسان» مطرح شد. ماشین همان‌گونه که مرزهای اراده‌ی انسانی را درمی‌نوردید، مرزهای سیاسی دولت‌ها و ملت‌ها را نیز تحت تأثیر خود قرار

داد. بهره‌برداری از وسایل جدید حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی مستلزم هماهنگی‌هایی در سطح بین‌الملل بود. ارتباطات پستی و تلگراف و تلفن نیز چنین وضعیتی داشت. طولی نکشید که در زمینه‌ی هواشناسی، امدادسانی، حقوق کارگران و مبارزه با تبه‌کاران نیز دولت‌ها مجبور به همکاری با هم شدند. مسأله‌ی حقوق بین‌الملل و حفظ صلح نیز مطرح شد و گرچه مانند مسائل فنی پیشرفتی نداشت، اما همگان پذیرفتند که باید آن را در مقیاس جهانی مورد ارزیابی قرار دهند. تأسیس سازمان‌های پست جهانی، هواشناسی جهانی، هوانوردی جهانی، کنفرانس بین‌المللی کار، دادگاه لاهه و سرانجام سازمان ملل و ده‌ها مؤسسه‌ی بین‌المللی، تا حدود زیادی به دلیل توسعه و پیشرفت تکنولوژی بود که ارتباطات را فوق‌العاده گسترش داد و پیوستگی میان ساکنان کره‌ی خاک را بسیار عمیق ساخت. اگرچه نقش اهداف و اغراض سیاسی در تشکیل چنین مؤسسه‌ی قابل چشم‌پوشی نیست لیکن سخن برسر آن است که زمینه‌ی تحقق چنین اهداف و اغراضی نیز ساخته و پرداخته‌ی مقتضیات تکنولوژی است.

اصولاً بهره‌برداری کامل و کافی از تکنولوژی جدید بدون بین‌المللی ساختن مدیریت آن میسر نبوده است. به علاوه تکنولوژی، آلودگی محیط زیست و تخریب طبیعت را به

همراه خود آورده است. یکی از ابعاد بحران محیط زیست مسأله‌ی «آلودگی هوا» است، هوای کره‌ی زمین در صورت آلوده‌شدن، همگان را کم و بیش تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین نه تنها کسانی که هوا را آلوده می‌کنند بلکه حتی کسانی که نقشی در این آلودگی ندارند نیز از آن زیان می‌بینند و باید همگی در حفظ سلامت آن بکوشند. آلودگی دریاها، آلودگی ناشی از مواد رادیواکتیویته، خطراتی که از تخریب فضای سبز به وجود می‌آید، شکاف برداشتن لایه‌ی اُزن، گرم‌شدن کره‌ی زمین و مسائلی از این قبیل، مربوط به همه‌ی انسان‌ها است و چنان‌که گفته شد حل آن نیز با کمک همگان میسر است، نه مدیریت و سوء استفاده از صنعت است.

خطر دیگری که پژوهشگران آن را کم‌تر از بمب هسته‌ای نمی‌دانند، مسأله‌ی جمعیت

بهره‌برداری سیاسی از آن‌ها و گرفتن نقش قیم‌مآبانه در برخورد با آن‌ها. حال اگر خطرات انتشار بیماری‌های مسری به واسطه‌ی توسعه فراوان ارتباطات، مسافرت‌ها و تجارت و نیز مشکلات حمل و نقل هوایی و دریایی را هم بدان اضافه کنیم، می‌بینیم که حفظ محیط اطراف انسان تا چه اندازه نیازمند به توجه و مراقبت همگانی است. بدین لحاظ بحران محیط زیست یکی از مشکلات بزرگ عصر ما است که هم ناشی از توسعه‌ی صنعت و هم ناشی از سوء مدیریت و سوء استفاده از صنعت است.



یکی از بزرگترین مشکلات زندگی بشر در عصر کنونی مسأله‌ی آلودگی محیط زیست می‌باشد این آلودگی‌ها حتی آثار تاریخی را در معرض نابودی قرار داده‌اند.

بروز مشکلات نیست، بنابراین چاره‌ی اصلی در یافتن راه‌های جدید توسعه اقتصادی و بهبود مدیریت مالی و انسانی است. این گونه مسائل که بسیار به اختصار به آن‌ها پرداخته شد، موضوعاتی است که ذهن مورخان بزرگ عصر حاضر را هم چون سایر پژوهشگران به خود مشغول داشته است.



است. کره‌ی زمین با منابع غذایی محدود خود شاهد افزایش روزافزون جمعیت است. افزایش جمعیت مشکلات تغذیه، بهداشت، تأمین آموزش، ترافیک، مسکن، اشتغال و غیره را به دنبال دارد. برای کشورهایی که در مدیریت منابع انسانی یا منابع اقتصادی توانایی کافی ندارند، افزایش جمعیت مشکلات فراوانی را موجب می‌شود که از جمله‌ی آن‌ها بحران بی‌کاری، فقر عمومی و کاهش سطح زندگی است. خطر جمعیت برای جلوگیری از رشد و توسعه، بدان اندازه است که آن را با اصطلاح «انفجار جمعیت» بیان می‌کنند. دولت‌ها در سطح ملی و نیز بین‌المللی برای جلوگیری از افزایش جمعیت به چاره‌جویی پرداخته‌اند. به‌طور کلی در زمینه‌ی جلوگیری از افزایش جمعیت، پیشرفت نسبی حاصل شده است اما در مقیاس کلان، این کامیابی‌های موقتی چیزی جز به تأخیر انداختن

بیش تر بدانید



تکنولوژی‌های جدید و علم تاریخ

در روزگار اخیر، یک عامل جدید به حوزه‌ی مطالعات و پژوهش‌های تاریخ و تاریخ‌نگاری اضافه شده است؛ این عامل و وسیله‌ی مهم، رایانه و اینترنت است. پیدایش این دو و گسترش آن در حوزه‌ی مطالعات تاریخی، از آن جهت بسیار اهمیت دارد که

بخش عمده‌ای از وقت مورخ صرف گردآوری اطلاعات تاریخی می‌گردد. با استفاده از اینترنت و رایانه، می‌توان این زمان را به حداقل رساند و به بسیاری از موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی و محققان راحت‌تر و سریع‌تر دسترسی یافت. حتی به کمک اینترنت می‌توان، به جست‌وجوی سریع محتویات شمار زیادی از کتاب‌های تاریخی پرداخت. به کمک اینترنت، می‌توان از حاصل آخرین مطالعات مورخان و محققان در سراسر جهان استفاده کرد. در پرتو این فن‌آوری جدید، می‌توان یافته‌های پژوهشی خود را به سرعت و سهولت در اختیار مخاطبان بسیاری قرار داد. هر چند این ابزار با ارزش به صورت بایسته و شایسته در مطالعات تاریخی ایران به کار گرفته نشده است، با این حال تردیدی نیست که با گذر زمان، شاهد گرایش روزافزون مؤسسات و مراکز پژوهشی به اینترنت خواهیم بود. نشانه‌ی آشکار این رویکرد آن است که در شناسنامه‌ی بسیاری از مجلات و دایرة‌المعارف‌های منتشره در ایران، نشانی اینترنتی آن‌ها هم ثبت می‌شود. با توجه به اهمیت روزافزون اینترنت در جهان امروز، عده‌ای ملاک باسواد بودن افراد را توانایی در استفاده از اینترنت می‌دانند. اگر با اینترنت آشنایی کافی داشته باشید و از توانایی کافی خواندن متون انگلیسی هم برخوردار باشید، به واقع از طریق اینترنت به دنیایی از اطلاعات مختلف و جدید در زمینه‌های مختلف دسترسی خواهید یافت. در سایت‌های انگلیسی متعدد موجود، شما می‌توانید علاوه بر دست‌یابی به اطلاعات تاریخی تمام ادوار تاریخ جهان، به انواع بازی‌ها و سرگرمی‌های تاریخی دسترسی یابید. در این سایت‌ها، می‌توانید متناسب با گروه‌های سنی مختلف، هم مطالب تاریخی پیدا کنید و هم با شیوه‌های آموزش تاریخ به گروه‌های سنی ذی‌ربط آشنا شوید. حتی در برخی از این سایت‌ها، می‌توانید با جواب‌دادن به پرسش‌های متعدد و جذاب موجود، به ارزیابی دانش تاریخی خود بپردازید. در ذیل آدرس چند سایت اینترنتی فارسی ذکر شده است؛ چنان‌چه امکان استفاده از اینترنت برایتان وجود دارد، سعی کنید با جست‌وجو در سایت‌های زیر به برخی از اطلاعات تاریخی موجود در سایت‌های اصلی و فرعی زیر مراجعه نموده و حاصل تلاش خود را در قالب یک گزارش به معلم خود ارائه نمایید.

www.iranopedia.com سایت دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

www.ketab.ir سایت کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

www.roshdmag.org سایت مجلات رشد

http://www.chn.ir سایت خبرگزاری میراث فرهنگی

پرسش‌های نمونه



- ۱- با ذکر شواهد تاریخی نقش ارتباطات را در توسعه‌ی تمدن بشری شرح دهید.
- ۲- نظرات مربوط به ارتباط یا عدم ارتباط مهاجرت با تمدن را توضیح دهید.
- ۳- مفهوم جدید «مهاجرت» بیانگر چه چیزی است؟
- ۴- چرا مسائل عصر ما توجه همگان را به خود معطوف ساخته است؟

اندیشه و جست‌وجو



شما راه‌حل مسایل عصر کنونی را در چه می‌دانید؟ با ارائه‌ی شواهد و دلایل کافی در کلاس به بحث و تبادل نظر بپردازید.

فهرست مأخذ*

- ۱- آقایی سریزه، مجتبی، عکاسی (۱)، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۱.
- ۲- آلبر، پیر، مطبوعات، ترجمه‌ی فضل‌الله جلوه، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۳- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، ۲ جلد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.
- ۴- ابن‌الفرّاء، رسل الملوك، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۵- اتینگهاوزن، ریچارد و یارشاطر، احسان، اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه هرمز عبداللهی و روین پاکباز، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۹.
- ۶- اسکندری، ایرج، خاطرات ایرج اسکندری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۲.
- ۷- اصفهانی، ابوالفرج، برگزیده الاغانی، ترجمه و تلخیص از محمدحسین مشایخ فریدنی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- ۸- اطلس تاریخ ایران، تهران، سازمان نقشه‌برداری ایران، ۱۳۷۸.
- ۹- افشار، ایرج، اسناد تاریخی در ایران، آینده، شماره هفتم (۱۳۶۰)، صص ۵۷۵-۵۸۷.
- ۱۰- _____، «نسخ خطی اسلامی و سابقه تاریخی آن‌ها»، هنر و مردم، شماره ۱۲۲ (آذر ۱۳۵۱)، صص ۳-۷.
- ۱۱- _____، «نسخه خطی مظهر فکر و هنر ایرانی»، راهنمای کتاب، سال دوازدهم (۱۳۴۸)، ش ۱ و ۲، صص ۳-۷.
- ۱۲- الیاده، میرچا، افسانه و واقعیت، ترجمه نصرالله زنگویی، تهران، پاپیروس، ۱۳۶۷.

* معرفی این منابع به معنای تأیید همه‌ی مطالب آن‌ها نیست.

- ۱۳- _____، چشم اندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستادی، تهران، توس، ۱۳۶۲.
- ۱۴- _____، مقدمه بر فلسفه‌ای از تاریخ، ترجمه بهمن سرکاراتی، تبریز، انتشارات یغما، ۱۳۶۵.
- ۱۵- بهار، مهرداد، اساطیر ایران، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- ۱۶- _____، پژوهشی در اساطیر ایران، ۲ جلد، تهران، توس، ۱۳۶۲.
- ۱۷- _____، جستارهایی چند در فرهنگ ایران، تهران، فکر روز، ۱۳۷۴.
- ۱۸- بیرشک، احمد، گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، تهران، بنیاد بزرگ دانش‌نامه‌ی فارس، ۱۳۸۰.
- ۱۹- _____، گاه‌شماری ایرانی، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۰.
- ۲۰- بحرالعلومی شاپورآبادی، فرانک، روش‌های سال‌یابی در باستان‌شناسی، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- ۲۱- بیک‌محمدی، حسن، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
- ۲۲- پاکباز، روئین، در جستجوی زبان نو، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۲۳- پلوتارک، حیات مردان نامی، جلد چهارم، ترجمه رضا مشایخی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸.
- ۲۴- ترابی طباطبایی، جمال، سکه‌های شاهان ایران، تبریز، موزه‌ی آذربایجان، ۱۳۵۰.
- ۲۵- تقی‌زاده، سیدحسن، تاریخ زمان (تقویم)، ایرانشهر، نشریه کمیسیون ملی یونسکو در ایران، جلد ۱، صص ۲۵۵-۲۶۶.
- ۲۶- تکمیل همایون، ناصر، خلیج فارس، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.

- ۲۷- تولستوی، لئون، هنر چیست؟ ترجمه‌ی کاوه دهگان، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۸۲.
- ۲۸- توین‌بی، آرنولد، تمدن در بوته آزمایش، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳.
- ۲۹- جنسن، ه.و، تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ۳۰- چلکوفسکی، پیتر، تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داود حاتمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳۶۷.
- ۳۱- خان‌محمدی، علی‌اکبر، روش کار با اسناد خطی، گنجینه‌ی اسناد، سال سوم، دفتر اول، بهار ۱۳۷۲، صص ۸۶-۹۷.
- ۳۲- دروئو، ماکس، جغرافیای انسانی، تهران، رایزن، چاپ یکم، ۱۳۷۱.
- ۳۳- دالو، منصور؛ محمدی، ایران، تاریخ هنر ایران، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۸۱.
- ۳۴- دورانت، ویل و آریل، درس‌های تاریخ، ترجمه احمد بطحایی، تهران، انتشارات سازمان آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۳۵- دیانت، ابوالحسن، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ۲ جلد، تبریز، نیما، ۱۳۶۷.
- ۳۶- دیولافوا، مادام ژان، سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش، ترجمه ایرج فره‌وشی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- ۳۷- رایینو، ه.ل، صورت جراید ایران و جرایدی که در خارج ایران به زبان فارسی طبع شده است، تصحیح و حواشی سید فرید قاسمی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۳.
- ۳۸- رایینسون، چارلز الگزاندر، تاریخ باستان، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۳۹- راسی‌هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه‌ی ژاله‌ی آموزگار و احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۶۸.

- ۴۰- رضی، هاشم، گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، تهران، سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۵۸.
- ۴۱- ریاحی، محمدامین، سفارتخانه‌های ایران، تهران، توس، ۱۳۶۸.
- ۴۲- زامباور، نسب‌نامه خلفا و شهریان، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۵۵.
- ۴۳- زرین‌کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر، چاپ‌های مکرر.
- ۴۴- زنده‌رود (فصل‌نامه فرهنگ، ادب و تاریخ)، شماره ۱۰ و ۱۱، بهار ۱۳۷۴، (ویژه‌خاطره‌نویسی).
- ۴۵- ذاکر، م، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ، بی‌جا، نشر آیت، بی‌تا.
- ۴۶- ذاکر حسین، عبدالحسین، ادبیات ایران پیرامون اشعار و نهضت‌های آزادببخش، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۴۷- ساماران، شارل، (مؤلف ناظر)، روش‌های پژوهش در تاریخ، ترجمه‌ی گروه مترجمان، ۴ جلد، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۷۱-۱۳۷۰.
- ۴۸- سبحان، ابوالقاسم، فرهنگ خاورشناسان، تهران، سبحان، ۱۳۵۶.
- ۴۹- شاردن، ژان، سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ۱۰ جلد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.
- ۵۰- شکوهی، حسین، فلسفه جغرافیا، تهران، انتشارات گیتاشناسی، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
- ۵۱- شمس اشراق، عبدالرزاق، نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام، اصفهان، دفتر خدمات فرهنگی استاک، ۱۳۶۹.
- ۵۲- شیبانی، ژان، «سفر اروپاییان به ایران»، ترجمه سیدضیاءالدین دهسیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.
- ۵۳- صافی، قاسم، عکس‌های قدیمی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۵۴- صالحی، نصرالله، اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنة‌الروم

- (۱۲۶۴-۱۲۵۸ ه.ق.)، تهران، اداره انتشارات اسناد و دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۵۵- صبا، محسن، «اسناد در خدمت تحقیقات تاریخی و...» کتابداری، شماره هفتم، سال ۱۳۵۸، صص ۴۴-۵۹.
- ۵۶- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ۴ جلد، اصفهان، انتشارات کمال، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- ۵۷- عبدالرزاق جوهری، بسری، تاریخ اکتشافات جغرافیایی، ترجمه عیسی متقی‌زاده و احمد برادری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
- ۵۸- عبدالغنی حسن، محمد، زندگی‌نامه‌ها، ترجمه امیره ضمیری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۵۹- عبداللهی، رضا، تحقیقی در زمینه گاه‌شماری هجری و مسیحی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۶۰- _____، تاریخ تاریخ در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- ۶۱- طالبی وقائینی، فرامرز و فرزانه، کتاب‌شناسی سکه، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۶۲- عبده، جلال، چهل سال در صحنه، ۲ جلد، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۸.
- ۶۳- عزتی، عزت‌الله، ژئواستراتژی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ یکم، ۱۳۷۲.
- ۶۴- علیزاده، عباس، تئوری و عمل در باستان‌شناسی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۶۵- عوفی، محمد، لباب‌الالباب، تصحیح و تحشیه سعید نفیسی، ۱۳۳۵.
- ۶۶- علامه‌زاده، رضا، هنر آدمیان نخستین، بی‌جا، جهان کتاب، بی‌تا.
- ۶۷- علم، امیراسدالله، گفتگوهای من با شاه، ۲ جلد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۲.
- ۶۸- غنی، قاسم، زندگی من، تهران، انتشارات آبان، ۱۳۶۱.
- ۶۹- فاروقی، فؤاد، سیری در سفرنامه‌ها، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۶۱.

- ۷۰- فاطمی، سعید، اساطیر یونان و روم یا افسانه‌ی خدایان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- ۷۱- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۶۹.
- ۷۲- قاسمی، سیدفرید، راهنمای مطبوعات ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۲.
- ۷۳- _____، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، تهران، مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، ۱۳۷۴.
- ۷۴- قائم‌مقامی، جهانگیر، روش تحقیق در تاریخ‌نگاری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۸.
- ۷۵- _____، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
- ۷۶- قریب، محمدحسین، تاریخ موسیقی، تهران، انتشارات هیرمند و فرهنگ و هنر، ج ۲، ۱۳۶۲.
- ۷۷- کار، ای.اچ، تاریخ چیست؟ ترجمه حسن کامشاد، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹.
- ۷۸- کاهن، کلود، در آمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی (قرون یکم تا هشتم ه.ق. روش‌شناسی و عناصر کتاب‌شناسی)، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۷۹- کرامتی، محسن، فرهنگ اصطلاحات هنرهای تجسمی، تهران، نشر چکامه، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۸۰- کنشلو، علی؛ ناصحی، محمدعلی، تاریخ هنر جهان، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۱.
- ۸۱- کولیور رایس، کلارا، زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۸۲- کیندرمن، هیانتس، تاریخ تئاتر اروپا، ج اول، ترجمه سعید فرهودی،

- تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۸۳- گاروند، هلن، هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران، مؤسسه انتشاراتی نگاه و آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- ۸۴- گرنوبل، فریمن، تقویم‌های اسلامی و مسیحی و جدول‌های تبدیل آن‌ها به یکدیگر، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، قلم، ۱۳۵۹.
- ۸۵- گشایش، فرهاد، خلاقیت‌نمایشی، تهران، انتشارات عفاف، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- ۸۶- گوران، آندره لوروا، دانسته‌ها و ندانسته‌های تاریخ هنر، ترجمه نورالدین فرهیخته، تهران، انتشارات پویش، چاپ اول، بی‌تا.
- ۸۷- گوران، هیوا، کوشش‌های نافرجام (سیری در صد سال تئاتر ایران)، تهران، آگاه، ۱۳۶۰.
- ۸۸- لاکست، ایو، جغرافیا نخست در خدمت جنگ، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- ۸۹- لسنکی، گرهارد وجین، سیر جوامع بشری، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ۹۰- مایل هروی، نجیب، نقد و تصحیح متون، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- ۹۱- مجتهدزاده، پیروز، منطقه‌ی ژئوپولیتیک خلیج فارس، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
- ۹۲- مجیدزاده، یوسف، جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۹۳- محرابی، رحمت‌الله، آموزش تئاتر، تهران، تربت، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۹۴- مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- ۹۵- محمدحسن، زکی، جهانگردان مسلمان در قرون وسطی، ترجمه‌ی عبدالله نصری طاهری، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۶.

- ۹۶- مشکور، محمدجواد، نام خلیج فارس در طول تاریخ، بی تا. بی نا.
- ۹۷- مصدق، محمد، خاطرات و تألمات مصدق، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۵.
- ۹۸- معینی کرمانشاهی، حسین، حکایت ناگفته، تهران، انتشارات سنایی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۹۹- ملک پور، ایرج، تقویم پنج هزار ساله هجری شمسی، تهران، پژوهشکده‌ی راه کمال، ۱۳۷۸.
- ۱۰۰- مهتا، ود، فیلسوفان و مورخان، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۹.
- ۱۰۱- مهرآبادی، میترا، خاندان‌های حکومت‌گر ایران باستان، تهران، فتحی، ۱۳۷۲.
- ۱۰۲- نبئی، ابوالفضل، تقویم و تقویم‌نگاری در ایران، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
- ۱۰۳- وامبری، آرمینیوس، سیاحت درویشی دروغین، ترجمه‌ی فتحعلی خواجه‌نوریان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.
- ۱۰۴- ودیعی، کاظم، «رابطه جغرافیا با تاریخ»، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۱ سال چهارم (۱۳۴۸)، صص ۱-۱۰.
- ۱۰۵- _____، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در جغرافیا و راهنمای مطالعات جغرافیایی و عمران‌های منطقه‌ای، تهران، انتشارات دهخدا، بی تا.
- ۱۰۶- وزیری، علی‌نقی، تاریخ عمومی هنر، ۲ جلد، تهران، انتشارات هیرمند، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۱۰۷- ووستنفلد، فردیناندو ماهرلر، ادوارد، تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی، به کوشش حکیم‌الدین قریشی، تهران، فرهنگسرای نیاوران، ۱۳۶۰.
- ۱۰۸- هومر، ایلیاد، ترجمه سعید نفیسی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.

